آزمون آزمایشی خیلی سبز

رشته انسانی

پایه دوازدهم	مرحله دهم
سال تحصیلی ۰۴-۱۴۰۳	تاریخ برگزاری: ۲۸/دی/۱۴۰۳

دفترچه شماره یک

بودجه‌بندی دروس

ریاضی و آمار	زبان و ادبیات فارسی
ریاضی و آمار (۳) فصل ۱ و فصل ۲ درس ۱ صفحهٔ ۱ تا ۶۰	علوم و فنون ادبی (۳) درس ۱ تا ۶ صفحهٔ ۱۰ تا ۶۵
علوم اجتماعی	**روان‌شناسی**
جامعه‌شناسی (۳) درس ۱ تا ۵ صفحهٔ ۲ تا ۵۳	-

مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
ریاضی	۲۰	۱	۲۰	۲۵ دقیقه
زبان و ادبیات فارسی	۳۰	۲۱	۵۰	۳۰ دقیقه
علوم اجتماعی	۱۵	۵۱	۶۵	۱۵ دقیقه
روان‌شناسی	-	-	-	-
مجموع	۶۵ سؤال			۷۰ دقیقه

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

دفترچه سؤالات آزمون های خیلی سبز، از همه نظر (تعداد سؤال ها، زمان پاسخگویی، نوع چینش گزینه ها، نوع صفحه آرایی، فونت سؤالات، سایز کلمات و اعداد، جای خالی محل انجام محاسبات و...) در شبیه ترین حالت به دفترچه سؤالات کنکور سراسری طراحی می شود.

داوطلب گرامی، به علت این‌که بودجه‌بندی این آزمون، از مباحث نیم‌سال اول پایهٔ دوازدهم است، در این آزمون، درس «روان‌شناسی» نداریم. بنابراین در پاسخ‌برگ از سؤال ۶۶ تا ۸۰ را خالی بگذارید.

ویژه کنکوری های ۱۴۰۴

جمع بندی نیم سال اول

Azmoon.kheilisabz.com

۱- چند عدد سه‌رقمی بدون ارقام تکراری داریم که ارقام آن یکی در میان فرد و زوج باشد و حتماً یکی از ارقامش ۷ باشد؟

۱) ۵۶ ۲) ۵۴ ۳) ۵۸ ۴) ۶۰

۲- مجموعهٔ $\{۱,۲,۳,...,۹\}$ چند زیرمجموعهٔ چهارعضوی دارد که حداکثر یکی از اعداد ۲ و ۳ در آن هستند؟

۱) ۱۰۰ ۲) ۱۰۲ ۳) ۱۰۵ ۴) ۱۴۷

۳- اگر داشته باشیم $\binom{۱۲}{۲n-۷}=\binom{۱۲}{n+۱}$، آن‌گاه مجموع مقادیر قابل قبول برای n کدام است؟

۱) ۱۱ ۲) ۱۲ ۳) ۱۳ ۴) ۱۴

۴- شش نفر قرار است کنار هم عکس بگیرند. در چند حالت بین دو فرد خاص حداقل یک نفر می‌ایستد؟

۱) ۲۴۰ ۲) ۴۸۰ ۳) ۵۴۰ ۴) ۳۶۰

۵- در مسابقات دومیدانی المپیک، ۵ ایستگاه وجود دارد که اگر دوندگان تشنه شدند، می‌توانند از آن‌جا آب بردارند. هر شرکت‌کننده به چند حالت می‌تواند مسابقه را به پایان برساند به طوری که از هیچ دو ایستگاه متوالی آب برندارد؟

۱) ۱۲ ۲) ۱۳ ۳) ۱۴ ۴) ۱۵

۶- فرض کنید A، B و C سه پیشامد غیرتهی در فضای نمونهٔ S باشند. عبارت مجموعه‌ای مربوط به پیشامد «فقط پیشامد A رخ دهد و پیشامدهای B یا C رخ ندهد» کدام است؟

۱) $A-(B\cap C)$ ۲) $A-(B\cup C)$ ۳) $(B\cup C)$ ۴) $(B\cap C)-A$

۷- با حروف کلمهٔ «دانش‌پژوه» یک واژهٔ شش‌حرفی با حروف متمایز می‌سازیم. با کدام احتمال، واژهٔ ساخته‌شده به حروف نقطه‌دار ختم می‌شود؟

۱) $\frac{۲}{۳}$ ۲) $\frac{۱}{۳}$ ۳) $\frac{۱}{۲}$ ۴) $\frac{۳}{۴}$

۸- در یک جمع سه‌نفره، چه‌قدر احتمال دارد ماه تولد حداقل یکی از آن‌ها، مرداد باشد؟

۱) $\frac{۳۹۱}{۱۷۲۸}$ ۲) $\frac{۳۹۵}{۱۷۲۸}$ ۳) $\frac{۳۹۷}{۱۷۲۸}$ ۴) $\frac{۴۰۱}{۱۷۲۸}$

۹- در کیسه‌ای ۵ مهرهٔ قرمز و تعدادی مهرهٔ سفیدرنگ داریم. اگر ۲ مهرهٔ قرمز دیگر در کیسه قرار دهیم، احتمال خارج‌شدن مهره به رنگ سفید $\frac{۱}{۲۴}$ کم می‌شود. تعداد مهره‌های سفید در ابتدا، کدام می‌تواند باشد؟

۱) ۳۵ ۲) ۳۲ ۳) ۲۸ ۴) ۲۵

۱۰- در یک مسابقهٔ دومیدانی، ۴ نفر از مدرسهٔ A، ۳ نفر از مدرسهٔ B و ۲ نفر از مدرسهٔ C شرکت می‌کنند. با چه احتمالی نفر اول و آخر مسابقه از یک مدرسه نیستند؟

۱) $\frac{۷}{۹}$ ۲) $\frac{۵}{۶}$ ۳) $\frac{۱۳}{۱۸}$ ۴) $\frac{۲}{۳}$

محل انجام محاسبات

۱۱- اگر A و B دو پیشامد از فضای نمونه‌ای S باشند و داشته باشیم $P(A-B)=۲P(A\cap B)$ و $P(B)=۸P(A\cap B)$، مقدار $\frac{P(A\cap B)}{P(A\cup B)}$ چه‌قدر است؟

۱) $\frac{۱}{۸}$ ۲) $\frac{۱}{۱۰}$ ۳) $\frac{۱}{۹}$ ۴) $\frac{۱}{۶}$

۱۲- در پرتاب سه تاس، با چه احتمالی هیچ دو عدد روشده‌ای، متوالی و برابر نیستند؟

۱) $\frac{۱}{۹}$ ۲) $\frac{۱}{۱۲}$ ۳) $\frac{۱}{۱۸}$ ۴) $\frac{۱}{۳۶}$

۱۳- کدام‌یک از موارد زیر جزء گام تحلیل داده‌ها در چرخهٔ آمار نیست؟

۱) محاسبهٔ معیارها ۲) رسم نمودار ۳) تفسیر داده‌ها ۴) مرتب‌کردن داده‌ها

۱۴- نمودار مقابل برای داده‌های ۱۰,۱۲,۱۲,۱۲,۱۲,۱۲,۱۲,۱۴,۱۶,a است. مقدار b کدام است؟

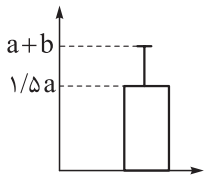

۱) ۴ ۲) ۵

۳) ۶ ۴) ۷

۱۵- جمع جملات اول و نهم دنبالهٔ $a_n=\frac{n^۲-۴}{۱+\frac{۱}{n+۱}}$ کدام است؟

۱) ۶۶ ۲) ۶۷ ۳) ۶۸ ۴) ۶۹

۱۶- جمع بیست جملهٔ اول دنبالهٔ $a_n=\frac{۱}{n+۳}-\frac{۱}{n+۴}$ برابر با S است. جزء صحیح $\frac{۱}{S}$ کدام است؟

۱) ۳ ۲) ۴ ۳) ۵ ۴) ۶

۱۷- مجموع سه جملهٔ متوالی دنبالهٔ $a_n=\begin{cases}۶ & n \text{ فرد}\\ ۳n & n \text{ زوج}\end{cases}$ برابر با ۴۲ است. جملهٔ بعدی آن‌ها کدام است؟

۱) ۶ ۲) ۳۶ ۳) ۳۰ ۴) ۴۲

۱۸- در دنبالهٔ بازگشتی $a_{n+۱}=\frac{۱}{۱+۲a_n}$ با جملهٔ اول $\frac{۳}{۴}$، حاصل‌ضرب جملات دوم تا چهارم کدام است؟

۱) $\frac{۱}{۸}$ ۲) $\frac{۲}{۱۷}$ ۳) $\frac{۱}{۹}$ ۴) $\frac{۲}{۱۹}$

۱۹- اگر جملهٔ چهارم دنبالهٔ $a_{n+۱}-n=۲a_n+۱$ برابر ۳۴ باشد، جملهٔ اول کدام است؟

۱) -۱ ۲) ۲ ۳) -۳ ۴) ۴

۲۰- در دنبالهٔ $a_{n+۱}=\begin{cases}۲a_n-۱ & n \text{ فرد}\\ ۳a_n+n & n \text{ زوج}\end{cases}$ اگر $a_۴=۱۰$ باشد، جملهٔ هفتم کدام است؟

۱) ۲۰۷ ۲) ۲۱۰ ۳) ۲۱۳ ۴) ۲۱۶

محل انجام محاسبات

۲۱- کدام عبارت از دیدگاه تاریخ ادبیات نادرست است؟

۱) شاعران دورهٔ بازگشت توانستند زبان شعر را از آن حالت سستی که در اواخر سبک هندی در شعر به وجود آمده بود، نجات بخشند.

۲) گروهی از شاعران دورهٔ بازگشت، مانند صبای کاشانی و قاآنی شیرازی به قصیده‌سرایی به سبک شاعران خراسانی و عهد سلجوقی پرداختند.

۳) انجمن ادبی «نشاط» پس از انجمن ادبی «خاقان» که در تهران تشکیل شده بود، به دست عبدالوهاب نشاط تأسیس گردید.

۴) تاراج کتابخانهٔ اصفهان که سبب شد تعدادی از کتاب‌های کتابخانهٔ سلطنتی به دست مردم افتد، از عوامل ایجاد نهضت بازگشت ادبی بود.

۲۲- همهٔ موارد زیر از عوامل مؤثّر در بیداری جامعه در دورهٔ قاجار هستند؛ به‌جز ..... .

۱) تأثیر جنگ‌های نافرجام ایران و روس

۲) توجّه مردم به واقعیّت‌ها و امکانات دنیای جدید

۳) کوشش‌های عباس‌میرزا، ولیعهد فتحعلی‌شاه

۴) توجّه به ادبیّات در دربار قاجار و رونق شعر و شاعری

۲۳- متن زیر معرّف کدام‌یک از شخصیت‌های ادبی دورهٔ بیداری است؟

«او توانست با شعرهای ساده و عامیانه‌اش در میان مردم جایگاه مناسبی پیدا کند. شعرهای او که به زبان ساده و طنزآمیز در راه مبارزه با استبداد و عشق به وطن در روزنامه‌اش چاپ می‌شد در بیداری مردم بسیار مؤثر بود.»

۱) ملک‌الشعرای بهار ۲) میرزادهٔ عشقی ۳) سید اشرف‌الدین گیلانی ۴) علی‌اکبر دهخدا

۲۴- در معرفی آثار زیر و پدیدآورندگان آن‌ها، نام چند شاعر یا نویسنده نادرست ذکر شده است؟

«شمس و طغرا (میرزا حسن‌خان بدیع)، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (جیمز موریه)، چرند و پرند (دهخدا)، شمس‌الدین و قمر (محمدباقرمیرزا خسروی)، تاریخ تطور نظم فارسی (ملک‌الشعرا بهار)، منشآت (قائم‌مقام فراهانی)، داستان باستان (میرزا حسن‌خان بدیع)، تاریخ بیداری ایرانیان (ملک‌الشعرای بهار)، ایده‌آل (میرزادهٔ عشقی)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (ملک‌الشعرا بهار)، گنجینهٔ نشاط (نشاط اصفهانی)، خداوندنامه (صبای کاشانی)»

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

۲۵- کدام مورد دربارهٔ ویژگی‌های فکری شعر در عصر بیداری ایراد دارد؟

۱) توجّه به مردم از بارزترین ویژگی‌های ادبیّات دورهٔ بیداری است.

۲) مفهوم آزادی در شعر این دوره مترادف با مفهوم دموکراسی غربی است.

۳) در شعر این دوره، مسائل اخلاقی، عارفانه‌سرایی و غزل‌گویی رونق یافت.

۴) نگرش شاعران از کلّی‌نگری و ذهنیّت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیّت‌گرایی تغییر کرد.

۲۶- همهٔ موارد زیر از ویژگی‌های فکری نثر در عصر بیداری هستند؛ به‌جز ..... .

۱) بسیاری از نثرها به‌ویژه نثر داستانی، به موضوع تنفّر از خرافات می‌پردازد

۲) حقوق مدنی زنان در کنار تعلیم و تربیت نوین و همگانی، مورد توجّه نویسندگان بوده است

۳) مبارزه با بی‌عدالتی اجتماعی، استقبال از شهادت و فرهنگ ایثار از مضامین نثر این دوره است

۴) شاخه‌ای ارزنده و چشم‌نواز در نثر عصر بیداری، طنز سیاسی ـ اجتماعی است

۲۷- با توجّه به ویژگی‌های سبکی نثر در عصر بیداری، کدام مورد نادرست است؟

۱) نثر این دوره، ساده و قابل فهم است و واژه‌ها و ترکیب‌های عربی کم‌تر می‌شود.

۲) مطابق ذوق عامهٔ مردم می‌نوشتند و سبک نویسندگی آنان با ادبیات داستانی جدید مطابقت داشت.

۳) حقوق مدنی زنان در کنار تعلیم و تربیت نوین و همگانی، مورد توجّه نویسندگان بوده است.

۴) صنایع ادبی از نثر جدا می‌شود و نثر در خدمت بیان خواست و آمال مردم قرار می‌گیرد.

۲۸- درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری در همهٔ ابیات زیر، یافت می‌شود؛ به‌جز ..... .

۱) در ره فرهنگ و آیین وطن غفلت مورز / ملک بی‌فرهنگ و بی‌آیین، درختی بی‌بر است
۲) از دو عالم دست کوته کن چو سرو آزادوار / کان که کوته‌دست باشد، در جهان سرور شود
۳) یافت قانون اساسی در ولایت انتشار / انجمن‌ها گشت برپا در همه شهر و دیار
۴) از علم و صناعت شود این دوره گرامی / وز مال و بضاعت شود این خطّه گرامند

۲۹- هر دو آرایهٔ «لفّ و نشر و تضاد» در کدام بیت‌ها یافت می‌شوند؟

الف) ز اشک و چهره مرا سیم و زر شود حاصل / ولیک چشم تو بر سیم و زر نمی‌باشد
ب) گر ز آن‌که روی و موی تو آشوب عالم است / ما را شبی مبارک و روزی خجسته است
ج) گنج زر گر نبود کنج قناعت باقی است / آن که آن داد به شاهان، به گدایان این داد
د) به شام و صبح کنم یاد زلف و عارض تو / که ذکر زلف و رخت ورد صبح و شام من است
ه) گر بند نهد دشمن و گر پند دهد دوست / مشتاق گل آن نیست که از خار بنالد

۱) ب ـ د ـ ه ۲) ب ـ ج ـ د ۳) الف ـ ب ـ ج ۴) الف ـ د ـ ه

۳۰- کدام بیت «فاقد» متناقض‌نما (پارادوکس) است؟

۱) فتح ما آزادمردان در شکست خود بود / گو دل از ما جمع دارد دشمن نامرد ما
۲) می‌شود روشن ز خاموشی چراغ عاشقان / در هلاک خویش چون پروانه بی‌تابیم ما
۳) زندان بود به مردم بیدار، مهد خاک / در خواب کن دو دیدهٔ بیدار خویش را
۴) ندارد با تعلّق سود دست افشاندن از دنیا / که آزادی گرفتاری است مرغ رشته بر پا را

۳۱- نوع «لف و نشر» در کدام بیت، «متفاوت» با دیگر ابیات است؟

۱) نگذرد یاد گل و سنبلم اندر خاطر / تا به خاطر بود آن زلف و بناگوش مرا
۲) رخ و زلف و دهن تنگ تو چون کردم یاد / از گل و سنبل و تنگ شکرم یاد آمد
۳) با تابش زلف و رخت ای ماه دل‌افروز / از شام تو قدر آید و از صبح تو نوروز
۴) همچو زلف سیه و روی جهان‌افروزت / نتوان دید شبی تیره و مهتابی خوش

۳۲- کدام بیت فاقد «لف و نشر» است؟

۱) چه گویم از حدیث زلف و رویش؟ / چو مشرق مظهر هر صبح و شام است
۲) گرچه روزی تیره‌تر از شام غم باشد مرا / در دل روشن صفای صبحدم باشد مرا
۳) طایر دل که شود صید رخ و زلف دلارام / همچو بلبل به گل و سنبل تر بازنماند
۴) رخسار و خطش بود چو دیبا و چو عنبر / باز آن دو به هم کرد و خریدار برآمد

۳۳- آرایه‌های مقابل کدام بیت، هر دو درست هستند؟

۱) حال من زلف تو تقریر کند موی به موی / ورنه مجموع، کجا حال پریشان داند؟ (تضاد، لف و نشر)
۲) هر خسته که جان پیش سنان تو سپر ساخت / هم زخم سنان تو کند مرهم جانش (پارادوکس، مراعات‌نظیر)
۳) به ناکامی سرآور تا به کام دل رسی صائب / نراند هر که کام از خود نگردد کامران این‌جا (پارادوکس، تضمین)
۴) حدیث زلف و رخ دلکش تو خواهد بود / که بر صحیفهٔ لیل و نهار خواهد ماند (تلمیح، لف و نشر)

۳۴- آرایه‌های «تلمیح، پارادوکس، تضاد، مراعات نظیر» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شوند؟

الف) روزی آخر از وصال تو به کام دل رسم — این شب هجر تو را گر هیچ پایانی بود

ب) تیره‌بختی نیل چشم زخم جان روشن است — در سیاهی بیش باشد زندگانی آب را

ج) سیر نگردد به بحر، تشنهٔ دریای وصل — روی نتابد ز سیل، غرقهٔ طوفان عشق

د) جنبش گهواره خواب طفل را سازد گران — از تزلزل بیش محکم می‌شود بنیاد ما

۱) ب ـ ج ـ الف ـ د ۲) د ـ ج ـ ب ـ الف ۳) ج ـ د ـ الف ـ ب ۴) ب ـ د ـ الف ـ ج

۳۵- نوع «لف و نشر» در کدام بیت، با بیت زیر، یکسان است؟

«بسیار بود سرو روان و گل خندان — لیکن نه بدین صورت و بالا که تو داری»

۱) چون سخن زان زلف و رخ گویی مگو از کفر و دین — زان که هر جای این دو رنگ آمد نه آن ماند نه این

۲) گر نبودی روی و مویت هم نبودی روز و شب — گر نبودی رنگ و بویت، گل نبودی در چمن

۳) بازکش یک دم عنان ای ترک شهرآشوب من — تا ز اشک و چهره راهت پر زر و گوهر کنم

۴) چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است؟ — که بر صحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند

۳۶- به ترتیب کدام دو بیت آرایهٔ «متناقض‌نما» و کدام دو بیت آرایهٔ «تضاد» دارند؟

الف) عارفان دشوارها را بر خود آسان می‌کنند — کارهای سهل را دشوار می‌سازیم ما

ب) موج را سرگشته سازد حلقهٔ گرداب بیش — می‌کند جمعیّت خاطر، پریشان‌تر مرا

ج) از خرابی می‌شود دل صاحب گنج گهر — نیست معماری به از ویرانی این بنیاد را

د) زهد پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار — پرده از سر برگرفتیم آن همه تزویر را

۱) «الف، ج» ـ «ب، د» ۲) «الف، ب» ـ «ج، د» ۳) «ب، ج» ـ «الف، د» ۴) «ب، د» ـ «الف، ج»

۳۷- کدام بیت پایه‌های آوایی «ناهمسان» دارد؟

۱) هرجا که می‌نشینم و هرجا که می‌روم — نقشش نمی‌رود نفسی از مقابلم

۲) کام من این بود که جان بر تو فشانم — عاقبت از لعل توام کام برآمد

۳) تو اگر به حسن دعوی بکنی گواه داری — که جمال سرو بستان و کمال ماه داری

۴) اگر هزار شکایت بود ز دور زمانم — چگونه شکر نگویم که در زمان تو باشم

۳۸- کدام بیت دارای «وزن ناهمسان» و فاقد «اختیار شاعری زبانی» است؟

۱) خورشید را به سایهٔ شب درنشانده‌اند — شب را به پاسبانی اختر نشانده‌اند

۲) ز شوق عارض و رخسار او چنان مستم — که یادم از سمن و ارغوان نمی‌آید

۳) گل نسبتی ندارد با روی دل‌فریبت — تو در میان گل‌ها چون گل میان خاری

۴) دل را نظری از رخ دلدار که بخشد؟ — جان را شکری از لب جانان که رساند؟

۳۹- کدام بیت وزن «ناهمسان» دارد و به دو صورت، دسته‌بندی هجایی می‌شود؟

۱) درد و غمم چون ز پا فکند چه درمان؟ — کار دلم چون ز دست رفت چه تدبیر؟

۲) یک ذرّه مهر رویت خالی نگردد از دل — زیرا که گنج را شد کنج خراب منزل

۳) از شوق رخش چو مست شد چشمش — از من چه عجب اگر شوم مستش؟

۴) از بس که در نظرم خوب آمدی صنما — هرجا که می‌نگرم گویی که در نظری

۴۰- در کدام بیت، سه بار اختیار زبانی «حذف همزه» به کار رفته است؟

۱) ز خوف هجرم ایمن کن اگر امّید آن داری / که از چشم بداندیشان خدایت در امان دارد
۲) الا ای همنشین دل که یارانت برفت از یاد / مرا روزی مباد آن دم که بی یاد تو بنشینم
۳) من آن آیینه را روزی به دست آرم سکندروار / اگر می‌گیرد این آتش زمانی ور نمی‌گیرد
۴) بهشتی شد مرا نظّارهٔ آن روی گندم‌گون / اگر گندم برون انداخت از فردوس آدم را

۴۱- شاعر در همهٔ ابیات از اختیار زبانی «تغییر کمیّت مصوّت‌ها» بهره برده است؛ به‌جز ..... .

۱) گر نگویم دوستی از دوستانت بوده‌ام / سال‌ها آخر نه مرغ بوستانت بوده‌ام؟
۲) گرچه من آب رخ از خاک درت یافته‌ام / گرد خاطر همه از رهگذرت یافته‌ام
۳) آن که لعلش عین آب زندگانی یافتیم / در رهش مردن حیات جاودانی یافتیم
۴) من ز دست دیده و دل در بلا افتاده‌ام / ای عزیزان چون کنم چون مبتلا افتاده‌ام

۴۲- بیشترین «تغییر کمیّت مصوّت‌ها» در کدام بیت به کار رفته است؟

۱) دل زنده می‌شود به امید وفای یار / جان رقص می‌کند به سماع کلام دوست
۲) بدان نفس که نسیم بهار چهره‌گشای / نقاب نسترن و گیسوی بنفشه گشاد
۳) باد صبا که شد به هوای تو سوی باغ / چندین به بوی زلف تو در بوستان بماند
۴) تا تلخی هجران نکشد خسرو پرویز / قدر لب شیرین شکربار نداند

۴۳- وزن کدام مصراع در مقابل آن، درست آمده است؟

۱) ز مهر در تو نشانی ندیدم و نشنیدم (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)
۲) تا جان بود از مهر رخش برنکنم دل (مفعولُ مفاعلن مفاعیلن فع)
۳) دوست مخوانش که رخ ز دوست بتابد (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع)
۴) بوی بهشت می‌گذرد یا نسیم دوست (مفتعلن مفاعلن مستفعلُ فعل)

۴۴- وزن کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

«بوی گل و بانگ مرغ برخاست / هنگام نشاط و روز صحراست»

۱) هرکس که به او نگه کند بیند / شب در بر آفتاب بازیگر
۲) جان شیرین فدای صحبت یار / شرم دارد که نیک مختصر است
۳) فریاد من از فراق یار است / و افغان من از غم نگار است
۴) باز نیامد دلم در شکن زلف تو / گرنه به گردن کشم بار بلای تو را

۴۵- با توجّه به ابیات زیر، همهٔ موارد کاملاً درست هستند؛ به‌جز ..... .

«درد من دلخسته به درمان که رساند؟ / کار من بیچاره به سامان که رساند؟
شد عمر در این ظلمت دلگیر بیابان / ما را به لب چشمهٔ حیوان که رساند؟»

۱) آرایه‌های «تلمیح»، «تضمین» و «تضاد» در ابیات فوق به کار رفته است
۲) اختیارات «حذف همزه» و «تغییر کمیّت مصوّت‌ها» در ابیات یافت می‌شود
۳) ابیات، به دو صورت «همسان» و «ناهمسان» دسته‌بندی هجایی می‌شوند
۴) مفاهیم «درد و غم فراق» و «تمنّای وصال» از ابیات فوق، دریافت می‌شود

۴۶- مفاهیم «دادخواهی، بیگانه‌ستیزی، وطن‌پرستی، بیداری جامعه، توجّه به مردم»، به ترتیب از کدام بیت‌ها دریافت می‌شود؟

الف) در پیشگاه اهل خرد نیست محترم — هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

ب) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن — بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

ج) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آزاد — زاشک‌ویران‌کنش‌آن‌خانه‌که‌بیت‌الحزن‌است

د) انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی — چون فرّخی موافق ثابت‌قدم نداشت

ه) آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم — ملّت امروز یقین کرد که او اهرمن است

۱) د ـ ج ـ ب ـ ه ـ الف ۲) ه ـ ج ـ د ـ الف ـ ب ۳) د ـ ب ـ الف ـ ه ـ ج ۴) ج ـ د ـ ب ـ الف ـ ه

۴۷- مفهوم کدام بیت در مقابل آن، نادرست بیان شده است؟

۱) سعدی نظر از رویت کوته نکند هرگز — ور روی بگردانی در دامنت آویزد (پافشاری در عشق)

۲) اگر ز خلق ملامت و گر ز کرده ندامت — کشیدم از تو کشیدم شنیدم از تو شنیدم (گلایه از معشوق)

۳) گوش ترحّمی کو کز ما نظر نپوشد؟ — دست غریق یعنی فریاد بی‌صداییم (طلب عنایت و دلسوزی)

۴) هرچه جز بار غمت بر دل مسکین من است — برود از دل من وز دل من آن نرود (فراموشی غم هجران)

۴۸- کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«نکوهش مکن چرخ نیلوفری را — برون کن ز سر باد و خیره‌سری را»

۱) دهر نکوهی مکن ای نیک‌مرد — دهر به جای من و تو بد نکرد

۲) همی سر ز یزدان نباید کشید — فراوان نکوهش بباید شنید

۳) بری دان از افعال، چرخ برین را — نشاید ز دانا نکوهش بری را

۴) جهان جز که نقش جهاندار نیست — جهان را نکوهش سزاوار نیست

۴۹- عبارت «سخن در میان دو دشمن چنای گوی که اگر دوست گردند، شرم‌زده نباشی.» با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

۱) عیب یاران و دوستان هنر است — سخن دشمنان نه معتبر است

۲) ضمیر دل خویش منمای زود — که هر گه که خواهی توانی نمود

۳) میان دو تن آتش افروختن — نه عقل است و خود در میان سوختن

۴) سخن را سر است ای خردمند و بن — میاور سخن در میان سخن

۵۰- کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«ما با توایم و با تو نه‌ایم اینت بوالعجب — در حلقه‌ایم با تو و چون حلقه بر دریم»

۱) هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟ — من در میان جمع و دلم جای دیگر است

۲) گر به خواری ز در خویش براند ما را — به امیدش بنشینیم و به درها نرویم

۳) گوشَت حدیث می‌شنود هوش بی‌خبر — در حلقه‌ای به صورت و چون حلقه بر دری

۴) بی‌طالعی نگر که من و یار چون دو چشم — همسایه‌ایم و خانهٔ هم را ندیده‌ایم

۵۱- به ترتیب ویژگی «دانش عمومی»، علت «تعارض در ذخیرهٔ دانشی جوامع غیرمتجدد» و هدف «علوم انسانی و اجتماعی بومی» کدام است؟

۱) در صورت فقدان آن، زندگی اجتماعی مختل می‌شود. ـ رویکرد دنیوی به آن جوامع سرایت می‌کند. ـ در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد.

۲) گسترده‌ترین بخش ذخیرهٔ دانشی است. ـ جهان‌های اجتماعی مختلف هویت‌های فرهنگی متفاوتی دارند. ـ در حل مسائل و مشکلات بومی و ملی جامعهٔ ایران، مفید و کارآمد باشد.

۳) با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد. ـ رویکرد دنیوی، علوم فراتجربی را علم نمی‌داند. ـ همسو با هویت فرهنگی جامعهٔ ما و ناظر به حل مسائل آن باشد.

۴) جهان اجتماعی آن را در اختیار انسان‌ها می‌گذارد. ـ در جهان‌های اجتماعی مختلف تعاریف متعددی از علم رواج می‌یابد. ـ با هدف حل تعارض دانش عمومی و علمی، یکی از آن‌ها رها می‌شود.

۵۲- در ارتباط با دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ رابطهٔ دانش عمومی و دانش علمی، به ترتیب هر یک از اندیشمندان معتقد به موارد زیر، چه دیدگاهی دارند؟

- **دانش عمومی و دانش علمی رابطهٔ تباین دارند.**
- **دانش عمومی و دانش علمی رابطهٔ عموم و خصوص مطلق دارند.**
- **دانش عمومی و دانش علمی رابطهٔ عموم و خصوص من‌وجه دارند.**

۱) تفاوت دانش عمومی و دانش علمی در روش ـ عدم محدودیت دانش علمی به دانش تجربی ـ ریشه‌داشتن دانش علمی در دانش عمومی

۲) کسب دانش عمومی از طریق جامعه‌پذیری ـ خلق و بازسازی واقعیت‌بودن دانش‌ها ـ اعتبار بیشتر دانش علمی نسبت به دانش عمومی

۳) کشف واقعیت از طریق دانش علمی ـ کم‌ارزش‌بودن دانش عمومی در مقابل دانش علمی ـ رابطهٔ متقابل دانش عمومی و دانش علمی

۴) پایه‌ای‌دانستن دانش عمومی ـ بی‌اعتباردانستن برتری دانش تجربی ـ ضرورت جلوگیری دانش علمی از ورود دانش عمومی به قلمرو علم

۵۳- به ترتیب هر یک از موارد زیر، در کدام قسمت جدول قرار می‌گیرد؟

- **بررسی چگونگی اثرگذاری اجتماعات بر شیوهٔ زندگی انسان‌ها**
- **پدیده‌های مستقل از خواست، اقدام و ارادهٔ انسان‌ها**
- **مطالعهٔ کنش‌های انسان‌ها و پیامدهای آن**
- **شناسایی قوانین کلی موجودات بدون پرداختن به موجودی خاص**

دانش	موضوع یا مصداق
«د»	اصل علیت
علم اجتماعی	«ب»
«الف»	روان‌شناسی و اخلاق
علم طبیعی	«ج»

۱) د ـ الف ـ ج ـ ب

۲) ب ـ ج ـ الف ـ د

۳) د ـ الف ـ ب ـ ج

۴) ب ـ ج ـ د ـ الف

۵۴- در متن زیر، به برخی از فواید علوم اجتماعی اشاره شده است. به ترتیب هر مورد، پیامد چیست؟

«پیش‌بینی آثار پدیده‌های اجتماعی، نیازمند درک عمیق از تأثیرات آن بر جامعه است. این امر می‌تواند فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب را برای دانشمندان فراهم سازد تا با تحلیل دقیق‌تری به مسائل پرداخته و راه حل‌هایی مؤثر ارائه دهند. در این مسیر، استفادهٔ صحیح از علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن، به عنوان ابزاری کارآمد می‌تواند به تقویت پایه‌های علمی و اجتماعی کمک کند.»

۱) شناخت پدیده‌های اجتماعی ـ داوری دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ـ شناخت طبیعت و قوانین آن

۲) کشف قواعد جهان اجتماعی ـ داوری دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ـ داوری دربارهٔ علوم طبیعی

۳) کشف قواعد جهان اجتماعی ـ نقد و اصلاح ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ـ شناخت طبیعت و قوانین آن

۴) شناخت پدیده‌های اجتماعی ـ نقد و اصلاح ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ـ داوری دربارهٔ علوم طبیعی

۵۵- پاسخ هر یک از پرسش‌های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- **چرا انسان‌ها مجبور نیستند به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایشان را تولید کنند؟**
- **کدام‌یک از پیامدهای داشتن دانش علمی دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی توسط افراد نیست؟**
- **چرا علومی مانند پزشکی علی‌رغم این‌که دربارهٔ انسان بحث می‌کنند، جزء علوم انسانی نیستند؟**
- **چه رابطه‌ای بین جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی برقرار است؟**

۱) زیرا جهان اجتماعی آن را در اختیار انسان می‌گذارد. ـ به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسیم. ـ پدیده‌هایی مانند بدن انسان جزء جهان طبیعت هستند. ـ یکی از علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی است.

۲) زیرا دانش عمومی لازم برای آن وجود دارد. ـ قدرت پیدا می‌کنیم از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کنیم. ـ علوم پزشکی به بدن انسان و سلامت و بیماری آن می‌پردازد. ـ هر دو، زیرمجموعهٔ علوم انسانی هستند.

۳) به دلیل این‌که به صورت جمعی زندگی می‌کنند. ـ از طریق حل مسائل علمی به تدریج بر ذخیرهٔ دانش عمومی جوامع می‌افزاییم. ـ علوم انسانی از فعالیت‌های غیرارادی انسان بحث نمی‌کند. ـ جامعه‌شناسی بخشی از علوم اجتماعی است.

۴) به دلیل این‌که انسان‌ها در جهان از قبل ایجادشده متولد می‌شوند. ـ آسیب‌های شناخت عمومی را شناسایی می‌کنیم. ـ بدن انسان مستقل از اراده و خواست او وجود دارد. ـ علوم اجتماعی زیرمجموعهٔ جامعه‌شناسی است.

۵۶- رابطهٔ بین قواعد اجتماعی، نظم اجتماعی و ساختار اجتماعی در کدام گزینه به درستی توضیح داده شده است؟

۱) نظم یعنی قرارگرفتن هر پدیده در جای خود و جای این پدیده‌ها را ساختارهای اجتماعی تعیین می‌کنند. ساختارهای اجتماعی نیز از طریق قواعد زندگی اجتماعی با یکدیگر سازگار می‌شوند.

۲) نظم اجتماعی پیش‌بینی قواعد اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد و از طریق ساختارهای اجتماعی توقعات و انتظارات افراد را معین و همکاری با آن‌ها را ممکن می‌سازند.

۳) قواعد اجتماعی از طریق نظم اجتماعی برقرار می‌شود و خود نظم اجتماعی هم به واسطهٔ ساختارهای اجتماعی، رابطه و پیوند میان پدیده‌های اجتماعی را نظم می‌دهد.

۴) نظم اجتماعی در نتیجهٔ قواعد با هم زندگی‌کردن پدید می‌آید و خود این قواعد از جمله قواعد اقتصادی و قواعد زندگی خانوادگی از طریق ساختارهای اجتماعی هماهنگ می‌شود.

۵۷- به ترتیب کدام گزینه دربارهٔ «ویژگی‌های جامعه‌شناسی تبیینی» درست است، اما دربارهٔ «انتقادات مربوط به رویکرد تبیینی» نادرست است؟

۱) پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی و جامعه همانند طبیعت در نظر گرفته می‌شود. ـ جامعه و نظم اجتماعی را براساس مناسبات بیرونی توضیح می‌دهد و روابط را مبتنی بر قرارداد و ترس و اجبار می‌داند.

۲) جامعه، یک پدیدهٔ اجتماعی متفاوت از پدیده‌های طبیعی است. ـ جامعه‌شناسی تبیینی که قصد داشت جامعه را بر انسان مسلط سازد، او را مغلوب جامعه ساخت.

۳) با شناخت نظم اجتماعی، به انسان قدرت پیش‌بینی و پیشگیری جامعه را می‌دهد. ـ اگر جوامع از منظر رویکرد تبیینی نظم اجتماعی خود را سامان دهند، هیچ‌گاه نمی‌توانند با تهدید و اجبار پیش‌بینی رفتارها را تضمین کنند.

۴) در آغاز شکل‌گیری خود به علم فیزیک نزدیک بود و در زمرهٔ علوم عقلانی قرار می‌گرفت. ـ در صورت یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه، انسان‌ها قادر نخواهند بود تغییری بنیادین در جهان اجتماعی ایجاد کنند.

۵۸- به ترتیب، موارد کدام گزینه از مشخصات و مصادیق «رکود اراده‌ها»، «سقوط ارزش‌ها» و «افول معانی» است؟

۱) نادیده‌گرفتن اراده و خلاقیت انسان‌ها ـ اندازه‌گیری اجزای بدن در ایام جنگ جهانی دوم برای تعیین نژاد برتر ـ قفس آهنین

۲) سرکوب روحیهٔ خلاق انسان‌ها در عرصهٔ هنر ـ انکار ارزش‌های عاطفی و اخلاقی ـ پیامد نادیده‌گرفتن آگاهانه و معناداربودن کنش

۳) سلطهٔ نظمی با هدفی جدا از انسان‌ها ـ قفس آهنین ـ فجایع انسانی و زیست‌محیطی در نتیجهٔ پیشرفت‌های چشمگیر جهان غرب

۴) عدم‌امکان فراتررفتن از نظم موجود ـ پیامد نادیده‌گرفتن ارادهٔ انسان‌ها ـ ناتوانی در فهم همدلانه به دلیل تمرکز بر روش‌های تجربی

۵۹- پاسخ هر یک از پرسش‌های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- **کدام‌یک از معایب فضای مجازی طبق بیان کتاب درسی است؟**
- **چه عاملی مسیر را برای عبور از جامعه‌شناسی تبیینی و روی‌آوردن به جامعه‌شناسی تفسیری فراهم آورد؟**
- **این موضوع که همهٔ جوامع در یک مسیر قرار می‌گیرند، نقطهٔ مقابل کدام واقعیت است؟**
- **مقصود از پویابودن مفهوم نظام اجتماعی چیست؟**

۱) فرد را از زمان و مکان خویش جدا می‌کند. ـ برخی نظریه‌پردازان، آگاهی و معناداری را مهم‌ترین ویژگی کنش اجتماعی می‌دانند. ـ جامعه صرفاً یک پدیدهٔ طبیعی پیچیده نیست. ـ بخش‌های مختلف آن بر هم اثر می‌گذارند.

۲) کاربر با وجود سرگرم‌شدن، سطحی می‌شود. ـ اراده و ارزش مهم اما برخاسته و تابع آگاهی و معناداری کنش اجتماعی است. ـ جامعه محصول و مخلوق کنش‌های انسان است. ـ نظام اجتماعی در خود و محیط تغییراتی ایجاد می‌کند.

۳) کاربر را از دسترسی به مطالب مهم محروم می‌گرداند. ـ همهٔ ویژگی‌های کنش اجتماعی، برخاسته و تابع آگاهی و معناداری است. ـ انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگون را پدید آورند. ـ بخش‌های مختلف آن از هم اثر می‌پذیرند.

۴) فرد با وجود آزادی و قدرت، تحت کنترل قرار می‌گیرد. ـ تأکید افراطی بر نظم و ساختارهای اجتماعی، اراده و خلاقیت را از بین می‌برد. ـ تفاوت‌های بین جوامع تفاوتی کمّی است. ـ نظام اجتماعی با تأمین نیازها، خود را در بلندمدت حفظ می‌کند.

۶۰- در ارتباط با مفهوم جهان اجتماعی، کدام گزینه درست است؟

۱) دانشمندان علوم اجتماعی سعی بر کشف نظم و قواعد موجود در جهان اجتماعی دارند. آن‌ها با کشف این قواعد آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را شناسایی و فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب را فراهم می‌آورند.

۲) جامعه‌شناسان تفسیری از جمله آگوست کنت مدعی هستند که جهان اجتماعی همانند طبیعت و جهان طبیعی دارای نظم و قواعد خاصی است، با این حال نه انسان‌ها مانند موجودات طبیعی‌اند و نه پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی هستند.

۳) گاهی میان بخش‌های ذخیرهٔ دانشی یک جهان اجتماعی تعارض‌هایی پدید می‌آید. در چنین شرایطی ارتباط متقابل دانش عمومی و علمی قطع می‌شود و به دلیل عدم حمایت دانش علمی از دانش عمومی، دانش عمومی از رشد و رونق بازمی‌ماند.

۴) ما در جهان اجتماعی با افراد سروکار داریم و لازم است با توجه به تفسیر آن‌ها از خودشان به فهم همدلانهٔ کنش‌های آن‌ها مطابق با دیدگاه تفسیری دست یابیم، اما همراهی همدلانه به معنای تأیید کنشگران نیست.

۶۱- علت هر یک از موارد زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- **پدیدآمدن دانش علمی**
- **شکل‌گیری سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی**
- **شناسایی نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیز**
- **عدم امکان تحلیل کنش انسان با روش تجربی**

۱) گسترش ذخیرهٔ دانشی ـ تقسیم جامعه‌شناسی به خرد و کلان ـ شناخت امور نامأنوس ـ تمرکز رویکرد تبیینی بر امور قابل مشاهده

۲) تأمل و اندیشه در دانش عمومی ـ دوری و نزدیکی به علوم طبیعی ـ آشنایی‌زدایی ـ رفتارهای متفاوت انسان‌ها در شرایط گوناگون

۳) شناخت حقایق دانش عمومی ـ تقسیم‌بندی جامعه‌شناسی براساس روش ـ شناخت قواعد اجتماعی ـ آگاهانه عمل‌کردن انسان‌ها

۴) تأثیرگذاری بر ذخیرهٔ دانشی ـ وجود موضوعات مختلف در علوم اجتماعی ـ هویت‌زدایی ـ نادیده‌گرفتن معنای کنش در رویکرد تبیینی

۶۲- کدام‌یک از موارد زیر، نمی‌تواند از کارکردهای جامعه‌شناسی تفسیری باشد؟

۱) جامعه‌شناس با تحلیل رفتارهای اجتماعی افراد، به بررسی نحوهٔ شکل‌گیری آرمان‌هایی مانند آزادی و عدالت و توصیف آن‌ها می‌پردازد.

۲) جامعه‌شناس با بهره‌گیری از روش‌های علمی به داوری مفاهیم عدالت و اخلاق و شناسایی معانی و انگیزه‌های افراد تابع آن‌ها می‌پردازد.

۳) جامعه‌شناس رفتارهای اجتماعی را در چارچوب معنای مورد نظر افراد تفسیر و براساس مقاصد و انگیزه‌های آن‌ها تحلیل می‌کند.

۴) جامعه‌شناس با بررسی تعاملات افراد در گروه‌های اجتماعی ضمن شناسایی معنای کنش آن‌ها، امکان توصیف و تفسیر را فراهم می‌آورد.

۶۳- فعال و خلاق‌بودن کنشگران انسانی، چه پیامدهایی به همراه دارد؟

۱) پیدایش معانی گوناگون ـ پیدایش فرهنگ‌ها و جهان‌های اجتماعی مختلف ـ پدیدآمدن خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف

۲) پدیدآمدن معانی ذهنی و فرهنگی مختلف ـ ضرورت استفاده از روش‌های کمّی در جامعه‌شناسی ـ پیدایش جهان‌های اجتماعی

۳) افول معانی ـ پدیدآمدن خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف ـ پیچیدگی کنش‌های انسانی و دشواری فهم آن‌ها

۴) فهمیدن دلالت‌های کنش ـ پیدایش معانی گوناگون ـ متفاوت‌بودن معانی ذهنی و فرهنگی گوناگون درون هر جامعه

۶۴- به ترتیب هر یک از موارد زیر، مصداق چیست؟

- **آزمایش زیمباردو در ایجاد یک زندان ساختگی**
- **نشان‌دادن عمق پنهان یک پدیدهٔ اجتماعی خاص**
- **اثر گردش خانوادگی از پاول کله**
- **تحقیقات لمبروزو دربارهٔ رفتار جنایی**

۱) استفاده از روش‌های کیفی در جامعه‌شناسی تفسیری ـ استفاده از روش‌های کیفی ـ فراتررفتن از نظم موجود در جهان اجتماعی ـ تحقیقات جنایی براساس ویژگی‌های جسمانی و ظاهری

۲) محدودیت دامنهٔ کاربرد آزمایش در جامعه‌شناسی ـ مشاهدهٔ مشارکتی ـ پی‌بردن به معانی و انگیزه‌های فردی و اجتماعی کنشگران ـ یکسان‌انگاری انسان با دیگر پدیده‌های طبیعی

۳) محدودیت استفاده از روش‌های کمّی در بررسی پدیده‌های اجتماعی ـ قوم‌نگاری ـ نگاه‌کردن به مسائل کنشگران از دیدگاه آن‌ها ـ کاربرد روش‌های مشاهده‌ای در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

۴) کاربرد روش آزمایش در جامعه‌شناسی ـ استفاده از روش مطالعهٔ موردی ـ راه‌یافتن به رمز و راز ورای ابهام از طریق هنر ـ استفاده از رویکرد تبیینی برای تشخیص مجرم‌بودن یا نبودن

۶۵- کدام موارد درست است؟

الف) در مواجهه با مسائلی همچون نابرابری، قانون‌گریزی و بحران هویت، همهٔ کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، این مشکلات را می‌شناسند.

ب) علوم طبیعی را به دلیل این‌که ابزار تسلط انسان بر طبیعت و ابزار رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند، علوم ابزاری می‌نامند.

ج) تبیین به معنای بیان چرایی یک پدیده یا پی‌بردن به تغییرات یکی از پدیده‌ها به کمک شناسایی تغییر در پدیدهٔ هم‌تغییر آن است.

د) زندگی اجتماعی انسان‌ها و نظم همزاد یکدیگرند، اما انسان‌ها صرفاً مجریان نظم هستند و می‌توانند از مشکلات ساختارهای اجتماعی بکاهند.

ه) پیچیدگی و عمق پدیده‌های اجتماعی، نشانهٔ وجود نظریات مختلف دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی است.

۱) الف ـ ب　　۲) ب ـ ج ـ ه　　۳) ج ـ الف　　۴) ه ـ د

پاسخ‌نامهٔ تشریحی آزمون را ساعت ۱۶ از صفحهٔ شخصی خودتان در سایت آزمون خیلی سبز دریافت کنید.

azmoon.kheilisabz.com

اساتید، مشاوران و دانش‌آموزان گرامی؛

نظرات، پیشنهادات، انتقادات و بازخوردهای خود نسبت به سؤالات این آزمون را می‌توانید از طریق آیدی Kheilisabz_edit@ در همهٔ پیام‌رسان‌ها با ما به اشتراک بگذارید.

آزمون آزمایشی خیلی سبز

رشته انسانی

پایه دوازدهم	مرحله دهم
سال تحصیلی ۰۴-۱۴۰۳	تاریخ برگزاری: ۲۸/دی/۱۴۰۳

دفترچه شماره دو

ویژه کنکوری‌های ۱۴۰۴

جمع‌بندی نیم‌سال اول

بودجه‌بندی دروس

زبان عربی	تاریخ
عربی، زبان قرآن (۳) درس ۱ و ۲ صفحهٔ ۱ تا ۳۶	تاریخ (۳) درس ۱ تا ۶ صفحهٔ ۲ تا ۹۱

جغرافیا	فلسفه‌ومنطق	اقتصاد
جغرافیا (۳) درس ۱ و ۲ فنون و مهارت‌های جغرافیایی (۱) درس ۳ صفحهٔ ۱ تا ۵۸	فلسفه (۲) درس ۱ تا ۶ صفحهٔ ۱ تا ۵۱	-

مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
زبان عربی	۲۰	۸۱	۱۰۰	۲۰ دقیقه
تاریخ	۱۳	۱۰۱	۱۱۳	۱۳ دقیقه
جغرافیا	۱۲	۱۱۴	۱۲۵	۱۲ دقیقه
فلسفه و منطق	۲۰	۱۲۶	۱۴۵	۲۰ دقیقه
اقتصاد	-	-	-	-
مجموع	۶۵ سؤال			۶۵ دقیقه

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

دفترچه سؤالات آزمون‌های خیلی سبز، از همه‌نظر (تعداد سؤال‌ها، زمان پاسخگویی، نوع چینش گزینه‌ها، نوع صفحه‌آرایی، فونت سؤالات، سایز کلمات و اعداد، جای خالی محل انجام محاسبات و...) در شبیه‌ترین حالت به دفترچه سؤالات کنکور سراسری طراحی می‌شود.

داوطلب گرامی، به علت این‌که بودجه‌بندی این آزمون، از مباحث نیم‌سال اول پایهٔ دوازدهم است، در این آزمون، درس «اقتصاد» نداریم. بنابراین در پاسخ‌برگ از سؤال ۱۴۶ تا ۱۶۰ را خالی بگذارید.

Azmoon.kheilisabz.com

• **عيّن الأنسب للجواب عن التّرجمة أو المفهوم من أو إلى العربيّة (۸۱ - ۸۹):**

۸۱- ﴿و يقولون بأفواههم ما ليس في قلوبهم و الله أعلمُ بما يَكتمون﴾:

۱) با زبان‌هایشان چیزهایی را می‌گویند که در دل‌هایشان ندارند و خداوند به چیزی که پنهان می‌کنند آگاه‌تر است.

۲) چیزی را که در دل‌هایشان نیست به زبان می‌آورند، ولی خداوند به چیزهایی که پنهان می‌سازند داناتر است.

۳) با زبان‌های خود چیزهایی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خداوند به چیزهایی که مخفی می‌دارند داناتر است.

۴) با دهان‌هایشان چیزهایی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست، در حالی که خداوند به چیزی که از او نهان دارند آگاه‌تر است.

۸۲- «يُحيّرني إنسانٌ لا يتفكّر في خَلقه و قد يَزعم أنّه جرمٌ صغير فقط بينما إن يَنظر بدقّة يَعلم أنّ العالَم الأكبر قد انطوَى فيه و جَعله الله أشرف مخلوقاته!»:

۱) حیران می‌شوم از انسانی که در آفرینش خود اندیشه نمی‌کند و گاهی گمان می‌کند که او فقط یک پیکر کوچکی است، در حالی که اگر به دقت می‌نگریست، می‌دانست که جهانِ بزرگ‌تر در او به هم پیچیده شده است و خداوند او را شریف‌ترین آفریده‌هایش قرار داده است!

۲) مرا حیران می‌کند انسانی که دربارهٔ خلقت خود فکر نمی‌کند و گاهی گمان می‌کند که او فقط پیکر کوچکی است، در حالی که اگر به دقت بنگرد، می‌داند که در او یک جهان بزرگ‌تر به هم پیچیده شده است و خداوند او را اشرف مخلوقاتش قرار داده است!

۳) متحیر می‌کند مرا انسانی که در خلقتش نمی‌اندیشد و گاهی خود را فقط یک پیکر کوچک می‌پندارد، در حالی که اگر به دقت بنگرد، می‌داند همانا دنیای بزرگ‌تر در او به هم پیچیده شده است و خداوند او را شریف‌ترین مخلوقاتش قرار داده است!

۴) انسانی که در آفرینش خود اندیشه نمی‌کند و گاهی می‌پندارد که او فقط پیکری کوچک است، مرا حیران می‌کند؛ در حالی که اگر به دقت بنگرد، می‌داند که جهان بزرگ‌تر در او به هم پیچیده شده است و خداوند او را شریف‌ترین آفریده‌هایش قرار داده است!

۸۳- «ما اهتّمتِ الدّولة بتَطوير الأنفاق و إعمار طرقٍ يَسيرُ فيها جميع المواطنين و هي تَعرَّفت على هذه المشكلة من قبل!»:

۱) دولت به بهینه‌سازی تونل‌ها و آبادکردن راه‌هایی که همهٔ شهروندان در آن سیر می‌کنند توجه نکرد؛ در حالی که از قبل به این مشکل شناخت پیدا کرده بود!

۲) حکومت به بهینه‌کردن تونل‌ها و آبادشدن راه‌هایی که همگی شهروندان در آن حرکت می‌کنند توجهی نمی‌کند؛ حال آن‌که از قبل این مشکل را شناخته بود!

۳) دولت اهتمامی نورزید که تونل‌ها و راه‌هایی را که مردم در آن سیر می‌کنند، بهینه کند؛ در حالی که از قبل به این مشکل شناخت پیدا کرده بود!

۴) حکومت به بهینه‌سازی تونل‌ها و آبادکردن راه‌ها اهتمام نورزید؛ در حالی که مردم روی آن حرکت می‌کنند و او نیز این مشکل را از قبل شناخته بود!

۸۴- «قد علّمنا الدّهرُ أنَّ المحسنين لن يُنسى ذكرهم و يبقون أحياء أبداً و إن نُقِلت أبدانهم إلى منازل الأموات قبل سنوات!»:

۱) از روزگار آموختیم که یاد نیکوکاران فراموش نخواهد شد و آنان تا ابد زنده باقی می‌مانند، حتی اگر بدن‌هایشان را سال‌ها پیش به خانه‌های مردگان برده باشند!

۲) روزگار به ما آموخته است که نیکوکاران یادشان قطعاً از یاد برده نخواهد شد؛ زیرا آنان تا همیشه زنده می‌مانند، اگرچه بدن‌هایشان سال‌ها قبل به خانه‌های مردگان منتقل شده باشد!

۳) از روزگار یاد گرفته‌ایم که نیکوکاران یادشان از یاد برده نخواهد شد و آنان تا ابد زنده می‌مانند، هرچند که جسم‌هایشان سال‌ها قبل به خانهٔ مردگان منتقل شده باشد!

۴) روزگار به ما یاد داده است که نیکوکاران یادشان فراموش نخواهد شد و تا همیشه زنده می‌مانند، اگرچه پیکرهایشان سال‌ها قبل به خانه‌های مردگان منتقل شده باشد!

۸۵- «ليت الإنسان لا يُميت قلبه بِطعام يكون أكثر مِن حاجته لأنّ القلب يَموت عندما يأكل المرء كثيراً كما يَموت الزرع إذا كَثُر الماء عليه!»:

كاش انسان .....

۱) قلبش نمیرد با غذایی که بیشتر از نیاز اوست، چراکه قلب می‌میرد هنگامی که انسان، بسیار می‌خورد؛ همان‌طور که کشت می‌میرد، هرگاه آبش افزایش یابد!

۲) قلب خود را نمیراند با غذایی که از نیازش بیشتر می‌باشد؛ برای این‌که قلب می‌میرد وقتی که انسان، زیاد می‌خورد؛ آن‌طور که کشت می‌میرد هرگاه آب بر آن زیاد شود!

۳) قلبش را با غذایی که از نیازش بیشتر است نمیراند؛ برای این‌که قلب انسانی که زیاد می‌خورد همانند کشت از بین می‌رود، هرگاه آب آن افزایش یابد!

۴) قلب خود را نمیراند با غذایی که از حاجتش افزون‌تر می‌باشد؛ چراکه قلب انسان می‌میرد هرگاه زیاد بخورد، آن‌طور که کشت می‌میرد هرگاه آب را بر آن زیاد کنند!

۸۶- عيّن الصحيح:

۱) حاوَلَ أخي مجدّاً للوصول إلى هذا المقام فيكون أهلاً له:

برادر کوشای من برای رسیدن به این مقام تلاش کرده است؛ پس شایستهٔ آن است!

۲) لعلّنا نذهب إلى القرية لزيارة جدّي و جدّتي في عطلات هذا العام:

شاید در تعطیلات امسال برای دیدن پدربزرگ و مادربزرگم به روستا برویم!

۳) للحصول على النَّجاح في عملك عليك أن تقوم به وحيداً و لا تتوكَّلْ على النّاس:

برای رسیدن به موفقیّت در کارت، به تنهایی آن را انجام بده و تکیه‌ات به مردم نباشد!

۴) وفقاً لنتائج أبحاث العلماء عدد النملة يفوق عدد البشر بمليون مَرّةٍ تقريباً:

با توجه به نتایج تحقیقات دانشمندان، تعداد مورچه(ها) تقریبا چندین میلیون بیشتر از تعداد انسان(ها) است!

۸۷- عيّن الصحيح:

۱) إذا نشعر بالذنب و نبقي حزينين لا نستطيع أن نُصحّح أخطاءنا: اگر احساس گناه کنیم و ناراحت بشویم، نمی‌توانیم اشتباهاتمان را تصحیح کنیم!

۲) قلتُ في نفسي: ليتني إمتنعتُ عن أكلِ الموادّ السُّكرية: با خودم گفتم: کاش از خوردن مواد قندی خودداری کنم!

۳) لا نجاح يتحقّق دون أيّ محاولة كأنّه غاية لا تُدرَک: هیچ موفقیتی بدون هیچ تلاشی محقق نمی‌شود، گویی آن هدفی است که به دست آورده نمی‌شود!

۴) عند الطّفولة كانت تُفرّحنا كُلُّ كلامٍ أو عملٍ مَليحينِ: هنگام کودکی با هر سخن یا کار بانمکی خوشحال می‌شدیم!

۸۸- «بازیکنان ایرانی با تأخیر به میدان مسابقه نخواهند رسید!»:

۱) يصل اللّاعبون الإيرانيّون إلى ساحة المباراة متأخّرينَ!

۲) اللّاعبون الإيرانيّون لن يصلوا إلى ساحة المسابقة متأخّر!

۳) لم يصل لاعبون إيرانيّون متأخّرينَ إلى ساحة مسابقةٍ!

۴) اللّاعبات الإيرانيّات لا يصلن إلى ساحة المباراة متأخّرات!

۸۹- عيّن الأقرب من المفهوم: ﴿لا تدري لعلّ الله يحدث بعد ذلك أمراً﴾

۱) سر رشتهٔ غیب ناپدید است / بس قفل چو بنگری کلیدست

۲) غیب خواهی، خودی ز ره بردار / عیب را با سرای غیب چه کار؟

۳) زود شوی واقفِ اسرار غیب / گر بزنی دست به دامان غیب

۴) بر گوش دلم ز غیب آواز رسان / مرغ دلِ خسته را به پرواز رسان

• **اقرأ النّصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۹۰ ـ ۹۴) بما يُناسب النّصّ:**

«التّمساح من الحيوانات البَرمائيّة (و هی الحيوانات الّتي تقدر على العيش في الماء و البرّ) و له أرجُل قصيرة و ذَنب قويّ طويل يجعله قادراً على السّباحة في الماء. يُمضي أكثر أوقاته في الماء ثمّ يرجع إلى البرّ للتنفّس لأنّ له جهازاً تنفّسيّاً يعتمد على استخلاص الهواء الموجود في الجوّ.
التّمساح من الحيوانات باردة الدّمّ و لذلک قادرٌ على تحمّل الجوع لمدّة طويلة. إذا بلغ وزن التمساح كيلو غرام واحد يجب عليه أن يأكل عشر كيلوات من الحيوانات الحيّة الّتي أغلبها من الطّيور و الأسماک. لا تقدرُ التّماسيح على أكل الإنسان إلّا كبائرها و هي تفعل ذلک بمساعدة فكّها الّذی يكون الأقوی بين الحيوانات المفترسة («المفترس» هو حيوانٌ يصيد الحيوانات الأخری ليأكلها.)
تَضع التّماسيح البيض (تخم) في عشّها ثمّ تُخفيه تحت الرّمال على الشّواطئ و في بعض أنواعها تقوم الأُنثي بالحراسة من العشّ و عندما تَخرج الصّغار من البيض تحملها إلى الماء ليبدأ حياتها. الصيّادون يقومون بصيد التّمساح لكسب جلدها الّذي يكون أغلى الجُلود و تُصنَع منه الحقائب و الأحذية الجلديّة الّتي هي غاليةٌ جدّاً.

۹۰- عيّن الصّحيح:

۱) التّمساح البالغ يحتاج إلى طعام كثير فلا يقدر تحمّل الجوع!
۲) التّمساح يصنع عشّه في الماء و لكنّه يرجع إلى البرّ للتّنفّس!
۳) تُعدّ التماسيح أعداء الإنسان و هي تُهاجم الإنسان لأكله!
۴) فكّ التّمساح هو العضو الوحيد الّذي يستخدمه في الصّيد!

۹۱- عيّن الخطأ:

۱) لا يخرج التّمساح من الماء إلّا إذا أراد أن يَتنفّس!
۲) التّمساح لا يقدر على استخلاص الأوكسيجن الموجودة في الماء!
۳) إذا شاهدتَ أنّ شخصاً لبس حذاءً صُنع من جلد التّمساح فاعلَم أنّه غنيّ!
۴) تُوجد موجودات في البّر تحبّ أكل بيض التّماسيح!

۹۲- عيّن الصّحيح:

۱) صغار التَماسيح لا تقدر على السّباحة في الماء إلّا بمساعدة أمّها!
۲) أرجلُ التّمساح ضعيفة فلذلک يستعين بذنبه القويّ ليكون قادراً على السبّاحة في الماء!
۳) التّماسيح أقدر من الإنسان في تحمّل الجوع و لكنّها لا تقدر على أن تسبح في أعماق البحر لمدّة طويلة!
۴) التَماسيح لا تفيد الإنسان إلّا جلدها فيُستخدم جلدها في صنع حقائب أسعارها غالية!

• **عيّن الخطأ في الإعراب و التَحليل الصرفيّ للكلمات (۹۳ ـ ۹۴):**

۹۳- «الصيّادون ـ مُساعدة ـ يعتمد ـ تُصنَع»

۱) الصيّادون: جمع سالم للمذكّر ـ اسم مبالغة (تدلّ على حرفة) ـ معرب ـ معرّف بأل / مبتدأ و مرفوع بالواو
۲) مُساعدة: مفرد مؤنث (جمعه: مساعدات) ـ اسم مفعول (من فعل مزيد ثلاثيّ: ساعدَ، يُساعد) ـ معرب / مجرور بالكسرة بحرف الجرّ
۳) يعتمد: فعل مضارع ـ للمفرد المذكّر الغائب أو للغائب ـ من باب افتعال ـ له حرفانِ زائدانِ: (الف، ت) ـ لازم ـ معلوم / فعل و فاعل و الجملة فعليّة
۴) تُصنَع: مضارع ـ للمفرد المؤنث الغائب ـ ليس فيه حرف زائد (= مجرّد ثلاثي) ـ معرب ـ مجهول / فعل و نائب فاعله «الحقائب»

۹۴- «تَضعُ ـ أوقات ـ يَمضي ـ جهازاً»:

۱) أوقات: جمع تكسير و مفرده «وقت» و هي مؤنث ـ نكرة ـ معرب / مضاف إليه و مجرور بالكسرة

۲) تَضعُ: فعل مضارع ـ للمفرد المؤنث الغائب ـ حروفه الأصليّة: «و ض ع» ـ معرب ـ متعدّ / فعل مع فاعله «التَماسيح» جملة فعليّة

۳) يُمضي: فعل مضارع ـ للمفرد الغائب ـ مزيد ثلاثي من مادّة «م ض ي» ـ متعدّ ـ معرب / فعل و مفعوله «أكثر»

۴) جهازاً: اسم ـ مفرد المذكّر (جمعه المكسّر: أجهزة) ـ معرب ـ نكرة / اسم مؤخّر لِـ «أنّ» و منصوب بالفتحة

• **عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۹۵ - ۱۰۰)**

۹۵- عيّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

۱) قَد تُسهّل هذه المادَّةُ كثيراً مِنْ مَشاكِلِ الإنسانِ في الصِّناعَةِ!

۲) لا عَملَ أَشَدُّ مِن مُجالَسَةِ مَن لا نَنتَفِعُ بِه أبداً!

۳) لَيتَ المُشتَرِيَ لا يُصبِحُ مُتَرَدِّداً في شِراءِ البِضاعَةِ!

۴) لِكُلّ اِختِراعٍ علميٍّ و اِبتِكارٍ في التَّقنيَةِ وَجهانٌ!

۹۶- عيّن حرفاً يكمّل جملة ما قبله:

۱) يريد الآباء خيراً لأولادهم و لكن لا يفهم بعضهم قدر نصائح الأب القيّمة!

۲) كأنّ هذا العالم أوّل من تَعرَّف على كيفيّة استعمال هذا النّباتِ!

۳) إنّنا حَضَرنا في صالة المطار لكنّ دليلنا لم يأت في الوقت المحدّد!

۴) شجّعنا الاستاذُ على السّعي الأكثر و قال: لعلّكم تفوزونَ في المباراة!

۹۷- عيّن خبر الحروف المشبهة بالفعل يختلف نوعه:

۱) بعد قراءة القصة فهمتُ أنّ أولئك رجال يَستفيدون من وجه التّقنية المفيد!

۲) سوف نُسافر في العيد بِالحافلة لأنّ بطاقة الطائرة غالية جدّاً فَلا نَستطيع شراءها!

۳) إنّه أذكَى الطلابِ و هو يتعلّم ما يُدرّس المعلم في المرّة الأُولى دائماً!

۴) إنّي أعرِفُ طُرقاً تُساعدك لِلمواجهة على المَشاكل الّتي تَمنعك عن الاجتهاد!

۹۸- عيّن «لا» نافية للجنس:

۱) كنتُ أنظر إلى أطفال لا تظاهُر بَينهم و لم تكن تَجرى علَى ألسنتهم إلّا الصداقة!

۲) ﴿أَنفِقوا ممّا رَزقناكم مِن قَبلِ أن يَأتىَ يَومٌ لا بَيعٌ فيه و لا خُلّةٌ﴾

۳) عليك أن تتعلّم العلوم النافعة و لا تُعلّم ولدَك ما لن يَنفعه في حياته!

۴) الزّرافة حيوان أبكم لأنّها لا تملك الأحبال الصّوتيّة!

۹۹- عيّن ما فيه «الحال»:

۱) رأينا رياضيّاً نشيطاً في المعلب لا يشعر بالتعب!

۲) واصل نوبل عمله فهو أصبح مسروراً بعد اختراع الديناميت!

۳) ما عرفني زميلي القديم و هو أصبح طبيباً شهيراً!

۴) اللّهم أعطنا سروراً لِأنّ عبادك الصالحين بحاجةٍ إليه!

۱۰۰- عيّن ما ليست فيه «واو» الحاليّة:

۱) الطّلاب يلعبونَ في ساحة المدرسة و المدير يذهب إليهم!

۲) اِبتعدَ صديقي عنّا و هو يتحدّث على جوّاله بصوت مرتفع!

۳) إنّني أستمع إلى نصائح جدّي عندما أراه و أنا مشتاق لها جدّاً!

۴) عليک أن تکون مشتاقاً إلى العمل الصالح و ناهياً عن المنکر!

۱۰۱- باتوجه به ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی و جدید، کدام گزینه با احتمال بیشتری نوشتهٔ یک تاریخ‌نگار سنتی است؟

۱) در دوران مظفرالدین‌شاه مردم هم‌چنان درگیر قحطی گسترده بودند.

۲) آقامحمدخان قاجار پس از تاج‌گذاری به منطقهٔ قفقاز لشکرکشی کرد.

۳) در عصر قاجار گروه‌های اجتماعی مختلفی از جمله اصناف و پیشه‌وران در شهرها زندگی می‌کردند.

۴) هنر تئاتر به سبک اروپایی از دورهٔ قاجار به همت دانشجویان اعزامی به اروپا در ایران گسترش یافت.

۱۰۲- کدام گزینه دربارهٔ نشریات و روزنامه‌ها در دوران قاجار درست است؟

الف) بلافاصله پس از انتشار «کاغذ اخبار» روزنامه‌های دولتی و غیردولتی دیگری در ایران انتشار یافت.

ب) روزنامهٔ «دولت علیهٔ ایران» در حوالی ۱۲۴۷ ق. منتشر شد.

ج) روزنامه‌های فارسی‌زبان به دو دستهٔ «دولتیِ داخل ایران» و «غیردولتیِ خارج ایران» تقسیم می‌شدند.

د) برخی از روزنامه‌نگاران در خارج از کشور روزنامه‌هایی منتشر می‌کردند که مخفیانه به داخل ایران می‌رسید.

۱) «الف» ـ «ج» ۲) فقط «ب» ۳) «ب» ـ «د» ۴) فقط «د»

۱۰۳- کدام گزینه اطلاعات درستی دربارهٔ کریم‌خان زند ارائه می‌کند؟

الف) وی مخالف لشکرکشی و کشورگشایی و حتی قدرت را به شکل مسالمت‌آمیزی کسب کرد.

ب) فعالیت آزادانهٔ اقلیت‌های دینی و ساخت ارگ کریم‌خان و آرامگاه حافظ از نتایج مدارای کریم‌خان با هنرمندان و گروه‌های مختلف دینی بوده است.

ج) زندگی و دربار وی به دور از تجمل بود و برخلاف سنت معمول، عنوان وکیل‌الرعایا را برای خود برگزید.

د) با وجود تمایل فرانسه و انگلستان، وی به هیچ‌گونه توافق اقتصادی با آن‌ها نرسید.

۱) «الف» ـ «ج» ۲) «ب» ـ «د» ۳) «ج» ـ «د» ۴) «ب» ـ «الف»

۱۰۴- کدام موارد دربارهٔ کشورهای اروپایی در سده‌های پس از عصر رنسانس درست است؟

الف) بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب باشکوه این بود که منشأ الهی سلطنت نفی و مجلس منشأ قدرت معرفی شد. (روسیه)

ب) این کشور پس از استقلال از انگلستان با پیشروی به سوی غرب و کشتار وسیع سرخ‌پوستان، سرزمین‌های وسیعی را تصاحب کرد. (آمریکا)

ج) دایرةالمعارف‌نویسان با طرح مباحث علمی و ادبی شروع به انتقاد از وضع موجود کردند. (فرانسه)

د) این کشور در نواحی شرقی اروپا و حوزهٔ دریاهای بالتیک، سیاه و مازندران، اقدامات نظامی وسیعی انجام داد. (انگلستان)

۱) «الف» ـ «ب» ۲) «ب» ـ «ج» ۳) «ب» ـ «د» ۴) «الف» ـ «ج»

۱۰۵- با توجه به عبارات زیر در خصوص صدراعظم‌های دورهٔ قاجار، موارد ..... مربوط به یکی از صدراعظم‌های ناصرالدین‌شاه است که ..... .

الف) در مدت هفت‌ماههٔ وزارت خود در مقابل زیاده‌خواهی انگلیسی‌ها ایستادگی کرد و به دنبال کاستن دخالت ناروای شاه و درباریان در امور کشور بود.

ب) برنامهٔ منسجمی را برای اصلاح امور سیاسی و اقتصادی کشور تهیه کرد و بخشی از آن را به اجرا درآورد.

ج) از طرف شاه قاجار اختیار تام در ادارهٔ امور کشور داشت و به دنبال استقلال اقتصادی کشور بود.

د) نقش مؤثری در تشویق شاه برای سفر به فرنگ و اخذ تمدن اروپایی داشت، اما برنامه‌های او به سبب مخالفت‌های داخلی و تردیدهای شاه به جایی نرسید.

۱) «الف» و «ب» ـ دسیسه‌گری مخالفانش، شاه را نسبت به او بدبین کرد و حاجی میرزا آقاسی به جای او نشست

۲) «ب» و «ج» ـ به سرنوشت قائم‌مقام فراهانی دچار شد و اصلاحاتش به نتیجه نرسید

۳) «ب» و «د» ـ تربیت‌یافتهٔ قائم‌مقام بود و با استفاده از تجربه‌های سیاسی ارزشمند خود، اوضاع کشور را سامان داد

۴) «ج» و «د» ـ با درایت او ناصرالدین‌شاه بر تخت نشست و شاه را به دادن امتیاز به روس و انگلیس ترغیب می‌کرد

۱۰۶- کدام گزینه از نتایج قراردادهای منعقدشده بین ایران و انگلستان است؟

۱) ولایت‌های داغستان، گرجستان و ارمنستان با شهرهای پرجمعیت از ایران جدا شد.

۲) سرزمین‌های ایران در شرق دریای کاسپین از جمله قزاقستان از ایران گرفته شد.

۳) ایران مجبور به دادن امتیازات اقتصادی و سیاسی متعددی مانند تأسیس بانک استقراضی شد.

۴) مناطق جنوب ایران از جمله قسمتی از سیستان و بلوچستان از خاک ایران حذف شد.

۱۰۷- کدام‌یک از عبارات زیر دربارهٔ دور اول و دوم جنگ‌های ایران و روسیه در زمان قاجار درست است؟

الف) معاهدهٔ ترکمانچای برخلاف معاهدهٔ گلستان، نتیجهٔ دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه بود.

ب) دور اول جنگ‌های ایران و روسیه، کوتاه‌تر از دور دوم آن بود.

ج) فرماندهٔ سپاه ایران در هر دو دور این جنگ‌ها یک شخص بود.

د) نتیجهٔ نهایی دور دوم این جنگ‌ها، از لحاظ شکست یا پیروزی روسیه، همانند دور اول آن نبود.

۱) «الف» ـ «ب» ۲) «ب» ـ «ج» ۳) «ب» ـ «د» ۴) «الف» ـ «ج»

۱۰۸- کدام گزینه دربارهٔ اوضاع کشاورزی، آموزشی و هنری و معماری ایران در دوران حکومت‌های زندیه (۱)، صفویه (۲)، قاجاریه (۳) و افشاریه (۴) درست است؟

الف) رونق کشاورزی و تجاری‌بودن آن

ب) معماری تلفیقی

ج) ساخت مدارس جدید

د) تأثیرپذیری سبک نقاشی و نگارگری ایرانی از اروپا

۱) «الف» از اشتراکات (۱) و (۲) و «ب» از ویژگی‌های (۴) است.

۲) «د» از وجوه افتراق (۱) و (۳) و «ج» از ویژگی‌های (۴) است.

۳) «ج» از اشتراکات (۱) و (۳) و «ب» از وجوه پیوند (۳) و (۴) است.

۴) «ب» از ویژگی‌های (۳) و «الف» از شباهت‌های (۲) و (۳) است.

۱۰۹- کدام شکل با توجه به موارد زیر و آثار افرادی همچون عبدالرحیم طالبوف (۱) و حاج زین‌العابدین مراغه‌ای (۲)، به درستی ترسیم شده است؟

الف) توصیف اوضاع نابسامان کشور

ب) وجود اندیشه‌های نوین و تفکر مشروطه‌خواهی

ج) شیفتگی و خودباختگی بی‌چون‌وچرا در برابر فرهنگ غرب

۱)
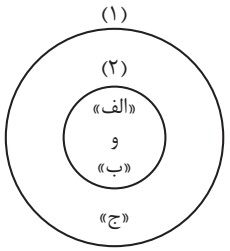

۲)
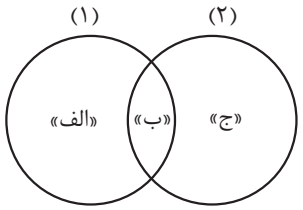

۳)
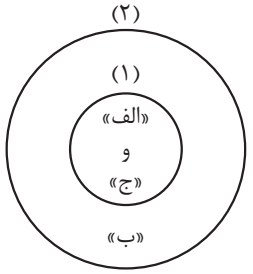

۴)
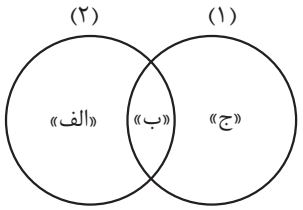

۱۱۰- در کدام گزینه زمان وقوع رویدادهایی که موجب پیروزی نهضت مشروطه شدند، به درستی مقایسه شده است؟

الف) ماجرای نوز بلژیکی

ب) بَست‌نشینی مردم و روحانیون در حرم حضرت عبدالعظیم

ج) بازگشت علما از قم

د) تحصن مردم در باغ سفارت انگلیس

۱) «ب» که اولین مرحلهٔ اتحاد نیروهای ضد استبداد بود، مقدم بر «د» و مؤخر از «الف» است و به علت متشنج‌شدن تجمع مردم در اعتراض به گرانی‌ها اتفاق افتاد.

۲) «الف» که در واقع اولین جرقهٔ نهضت مشروطه بود مقدم بر «ب» و «ج» است و به علت توهین به علمای کرمان و برای حفظ تشیع در برابر فرقه‌های ساختگی رخ داد.

۳) «د» که از طریق عوامل شناخته‌شدهٔ انگلستان در بین آزادی‌خواهان و مردم صورت گرفت به موازات «ب» و مؤخر از «الف» بود و منجر به تأسیس عدالت‌خانه شد.

۴) «ج» که هفت روز بعد از عزل عین‌الدوله توسط مظفرالدین‌شاه انجام شد مؤخر از «ب» و «د» است و منجر به صدور فرمان تشکیل مجلس شورای ملی شد.

۱۱۱- کدام‌یک از موارد زیر دربارهٔ زمینه‌ها و علت‌های وقوع جنگ جهانی اول نادرست است؟

الف) انقلاب صنعتی مستقیماً در وقوع جنگ جهانی اول تأثیری نداشت اما بر یکی از زمینه‌های شروع آن تأثیر گذاشت.

ب) رشد ناسیونالیسم را همچون گسترش استعمار، می‌توان از علت‌های وقوع جنگ جهانی اول دانست.

ج) وحدت ایتالیا از جمله علت‌های رشد اندیشهٔ ملی‌گرایی بوده است.

د) روسیه از لحاظ علمی و فرهنگی نقش ویژه‌ای در گسترش استعمار داشته است.

۱) «الف» ـ «د» ۲) «ج» ـ «د» ۳) «ب» ـ «ج» ۴) «الف» ـ «ب»

۱۱۲- در خصوص رویدادهای مربوط به «پیمان صلح ورسای»، «تشکیل جامعهٔ ملل» و «قرارداد ۱۹۱۹»، چه تعداد از سؤالات زیر را می‌توان با «بله» پاسخ داد؟

الف) آیا در پیمان صلح ورسای، دولت‌های شکست‌خورده نیز در کنار دولت‌های پیروز جنگ حضور داشتند؟

ب) آیا قرارداد ۱۹۱۹ پیش از بر سر کار آمدن دولت بلشویکی روسیه، بین ایران و انگلستان منعقد شد؟

ج) آیا طرح جامعهٔ ملل در تشکلی با عضویت پنجاه کشور در ژنو سوئیس تأسیس شد؟

د) آیا انگلیسی‌ها قرارداد ۱۹۱۹ را برای تحکیم نفوذ خود در ایران با دولت وثوق‌الدوله منعقد کردند؟

ه) آیا براساس پیمان صلح ورسای، مستعمرات آلمان میان متحدین تقسیم شد و آلمانی‌ها ملزم به پرداخت غرامت جنگ شدند؟

و) آیا به موجب قرارداد ۱۹۱۹ هم ادارهٔ امور دارایی و هم ایجاد ارتش در ایران به انگلیسی‌ها واگذار شد؟

۱) سه مورد ۲) چهار مورد ۳) پنج مورد ۴) دو مورد

۱۱۳- با توجه به حوادث پیش از جنگ جهانی اول، اگر آلمان خواهان دستیابی به مقام یک قدرت جهانی نبود، وقوع کدام‌یک از حالات زیر ممکن بود؟

الف) بالکان از امپراتوری عثمانی جدا می‌شد و اتریش ادارهٔ بوسنی و هرزگوین را به دست می‌گرفت.

ب) امپراتوری آلمان تشکیل نمی‌شد و به تبع آن، این کشور با دانمارک، اتریش ـ مجارستان و فرانسه وارد جنگ نمی‌شد.

ج) سطح تنش آلمان با همسایگان اروپایی‌اش افزایش نمی‌یافت و در نتیجه کشمکش‌های مرزی بین آن‌ها ایجاد نمی‌شد.

د) دوران صلح مسلح در اروپا حاکم می‌شد و کشورهای اروپایی با یکدیگر پیمان‌های اتحاد سیاسی و نظامی منعقد می‌کردند.

۱) «الف» ـ «ب» ۲) «الف» ـ «ج» ۳) «ب» ـ «د» ۴) «ج» ـ «د»

۱۱۴- با بررسی موارد زیر در خصوص «مسئلهٔ مهاجرت از روستاها به شهرها» کدام مورد درست است؟

الف) استفاده از ماشین‌آلات در کشاورزی، فعالیت‌های خدماتی و صنعتی به جای انسان

ب) تأمین مواد اولیه، نیروی کار ساده و خدمات فراغتی مورد نیاز شهرها توسط روستاییان

ج) نفوذ شهرها و شهرگرایی در روستاها پس از دورهٔ صنعتی و ورود کشورها به عصر مدرنیزاسیون

د) تغییر عملکرد برخی از روستاها و تبدیل نقش آن‌ها به گردشگری، صنعتی و صیادی

۱) با مهاجرت از روستاها به شهرها، مراکز شهری در تأمین منابع اشاره‌شده در مورد «ب» به چالش می‌خورند.

۲) از آن‌جا که مورد «د» پیامد رویداد «الف» است، پس هر دو رویداد منجر به کاهش مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود.

۳) مورد «ج» و «د» به ترتیب با «کاهش تفاوت میان شهرها و روستاها» و «کاهش ارتباط میان روستا و شهرها»، منجر به کاهش مهاجرت از روستاها به شهرها خواهند شد.

۴) به صورت کلی می‌توان مورد «الف» را عامل افزایش و مورد «د» را عامل کاهش مهاجرت از روستاها به شهرها دانست.

۱۱۵- با توجه به موارد زیر، کدام گزینه به عبارت درستی اشاره دارد؟

الف) در اغلب این سکونتگاه‌ها، بیشتر مردم در بخش‌های صنعتی و خدماتی مشغول‌اند.

ب) در این سکونتگاه‌ها دسترسی به خدمات و تسهیلات بسیار کم و محدود است.

ج) در این سکونتگاه، دسترسی به چشم‌اندازهای طبیعی به مراتب کم‌تر است.

۱) در «الف» همچون «ج»، نوگرایی بیشتر است و برخلاف «ب»، فعالیت‌های متنوع در فضاهایی بازتر پراکنده شده‌اند.

۲) در «الف» همچون «ج»، کالاهای کارخانه‌ای و نیروی ماهر و متخصص بیشتری وجود دارد و برخلاف «ب»، محل انباشت سرمایه است.

۳) در «ب» همچون «ج»، میزان جمعیت پایین‌تر و عملکرد به شکل محدودتری است و برخلاف «الف»، محل انباشت سرمایه و تولید کالاهای کارخانه‌ای است.

۴) در «ب» همچون «ج»، خدمات فراغتی و صنایع دستی وجود دارد که حاصل مبادلهٔ نابرابر با «الف» است.

۱۱۶- با توجه به عبارت زیر، موارد «الف» تا «د» به ترتیب با کدام گزینه مطابقت دارد؟

«شهر بزرگی همانند تهران، که دارای جمعیت زیاد و عملکرد متنوع است، می‌تواند به سکونتگاه‌های مختلف در سراسر کشور خدمات

(الف) (ب)

بی‌شماری عرضه کند و حتی وجود مسافت بسیار بین سکونتگاه‌های مختلف با پایتخت، مانعی برای رفت‌وآمد جمعیت زیادی

(ج)

از ساکنین سایر استان‌ها به این شهر محسوب نمی‌شود.»

(د)

۱) حوزهٔ نفوذ ـ سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها ـ آستانهٔ نفوذ ـ دامنهٔ نفوذ

۲) سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها ـ حوزهٔ نفوذ ـ آستانهٔ نفوذ ـ دامنهٔ نفوذ

۳) حوزهٔ نفوذ ـ سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها ـ دامنهٔ نفوذ ـ آستانهٔ نفوذ

۴) سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها ـ حوزهٔ نفوذ ـ دامنهٔ نفوذ ـ آستانهٔ نفوذ

۱۱۷- با توجه به موارد زیر، کدام گزینه درست است؟

الف) صنعتی‌شدن و توسعهٔ کارخانه‌ها و یا رشد بخش خدمات

ب) کلان‌شهرهای هنگ‌کنگ و مانیل

ج) افزایش جمعیت شهرهای یک کشور

د) مهاجرت روستاییان به شهرها به منظور دستمزد بیشتر

۱) «الف» و «د» باعث گسترش «ج» شده‌اند و «ب»، حاصل «ج» است.

۲) «الف» و «ج» باعث گسترش «د» شده‌اند و «ب»، حاصل «ج» است.

۳) «الف» حاصل «ج» است و «د» باعث گسترش «ب» شده است.

۴) «ب» حاصل «الف» است و «ج» باعث گسترش «د» شده است.

۱۱۸- با توجه به مشخصات شهرهای میلیونی و انواع آن، کدام مورد به درستی تدوین شده است؟

۱) مگاسیتی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر یک ناحیه، استان یا کشور است و با افزایش جمعیت آن، به تدریج منطقهٔ مادرشهری یا مگالاپلیس به وجود می‌آید.

۲) مگاسیتی‌ها همان مادرشهرهایی هستند که در ایران و سراسر جهان، به جمعیت بالای ۱۰ میلیون اطلاق می‌شود و با افزایش جمعیت آن‌ها منطقهٔ مادرشهری به وجود می‌آید.

۳) با افزایش جمعیت مادرشهرها و گسترش حومهٔ آن‌ها به تدریج منطقهٔ مادرشهری به وجود می‌آید که در امتداد راه‌های ارتباطی، شکل کریدوری، خطی، خوشه‌ای و کهکشانی پیدا کرده‌اند.

۴) در نتیجهٔ گسترش فوق‌العادهٔ دو یا چند مگاسیتی در امتداد مسیرهای ارتباطی و حمل‌ونقل، زنجیره‌ای از مادرشهرها به وجود می‌آید که به آن‌ها مگالاپلیس می‌گویند.

۱۱۹- با توجه به شکل‌های زیر، کدام مورد عبارت زیر را به درستی تکمیل می‌کند؟

«مدیران و برنامه‌ریزان شهری تلاش می‌کنند با دستیابی به مورد «ب»، ..... .»

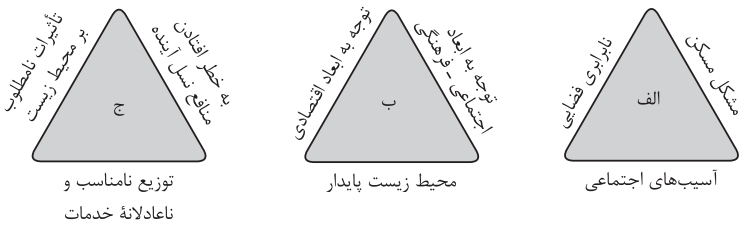

۱) مانع از وقوع مورد «ج» شده و از تبدیل شهرها به مکان‌های مهاجرپذیر جلوگیری کنند

۲) مانع از شکل‌گیری مورد «ج» شده و از تبدیل روستاها به مکان‌های مهاجرپذیر جلوگیری کنند

۳) از شکل‌گیری وضعیت «الف» جلوگیری کرده و از تبدیل روستاها به مکان‌های مهاجرفرست جلوگیری کنند

۴) از شکل‌گیری وضعیت «الف» جلوگیری کرده و از تبدیل شهرها به مکان‌های مهاجرفرست جلوگیری کنند

۱۲۰- کدام مورد مطابق با عبارت زیر تنظیم و تدوین شده است؟

«باید به بالابردن کیفیت زندگی در شهر و روستا به طور هماهنگ توجه شود و در صورت بی‌توجهی به مناطق روستایی و خالی‌شدن این مناطق، مشکلات در مناطق شهری نیز افزایش می‌یابد.»

۱) می‌توان با تشکیل تعاونی‌های تولیدی و اصلاحات ارضی، تجهیزات و خدمات را در روستاها گسترش داد و از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری کرد.

۲) امروزه می‌توان با توسعهٔ کشاورزی که مهم‌ترین عامل توسعهٔ روستایی محسوب می‌شود فقر روستایی را کاهش داد.

۳) می‌توان با طراحی برنامهٔ توسعهٔ روستایی با هدف بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی روستانشینان سه رکن روستای پایدار را فعال کرد.

۴) می‌توان با گسترش انقلاب سبز و ماشینی‌کردن کشاورزی، علاوه بر توسعهٔ اقتصادی، بهره‌مندی از خدمات و میزان اشتغال را افزایش داد.

۱۲۱- با توجه به برنامهٔ آمایش سرزمین و ویژگی‌های آن، کدام گزینه به مورد درستی اشاره می‌کند؟

۱) با توجه به ویژگی «توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های همهٔ مناطق»، کشاورزی و تجارت در مناطق مختلف کشور باید به صورت یکسان و مساوی توسعه یابد.

۲) براساس ویژگی «توجه به نیازهای حال و آینده»، باید از مهاجرت بی‌رویه از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ جلوگیری شود.

۳) با توجه به ویژگی «عدالت در توسعه»، باید ظرفیت‌ها و تأثیر هر منطقه در پیشرفت عمومی کشور شناسایی شود.

۴) براساس ویژگی «توجه به آمایش دفاعی»، باید جنبه‌های دفاع از انواع فعالیت‌ها و تجهیزات، منابع و سرمایه‌های سرزمین در برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته شود.

۱۲۲- در خصوص «سامانهٔ اطلاعات جغرافیایی» و مراحل کار آن، پاسخ درست پرسش‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟

- **علامت اختصاری این سامانه چیست؟**
- **مدل‌سازی مربوط به کدام مرحله از فرایند کار در سامانه است؟**
- **در مرحلهٔ ورودی قبل از کدبندی چه اقدامی انجام می‌شود؟**
- **در کدام مرحله، اطلاعات به صورت گزارش و نقشه نمایش داده می‌شود؟**

۱) GIS ـ پردازش ـ اطلاعات به صورت رقومی به محیط نرم‌افزار وارد می‌شود ـ خروجی

۲) GIS ـ خروجی ـ داده‌ها و اطلاعات از محیط جمع‌آوری می‌شوند ـ پردازش

۳) GMT ـ پردازش ـ داده‌ها و اطلاعات از محیط جمع‌آوری می‌شوند ـ خروجی

۴) GMT ـ خروجی ـ اطلاعات به صورت رقومی به محیط نرم‌افزار وارد می‌شود ـ پردازش

۱۲۳- کدام موارد با ویژگی‌های کشتی‌های «کانتینربر» و «رو ــ رو» مطابقت دارد؟

الف) از نظر اندازه استانداردهای مشخصی دارند و سرعت جابه‌جایی و تخلیهٔ کالاها را به ترتیب افزایش و کاهش می‌دهند. (کانتینربر)

ب) دومین تحول در حمل‌ونقل به شمار می‌روند و از کاربردهای مهم آن‌ها حمل خودروهای صادراتی است. (رو ــ رو)

ج) این کشتی‌ها از دههٔ ۱۹۷۰ میلادی به حمل‌ونقل دریایی اضافه شدند و وسایل نقلیهٔ چرخ‌دار با بار را جابه‌جا می‌کنند. (رو ــ رو)

د) قرارگرفتن کالاها در محفظه‌های خاص و وجود برچسب‌هایی با مشخصات کالاها در این کشتی‌ها مدیریت و انبارداری محموله‌ها را آسان‌تر کرده است. (کانتینربر)

۱) «الف» ـ «ب» ۲) «الف» ـ «ج» ۳) «ب» ـ «د» ۴) «ج» ـ «د»

۱۲۴- هر یک از عبارت‌های زیر به ترتیب مربوط به کدام قسمت در جدول است؟

- **میزان مصرف سوخت و آلایندگی بالا**
- **مناسب برای مسافت‌های متوسط و نسبتاً طولانی**
- **حمل‌ونقل آبی**
- **حمل‌ونقل هوایی**

انواع شیوه‌های حمل‌ونقل	ویژگی‌های شیوه‌های حمل‌ونقل
(ج)	امنیت بسیار زیاد
حمل‌ونقل جاده‌ای	(الف)
(ب)	مقرون‌به‌صرفه‌ترین شیوه برای جابه‌جایی کالا در مسافت‌های طولانی
حمل‌ونقل ریلی	(د)

۱) «الف» ـ «د» ـ «ج» ـ «ب» ۲) «الف» ـ «د» ـ «ب» ـ «ج»

۳) «د» ـ «الف» ـ «ج» ـ «ب» ۴) «د» ـ «الف» ـ «ب» ـ «ج»

۱۲۵- با توجه به موارد زیر، کدام گزینه در خصوص شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران درست است؟

الف) راه‌آهن کلان‌شهرهای تهران ـ مشهد به طول ۱۰۰۰ کیلومتر برقی است و حداکثر سرعت قطارهای این مسیر ۲۰۰ کیلومتر در ساعت است.

ب) پرترددترین بنادر مسافری و باری ایران به ترتیب بنادر شهید حقانی، قشم، چارک و خرمشهر بوده‌اند.

ج) در حال حاضر فقط یک خط آهن برقی به طول ۱۴۸ کیلومتر در کشور وجود دارد و حداکثر سرعت قطارها ۱۶۰ کیلومتر در ساعت است.

د) فراورده‌های نفتی کشور، کالاهای اساسی، فلزی، ساختمانی، معدنی، ماشین‌آلات و منسوجات از طریق حمل‌ونقل دریایی کشور انجام می‌شود.

۱) موارد «الف» و «ج» برخلاف «ب» و «د» با ویژگی شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران مطابقت دارد.

۲) موارد «ج» و «د» برخلاف «الف» و «ب» با ویژگی شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران مطابقت دارد.

۳) موارد «الف» و «د» برخلاف «ب» و «ج» با ویژگی شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران مغایرت دارد.

۴) موارد «ب» و «ج» برخلاف «الف» و «د» با ویژگی شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران مغایرت دارد.

۱۲۶- در چند مورد از موارد زیر، قطعاً وجود عین ماهیت خواهد بود؟

الف) اگر نوع حمل وجود بر ماهیت، مانند حمل سیماب بر جیوه باشد.

ب) اگر وجود و ماهیت از یکدیگر جدایی‌ناپذیر باشند.

ج) اگر تمایزی میان اشیا باقی نمانده باشد.

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) صفر

۱۲۷- آن‌جا که می‌گوییم «آن‌چه در جهان منشأ اثر محسوب می‌شود، وجود است»، به دنبال بیان مفهوم کدام گزینه هستیم؟

۱) وجود وجه اشتراک موجودات است که جنبه‌ای متفاوت از ماهیت است.

۲) حمل وجود بر هر ماهیت نیاز به دلیل دارد، چراکه وجود نیاز انسان را رفع می‌کند.

۳) پذیرش و شناخت واقعیت‌های مستقل از ذهن، برطرف‌کنندهٔ نیازهای انسان است.

۴) استفاده از صفات اشارهٔ «این» یا «آن» به معنای پذیرش وجود اشیا است.

۱۲۸- کدام گزینه به نحوی نشان‌دهندهٔ استدلال مورد قبول برای پذیرش مغایرت وجود و ماهیت نیست؟

۱) در صورت عینیت وجود و ماهیت، همهٔ امور واجب‌الوجود می‌شوند.

۲) امکان دارد بدون این‌که از چیستی موجودی آگاه باشیم، وجود و واقعیت آن را درک کرده باشیم.

۳) امور تخیلی و فرضی، اموری هستند که دارای وجه تفاوت هستند، اما از وجه اشتراک محروم هستند.

۴) وجود و ماهیت دو جزء یک موجود نیستند، بلکه دو جنبه از موجود هستند که در ذهن دو مفهوم متفاوت هستند.

۱۲۹- کدام عبارت درست است؟

۱) قضیهٔ «واجب‌الوجود بالغیر، ممکن‌الوجود بالذات است»، امکانی است.

۲) تنها چیزی که می‌تواند امکان ذاتی ماهیت را از بین ببرد و آن را موجود کند، علّت است.

۳) حمل ممکن‌الوجود بالذات بر ممکن‌الوجود بالغیر از نظر نسبت، مانند حمل اسب بر انسان است.

۴) واجب‌الوجود بالذات، تنها ذاتی است که در وجوب‌بخشی به خود، نیازمند هیچ موجود دیگری نیست.

۱۳۰- در کدام گزینه نسبت هر دو قضیه یکسان است؟

۱) ممکن‌الوجود بالذات، ممتنع‌الوجود بالغیر است ـ شاعر، ناطق است.

۲) ناطق، شاعر است ـ عدد هشت، زوج نیست.

۳) عدد اول، فرد است ـ مربع، مستطیل است.

۴) مثلث شکل است ـ شکل، دارای ضلع است.

۱۳۱- کدام مورد به تفاوت قطعی واجب‌الوجود بالذات و واجب‌الوجود بالغیر اشاره دارد؟

۱) واجب‌الوجود بالذات همیشه بوده، هست و خواهد بود.

۲) واجب‌الوجود بالغیر در حال حاضر موجودیت دارد.

۳) واجب‌الوجود بالذات برای ضرورت وجود مستقل از علّت است.

۴) واجب‌الوجود بالغیر، ضرورت وجودش از خودش است اما دوامش وابسته به دیگری است.

۱۳۲- کدام گزینه دربارهٔ علیّت درست است؟

۱) برخلاف سایر روابط در جهان است که در آن‌ها وجود دو طرف به یکدیگر وابسته است.

۲) رابطه‌ای است وجودی که در آن یک طرف به طرف دیگر وجودبخشی می‌کند.

۳) رابطه‌ای وجودی است؛ به این معنا که دو طرف در اصل وجود به یکدیگر وابسته‌اند.

۴) مانند سایر روابط موجود در جهان، به وجود دو طرف نیاز است تا شکل بگیرد.

۱۳۳- کدام گزینه در باب علیّت و فروع آن درست است؟

۱) گروه‌های مختلف فلاسفه معتقدند اصل سنخیت نیز همچون اصل علیّت عقلی است.

۲) انسان پس از درک علیّت، درمی‌یابد هر حادثه علّتی دارد، که به آن اصل سنخیت می‌گویند.

۳) دکارت معتقد بود علیّت امری فطری است و انسان علّت هر معلولی را بدون نیاز به تجربه و آموزش درمی‌یابد.

۴) ابن سینا معتقد بود توالی حوادث الزاماً به معنای علیّت نیست و تجربه‌گرایی نمی‌تواند تبیین درستی از علیّت ارائه دهد.

۱۳۴- کدام مورد دقیقاً به اصل سنخیت مربوط است؟

۱) ارتباط میان پدیده‌های عالم

۲) امکان پیش‌بینی وقایع نجومی

۳) جدایی‌ناپذیری علّت و معلول از یکدیگر

۴) کاشتن بذر توسط کشاورز و فراهم‌کردن سایر شرایط

۱۳۵- کدام شخص می‌تواند ادعا کند که وقوع اتفاق به معنای دوم را ممکن می‌داند؟ دانش‌آموزی که .....

۱) تمام تلاش خود برای موفقیت در کنکور را انجام داده، ولی هم‌چنان گمان می‌کند ممکن است موفق نشود.

۲) برای موفقیت در کنکور به جای درس‌خواندن، اکثر وقت خود را به ورزش می‌پردازد.

۳) معتقد است هیچ عاملی نمی‌تواند موفقیت وی در کنکور را تضمین کند.

۴) می‌خواهد در کنکور موفق شود، ولی هیچ تلاشی نمی‌کند.

۱۳۶- کدام گزینه دربارهٔ معانی اتفاق درست است؟

۱) کسی که به اصل علیّت و فروع آن معتقد است، هیچ‌کدام از معانی اتفاق را نمی‌پذیرد.

۲) عدم توجه به اجزای علّت تامه، به آن معناست که ممکن است اجزای علّت، سنخیتی با معلول مورد نظر نداشته باشند.

۳) معنای دوم اتفاق چنان است که ممکن است در حوزهٔ اندیشه و نظر مقبول فیلسوفی باشد، ولی در زندگی عملی هرگز مقبول او نیست.

۴) از آن‌جا که معنای چهارم اتفاق به دلیل عدم آگاهی مردم از اجزای علّت مورد توجه قرار می‌گیرد، از نظر اصول فلسفی بلامانع است.

۱۳۷- کدام مورد می‌تواند جملهٔ زیر را به درستی کامل کند؟

«**هر کس معتقد به معنای اول اتفاق باشد،** .....»

۱) قطعاً وجوب علّی و معلولی را مورد انکار قرار می‌دهد.

۲) می‌تواند سایر معانی اتفاق را هم به ترتیب بپذیرد.

۳) به طور قطع رابطهٔ علیت برای او بی‌معنا است.

۴) نمی‌تواند وقوع حوادث پیش‌بینی‌نشده را بپذیرد.

۱۳۸- کدام عبارت نادرست است؟

۱) از نظر فیلسوفانی مانند دکارت و کانت، معنابخشیِ اعتقاد به خداوند به زندگی، بدون اثبات وجود او ممکن نیست.

۲) افلاطون می‌کوشد تا در جامعهٔ شرک‌آلود یونان از واقعیتی سخن بگوید که تضمین‌کنندهٔ انسجام حوادث عالم است.

۳) دکارت در استدلال خود بر اثبات وجود خداوند از امتناع داشتن تصور از نامتناهی استفاده نکرد.

۴) مقدمهٔ مشترک برهان‌های ارسطو در اثبات خداوند، امکان شناخت جهان است.

۱۳۹- در کدام مورد ترتیب موارد بیان‌شده، با ترتیب مراحل برهان اخلاقی کانت سازگار است؟

۱) وجود وجدان اخلاقی ـ اثبات جهان غیرمادی ـ اثبات نفس مجرد

۲) اثبات اختیار ـ اثبات جهان غیرمادی ـ اثبات ضرورت خدای جاودان

۳) اثبات تجرد نفس ـ اثبات جهان غیرمادی ـ اثبات اختیار

۴) اثبات تجرد نفس ـ اثبات اختیار ـ اثبات وجدان اخلاقی

۱۴۰- کدام گزینه در ارتباط با نظرات فلاسفهٔ دورهٔ جدید اروپا در بحث اثبات خدا، درست نیست؟

۱) دکارت از موجودی نامتناهی و علیم و قدیر سخن گفت.

۲) هیوم خدا را موجودی نامتناهی، ازلی، بی‌نیاز از علّت و ابدی می‌داند.

۳) کرکگور معتقد بود ایمان هدیهٔ الهی است و نیاز به پشتوانهٔ عقلی ندارد.

۴) از نظر افلاطون حقایق شبیه مثال خیر هستند و از خدا با نام صانع نیز یاد می‌کند.

۱۴۱- کدام گزینه منظور از «تقدم علّت بر معلول» در برهان فارابی را بهتر بیان می‌کند؟

۱) امکان ندارد که معلول باشد، ولی علّتش نباشد.

۲) امکان ندارد که معلول قبل از علّت به وجود بیاید.

۳) برای وجود معلول لازم است علّتش موجود باشد.

۴) برای وجود معلول لازم است که علّت پیشاپیش موجود باشد.

۱۴۲- کدام مورد از مقدمات برهان ابن سینا بر اثبات خداوند نیست؟

۱) امکان ذاتی برای به وجود آمدن اشیا کافی نیست.

۲) انسان می‌تواند امکان ذاتی موجودات جهان را بشناسد.

۳) هر موجودی در حال وجوب، موجود است و نیاز به وجوب‌بخش دارد.

۴) ضمیمه‌شدن ممکن‌الوجودها به یکدیگر باعث پدیدآمدن وجوب نمی‌شود.

۱۴۳- فارابی در استدلال خود برای اثبات خدا .....

۱) معتقد بود که صرفاً باید از مفاهیم استفاده‌شده توسط ارسطو در برهان‌هایش بهره برد.

۲) همچون ابن سینا در مقدمات برهانش نفی تسلسل علل نامتناهی را مطرح می‌کند.

۳) تسلسل علل را امری ناممکن و محال نمی‌داند.

۴) در قدم اول بیان نمود هر معلولی علّت دارد.

۱۴۴- کدام مورد نشان‌دهندهٔ عامل اصلی تمایز هیوم با سایر فلاسفه در بحث یافتن منشأ درک علیّت است؟

۱) هیوم درک علیّت را امری غیرتجربی و بدون نیاز به آموزش می‌دانست.

۲) هیوم در ازای تلاش برای نشان‌دادن چگونگی درک علیّت از چرایی باور عموم مردم به آن سخن گفت.

۳) به عقیدهٔ او یافتن تکرار و توالی پدیده‌ها با حس، گاهی موجب درک علیّت می‌شود و گاهی هم مثل «رعد» و «برق» با علیّت بی‌ارتباط است.

۴) او مبنای شناخت و معرفت را حس و تجربه می‌داند، از همین رو در تلاش است برای درک علیّت یک راه تجربی بیابد.

۱۴۵- کدام گزینه به نحوی نشان‌دهندهٔ مفهوم محرّک و غیرمتحرک ارسطو، به شیوه‌ای بهتر است؟

۱) علّة‌العلل
۲) شریف‌ترین موجود
۳) واجب‌الوجود
۴) بَری از امکان فطری

پاسخ‌نامهٔ تشریحی آزمون را ساعت ۱۶ از صفحهٔ شخصی خودتان در سایت آزمون خیلی سبز دریافت کنید.

azmoon.kheilisabz.com

اساتید، مشاوران و دانش‌آموزان گرامی؛

نظرات، پیشنهادات، انتقادات و بازخوردهای خود نسبت به سؤالات این آزمون را می‌توانید از طریق آیدی Kheilisabz_edit@ در همهٔ پیام‌رسان‌ها با ما به اشتراک بگذارید.

پاسخ‌نامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

رشته انسانی

پایه دوازدهم	مرحله دهم
سال تحصیلی ۰۴-۱۴۰۳	تاریخ برگزاری: ۲۸/دی/۱۴۰۳

نام درس	طراحان به ترتیب حروف الفبا
ریاضی	سوگند روشنی ـ علی شهرابی ـ علی قهرمان‌زاده ـ فرشید کریمی
زبان و ادبیات فارسی	ابوالفضل قاضی ـ مهدی کرانی ـ بهنام کیانی ـ یعقوب کیانی ـ حسینعلی موسی‌زاده
علوم اجتماعی	محمدابراهیم مازنی ـ فاطمه صفری
زبان عربی	ولی برجی ـ کیارش پورمهدی ـ آریا ذوقی ـ کاظم غلامی ـ خالد مشیرپناهی ـ آیدین مصطفی‌زاده
تاریخ	رویا بهیاد ـ خدیجه جنت علیپور ـ مریم صالحی
جغرافیا	سعید بهروزی‌فر ـ مریم صالحی ـ مجید مصطفوی
فلسفه و منطق	علی‌اکبر آخوندی ـ سیاوش خداشناس ـ سعید رحیمیان ـ مجید قدرتی‌پور

نام درس	مسئول درس	گزینشگر	مؤلف پاسخ‌نامه	کارشناسان علمی	ویراستاران به ترتیب حروف الفبا
ریاضی	علی شهرابی	علی شهرابی	علیرضا کاظمی‌بقا	شقایق راهبریان	زهرا جالینوسی زهرا فتحی
زبان و ادبیات فارسی	یعقوب کیانی	یعقوب کیانی	یعقوب کیانی	جمال طباطبائی‌نژاد	معین دانایی امیرمحمد شیرزاد صادق محرمی
علوم اجتماعی	محمدابراهیم مازنی	محمدابراهیم‌مازنی	محمدابراهیم‌مازنی	فروغ نجمی تیموریان فرناز سلیمانی	علی سلوکی عرفان شهرآئینی زهره قموشی
زبان عربی	کاظم غلامی	کاظم غلامی	آریا ذوقی	جمال‌الدین هنرور محمدنوید راست خدیو حسام حاج مومن	منیژه خسروی سمانه ریحانی
تاریخ	خدیجه جنت‌علیپور	خدیجه جنت‌علیپور	خدیجه جنت‌علیپور	مریم صالحی	بهروز یحیی کیانا یوسف‌زاده
جغرافیا	مریم صالحی	مریم صالحی	مریم صالحی	خدیجه جنت‌علیپور	بهروز یحیی کیانا یوسف‌زاد
فلسفه و منطق	محمدجواد سه‌دهی	علی‌اکبر آخوندی	علی‌اکبر آخوندی	علی آقاجانپور	سحر سالیانی علی سلوکی مهدیار وکیل‌زاده

سرپرست محتوایی: فاطمه آقاجانپور
مشاور محتوایی: مریم صالحی

ویژه کنکوری‌های ۱۴۰۴

شروع مجدد دوازدهم از مهر

Azmoon.kheilisabz.com

آزمون آزمایشی خیلی سبز

سرپرست تولید	الناز علی‌یاری‌زاده
ویراستاران فنی	راضیه سادات خلدی‌نسب ـ زهرا صفری محیا غنی‌فرد ـ زهرا فرهادی‌مهر مریم مسلمی‌زاده ـ ساعده نمازی
رسام	مونا آندستا ندا فخاری سارا گنجی آزادپور
صفحه‌آرایی	سحر ازلی تاش ـ مریم حسین‌زاده سارا حاتمی ـ سپیده سخایی مائده صبری ـ نیلوفر فرخجسته مهدیه گل‌پور ـ لیلا نعمت‌پور

Azmoon.kheilisabz.com

۱ **چند عدد سه‌رقمی بدون ارقام تکراری داریم که ارقام آن یکی در میان فرد و زوج باشد و حتماً یکی از ارقامش ۷ باشد؟**

۱) ۵۶ ۲) ۵۴ ۳) ۵۸ ۴) ۶۰

Hint برای رقم ۷، سه جایگاه در نظر بگیرید و با توجه به شرط سؤال تعداد حالات مطلوب را محاسبه کنید.

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول**: با توجه به این‌که رقم ۷ حتماً باید وجود داشته باشد، سه حالت مختلف زیر را در نظر می‌گیریم. بعد با توجه به این‌که ارقام باید غیرتکراری و یکی در میان زوج و فرد باشند، خانه‌های دیگر را پر می‌کنیم.

حالت اول (رقم ۷ در یکان):

$$\underset{۱,۳,۵,۹}{\underline{۴}} \times \overset{۰,۲,۴,۶,۸}{\underline{۵}} \times \underset{۷}{\underline{۱}} = ۲۰$$

یکان ۷ بوده، پس صدگان باید فرد باشد.

حالت دوم (رقم ۷ در دهگان):

دهگان ۷ بوده، پس صدگان باید زوج باشد و صفر هم نمی‌تونه باشه.

$$\underline{۴} \times \underset{۷}{\underline{۱}} \times \overset{۲,۴,۶,۸}{\underline{۴}} = ۱۶$$

یکی از ارقام ۲،۴،۶،۸ رو استفاده کردیم، این‌جا صفر هم می‌تونیم بذاریم، پس ۴ حالت می‌شه.

حالت سوم (رقم ۷ در صدگان):

$$\underset{۷}{\underline{۱}} \times \overset{۰,۲,۴,۶,۸}{\underline{۵}} \times \underset{۱,۳,۵,۹}{\underline{۴}} = ۲۰$$

گام دوم: حال طبق اصل جمع، خواستهٔ سؤال را به دست می‌آوریم:

$$۲۰ + ۱۶ + ۲۰ = ۵۶$$

۲ مجموعهٔ $\{۱,۲,۳,...,۹\}$ چند زیرمجموعهٔ چهارعضوی دارد که حداکثر یکی از اعداد ۲ و ۳ در آن هستند؟

۱) ۱۰۰ ۲) ۱۰۲ ۳) ۱۰۵ ۴) ۱۴۷

Hint حداکثر یکی از اعداد ۲ و ۳ در زیرمجموعه‌ها باشند، یعنی یا ۲ باشد و ۳ نباشد، یا ۳ باشد و ۲ نباشد، یا هر دو وجود نداشته باشند. با توجه به این موضوع، تعداد حالات مطلوب را محاسبه کنید.

نکته تعداد زیرمجموعه‌های rعضوی از یک مجموعهٔ nعضوی برابر است با:

$$\binom{n}{r}=\frac{n!}{(n-r)!r!}$$

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول**: مجموعهٔ داده‌شده دارای ۹ عضو است، می‌خواهیم حداکثر یکی از اعداد ۲ و ۳ در زیرمجموعه‌های مورد نظر وجود داشته باشد و هم‌چنین زیرمجموعه‌ها چهارعضوی باشد، پس حالت‌های زیر را در نظر می‌گیریم:

از ۹ عضو، ۷ عضو باقی می‌مونه

هیچ کدام از ارقام ۲ و ۳ وجود نداشته باشد: $\binom{۷}{۴}=\frac{۷!}{۴!\times ۳!}=\frac{۷\times \cancel{۶}\times ۵\times \cancel{۴!}}{\cancel{۴!}\times \cancel{۳!}}=۳۵$

ارقام موجود به جز ۲ و ۳

عدد ۲ وجود داشته باشد و ۳ نباشد: $\binom{۷}{۳}=\frac{۷!}{۳!\times ۴!}=\frac{۷\times \cancel{۶}\times ۵\times \cancel{۴!}}{\cancel{۳!}\times \cancel{۴!}}=۳۵$

رقم ۲ انتخاب شده، پس ۳ تای دیگه باید انتخاب بشه.

ارقام موجود به جز ۲ و ۳

عدد ۳ وجود داشته باشد و ۲ نباشد: $\binom{۷}{۳}=\frac{۷!}{۳!\times ۴!}=\frac{۷\times \cancel{۶}\times ۵\times \cancel{۴!}}{\cancel{۳!}\times \cancel{۴!}}=۳۵$

رقم ۳ انتخاب شده، پس ۲ تای دیگه باید انتخاب بشه.

گام دوم: پس طبق اصل جمع، خواستهٔ سؤال عبارت است از:

$۳۵+۳۵+۳۵=۱۰۵$

۳ اگر داشته باشیم $\begin{pmatrix} ۱۲ \\ ۲n-۷ \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} ۱۲ \\ n+۱ \end{pmatrix}$، آن‌گاه مجموع مقادیر قابل قبول برای n کدام است؟

۱) ۱۱ ۲) ۱۲ ۳) ۱۳ ۴) ۱۴

نکته اگر داشته باشیم $\begin{pmatrix} * \\ \bigcirc \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} * \\ \square \end{pmatrix}$، یکی از دو حالت زیر وجود خواهد داشت:

$\bigcirc = \square$

$\bigcirc + \square = *$

پاسخ خیلی تشریحی توجه کنید که $*$، $\bigcirc$ و $\square$ اعداد طبیعی بوده، هم‌چنین $\bigcirc$ و $\square$ باید کوچک‌تر یا مساوی $*$ باشند.

گام اول: عدد بالایی در هر دو ترکیب داده‌شده برابر است، پس بنابر نکتهٔ گفته‌شده خواهیم داشت:

$$\begin{pmatrix} ۱۲ \\ n+۱ \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} ۱۲ \\ ۲n-۷ \end{pmatrix} \Rightarrow \begin{cases} n+۱ = ۲n-۷ \Rightarrow n = ۸ \xrightarrow[\text{درتساوی}]{\text{جاگذاری}} \begin{pmatrix} ۱۲ \\ ۹ \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} ۱۲ \\ ۹ \end{pmatrix} \\ (n+۱)+(۲n-۷) = ۱۲ \Rightarrow ۳n-۶ = ۱۲ \Rightarrow n = ۶ \xrightarrow[\text{درتساوی}]{\text{جاگذاری}} \begin{pmatrix} ۱۲ \\ ۷ \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} ۱۲ \\ ۵ \end{pmatrix} \end{cases}$$

گام دوم: هر دو مقدار به‌دست‌آمده برای n قابل قبول هستند، پس مجموع مقادیر n برابر است با:

$۸+۶=۱۴$

۴ شش نفر قرار است کنار هم عکس بگیرند. در چند حالت بین دو فرد خاص حداقل یک نفر می‌ایستد؟

۱) ۲۴۰

۲) ۴۸۰

۳) ۵۴۰

۴) ۳۶۰

مشاوره در بحث شمارش، توجه ویژه‌ای به جایگشت‌های خاص داشته باشید، چراکه به صورت مستقیم و غیرمستقیم در سؤال‌ها استفاده می‌شوند.

نکته در برخی از سؤالات شمارش، به دست آوردن خواستهٔ سؤال دشوار است. در این موارد می‌توانیم از «متمم» استفاده کنیم، به این صورت که حالت‌های نامطلوب را از تعداد کل حالت‌ها کم می‌کنیم تا خواستهٔ سؤال به دست آید.

تعداد حالات مطلوب = تعداد کل حالات − تعداد حالات نامطلوب

نکته هرگاه بخواهیم جایگشت تعداد شیء را محاسبه کنیم به صورتی که دو یا چندتای آن‌ها کنار هم باشند، اشیای مورد نظر را به صورت یک بسته در نظر می‌گیریم (یک بسته را یک شیء حساب می‌کنیم) و جایگشت را با سایر اشیا محاسبه می‌کنیم. در آخر نیز جواب را باید در جایگشت اعضای داخل بسته ضرب کنیم.

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول**: تعداد کل حالت‌هایی که شش نفر می‌توانند کنار هم بایستند برابر است با:

$۶! = ۷۲۰$

گام دوم: برای راحتی کار از متمم استفاده می‌کنیم. دو نفر خاص را a و b در نظر می‌گیریم، متمم خواستهٔ سؤال عبارت است از این‌که هیچ‌کس بین a و b نباشد (a و b کنار هم باشند)، پس a و b را در یک بسته کنار هم فرض می‌کنیم:

$\boxed{a\,b}\boxed{}\boxed{}\boxed{}\boxed{} : \underbrace{۵!}_{\text{جایگشت داخل بسته}} \times ۲! = ۱۲۰ \times ۲ = ۲۴۰$

گام سوم: پس خواستهٔ سؤال برابر می‌شود با:

تعداد حالات مطلوب = تعداد کل حالات − تعداد حالات نامطلوب $= ۷۲۰ - ۲۴۰ = ۴۸۰$

۵ در مسابقات دومیدانی المپیک، ۵ ایستگاه وجود دارد که اگر دوندگان تشنه شدند، می‌توانند از آن‌جا آب بردارند. هر شرکت‌کننده به چند حالت می‌تواند مسابقه را به پایان برساند به طوری که از هیچ دو ایستگاه متوالی آب برندارد؟

۱) ۱۲ ۲) ۱۳

۳) ۱۴ ۴) ۱۵

مشاوره در بعضی از سؤال‌های شمارش، نوشتن حالت‌های مطلوب، حل سؤال را برایتان ساده‌تر می‌کند، پس گاهی نیاز نیست از ترکیب و فاکتوریل استفاده کنیم.

Hint به طور جداگانه تعداد ایستگاه‌هایی که هر ورزشکار در آن توقف می‌کند را در نظر بگیرید و با توجه به شرط سؤال حالت‌های مطلوب را محاسبه کنید.

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول**: با توجه به این‌که هر شرکت‌کننده در هیچ دو ایستگاه متوالی توقف نمی‌کند، حالت‌های زیر را در نظر می‌گیریم:

- در هیچ ایستگاهی توقف نکند: ۱ حالت
- در یک ایستگاه توقف کند؛ باید یکی از ۵ ایستگاه انتخاب شود: $\binom{۵}{۱}=۵$
- در دو ایستگاه توقف کند؛ شمارهٔ ایستگاه‌هایی که می‌تواند در آن‌ها بایستد را می‌نویسیم:

$$\underbrace{(۱,۳),(۱,۴),(۱,۵),(۲,۴),(۲,۵),(۳,۵)}_{\text{۶ حالت}}$$

- در سه ایستگاه توقف کند؛ فقط می‌تواند در ایستگاه‌های اول، سوم و پنجم بایستد، پس ۱ حالت دارد.

توجه کنید که اگر بخواهد در چهار یا پنج ایستگاه توقف کند، خواستهٔ سؤال برآورده نمی‌شود، یعنی در این حالت‌ها حتماً در دو ایستگاه متوالی توقف خواهد کرد.

گام دوم: پس بنابر اصل جمع، خواستهٔ سؤال برابر می‌شود با:

$$۱+۵+۶+۱=۱۳$$

گول نخوری اگر «توقف‌نکردن در هیچ ایستگاهی» را در نظر نمی‌گرفتیم، آن‌گاه به اشتباه گزینهٔ (۱) را انتخاب می‌کردیم.

۶ فرض کنید **A**، **B** و **C** سه پیشامد غیرتهی در فضای نمونهٔ **S** باشند. عبارت مجموعه‌ای مربوط به پیشامد «فقط پیشامد **A** رخ دهد و پیشامدهای **B** یا **C** رخ ندهد» کدام است؟

۱) $A-(B\cap C)$ ۲) $A-(B\cup C)$

۳) $(B\cup C)$ ۴) $(B\cap C)-A$

مشاوره توجه ویژه‌ای به کار در کلاس، فعالیت و تمرین‌های کتاب درسی داشته باشید. این سؤال از یکی از کار در کلاس‌های کتاب مطرح شده است.

درس Box

اگر A و B دو پیشامد از فضای نمونه‌ای S باشند، آن‌گاه:

۱) پیشامد $A\cap B$ وقتی رخ می‌دهد که پیشامد A و B با هم رخ دهند:

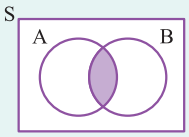

۲) پیشامد $A\cup B$ وقتی رخ می‌دهد که پیشامد A یا پیشامد B (حداقل یکی از آن‌ها) رخ دهند:

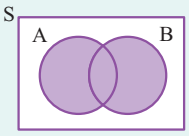

۳) پیشامد $A-B$ وقتی رخ می‌دهد که پیشامد A رخ دهد ولی پیشامد B رخ ندهد:

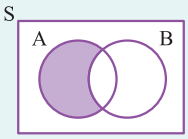

۴) پیشامد A' وقتی رخ می‌دهد که پیشامد A رخ ندهد:

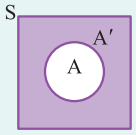

پاسخ خیلی تشریحی نمودار ون «فقط پیشامد A رخ دهد و پیشامدهای B یا C رخ ندهد» به شکل زیر است:

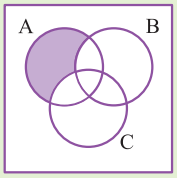

این عبارت به زبان ریاضی به صورت $A-(B\cup C)$ نوشته می‌شود؛ بنابراین گزینهٔ (۲) درست است.

۷ با حروف کلمهٔ «دانش‌پژوه» یک واژهٔ شش‌حرفی با حروف متمایز می‌سازیم. با کدام احتمال، واژهٔ ساخته‌شده به حروف نقطه‌دار ختم می‌شود؟

۱) $\frac{۲}{۳}$ ۲) $\frac{۱}{۳}$ ۳) $\frac{۱}{۲}$ ۴) $\frac{۳}{۴}$

پاسخ خیلی تشریحی

گام اول: ابتدا تعداد حالت‌هایی که با هشت حرف داده‌شده می‌توان یک کلمهٔ شش‌حرفی ساخت را به دست می‌آوریم (حالات کلی):

$$n(S)=\underset{\text{اول}}{\frac{۸}{}}\times\underset{\text{دوم}}{\frac{۷}{}}\times\underset{\text{سوم}}{\frac{۶}{}}\times\underset{\text{چهارم}}{\frac{۵}{}}\times\underset{\text{پنجم}}{\frac{۴}{}}\times\underset{\text{ششم}}{\frac{۳}{}}$$

گام دوم: حروف نقطه‌دار در این‌جا عبارت‌اند از «ن، ش، پ، ژ» که تعدادشان چهارتا است. حالات مطلوب حالاتی است که حروف نقطه‌دار در آخر کلمه باشد، پس تعدادشان برابر می‌شود با:

$$n(A)=\underset{\text{اول}}{\frac{۷}{}}\times\underset{\text{دوم}}{\frac{۶}{}}\times\underset{\text{سوم}}{\frac{۵}{}}\times\underset{\text{چهارم}}{\frac{۴}{}}\times\underset{\text{پنجم}}{\frac{۳}{}}\times\overset{\text{ن، ش، پ، ژ}}{\underset{\text{ششم}}{\frac{۴}{}}}$$

گام سوم: پس احتمال خواسته‌شده برابر می‌شود با:

$$P(A)=\frac{n(A)}{n(S)}\Rightarrow P(A)=\frac{\cancel{۷}\times\cancel{۶}\times\cancel{۵}\times\cancel{۴}\times\cancel{۳}\times۴}{۸\times\cancel{۷}\times\cancel{۶}\times\cancel{۵}\times\cancel{۴}\times\cancel{۳}}=\frac{۴}{۸}\Rightarrow P(A)=\frac{۱}{۲}$$

یه‌جور دیگه

تعداد حالات کل و حالت‌های مطلوب از راه‌های زیر نیز به دست می‌آید:

$$n(S)=\overset{\text{انتخاب ۶ حرف از ۸ حرف}}{\binom{۸}{۶}}\times\underset{\text{جایگشت شش حرف}}{۶!}\Rightarrow n(S)=\frac{۸!}{۲!\times\cancel{۶!}}\times\cancel{۶!}=\frac{۸\times۷\times۶\times۵\times۴\times۳\times\cancel{۲}\times\cancel{۱}}{\cancel{۲}\times\cancel{۱}}$$

$$n(A)=\overset{\text{انتخاب یک حرف از حروف نقطه‌دار}}{\binom{۴}{۱}}\times\underset{\text{انتخاب ۵ حرف از حروف باقی‌مانده}}{\binom{۷}{۵}}\times۵!\Rightarrow n(A)=\overset{۲}{\cancel{۴}}\times\frac{\overbrace{۷!}^{۷\times۶\times۵!}}{\cancel{۲!}\times\cancel{۵!}}\times۵!$$

در نتیجه:

$$P(A)=\frac{n(A)}{n(S)}=\frac{\cancel{۲}\times\cancel{۷}\times\cancel{۶}\times۵!}{\overset{۴}{\cancel{۸}}\times\cancel{۷}\times\cancel{۶}\times۵\times۴\times۳}=\frac{\cancel{۵}\times\cancel{۴}\times\cancel{۳}\times۲}{۴\times\cancel{۵}\times\cancel{۴}\times\cancel{۳}}=\frac{۲}{۴}=\frac{۱}{۲}$$

۸ در یک جمع سه‌نفره، چه‌قدر احتمال دارد ماه تولد حداقل یکی از آن‌ها، مرداد باشد؟

۱) $\frac{۳۹۱}{۱۷۲۸}$

۲) $\frac{۳۹۵}{۱۷۲۸}$

۳) $\frac{۳۹۷}{۱۷۲۸}$

۴) $\frac{۴۰۱}{۱۷۲۸}$

Hint از طریق احتمال متمم (احتمال این‌که ماه تولد هیچ‌کدام مرداد نباشد) خواستهٔ سؤال را به دست آورید.

نکته گاهی اوقات به دست آوردن احتمال خواسته‌شده به صورت مستقیم دشوار است؛ در این شرایط ابتدا احتمال پیشامد متمم $(P(A'))$ را به دست آورده و پس از طریق رابطهٔ زیر احتمال خواسته‌شده را به دست می‌آوریم:

$$P(A)=۱-P(A')$$

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول:** متمم این‌که ماه تولد حداقل یکی از آن‌ها مرداد باشد این است که هیچ‌کدام آن‌ها متولد مرداد نباشند. ابتدا احتمال پیشامد متمم را محاسبه می‌کنیم و سپس خواستهٔ سؤال را به دست می‌آوریم.

گام دوم: احتمال این‌که هر کدام آن‌ها متولد مرداد نباشد، $\frac{۱۱}{۱۲}$ است، پس احتمال متمم برابر می‌شود با:

$$P(A')=\frac{۱۱}{۱۲}\times\frac{۱۱}{۱۲}\times\frac{۱۱}{۱۲}=\frac{۱۳۳۱}{۱۷۲۸}$$

گام سوم: خواستهٔ سؤال برابر است با:

$$P(A)=۱-P(A') \Rightarrow P(A)=۱-\frac{۱۳۳۱}{۱۷۲۸}=\frac{۳۹۷}{۱۷۲۸}$$

۹ در کیسه‌ای ۵ مهرهٔ قرمز و تعدادی مهرهٔ سفیدرنگ داریم. اگر ۲ مهرهٔ قرمز دیگر در کیسه قرار دهیم، احتمال خارج‌شدن مهره به رنگ سفید $\frac{۱}{۲۴}$ کم می‌شود. تعداد مهره‌های سفید در ابتدا، کدام می‌تواند باشد؟

۱) ۳۵ ۲) ۳۲

۳) ۲۸ ۴) ۲۵

پاسخ خیلی تشریحی

گام اول: ابتدا تعداد مهره‌های سفید را n فرض می‌کنیم. ۵ مهرهٔ قرمز داریم، پس تعداد کل مهره‌ها می‌شود $n+۵$؛ بنابراین احتمال اولیهٔ این‌که مهرهٔ سفید خارج شود را $P(A)$ فرض می‌کنیم و برابر می‌شود با:

$$P(A)=\frac{n}{n+۵}$$

گام دوم: اگر دو مهرهٔ قرمز به کیسه اضافه کنیم، تعداد کل مهره‌ها می‌شود $n+۷$. در این حالت احتمال خارج‌شدن مهرهٔ سفید را $P(B)$ می‌نامیم و برابر می‌شود با:

$$P(B)=\frac{n}{n+۷}$$

گام سوم: طبق صورت سؤال $P(A)-P(B)=\frac{۱}{۲۴}$، پس:

$$P(A)-P(B)=\frac{۱}{۲۴} \Rightarrow \frac{n}{n+۵}-\frac{n}{n+۷}=\frac{۱}{۲۴} \xrightarrow[\text{می‌گیریم}]{\text{مخرج مشترک}}$$

$$\frac{\overbrace{n(n+۷)}^{n^۲+۷n}-\overbrace{n(n+۵)}^{n^۲+۵n}}{\underbrace{(n+۵)(n+۷)}_{n^۲+۱۲n+۳۵}}=\frac{۱}{۲۴} \Rightarrow \frac{۲n}{n^۲+۱۲n+۳۵}=\frac{۱}{۲۴}$$

$$\Rightarrow n^۲+۱۲n+۳۵=۴۸n \Rightarrow n^۲-۳۶n+۳۵=۰ \Rightarrow (n-۱)(n-۳۵)=۰ \Rightarrow \begin{cases} n=۱ \\ n=۳۵ \end{cases}$$

در بین گزینه‌ها $n=۳۵$ وجود دارد؛ پس پاسخ گزینهٔ (۱) است.

۱۰ در یک مسابقهٔ دومیدانی، ۴ نفر از مدرسهٔ A ، ۳ نفر از مدرسهٔ B و ۲ نفر از مدرسهٔ C شرکت می‌کنند. با چه احتمالی نفر اول و آخر مسابقه از یک مدرسه نیستند؟

۱) $\frac{۷}{۹}$ ۲) $\frac{۵}{۶}$ ۳) $\frac{۱۳}{۱۸}$ ۴) $\frac{۲}{۳}$

Hint سه حالت در نظر بگیرید (نفر اول از سه مدرسهٔ مختلف)، سپس تعداد حالات نفر آخر را هم با توجه به شرط سؤال به دست آورید.

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول**: تعداد کل حالات را حساب می‌کنیم. روی‌هم‌رفته ۹ نفر در مسابقه شرکت می‌کنند، پس تعداد کل حالات رسیدن به خط پایان برابر است با:

$$n(s) = ۹!$$

گام دوم: تعداد حالات مطلوب را حساب می‌کنیم:

- نفر اول از مدرسهٔ A و نفر آخر از مدرسهٔ B یا C باشد:

$$\underset{\text{اول}}{۴} \times \underset{\text{آخر}}{۵} \times \underset{\text{۷نفر دیگر}}{۷!} = ۲۰ \times ۷!$$

- نفر اول از مدرسهٔ B و نفر آخر از مدرسهٔ A یا C باشد:

$$\underset{\text{اول}}{۳} \times \underset{\text{آخر}}{۶} \times \underset{\text{۷نفر دیگر}}{۷!} = ۱۸ \times ۷!$$

- نفر اول از مدرسهٔ C و نفر آخر از مدرسهٔ A یا B باشد:

$$\underset{\text{اول}}{۲} \times \underset{\text{آخر}}{۷} \times \underset{\text{۷نفر دیگر}}{۷!} = ۱۴ \times ۷!$$

مجموعشان برابر است با:

$$n(A) = (۲۰ + ۱۸ + ۱۴) \times ۷! = ۵۲ \times ۷!$$

گام سوم: احتمال وقوع A برابر است با:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{۵۲ \times \overset{۱}{\cancel{۷!}}}{\underset{۹\times۸}{\cancel{۹!}}} = \frac{۵۲}{۷۲} = \frac{۱۳}{۱۸}$$

۱۱ اگر A و B دو پیشامد از فضای نمونه‌ای S باشند و داشته باشیم $P(A-B)=۲P(A\cap B)$ و $P(B)=۸P(A\cap B)$، مقدار $\frac{P(A\cap B)}{P(A\cup B)}$ چه‌قدر است؟

۱) $\frac{۱}{۸}$ ۲) $\frac{۱}{۱۰}$ ۳) $\frac{۱}{۹}$ ۴) $\frac{۱}{۶}$

درس Box

روابط زیر را به خاطر بسپارید:

$$P(A\cup B)=P(A)+P(B)-P(A\cap B)$$

$$P(A-B)=P(A)-P(A\cap B)$$

پاسخ خیلی تشریحی

گام اول: در تساوی $P(A-B)=۲P(A\cap B)$، به جای $P(A-B)$، قرار می‌دهیم $P(A)-P(A\cap B)$:

$$P(A-B)=۲P(A\cap B) \Rightarrow P(A)-P(A\cap B)=۲P(A\cap B)$$

$$\Rightarrow P(A)=۳P(A\cap B) \Rightarrow P(A\cap B)=\frac{P(A)}{۳} \quad (۱)$$

گام دوم: از رابطهٔ $P(A\cup B)=P(A)+P(B)-P(A\cap B)$ استفاده می‌کنیم و در آن دادهٔ سؤال یعنی $P(B)=۸P(A\cap B)$ را جاگذاری می‌کنیم:

$$P(A\cup B)=P(A)+P(B)-P(A\cap B)$$

$$\xrightarrow{P(B)=۸P(A\cap B)} P(A\cup B)=P(A)+۸P(A\cap B)-P(A\cap B)$$

$$\Rightarrow P(A\cup B)=P(A)+۷P(A\cap B) \xrightarrow{(۱)} P(A\cup B)=P(A)+\frac{۷P(A)}{۳}$$

$$\Rightarrow P(A\cup B)=\frac{۱۰P(A)}{۳}=\frac{۱۰}{۳}P(A) \quad (۲)$$

گام سوم: حال (۱) و (۲) را در خواستهٔ سؤال جاگذاری می‌کنیم:

$$\frac{P(A\cap B)}{P(A\cup B)}=\frac{\frac{۱}{\cancel{۳}}\cancel{P(A)}}{\frac{۱۰}{\cancel{۳}}\cancel{P(A)}}=\frac{۱}{۱۰}$$

۱۲ در پرتاب سه تاس، با چه احتمالی هیچ دو عدد روشده‌ای، متوالی و برابر نیستند؟

۱) $\frac{۱}{۹}$ ۲) $\frac{۱}{۱۲}$

۳) $\frac{۱}{۱۸}$ ۴) $\frac{۱}{۳۶}$

مشاوره به یکی از دشوارترین سؤال‌های این آزمون رسیدیم. اگر این سؤال را در آزمون حل نکرده‌اید، نگران نباشید؛ پاسخ را به خوبی بخوانید و حل را یاد بگیرید.

Hint فرض کنید یکی از تاس‌ها ۱ بیاید و یک بار دیگر یکی از تاس‌ها ۲ بیاید، سپس با خود بگویید که کدام دو عدد کنار این‌ها بیایند تا حالات مطلوب به دست آیند.

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول:** ابتدا مقدار کل پیشامدهای پرتاب سه تاس را به دست می‌آوریم:

$$n(S) = ۶ \times ۶ \times ۶$$

گام دوم: می‌خواهیم اعداد روشده نه برابر باشند و نه متوالی. اگر عدد یکی از تاس‌ها ۱ باشد، برای برآورده‌شدن خواستهٔ سؤال، عدد دو تاس دیگر باید یا ۵ و ۳ یا ۶ و ۳ یا ۶ و ۴ باشد؛ بنابراین حالت‌ها را می‌نویسیم و جایگشت آن‌ها را محاسبه می‌کنیم:

$$(۱,۳,۵) \rightarrow ۳! = ۶$$

$$(۱,۳,۶) \rightarrow ۳! = ۶$$

$$(۱,۴,۶) \rightarrow ۳! = ۶$$

حال اگر یکی از تاس‌ها ۲ بیاید، تاس‌های دیگر باید ۶ و ۴ بیاید، پس:

$$(۲,۴,۶) \rightarrow ۳! = ۶$$

توجه کنید که حالت دیگری نداریم، پس تعداد حالت‌های مطلوب سؤال برابر است با:

$$n(A) = ۶ + ۶ + ۶ + ۶ = ۲۴$$

گام سوم: احتمال خواسته‌شده برابر می‌شود با:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{\overset{\overset{۱}{\cancel{۲}}}{\cancel{۲۴}}}{\underset{۳}{\cancel{۶}} \times \underset{۳}{\cancel{۶}} \times \cancel{۶}} = \frac{۱}{۹}$$

۱۳ کدام‌یک از موارد زیر جزء گام تحلیل داده‌ها در چرخهٔ آمار نیست؟

۱) محاسبهٔ معیارها
۲) رسم نمودار
۳) تفسیر داده‌ها
۴) مرتب‌کردن داده‌ها

مشاوره گام‌های چرخهٔ آمار در حل مسائل از مباحث حفظی مهم کتاب درسی است که باید به خوبی برای آن مسلط باشید.

درس Box

گام‌های چرخهٔ آمار در مسائل:

۱) بیان مسئله (فهم مسئله و تعریف دقیق مسئله)

۲) طرح و برنامه‌ریزی (روش اندازه‌گیری، روش نمونه‌گیری، روش انجام کار)

۳) داده‌ها (گردآوری، سازماندهی، پاکسازی)

۴) تحلیل داده‌ها (مرتب‌کردن داده‌ها، استفاده‌کردن از نمودارها و جدول‌ها، استفاده از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی)

۵) بحث و نتیجه‌گیری (تفسیر نتایج، نقد و بررسی و ایده‌های جدید)

پاسخ خیلی تشریحی همان‌طور که در درس‌باکس می‌بینید، تفسیر داده‌ها در گام تحلیل داده‌ها موجود نیست.

۱۴ نمودار مقابل برای داده‌های a,۱۶,۱۴,۱۲,۱۲,۱۲,۱۲,۱۲,۱۰ است. مقدار b کدام است؟

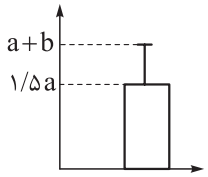

۱) ۴ ۲) ۵

۳) ۶ ۴) ۷

Hint ۱/۵a را برابر میانگین، طول میله را برابر انحراف معیار در نظر بگیرید و ابتدا a و سپس b را به دست آورید.

درس Box میانگین، واریانس و انحراف معیار n داده از روابط زیر به دست می‌آید:

$$\text{میانگین}: \bar{x} = \frac{x_1 + x_2 + \dots + x_n}{n}$$

$$\text{واریانس}: \sigma^2 = \frac{(x_1-\bar{x})^2 + (x_2-\bar{x})^2 + \dots + (x_n-\bar{x})^2}{n}$$

$$\text{انحراف معیار}: \sigma = \sqrt{\frac{(x_1-\bar{x})^2 + (x_2-\bar{x})^2 + \dots + (x_n-\bar{x})^2}{n}}$$

در نمودار مقابل طول مستطیل، برابر با میانگین و طول میله برابر با انحراف معیار است:

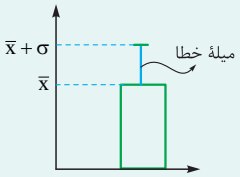

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول**: با توجه به نمودار، میانگین داده‌ها برابر ۱/۵a است، پس:

$$\bar{x} = 1/5a \Rightarrow \frac{10 + \overbrace{12+12+12+12+12+12}^{6\times12=72} + 14 + 16 + a}{10} = 1/5a$$

$$\Rightarrow \frac{112+a}{10} = 1/5a \Rightarrow 112 + a = 15a \Rightarrow 14a = 112 \Rightarrow a = 8$$

بنابراین میانگین برابر می‌شود با:

$$\bar{x} = 1/5a = 1/5(8) = 12$$

گام دوم: حال انحراف معیار داده‌ها را پیدا می‌کنیم:

$$\sigma^2 = \frac{(x_1-\bar{x})^2 + (x_2-\bar{x})^2 + \dots + (x_n-\bar{x})^2}{n}$$

$$\sigma^2 = \frac{(8-12)^2 + (10-12)^2 + 6(12-12)^2 + (14-12)^2 + (16-12)^2}{10} = \frac{16+4+0+4+16}{10}$$

$$\sigma^2 = \frac{40}{10} = 4 \Rightarrow \sigma^2 = 4 \Rightarrow \sigma = 2$$

گام سوم: می‌دانیم که طول میله برابر انحراف معیار است، پس:

$$\sigma = (a+b) - (1/5a) \xrightarrow[a=8]{\sigma=2} 2 = (8+b) - 12 \Rightarrow 14 = 8 + b \Rightarrow b = 6$$

۱۵ جمع جملات اول و نهم دنبالهٔ $a_n = \dfrac{n^2-4}{1+\dfrac{1}{n+1}}$ کدام است؟

۱) ۶۶ ۲) ۶۷ ۳) ۶۸ ۴) ۶۹

Hint کافی است $n=1$ و $n=9$ را در جملهٔ عمومی جاگذاری کنید.

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول:** ابتدا به جای n ها عدد ۱ و ۹ را قرار می‌دهیم تا a_1 و a_9 یا جملهٔ اول و نهم به دست آیند:

$$a_n = \frac{n^2-4}{1+\dfrac{1}{n+1}} \Rightarrow \begin{cases} \xrightarrow{n=1} a_1 = \dfrac{(1)^2-4}{1+\dfrac{1}{(1)+1}} = \dfrac{-3}{1+\dfrac{1}{2}} = \dfrac{\dfrac{-3}{1}}{\dfrac{3}{2}} = \dfrac{-3\times 2}{3} = -2 \Rightarrow a_1 = -2 \\ \xrightarrow{n=9} a_9 = \dfrac{(9)^2-4}{1+\dfrac{1}{(9)+1}} = \dfrac{77}{1+\dfrac{1}{10}} = \dfrac{\dfrac{77}{1}}{\dfrac{11}{10}} = \dfrac{\cancel{77}^{7}\times 10}{\cancel{11}_{1}} = 70 \Rightarrow a_9 = 70 \end{cases}$$

گام دوم: خواستهٔ سؤال برابر می‌شود با:

$$a_1 + a_9 = -2 + 70 = 68$$

یه‌جور دیگه اول ضابطهٔ دنباله را ساده کنیم:

$$a_n = \frac{n^2-4}{1+\dfrac{1}{n+1}} = \frac{n^2-4}{\dfrac{n+1+1}{n+1}} = \frac{\overbrace{(n^2-4)(n+1)}^{\text{مزدوج}}}{n+2} = \frac{(n-2)\cancel{(n+2)}(n+1)}{\cancel{n+2}} = (n-2)(n+1)$$

بعد جملهٔ اول و نهم را حساب می‌کنیم و ...

۱۶ جمع بیست جملهٔ اول دنبالهٔ $a_n = \frac{۱}{n+۳} - \frac{۱}{n+۴}$ برابر با S است. جزء صحیح $\frac{۱}{S}$ کدام است؟

۱) ۳

۲) ۴

۳) ۵

۴) ۶

مشاوره بعضی از سؤال‌ها مانند این سؤال دارای ظاهر ترسناکی هستند ولی به راحتی حل می‌شوند، پس روی هر سؤال چند ثانیه فکر کنید و صرفاً به یک نگاه‌کردن اکتفا نکنید.

Hint چند جملهٔ اول دنباله را بنویسید و آن‌ها را با هم جمع کنید، خودبه‌خود کار دستتان می‌آید.

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول**: اگر $x = ۱,۲,...,۲۰$ را در جملهٔ عمومی جاگذاری کنیم و بیست جملهٔ اول را با هم جمع کنیم، خواهیم داشت:

$$S = \underbrace{(\frac{۱}{۴} - \frac{۱}{۵})}_{\text{جملهٔ اول}} + \underbrace{(\frac{۱}{۵} - \frac{۱}{۶})}_{\text{جملهٔ دوم}} + ... + \underbrace{(\frac{۱}{۲۲} - \frac{۱}{۲۳})}_{\text{جملهٔ نوزدهم}} + \underbrace{(\frac{۱}{۲۳} - \frac{۱}{۲۴})}_{\text{جملهٔ بیستم}}$$

$$\Rightarrow S = \frac{۱}{۴} - \cancel{\frac{۱}{۵}} + \cancel{\frac{۱}{۵}} - \cancel{\frac{۱}{۶}} + \cancel{\frac{۱}{۶}} + ... - \cancel{\frac{۱}{۲۲}} + \cancel{\frac{۱}{۲۲}} - \cancel{\frac{۱}{۲۳}} + \cancel{\frac{۱}{۲۳}} - \frac{۱}{۲۴}$$

همان‌طور که می‌بینید، تمام اعداد با هم خط می‌خورند به‌جز اعداد اول و آخر، پس:

$$S = \frac{۱}{۴} - \frac{۱}{۲۴} = \frac{۶-۱}{۲۴} = \frac{۵}{۲۴}$$

گام دوم: سؤال مقدار جزء صحیح $\frac{۱}{S}$ را خواسته، پس:

$$S = \frac{۵}{۲۴} \Rightarrow \frac{۱}{S} = \frac{۲۴}{۵}$$

در نتیجه:

$$[\frac{۱}{S}] = [\frac{۲۴}{۵}] = [۴/...] = ۴$$

۱۷ مجموع سه جملهٔ متوالی دنبالهٔ $a_n = \begin{cases} ۶ & n \text{ فرد} \\ ۳n & n \text{ زوج} \end{cases}$ برابر با ۴۲ است. جملهٔ بعدی آن‌ها کدام است؟

۱) ۶ ۲) ۳۶ ۳) ۳۰ ۴) ۴۲

Hint جملات اولیهٔ دنباله را با توجه به جملهٔ عمومی بنویسید تا به خواستهٔ سؤال برسید.

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول:** از جملهٔ عمومی دنباله واضح است که جملات با شمارهٔ فرد برابر ۶ است، حال با توجه به ضابطهٔ پایینی و جملهٔ عمومی، جملات زوج ابتدایی دنباله را به دست می‌آوریم:

$$n = ۲ \Rightarrow a_۲ = ۶$$
$$n = ۴ \Rightarrow a_۴ = ۱۲$$
$$\text{زوج } n : a_n = ۳n \Rightarrow n = ۶ \Rightarrow a_۶ = ۱۸$$
$$n = ۸ \Rightarrow a_۸ = ۲۴$$
$$n = ۱۰ \Rightarrow a_{۱۰} = ۳۰$$
$$n = ۱۲ \Rightarrow a_{۱۲} = ۳۶$$
$$n = ۱۴ \Rightarrow a_{۱۴} = ۴۲$$

گام دوم: حال جملات دنباله را به صورت مرتب‌شده در کنار هم قرار می‌دهیم:

۶,۶,۶,۱۲,۶,۱۸,۶,۲۴,۶,۳۰,۶,۳۶,۶,۴۲

می‌بینید که مجموع سه جملهٔ مشخص‌شده ۴۲ است، پس جملهٔ بعدی آن که خواستهٔ سؤال است برابر می‌شود با ۳۶.

۱۸ در دنبالهٔ بازگشتی $a_{n+1} = \frac{1}{1+2a_n}$ با جملهٔ اول $\frac{3}{4}$، حاصل‌ضرب جملات دوم تا چهارم کدام است؟

۱) $\frac{1}{8}$

۲) $\frac{2}{17}$

۳) $\frac{1}{9}$

۴) $\frac{2}{19}$

مشاوره از رابطهٔ بازگشتی همواره در کنکورهای اخیر سؤال داشته‌ایم، این مبحث معمولاً پیچیدگی خاصی ندارد، پس ارزش این را دارد که روی آن سرمایه‌گذاری کنید.

Hint $n=1$ و $a_1 = \frac{3}{4}$ را در جملهٔ عمومی جاگذاری کنید تا جملهٔ دوم به دست آید، همین روند را تا جملهٔ چهارم ادامه دهید.

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول**: ابتدا با توجه به جملهٔ عمومی و این‌که $a_1 = \frac{3}{4}$، جملهٔ دوم و سپس از روی a_2 جملهٔ سوم و هم‌چنین از روی a_3 جملهٔ چهارم را به دست می‌آوریم:

$$n=1 \rightarrow a_{1+1} = \frac{1}{1+2a_1} \Rightarrow a_2 = \frac{1}{1+2(\frac{3}{4})} = \frac{1}{\frac{5}{2}} = \frac{2}{5} \Rightarrow a_2 = \frac{2}{5}$$

$$n=2 \rightarrow a_{2+1} = \frac{1}{1+2a_2} \Rightarrow a_3 = \frac{1}{1+2(\frac{2}{5})} = \frac{1}{\frac{9}{5}} = \frac{5}{9} \Rightarrow a_3 = \frac{5}{9}$$

$$n=3 \rightarrow a_{3+1} = \frac{1}{1+2a_3} \Rightarrow a_4 = \frac{1}{1+2(\frac{5}{9})} = \frac{1}{\frac{19}{9}} = \frac{9}{19} \Rightarrow a_4 = \frac{9}{19}$$

گام دوم: جملات دوم، سوم و چهارم را در هم ضرب می‌کنیم تا خواستهٔ سؤال به دست آید:

$$a_2 \times a_3 \times a_4 = \frac{2}{\cancel{5}} \times \frac{\cancel{5}}{\cancel{9}} \times \frac{\cancel{9}}{19} = \frac{2}{19}$$

۱۹ اگر جملهٔ چهارم دنبالهٔ $a_{n+1} - n = 2a_n + 1$ برابر ۳۴ باشد، جملهٔ اول کدام است؟

۱) -1 ۲) ۲ ۳) -3 ۴) ۴

پاسخ خیلی تشریحی ✔

گام اول: $n = 3$ و $a_4 = 34$ را در جملهٔ عمومی جاگذاری می‌کنیم تا جملهٔ سوم به دست آید:

$$n = 3 \rightarrow a_{3+1} - 3 = 2a_3 + 1 \Rightarrow \overbrace{a_4}^{34} - 3 = 2a_3 + 1$$

$$\Rightarrow 34 - 3 = 2a_3 + 1 \Rightarrow 2a_3 = 30 \Rightarrow a_3 = 15$$

گام دوم: حالا $n = 2$ و $a_3 = 15$ را جاگذاری می‌کنیم:

$$n = 2 \rightarrow \overbrace{a_3}^{15} - 2 = 2a_2 + 1 \Rightarrow 2a_2 = 12 \Rightarrow a_2 = 6$$

گام سوم: نوبت به دست آوردن خواستهٔ سؤال است ($n = 1$ و $a_2 = 6$):

$$n = 1 \rightarrow \overbrace{a_2}^{6} - 1 = 2a_1 + 1 \Rightarrow 2a_1 = 4 \Rightarrow a_1 = 2$$

۲۰ در دنبالهٔ $a_{n+1} = \begin{cases} ۲a_n - ۱ & n \text{ فرد} \\ ۳a_n + n & n \text{ زوج} \end{cases}$ اگر $a_۴ = ۱۰$ باشد، جملهٔ هفتم کدام است؟

۱) ۲۰۷ ۲) ۲۱۰ ۳) ۲۱۳ ۴) ۲۱۶

پاسخ خیلی تشریحی **گام اول:** $n = ۴$ را جاگذاری می‌کنیم و از ضابطهٔ پایینی استفاده می‌کنیم:

$$n = ۴ \xrightarrow[\text{(ضابطهٔ پایین)}]{\text{زوج}} a_{۴+۱} = ۳(a_۴) + ۴ = ۳(۱۰) + ۴ \Rightarrow a_۵ = ۳۴$$

گام دوم: در این‌جا جملهٔ ششم را به دست می‌آوریم:

$$n = ۵ \xrightarrow[\text{(ضابطهٔ بالا)}]{\text{فرد}} \rightarrow a_{۵+۱} = ۲(a_۵) - ۱ = ۲(۳۴) - ۱ \Rightarrow a_۶ = ۶۷$$

گام سوم: حالا خواستهٔ سؤال را به دست می‌آوریم:

$$n = ۶ \xrightarrow[\text{(ضابطهٔ پایین)}]{\text{زوج}} a_{۶+۱} = ۳(a_۶) + ۶ = ۳(۶۷) + ۶ \Rightarrow a_۷ = ۲۰۷$$

۲۱ کدام عبارت از دیدگاه تاریخ ادبیات نادرست است؟

۱) شاعران دورهٔ بازگشت توانستند زبان شعر را از آن حالت سستی که در اواخر سبک هندی در شعر به وجود آمده بود، نجات بخشند.

۲) گروهی از شاعران دورهٔ بازگشت، مانند صبای کاشانی و قاآنی شیرازی به قصیده‌سرایی به سبک شاعران خراسانی و عهد سلجوقی پرداختند.

۳) انجمن ادبی «نشاط» پس از انجمن ادبی «خاقان» که در تهران تشکیل شده بود، به دست عبدالوهاب نشاط تأسیس گردید.

۴) تاراج کتابخانهٔ اصفهان که سبب شد تعدادی از کتاب‌های کتابخانهٔ سلطنتی به دست مردم افتد، از عوامل ایجاد نهضت بازگشت ادبی بود.

مشاوره برای پاسخ درست به تست‌های تاریخ ادبیات، از قیدهای جملات به‌ویژه قیدهای زمان و مکان غافل نشوید؛ زیرا مهم است که کدام اتفاق در کجا و در چه زمانی روی داده است.

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۱

درس Box

در دوران حکومت‌های افشاریه، زندیه و ابتدای قاجار، شاعران از سبک هندی روی برگردانده بودند و تلاش می‌کردند تا زبان شعر را از سستی و رخوت سبک هندی نجات بخشند. در دورهٔ نادرشاه افشار، مشتاق اصفهانی با همراهی چند تن دیگر از شاعران، در اصفهان انجمن ادبی «اصفهان» را اداره می‌کرد. با روی کار آمدن سلسلهٔ قاجار، بازگشت به شیوه و الگوی گذشتگان پررونق‌تر از گذشته (زمان زندیه و افشاریه) بود. عبدالوهاب نشاط اصفهانی انجمن «نشاط» را تأسیس کرد و پس از آن در تهران، انجمن ادبی «خاقان» به ریاست فتحعلی‌شاه تشکیل شد.

پاسخ خیلی تشریحی ✔ انجمن ادبی «خاقان» پس از انجمن «نشاط» در تهران تشکیل شد.

۲۲ **همهٔ موارد زیر از عوامل مؤثّر در بیداری جامعه در دورهٔ قاجار هستند؛ به‌جز ..... .**

۱) تأثیر جنگ‌های نافرجام ایران و روس

۲) توجّه مردم به واقعیّت‌ها و امکانات دنیای جدید

۳) کوشش‌های عباس‌میرزا، ولیعهد فتحعلی‌شاه

۴) توجّه به ادبیّات در دربار قاجار و رونق شعر و شاعری

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی مورد گزینهٔ (۴) از عوامل ایجاد نهضت بازگشت ادبی است، نه بیداری جامعه.

گول نخوری در مبحث تاریخ ادبیات باید حواستان به «عوامل»، «نتایج»، «پیامدها» و مواردی از این دست باشد تا آن‌ها را به جای هم به کار نبرید. هم‌چنین ممکن است عوامل دو پدیدهٔ متفاوت را به جای یکدیگر به کار ببرید، مثلاً عوامل ایجاد نهضت بازگشت ادبی با عوامل بیداری جامعه ممکن است اشتباه گرفته شود. پس گاهی دقّت، حرف اول را می‌زند نه دانش و آگاهی.

۲۳ **متن زیر معرّف کدام‌یک از شخصیت‌های ادبی دورهٔ بیداری است؟**

«او توانست با شعرهای ساده و عامیانه‌اش در میان مردم جایگاه مناسبی پیدا کند. شعرهای او که به زبان ساده و طنزآمیز در راه مبارزه با استبداد و عشق به وطن در روزنامه‌اش چاپ می‌شد در بیداری مردم بسیار مؤثر بود.»

۱) ملک‌الشعرای بهار
۲) میرزادهٔ عشقی
۳) سید اشرف‌الدین گیلانی
۴) علی‌اکبر دهخدا

مشاوره به توضیحات کتاب درسی دربارهٔ هر یک از شخصیت‌های ادبی خوب دقت کنید و با روش کدگذاری و رمزنگاری آن‌ها را به خاطر بسپارید تا در آزمون و هنگام مواجهه با نام‌های مشابه، دچار سردرگمی و اشتباه نشوید.

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی توضیحات گزینهٔ (۳) دربارهٔ سید اشرف‌الدین گیلانی ملقب به نسیم شمال است که شعرهای ساده و طنزآمیز او در روزنامهٔ نسیم شمال به چاپ می‌رسید و در بیداری مردم مؤثر بود.

مشاوره در تست‌های شمارشی بهتر است پس از برخورد به اوّلین موردی که خواستهٔ صورت سؤال است، شروع به علامت‌گذاری کنید؛ مثلاً در این تست، بالای نام‌های نادرست، ضربدر بزنید و در پایان، علامت‌ها را بشمارید وگرنه ممکن است در شمارش نهایی دچار اشتباه شوید و گزینهٔ نادرستی را انتخاب کنید.

۲۴ **در معرفی آثار زیر و پدیدآورندگان آن‌ها، نام چند شاعر یا نویسنده نادرست ذکر شده است؟**

«شمس و طغرا (میرزا حسن‌خان بدیع)، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (جیمز موریه)، چرند و پرند (دهخدا)، شمس‌الدین و قمر (محمدباقرمیرزا خسروی)، تاریخ تطور نظم فارسی (ملک‌الشعرا بهار)، منشآت (قائم‌مقام فراهانی)، داستان باستان (میرزا حسن‌خان بدیع)، تاریخ بیداری ایرانیان (ملک‌الشعرای بهار)، ایده‌آل (میرزادهٔ عشقی)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (ملک‌الشعرا بهار)، گنجینهٔ نشاط (نشاط اصفهانی)، خداوندنامه (صبای کاشانی)»

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی نام پدیدآورندگان سه اثر نادرست آمده است:

۱) «شمس و طغرا» نام رمانی از «محمدباقرمیرزا خسروی» است.

۲) «شمس‌الدین و قمر» رمانی از «میرزا حسن‌خان بدیع» است.

۳) «تاریخ بیداری ایرانیان» از «ناظم‌الاسلام کرمانی» است.

گول نخوری حواستان به جناب «میرزا حسن‌خان» و جناب «محمدباقر میرزا» به خاطر شباهت اسمی باشد.

۲۵ کدام مورد دربارهٔ ویژگی‌های فکری شعر در عصر بیداری ایراد دارد؟

۱) توجّه به مردم از بارزترین ویژگی‌های ادبیّات دورهٔ بیداری است.

۲) مفهوم آزادی در شعر این دوره، مترادف با مفهوم دموکراسی غربی است.

۳) در شعر این دوره مسائل اخلاقی، عارفانه‌سرایی و غزل‌گویی رونق یافت.

۴) نگرش شاعران از کلّی‌نگری و ذهنیّت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیّت‌گرایی تغییر کرد.

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۴

درس Box

ویژگی‌های فکری شعر عصر بیداری	
تحوّل درون‌مایه	درون‌مایهٔ شعر مشروطه، همراه با تغییرات زمانه، تحول چشمگیری داشت و به موازات حضور مردم در سیاست و اجتماع، مضامین و اندیشه‌های تازه به شعر وارد شد.
تغییر نگرش شاعران	نگرش شاعران و نویسندگان نسبت به جهان بیرون تغییر یافت و از کلی‌نگری و ذهنیت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیت‌گرایی تغییر کرد.
تغییر مضامین شعر	مضامین کلّی و ذهنی، مسائل اخلاقی، عارفانه‌سرایی و غزل‌گویی کارایی خود را از دست داد و مضامین سیاسی، اجتماعی و وطنی رونق یافت.

شاخص‌ترین درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری	
۱) آزادی	آزادی در شعر این دوره، مترادف با مفهوم دموکراسی غربی است و به این معناست که مردم علاوه بر این‌که حقوق و آزادی‌های فردی دارند، در جامعه و سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود نیز دارای حق و اختیار هستند.
۲) وطن	وطن به عنوان سرزمینی که مردمی با مشترکات قومی، فرهنگی و زبانی در آن زندگی می‌کنند، در این دوره وارد شعر و ادبیات فارسی شد. (ملک‌الشعرا بهار، علامه دهخدا و ادیب‌الممالک فراهانی)
۳) قانون	بر پایهٔ مشاهداتی که اروپارفتگان و روشن‌فکران از ملل متمدّن و قانون‌مند داشتند، مضمون قانون و قانون‌مداری در سخن شاعران و نویسندگان راه یافت و بنیادی‌ترین تفکر و خواست مشروطه‌خواهان گردید.
۴) تعلیم و تربیت جدید	با ظهور مطبوعات و گسترش آن در جامعه، آگاهی همگانی افزایش یافت و لزوم تعلیم و تربیت عمومی با نگاه جدید آن، مورد توجه مردم و شاعران قرار گرفت.
۵) توجّه به مردم	بارزترین ویژگی ادبیات دورهٔ بیداری است. شاعران به انعکاس خواست‌ها و علایق تودهٔ مردم پرداختند. نیازها و کاستی‌های محرومان جامعه را موضوع سخن خود قرار دادند و به دفاع از کارگران و ضعیفان توجه داشتند. (ادبیات کارگری): ابوالقاسم لاهوتی و فرخی یزدی، شاخص‌ترین شاعران این حوزه‌اند. هم‌چنین توجه به جایگاه زنان در اجتماع، مورد توجه شاعران قرار گرفت.
۶) دانش‌ها و فنون جدید	ضرورت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، موجب توجه به دانش‌ها و فنون جدید شد و شاعران هم به این موضوع پرداختند و مضامین و اصطلاحات و واژگان مربوط به آن، در سخنشان فراوان به چشم می‌خورد.

پاسخ خیلی تشریحی ✔ مضامین کلّی و ذهنی، مسائل اخلاقی، عارفانه‌سرایی و غزل‌گویی که با ساخت فرهنگ و جامعهٔ گذشتهٔ ما هماهنگ بود، تا حد زیادی کارایی خود را از دست داد و مضامین سیاسی، اجتماعی و وطنی رونق یافت.

۲۶ **همهٔ موارد زیر از ویژگی‌های فکری نثر در عصر بیداری هستند؛ به‌جز** ..... .

۱) بسیاری از نثرها به‌ویژه نثر داستانی، به موضوع تنفّر از خرافات می‌پردازد

۲) حقوق مدنی زنان در کنار تعلیم و تربیت نوین و همگانی، مورد توجّه نویسندگان بوده است

۳) مبارزه با بی‌عدالتی اجتماعی، استقبال از شهادت و فرهنگ ایثار از مضامین نثر این دوره است

۴) شاخه‌ای ارزنده و چشم‌نواز در نثر عصر بیداری، طنز سیاسی ـ اجتماعی است

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۴

درس Box

ویژگی‌های فکری نثر سبک بیداری (مشروطه)

درون‌مایه‌های شعر دورهٔ بیداری در نثر نیز مورد توجه نویسندگان بوده است.
ویژگی‌هایی چون نوگرایی، تجددخواهی و آزادی‌طلبی با هدف تأثیر بر عامهٔ مردم گسترش یافت. (محتوای انواع نثر همین درون‌مایه‌ها بود.)
از شاخه‌های ارزنده که در نثر عصر بیداری چشم‌نواز است، طنز سیاسی ـ اجتماعی است.
دشمنی با استعمار و استبداد، در نثر روزنامه‌ای بسیار مورد توجّه قرار گرفت.
بسیاری از نثرها به‌ویژه نثر داستانی، به موضوع تنفّر از خرافات می‌پردازد.
حقوق مدنی زنان در کنار تعلیم و تربیت نوین و همگانی، مورد توجّه نویسندگان بوده است.

پاسخ خیلی تشریحی ✔ مفاهیمی چون استقبال از شهادت و فرهنگ ایثار از مضامین نثر در دورهٔ انقلاب اسلامی هستند.

۲۷ با توجّه به ویژگی‌های سبکی نثر در عصر بیداری، کدام مورد نادرست است؟

۱) نثر این دوره، ساده و قابل فهم است و واژه‌ها و ترکیب‌های عربی کم‌تر می‌شود.

۲) مطابق ذوق عامهٔ مردم می‌نوشتند و سبک نویسندگی آنان با ادبیات داستانی جدید مطابقت داشت.

۳) حقوق مدنی زنان در کنار تعلیم و تربیت نوین و همگانی، مورد توجّه نویسندگان بوده است.

۴) صنایع ادبی از نثر جدا می‌شود و نثر در خدمت بیان خواست و آمال مردم قرار می‌گیرد.

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۴

درس Box

ویژگی‌های نثر در عصر بیداری (مشروطه)

سطح زبانی	سطح ادبی	سطح فکری
واژه‌ها و ترکیب‌های عربی کم‌تر می‌شود. لغات انگلیسی، ترکی، فرانسوی و... وارد می‌شود. عبارت‌های وصفی دور و دراز و لفظ‌پردازی در نامه‌ها و نوشته‌ها کاهش می‌یابد. نثر این دوره ساده و قابل فهم است. در ساختار و ترکیب دستوری کلام، جمله‌ها درست‌تر و با طبیعت زبان هم‌آهنگ‌تر است.	نثر فارسی پیشتازتر از شعر فارسی، قید و بندهای نثر مصنوع و فنی را کنار می‌گذارد و گزارشی و ساده می‌شود. صنایع (آرایه‌های) ادبی از نثر جدا می‌شود و نثر در خدمت بیان خواست و آمال مردم قرار می‌گیرد. یکی از ضعف‌های تکنیکی در داستان‌های دوران مشروطه، حضور راوی سوم‌شخص، در بعضی صحنه‌های داستان و سخن گفتن او با خواننده است. اکثر نویسندگان، داستان را مطابق ذوق عامهٔ مردم می‌نوشتند و سبک نویسندگی آنان با ادبیات داستانی جدید، مطابقت نداشت.	درون‌مایه‌های شعر دورهٔ بیداری در نثر نیز مورد توجه نویسندگان بوده است. ویژگی‌هایی چون نوگرایی، تجددخواهی و آزادی‌طلبی با هدف تأثیر بر عامهٔ مردم گسترش یافت. (محتوای انواع نثر همین درون‌مایه‌ها بود.) شاخه‌ای ارزنده و چشم‌نواز در نثر عصر بیداری، طنز سیاسی ـ اجتماعی است. دشمنی با استعمار و استبداد، در نثر روزنامه‌ای بسیار مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از نثرها به‌ویژه نثر داستانی، به موضوع تنفر از خرافات می‌پردازد. حقوق مدنی زنان در کنار تعلیم و تربیت نوین و همگانی، مورد توجه نویسندگان بوده است.

پاسخ خیلی تشریحی ✔ اکثر نویسندگان این دوره، داستان را مطابق ذوق عامهٔ مردم می‌نوشتند و سبک نویسندگی آنان با ادبیات داستانی جدید مطابقت نداشت.

۲۸ **درون‌مایه‌های شعر عصر بیداری در همهٔ ابیات زیر، یافت می‌شود؛ به‌جز .....** .

۱) در ره فرهنگ و آیین وطن غفلت مورز / ملک بی‌فرهنگ و بی‌آیین، درختی بی‌بر است

۲) از دو عالم دست کوته کن چو سرو آزادوار / کان که کوته‌دست باشد، در جهان سرور شود

۳) یافت قانون اساسی در ولایـت انتشار / انجمن‌ها گشت برپا در همه شهر و دیار

۴) از علم و صناعت شود این دوره گرامی / وز مال و بضاعت شود این خطّه گرامند

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۴

پاسخ خیلی تشریحی در بیت گزینهٔ (۱) مفاهیم «فرهنگ» و «وطن»؛ در بیت گزینهٔ (۳) مفهوم «قانون» و در بیت گزینهٔ (۴) اشاره به «علم» و «صناعت» که بیانگر توجّه به دانش‌ها و فنون نوین است، یافت می‌شود.

نکته شاخص‌ترین درون‌مایه‌های شعر در عصر بیداری عبارت‌اند از: آزادی، وطن، قانون، تعلیم و تربیت جدید، توجّه به مردم، دانش‌ها و فنون نوین.

۲۹ هر دو آرایهٔ «لفّ و نشر و تضاد» در کدام بیت‌ها یافت می‌شوند؟

الف) ز اشک و چهره مرا سیم و زر شود حاصل — ولیک چشم تو بر سیم و زر نمی‌باشد

ب) گر ز آن‌که روی و موی تو آشوب عالم است — ما را شبی مبارک و روزی خجسته است

ج) گنج زر گر نبود کنج قناعت باقی است — آن که آن داد به شاهان، به گدایان این داد

د) به شام و صبح کنم یاد زلف و عارض تو — که ذکر زلف و رخت ورد صبح و شام من است

هـ) گر بند نهد دشمن و گر پند دهد دوست — مشتاق گل آن نیست که از خار بنالد

۱) ب ـ د ـ هـ
۲) ب ـ ج ـ د
۳) الف ـ ب ـ ج
۴) الف ـ د ـ هـ

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۶

Hint نوع لف و نشر را در ابیاتی که لف و نشر دارند، مشخص کنید.

درس Box **لفّ و نشر**: آن است که دو یا چند لفظ را در بخشی از کلام بیاورند، سپس در بخش دیگر کلام، دو یا چند لفظ دیگر بیاورند که هر کدام از آن‌ها به یکی از الفاظ پیشین مربوط باشد؛ این ارتباط ممکن است رابطه‌ای دستوری، تشبیهی یا معنایی باشد.

افروختن و سوختن و جامه دریدن — پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت

یعنی: پروانه سوختن، شمع افروختن و گل جامه‌دریدن را از من آموخت.

افرختن، سوختن و جامه‌دریدن، **لفّ**، و پروانه، شمع و گل، **نشر** هستند.

نمونه‌ای دیگر:

مَنعم مکن از دیدن قدّ و رخ و چشمش — من انس به سرو و گل و بادام گرفتم

در تشبیهی نهفته، قد به سرو، رخ به گل و چشم به بادام مانند شده است. بنابراین قد، رخ و چشم، **لفّ**، و سرو، گل و بادام، **نشر** هستند.

پاسخ خیلی تشریحی در بیت «الف» تشبیه «اشک» (لف ۱) و «چهره» (لف ۲) به ترتیب به «سیم» (نشر ۱) و «زر» (نشر ۲) **لفّ و نشر** ایجاد کرده است، ولی «تضاد» وجود ندارد.

در بیت «ب» تشبیه «روی» (لف ۱) به «روز» (نشر ۲) و «موی» (لف ۲) به «شب» (نشر ۱) لف و نشر ایجاد کرده است و بین «روز» و «شب» تضاد وجود دارد.

در بیت «ج» ترکیب «گنج زر» (لف ۱) با عبارت «آن داد به شاهان» (نشر ۱) و ترکیب «کنج قناعت» (لف ۲) با عبارت «به گدایان این داد» (نشر ۲) ارتباط لف و نشر دارد و «شاهان» با «گدایان» تضاد دارد.

در بیت «د» ارتباط تشبیهی «شام» (لف ۱) و «صبح» (لف ۲) با «زلف» (نشر ۱) و «عارض» (نشر ۲) لف و نشر ایجاد کرده است و بین «صبح» و «شام» تضاد وجود دارد.

در بیت «هـ» بین «دشمن» با «دوست» و «گل» با «خار» تضاد وجود دارد، ولی لف و نشر یافت نمی‌شود.

گول نخوری واژه‌های «گل» و «خار» در بیت «هـ» هیچ‌گونه ارتباط تشبیهی یا نحوی با «دوست» و «دشمن» ندارند و لف و نشر ایجاد نمی‌کنند. (در واقع «گل» با «معشوق» و «خار» با «بند دشمن» و «پند (سرزنش) دوست» ارتباط دارد.)

۳۰ کدام بیت «فاقد» متناقض‌نما (پارادوکس) است؟

۱) فتح ما آزادمـــردان در شکست خود بود — گو دل از ما جمع دارد دشمن نامرد ما

۲) می‌شود روشن ز خاموشی چراغ عاشقان — در هلاک خویش چون پروانه بی‌تابیم ما

۳) زنـدان بـود به مـردم بیدار، مهد خاک — در خـواب کن دو دیـدهٔ بیدار خویش را

۴) ندارد با تعلّق سود دست افشاندن از دنیا — که آزادی گرفتاری است مرغ رشته بر پا را

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۶

درس Box

پارادوکس (متناقض‌نما): نسبت‌دادن دو مفهوم متضاد به یکدیگر یا به یک چیز، به گونه‌ای که وجود یکی، دیگری را نقض کند؛ هم‌چنین نسبت دادن مفهوم یا کاری، به چیزی که با آن ناسازگار و متناقض باشد.

در بیت زیر، دو مفهوم متضاد «حاضر» و «غایب» به «وجود» نسبت داده شده‌اند:

هـرگـز وجـود حـاضـر غـایـب شـنـیـده‌ای — مـن در میـان جمـع و دلـم جـای دیگـر است

و در مصراع دوم بیت زیر، مفهوم «برافروختن (روشن‌کردن) چراغ» به «باد» نسبت داده شده، در حالی که با آن ناسازگار و متضاد است؛ چون باد، مایهٔ خاموشی چراغ است:

ز کـوی یـار می‌آید نسیم بـاد نـوروزی — از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی

پاسخ خیلی تشریحی ✔ در بیت گزینهٔ (۱) «وجودداشتن فتح در شکست»؛ در بیت گزینهٔ (۲) «روشن‌شدن چراغ از خاموشی» و در بیت گزینهٔ (۴)، جملهٔ «آزادی گرفتاری است» پارادوکس (متناقض‌نما) پدید آورده است؛ ولی در بیت گزینهٔ (۳) بین «خواب» و «بیدار» تنها تضاد وجود دارد و تناقض ایجاد نشده است؛ چون دو مفهوم متضاد «خواب» و «بیدار» هم‌زمان و در آنِ واحد به «دو دیده» نسبت داده نشده‌اند و «در خواب کردن دو دیدهٔ بیدار» امری ناممکن نیست.

۳۱ نوع «لف و نشر» در کدام بیت، «متفاوت» با دیگر ابیات است؟

۱) نگذرد یـاد گل و سنبلم انـدر خاطر — تا به خاطر بـود آن زلـف و بناگوش مرا

۲) رخ و زلف و دهن تنگ تو چون کردم یاد — از گـل و سنبل و تنگ شکرم یـاد آمد

۳) با تابش زلف و رخت ای ماه دل‌افـروز — از شـام تو قـدر آیـد و از صبح تو نـوروز

۴) همچو زلف سیه و روی جهان‌افروزت — نـتـوان دیـد شبی تیره و مهتابی خوش

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۶

درس Box

در لف و نشر اگر نشرها به ترتیب لف‌ها آمده باشند، لف و نشر را **مرتّب** و اگر نشرها به ترتیب لف‌ها نیامده باشند، لف و نشر را **مشوّش** یا **نامرتّب** می‌گویند.

نمونه‌ای از لف و نشر مرتّب:

دل و کشـورت جمـع و معمـور بـاد — ز مُلـکـت، پراکنـدگـی دور بـاد

دلت، جمع (آسوده) و کشورت، معمور (آباد) باد. (دل و کشور لف و جمع و معمور، نشر هستند.)

نمونه‌ای از لفّ و نشر نامرتّب (مشوّش):

آن نه زلف است و بناگوش که روز است و شب است — وآن نه بالای صنوبر که درخت رطب است

زلف به شب و بناگوش به روز تشبیه شده است. (زلف و بناگوش، لف و روز و شب، نشر هستند.)

پاسخ خیلی تشریحی

نوع لف و نشر در بیت گزینهٔ (۱) نامرتّب و در دیگر ابیات، مرتّب است.

در بیت گزینهٔ (۱) ارتباط تشبیهی نامرتّب «گل» (لف ۱) با «بناگوش» (نشر ۲) و «سنبل» (لف ۲) با «زلف» (نشر ۱) یار، لف و نشر نامرتّب (مشوّش) ایجاد کرده است.

در بیت گزینهٔ (۲) تشبیه «رخ» (لف ۱)، «زلف» (لف ۲) و «دهن» (لف ۳) یار، به ترتیب به «گل» (نشر ۱)، «سنبل» (نشر ۲) و «تنگ شکر» (نشر ۳) لف و نشر مرتّب پدید آورده است.

در بیت گزینهٔ (۳) تشبیه «زلف» (لف ۱) و «رخ» (لف ۲) یار، به ترتیب به «شام» (نشر ۱) و «صبح» (نشر ۲)، لف و نشر مرتّب ایجاد کرده است.

در بیت گزینهٔ (۴) تشبیه «زلف سیه» (لف ۱) و «روی جهان‌افروز» (لف ۲) یار، به ترتیب به «شبی تیره» (نشر ۱) و «مهتابی خوش» (نشر ۲) لف و نشر مرتّب پدید آورده است.

۳۲ کدام بیت فاقد «لف و نشر» است؟

۱) چه گویم از حدیث زلف و رویش؟ / چو مشرق مظهر هر صبح و شام است

۲) گرچه روزی تیره‌تر از شام غم باشد مرا / در دل روشن صفای صبحدم باشد مرا

۳) طایر دل که شود صید رخ و زلف دلارام / همچو بلبل به گل و سنبل تر بازنماند

۴) رخسار و خطش بود چو دیبا و چو عنبر / باز آن دو به هم کرد و خریدار برآمد

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۶

Hint لف‌ها و نشرها را در ابیات گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) شماره‌گذاری و نوع لف و نشر را مشخص کنید.

پاسخ خیلی تشریحی در بیت گزینهٔ (۱) واژه‌های «زلف» و «روی» به ترتیب با «صبح» و «شام» ارتباط تشبیهی دارند و لف و نشر پدید آمده است.

در بیت گزینهٔ (۲) در مصراع اوّل واژه‌های «روز» و «شام» آمده است، ولی در ادامه، واژه‌هایی که با آن‌ها ارتباط داشته باشند، وجود ندارد و لف و نشر ایجاد نشده است.

در بیت گزینهٔ (۳) واژه‌های «دل»، «رخ» و «زلف»، به ترتیب با «بلبل»، «گل» و «سنبل» ارتباط تشبیهی دارند و لف و نشر پدید آمده است.

در بیت گزینهٔ (۴) واژه‌های «رخسار» و «خط» یار، به ترتیب به «دیبا» (حریر نرم و لطیف) و «عنبر» (ماده‌ای سیاه و خوشبو) تشبیه شده و لف و نشر ایجاد کرده‌اند.

۳۳ **آرایه‌های مقابل کدام بیت، هر دو درست هستند؟**

۱) حال من زلف تو تقریر کند موی به موی / ورنه مجموع، کجا حال پریشان داند؟ (تضاد، لف و نشر)

۲) هر خسته که جان پیش سنان تو سپر ساخت / هم زخم سنان تو کند مرهم جانش (پارادوکس، مراعات نظیر)

۳) به ناکامی سرآور تا به کام دل رسی صائب / نراند هر که کام از خود نگردد کامران این‌جا (پارادوکس، تضمین)

۴) حدیث زلف و رخ دلکش تو خواهد بود / که بر صحیفهٔ لیل و نهار خواهد ماند (تلمیح، لف و نشر)

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ ترکیبی درس‌های ۳ و ۶

پاسخ خیلی تشریحی ✔ در بیت گزینهٔ (۱) میان واژه‌های «مجموع» (خاطرجمع) و «پریشان»، تضاد وجود دارد؛ ولی لف و نشر یافت نمی‌شود. (در واقع واژه‌های «حال من» و «زلف تو» هر دو «پریشان» هستند و هیچ‌یک «مجموع» نیستند که لف و نشر ایجاد شود.)

در بیت گزینهٔ (۲) این‌که «زخم سنان، مرهم کند»، پارادوکس دارد و میان واژه‌های «خسته» (مجروح)، «سنان»، «سپر»، «زخم» و «مرهم» مراعات نظیر وجود دارد.

در بیت گزینهٔ (۳) «با ناکامی به کام دل رسیدن» پارادوکس دارد؛ ولی «تضمین» یافت نمی‌شود.

در بیت گزینهٔ (۴) «زلف» (لف ۱) با «لیل» (نشر ۱) و «رخ» (لف ۲) با «نهار» (نشر ۲) ارتباط و لف و نشر دارد؛ ولی تلمیح وجود ندارد.

۳۴ آرایه‌های «تلمیح، پارادوکس، تضاد، مراعات نظیر» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شوند؟

الف) روزی آخر از وصال تو به کام دل رسم / این شب هجر تو را گر هیچ پایانی بود

ب) تیره‌بختی نیل چشم زخم جان روشن است / در سیاهی بیش باشد زندگانی آب را

ج) سیر نگردد به بحر، تشنهٔ دریای وصل / روی نتابد ز سیل، غرقهٔ طوفان عشق

د) جنبش گهواره خواب طفل را سازد گران / از تزلزل بیش محکم می‌شود بنیاد ما

۱) ب ـ ج ـ الف ـ د

۲) د ـ ج ـ ب ـ الف

۳) ج ـ د ـ الف ـ ب

۴) ب ـ د ـ الف ـ ج

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ ترکیبی درس‌های ۳ و ۶

پاسخ خیلی تشریحی ✔ در بیت «الف» واژه‌های «روز» با «شب» و «وصال» با «هجر» تضاد دارند.

در بیت «ب» واژه‌های «سیاهی»، «زندگانی» و «آب» در مصراع دوم به داستان خضر و اسکندر و «وجود آب حیات (زندگی) در ظلمات (تاریکی‌ها)» اشاره و تلمیح دارد.

در بیت «ج» بین واژه‌های «بحر»، «دریا»، «سیل»، «غرقه» و «طوفان»، مراعات نظیر وجود دارد.

در بیت «د» عبارت «محکم‌شدن بنیاد از تزلزل (زلزله)» پارادوکس دارد.

۳۵ نوع «لف و نشر» در کدام بیت، با بیت زیر، یکسان است؟

«بسیار بود سرو روان و گل خندان　　لیکن نه بدین صورت و بالا که تو داری»

۱) چون سخن زان زلف و رخ گویی مگو از کفر و دین　　زان که هر جای این دو رنگ آمد نه آن ماند نه این

۲) گر نبودی روی و مویت هم نبودی روز و شب　　گر نبودی رنگ و بویت، گل نبودی در چمن

۳) بازکش یک دم عنان ای ترک شهرآشوب من　　تا ز اشک و چهره راهت پر زر و گوهر کنم

۴) چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است؟　　که بر صحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۶

پاسخ خیلی تشریحی

در بیت صورت سؤال، «سرو روان» (لف ۱) با «بالا (قامت یار)» (نشر ۲) و «گل خندان» (لف ۲) با «صورت یار» (نشر ۱)، ارتباط تشبیهی دارند و لف و نشر نامرتب ایجاد کرده‌اند.

در بیت گزینهٔ (۱) واژه‌های «زلف» (لف ۱) و «رخ» (لف ۲)، به ترتیب با «کفر» (سیاهی) (نشر ۱) و «دین» (روشنی) (نشر ۲)، ارتباط تشبیهی و لف و نشر مرتّب دارند.

در بیت گزینهٔ (۲) به ترتیب واژه‌های «روی» (لف ۱) و «موی» (لف ۲) با «روز» (نشر ۱) و «شب» (نشر ۲) ارتباط نحوی و لف و نشر مرتّب دارند؛ به این صورت: گر نبودی رویت، روز نبودی؛ گر نبودی مویت، شب نبودی.

در بیت گزینهٔ (۳) واژهٔ «اشک» (لف ۱) با «گوهر» (نشر ۲) و «چهره» (لف ۲) با «زر» (نشر ۱)، ارتباط تشبیهی و مانند بیت صورت سؤال، لف و نشر نامرتّب دارند.

در بیت گزینهٔ (۴) واژه‌های «شکر» (لف ۱) و «شکایت» (لف ۲) به ترتیب با «نقش نیک» (نشر ۱) و «نقش بد» (نشر ۲) ارتباط نحوی و لف و نشر مرتّب دارند، به این صورت: «چه جای شکر از نقش نیک و شکایت از نقش بد است؟»

۳۶ به ترتیب کدام دو بیت آرایهٔ «متناقض‌نما» و کدام دو بیت آرایهٔ «تضاد» دارند؟

الف) عارفان دشوارها را بر خود آسان می‌کنند / کارهای سهل را دشوار می‌سازیم ما

ب) موج را سرگشته سازد حلقهٔ گرداب بیش / می‌کند جمعیّت خاطر، پریشان‌تر مرا

ج) از خرابی می‌شود دل صاحب گنج گهر / نیست معماری به از ویرانی این بنیاد را

د) زهد پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار / پرده از سر برگرفتیم آن همه تزویر را

۱) «الف، ج» ـ «ب، د»

۲) «الف، ب» ـ «ج، د»

۳) «ب، ج» ـ «الف، د»

۴) «ب، د» ـ «الف، ج»

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۶

درس Box

تفاوت پارادوکس و تضاد

در پارادوکس، دو مفهوم متناقض، هم‌زمان به یک چیز یا به یکدیگر نسبت داده می‌شود، ولی در تضاد، دو واژهٔ متضاد، جدا از یکدیگر در سخن به کار می‌روند. برای نمونه در مصراع اول بیت زیر، دو واژهٔ «شادی» و «غم» با یکدیگر تضاد دارند، چون «غم» با شاعر و «شادی» با رخ یار پیوند دارد، ولی در مصراع دوم، «شادمانی‌کردن به غم» پارادوکس ایجاد می‌کند.

می‌خورم جام غمی، هردم به شادی رُخت / خرّم آن کس کاو بدین غم شادمانی می‌کند

پاسخ خیلی تشریحی واژه‌های «دشوار» و «آسان/ سهل» در بیت «الف» و واژه‌های «پیدا» و «پنهان» و «زهد» و «کفر» در بیت «د» تضاد دارند. (بیت‌های «الف» و «د» تضاد دارند.)

در بیت «ب» عبارت «جمعیت خاطر مرا پریشان‌تر می‌کند» و در بیت «ج» عبارت «این بنیاد، معماری بهتر از ویرانی ندارد.» پارادوکس دارند. (بیت‌های «ب» و «ج» پارادوکس دارند.)

گول نخوری در بیت «الف» عبارت‌های «آسان‌کردن دشوارها» یا «دشوارساختن کارهای سهل» پارادوکس ندارند، زیرا به طور هم‌زمان و ناممکن نیستند.

۳۷ کدام بیت پایه‌های آوایی «ناهمسان» دارد؟

۱) هرجا که می‌نشینم و هرجا که می‌روم — نقشش نمی‌رود نفسی از مقابلم

۲) کام من این بود که جان بر تو فشانم — عاقبت از لعل توام کام برآمد

۳) تو اگر به حسن دعوی بکنی گواه داری — که جمال سرو بستان و کمال ماه داری

۴) اگر هزار شکایت بود ز دور زمانم — چگونه شکر نگویم که در زمان تو باشم

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۲

درس Box

پایه‌های آوایی به طور کلّی بر دو گونه است: ۱) پایه‌های آوایی همسان ۲) پایه‌های آوایی ناهمسان

۱) پایه‌های آوایی همسان

پایه‌های آوایی همسان به دو صورت است: الف) همسان تکراری ب) همسان دولختی

الف) پایه‌های آوایی همسان تکراری:

وزن‌هایی که در آن‌ها یک وزن‌واژه، به صورت پی‌درپی تکرار می‌شود؛ برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱) فعولن فعولن فعولن فعولن — ۲) فعولن فعولن فعل

۳) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن — ۴) مفاعیلن مفاعیلن فعولن

۵) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن — ۶) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۷) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن — ۸) فعلاتن فعلاتن فعلن

۹) فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن — ۱۰) فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

۱۱) مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن — ۱۲) مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع

۱۳) مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن — ۱۴) مفتعلن مفتعلن فاعلن

۱۵) مستفعل مستفعل مستفعل مس‌تف — ۱۶) فاعلن فاعلن فاعلن فع

۱۷) مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن

ب) پایه‌های آوایی همسان دولختی:

وزن‌هایی که در آن دو وزن‌واژه، به صورت متناوب (یکی‌درمیان) تکرار می‌شود. برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱) مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن — ۲) مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن

۳) مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن — ۴) مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن (مفعولُ فاعلاتن، مفعولُ فاعلاتن)

۵) فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن — ۶) مستفعلُ مفعولن، مستفعلُ مفعولن (مفعولُ مفاعیلن، مفعولُ مفاعیلن)

۷) فاعلاتُ مفعولن، فاعلاتُ مفعولن — ۸) مستفعلن فع، مستفعلن فع (فعلن فعولن، فعلن فعولن)

۲) پایه‌های آوایی ناهمسان

وزن‌هایی که از سه یا چهار وزن‌واژهٔ متفاوت و ناهمسان تشکیل می‌شوند؛ البته در بعضی از این وزن‌ها، دو واژهٔ تکراری وجود دارد ولی چون دو وزن‌واژهٔ دیگر متفاوت است، آن‌ها را ناهمسان می‌دانیم.

برخی از مهم‌ترین وزن‌های ناهمسان عبارت‌اند از:

۱) فاعلاتن مفاعلن فعلن

۲) مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن

۳) مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع

۴) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (مستفعلن مفاعِلُ مستفعلن فَعَل)

۵) مفعولُ مفاعلن مفاعیلن (مستفعلُ فاعلاتُ مفعولن)

۶) مفعولُ مفاعلن فعولن (مستفعلُ فاعِلاتُ مُس‌تَف (فعلن))

۷) مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن (مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُس‌تَف)

پاسخ خیلی تشریحی

با تقطیع هجایی مصراع اوّل ابیات، درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیت گزینهٔ (۱) «ناهمسان» و دیگر ابیات، «همسان» است.

گزینهٔ (۱): هَر جا کِ می / نِ شی نَ مُ / هَر جا کِ می / رَ وَم: مستفعلن مفاعِلُ مستفعلن فَعَل / مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (وزن ناهمسان)

گزینهٔ (۲): کا مِ مَ نین / بو د کِ جان / بر تُ فِ شا / نَم: مفتعلن مفتعلن مفتعلن فَع (وزن همسان تکراری)

گزینهٔ (۳): تُ اَ گَر بِ / حُسن دَع وی / بِ کُ نی گُ / وا ه دا ری: فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن (وزن همسان دولختی)

گزینهٔ (۴): اَ گَر هِ زا / ر شِ کا یَت / بُ وَد زِ دَو / رِ زَ ما نَم: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن (وزن همسان دولختی)

۳۸ کدام بیت دارای «وزن ناهمسان» و فاقد «اختیار شاعری زبانی» است؟

۱) خورشید را به سایهٔ شب درنشانده‌اند / شب را به پاسبانی اختر نشانده‌اند

۲) ز شوق عارض و رخسار او چنان مستم / که یادم از سمن و ارغوان نمی‌آید

۳) گل نسبتی ندارد با روی دل‌فریبت / تو در میان گل‌ها چون گل میان خاری

۴) دل را نظری از رخ دلدار که بخشد؟ / جان را شکری از لب جانان که رساند؟

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ ترکیبی درس‌های ۲ و ۵

درس Box

اختیارات شاعری زبانی: تغییرات کوچکی است که هنگام خوانش در شیوهٔ تلفّظ برخی کلمات رخ می‌دهد و بر دو گونه است:

۱) امکان حذف همزه ۲) تغییر کمّیت مصوّت‌ها

۱) امکان حذف همزه:

در زبان فارسی اگر قبل از همزهٔ آغاز هجا حرف صامتی بیاید، همزه را می‌توان حذف کرد. اگر به شیوهٔ خوانش مصراع زیر توجّه کنید، می‌بینید که همزه (ا) در آغاز دو واژهٔ «از» و «اوّل»، تلفّظ نمی‌شود:

من ندانستم از اوّل که تو بی مهر و وفایی= مَن نَ دا نِس تَ مَ زَو وَل کِ تُ بی مِه رُ وَ فا یی

توجّه: اختیار زبانی «حذف همزه»، به طور طبیعی در زبان رخ می‌دهد؛ اگر بیت را درست بخوانیم، به خوبی متوجّه می‌شویم که هنگام خوانش بیت، همزه (ا / ء) در بعضی از کلمات حذف می‌شود.

۲) تغییر کمیّت مصوّت‌ها

شاعر در مواردی خاص می‌تواند به ضرورت وزن شعر، مصوّت کوتاه را بلند یا مصوّت بلند را کوتاه تلفّظ کند.

الف) بلند تلفّظ‌کردن مصوّت‌های کوتاه:

گاهی بنا به ضرورت وزن، کسرهٔ اضافه (ـِ)، «و» عطف یا ربط و مصوّت کوتاه پایان کلمه، به اندازهٔ مصوّت بلند تلفّظ می‌شود تا یک هجای کوتاه با هجای بلند روبه‌روی آن، برابر گردد.

به مصوّت «ـِ» پس از واژهٔ «نسیم» در بیت زیر توجّه کنید:

نسیمِ صبح را گفتم که با او جانبی داری / کز آن جانب که او باشد صبا عنبرفشان آید

پایه‌های آوایی	نَ سی مِ صُب	ح را گُف تَم	کِ با او جا	نِ بی دا ری
نشانه‌های هجایی	ـ ~~∪~~ ـ ∪	ـ ـ ـ ∪	ـ ـ ـ ∪	ـ ـ ـ ∪
پایه‌های آوایی	کَ زان جا نِب	کِ او با شد	صَ با عَن بَر	فِ شا نا یَد
نشانه‌های آوایی	ـ ـ ـ ∪	ـ ـ ـ ∪	ـ ـ ـ ∪	ـ ـ ـ ∪
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

در هجای سوم مصراع اوّل بیت بالا، کسرهٔ اضافهٔ پایان واژهٔ «نسیم» بلند تلفّظ شده تا هجای کوتاه، با هجای بلند روبه‌روی آن در مصراع دوم، همسان شود و وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» به دست آید.

ب) کوتاه تلفظ‌کردن مصوّت‌های بلند:

مصوّت‌های بلند / ی/ ، / و/ گاهی به ضرورت وزن، کوتاه‌تر از حدّ معمول، تلفّظ می‌شوند تا هجای بلند به هجای کوتاه تبدیل شود و وزن شعر درست دربیاید. بنابراین، در کلماتی که به مصوّت بلند / و/ و / ی/ ختم می‌شوند؛ اگر بعد از آن مصوت‌ها، مصوتی بیاید، شاعر اختیار دارد که مصوّت‌های بلند / و/ یا / ی/ را کوتاه تلفّظ کند. ضمناً میان دو مصوّت، صامت «ی» قرار می‌گیرد که آن را «ی» میانجی می‌نامند.

در بیت زیر، واژهٔ «آهو» به ضرورت وزن، به صورت «آهُ» خوانده می‌شود، آهویی= آهُ یی

در دام فتاده آهویی چند محکم شده دست و پای در بند

پایه‌های آوایی	دَر دا م فُ	تا دِ آ هو	یی چَند
نشانه‌های هجایی	ـــ U U	ـ U ـــ	ـــ
پایه‌های آوایی	مُح کَم شُ دِ	دَس تُ پا ی	دَر بَند
نشانه‌های هجایی	ـــ U U	U ـ U ـ	ـــ
وزن	مستفعلُ	فاعلاتُ	فَعْ لُن

در بیت بالا، مصوّت بلند / و/ در واژهٔ «آهو» به صورت کوتاه تلفّظ می‌شود، به عبارت دیگر هجای بلند «هو» برای همسان‌شدن با هجای روبه‌روی خود، کوتاه به حساب می‌آید.

توجّه: مصوّت بلند / و/ در کلمات تک‌هجایی بو، رو، جو، مو و ... هیچ‌گاه کوتاه نمی‌شود، امّا در کلمهٔ «سو» در صورت اضافه‌شدن، ممکن است کوتاه شود.

پس سوی کاری فرستاد آن دگر تا از این دیگر شود او باخبر

پایه‌های آوایی	پَس سو ی کا	ری فِ رِس تا	دان دِ گَر
نشانه‌های هجایی	ـــ U ـ	ـــ U ـ	ـ U ـ
پایه‌های آوایی	تا اَ زین دی	گَر شَ وَد او	با خَ بَر
نشانه‌های هجایی	ـــ U ـ	ـــ U ـ	ـ U ـ
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن

مصوّت بلند / و/ در واژهٔ «سو» به صورت مصوّت کوتاه / ـُ / تلفّظ می‌شود، سوی = سُ یِ

مصوّت کوتاه / ـِ / هم در هجای «یِ» در واژهٔ «سویِ» به ضرورت وزن، بلند تلفّظ می‌شود.

مصوّت بلند / ی/ در واژهٔ «شبنمی» در بیت زیر به ضرورت وزن، کوتاه و به صورت / ـِ / تلفّظ می‌شود:

خاک دل آن روز که می‌بیختند شبنمی از عشق بر آن ریختند

پایه‌های آوایی	خا کِ دِ لان	رو ز کِ می	بیـ خ تَند
نشانه‌های هجایی	ـ U U ـ	ـ U U ـ	ـ U ـ
پایه‌های آوایی	شب نَ می یَز	عِش ق بَ ران	ریـ خ تَند
نشانه‌های هجایی	ـ U U ـ	ـ U U ـ	ـ U ـ
وزن	مفتعلن	مفتعلن	فاعلن

توجه: مصوّت بلند / ی/ در کلماتی مانند: بیا، گیاه، عامیانه، زیاد، سیاست، بیاموز، قیامت و واژه‌هایی از این قبیل، در شعر، همواره کوتاه است، مثلاً هجای اوّل بیت زیر را به صورت «بِ» تلفّظ می‌کنیم؛ نه «بی».

بیا تا قدر یکدیگر بدانیم که تا ناگه ز یکدیگر نمانیم

پایه‌های آوایی	بِ یا تا قد	رِ یِک دی گر	بِ دا نیم
نشانه‌های هجایی	ـــ U	ـــ U	ـــ U
پایه‌های آوایی	کِ تا نا گَه	ز یک دی گر	نَ ما نیم
نشانه‌های هجایی	ـــ U	ـــ U	ـــ U
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	فعولن (مفاعی)

پاسخ خیلی تشریحی

گزینهٔ (۱): خُر شید را / بِ سا یِ یِ / شَب دَر نِ شان / دِ اَند

شَب را بِ پا / س با نی یِ / اَخ تَر نِ شان / دِ اَند: مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فعل / مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن

(وزن ناهمسان دارد و مصوّت بلند «ی» در هجای «نی» کوتاه تلفّظ می‌شود.)

گزینهٔ (۲): زِ شو قِ عا / رِ ضُ رُخ سا / رِ او چُ نان / مَس تَم

کِ یا دَ مَز / سَ مَ نُ اَر / غَ وان نِ می / آ یَد: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فع لن

(وزن ناهمسان دارد و مصوّت کوتاه «ـُـ» در هجای «نُ» بلند تلفّظ می‌شود.)

گزینهٔ (۳): گُل نِس بَ تی / نَ دا رَد / با رو یِ دِل / فَ ری بَت

تُ دَر مِ یا / نِ گُل ها / چُن گُل مِ یا / نِ خا ری: مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن / مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلاتن

(وزن همسان دولختی دارد و مصوّت کوتاه «ـُـ» در هجای «تُ» بلند تلفّظ می‌شود.)

گزینهٔ (۴): دِل را نَ ظَ / ری اَز رُ خِ / دِل دا ر کِ / بَخ شَد

جان را شَ کَ / ری اَز لَ بِ / جا نان کِ رَ / سا نَد: مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُس تَف / مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن

(وزن ناهمسان دارد و فاقد اختیارات شاعری زبانی است.)

۳۹ کدام بیت وزن «ناهمسان» دارد و به دو صورت، دسته‌بندی هجایی می‌شود؟

۱) درد و غمم چون ز پا فکند چه درمان؟ / کار دلم چون ز دست رفت چه تدبیر؟

۲) یک ذرّه مهر رویت خالی نگردد از دل / زیرا که گنج را شد کنج خراب منزل

۳) از شوق رخش چو مست شد چشمش / از من چه عجب اگر شوم مستش؟

۴) از بس که در نظرم خوب آمدی صنما / هرجا که می‌نگرم گویی که در نظری

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ ترکیبی درس‌های ۲ و ۵

درس Box

همان‌طور که می‌دانید، برخی وزن‌های همسان دولختی و برخی وزن‌های ناهمسان را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد، برای نمونه، ابیات زیر وزن ناهمسان دارند و به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند:

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

پایه‌های آوایی	بِن مای رُخ	کِ با غُ گُ	لِس تا نَ ما	رِ زوست
	بُگ شای لَب	کِ قَن دِ فَ	را وا نَ ما	رِ زوست
نشانه‌های هجایی	ـ ـ ∪ ـ	∪ ∪ ـ ∪	ـ ∪ ـ ـ	ـ ∪
وزن‌واژه‌ها	مستفعلن	مفاعِلُ	مستفعلن	فَعَل

صورت دوم:

پایه‌های آوایی	بِن ما ی	رُخ کِ با غُ	گُ لِس تا نَ	ما رِ زوست
	بُگ شا ی	لَب کِ قَن دِ	فَ را وا نَ	ما رِ زوست
نشانه‌های هجایی	∪ ـ ـ	∪ ـ ∪ ـ	∪ ـ ـ ∪	ـ ∪ ـ
وزن‌واژه‌ها	مفعولُ	فاعلاتُ	مفاعیلُ	فاعلن

هم‌چنین وزن بیت زیر را به دو صورت می‌توانیم نشان دهیم:

از کردهٔ خویشتن پشیمانم / جز توبه رهِ دگر نمی‌دانم

پایه‌های آوایی	اَز کَر دِ یِ	خیش تَن پَ	شی ما نَم
	جُز تو بِ رَ	هِ دِ گَر نِ	می دا نَم
نشانه‌های هجایی	∪ ∪ ـ ـ	∪ ـ ∪ ـ	ـ ـ ـ
وزن‌واژه‌ها	مستفعلُ	فاعلاتُ	مفعولن (مستفعِل)

وزن بیت بالا را به این صورت نیز می‌توان تعیین کرد:

پایه‌های آوایی	اَز کَر دِ	یِ خیش تَن	پَ شی ما نَم
	جُز تو بِ	رِ هِ دِ گَر	نِ می دا نَم
نشانه‌های هجایی	∪ ـ ـ	∪ ـ ∪ ـ	∪ ـ ـ ـ
وزن‌واژه‌ها	مفعولُ	مفاعِلن	مفاعیلن

نکته وزن‌های همسان دولختی و ناهمسانی که با وزن‌واژهٔ «مفعولُ» شروع شوند، به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند.

پاسخ خیلی تشریحی گزینهٔ (۱): دَر دُ غَ مَم / چُن زِ پا فِ / کَند چِ دَر / مان: مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فَع

(وزن ناهمسان دارد؛ ولی تنها به یک صورت دسته‌بندی هجایی می‌شود.)

گزینهٔ (۲): یِک ذَر رِ مِهـ / رِ رو یَت / خا لی نَ گَر / دَ دَز دِل: مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن / مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلاتن

(وزن همسان دولختی دارد و به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شود.)

گزینهٔ (۳): اَز شو قِ / رُ خَش چُ مَسـ / ـت شُد چَش مَش: مفعولُ مفاعلن مفاعیلن

یا: اَز شو قِ رُ / خَش چُ مَست / شُد چَش مَش: مستفعلُ فاعلاتُ مفعولن

(وزن ناهمسان دارد و به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شود.)

گزینهٔ (۴): اَز بَس کِ دَر / نَ ظَ رم / خو با مَ دی / صَ نَ ما: مستفعلن فعلن مستفعلن فعلن / مفعولُ مفتعلن مفعولُ مفتعلن

(وزن همسان دولختی دارد و به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شود.)

۴۰ در کدام بیت، سه بار اختیار زبانی «حذف همزه» به کار رفته است؟

۱) ز خوف هجرم ایمن کن اگر امّید آن داری / که از چشم بداندیشان خدایت در امان دارد

۲) الا ای همنشین دل که یارانت برفت از یاد / مرا روزی مباد آن دم که بی یاد تو بنشینم

۳) من آن آیینه را روزی به دست آرم سکندروار / اگر می‌گیرد این آتش زمانی ور نمی‌گیرد

۴) بهشتی شد مرا نظّارهٔ آن روی گندم‌گون / اگر گندم برون انداخت از فردوس آدم را

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۵

درس Box

حذف همزه یا «ا» آغازی هجا، معمولاً زمانی رُخ می‌دهد که قبل از همزهٔ آغاز هجا، یک صامت ساکن بیاید. حذف همزهٔ آغاز هجا، با خوانش درست بیت مشخص می‌شود. در بیت زیر همزهٔ آغازی کلمات «از» و «این‌جا» هنگام خوانش حذف می‌گردد.

من از این‌جا به ملامت نروم / که من این‌جا به امیدی گروم

Hint ابیات گزینه‌ها را تقطیع هجایی کنید؛ نشانه‌های هجایی، پایه‌های آوایی، سایر اختیارات زبانی و وزن آن‌ها را به دست آورید.

پاسخ خیلی تشریحی با خواندن درست ابیات متوجّه می‌شویم که هنگام خوانش:

در بیت گزینهٔ (۱): همزه در آغاز واژه‌های «ایمن» و در میان واژهٔ «بداندیشان» حذف می‌شود. (دو بار)

در بیت گزینهٔ (۲): همزه در آغاز واژه‌های «از» و «آن» حذف می‌شود. (دو بار)

در بیت گزینهٔ (۳): همزه در آغاز واژه‌های «آن»، «آزم» و «این» حذف می‌شود. (سه بار)

در بیت گزینهٔ (۴): همزه در آغاز واژه‌های «انداخت» و «از» حذف می‌شود. (دو بار)

۴۱ شاعر در همهٔ ابیات از اختیار زبانی «تغییر کمیّت مصوّت‌ها» بهره برده است؛ به‌جز ..... .

تغییر کمیت مصوّت‌ها، شامل مصوّت کوتاه به بلند و تغییر مصوّت بلند به کوتاه است.

۱) گر نگویم دوستی از دوستانت بوده‌ام / سال‌ها آخر نه مرغ بوستانت بوده‌ام؟

۲) گرچه من آب رخ از خاک درت یافته‌ام / گرد خاطر همه از رهگذرت یافته‌ام

۳) آن که لعلش عین آب زندگانی یافتیم / در رهش مردن حیات جاودانی یافتیم

۴) من ز دست دیده و دل در بلا افتاده‌ام / ای عزیزان چون کنم چون مبتلا افتاده‌ام

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۵

پاسخ خیلی تشریحی ✔

گزینهٔ (۱): گَر نَ گو یَم / دو س تی اَز / دو س تا نَت / بو دِ اَم

سا ل ها آ / خِر نَ مُر غِ / بو س تا نَت / بو دِ اَم (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

(مصوّت کوتاه «ـِ» در هجای «غِ»، بنا بر اختیارات زبانی، بلند تلفّظ می‌شود.)

گزینهٔ (۲): گر چِ مَن آ / بِ رُ خَز خا / کِ دَ رَ ت یا / ف تِ اَم

گَردِ خا طِر / هَ مِ اَز رَهـ / گُ ذَ رَ ت یا / ف تِ اَم (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

(در این بیت، تغییر کمیت مصوت‌ها وجود ندارد.)

گزینهٔ (۳): آن ک لَع لَش / عِی نِ آ بِ / زِن دِ گا نی / یا ف تیم

دَر رَ هَش مُر / دَن حَ یا تِ / جا وِ دا نی / یا ف تیم (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

(مصوّت کوتاه «ـِ» در هجاهای «بِ» و «تِ»، بنا بر اختیارات زبانی، بلند تلفّظ می‌شود.)

گزینهٔ (۴): مَن زِ دَس تِ / دی دِ وُ دِل / دَر بَ لا اُف / تا دِ اَم

اِی عَ زی زان / چُن کُ نَم چُن / مُب تَ لا اُف / تا دِ اَم (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

(مصوّت کوتاه «ـِ» در هجای «تِ» و مصوّت کوتاه «ـُ» در هجای «وُ» بنا بر اختیارات زبانی، بلند تلفّظ می‌شوند.)

گول نخوری ✘

وزن بیت گزینهٔ (۲) «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» است، حواستان باشد که مصوّت کوتاه «ـِ» در هجاهای «بِ» و «کِ» در مصراع اوّل را براساس اختیار زبانی، بلند در نظر نگیرید.

۴۲ بیشترین «تغییر کمیّت مصوّت‌ها» در کدام بیت به کار رفته است؟

۱) دل زنـده می‌شود به امید وفـای یار / جان رقص می‌کند به سماع کلام دوست

۲) بدان نفس که نسیم بهار چهره‌گشای / نقاب نسترن و گیسوی بنفشه گشاد

۳) باد صبا که شد به هوای تو سوی باغ / چندین به بوی زلف تو در بوستان بماند

۴) تا تلخی هجران نکشد خسرو پرویز / قـدر لـب شـیـریـن شـکـربـار نـدانـد

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ ترکیبی درس‌های ۲ و ۵

پاسخ خیلی تشریحی ✔

گزینهٔ (۱): دِل زِن دِ می / شَ وَد بِ اُ / می دِ وَ فا / یِ یار

جان رقص می / کُ نَد بِ سَ / ما عِ کَ لا / مِ دوست (مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فَعَل / مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن)

(در دو هجای مشخّص‌شده، تغییر مصوّت کوتاه به بلند وجود دارد.)

گزینهٔ (۲): بِ دان نَ فَس / کِ نَ سی مِ / بَ ها رِ چِهـ / رِ گُ شای

نِ قا بِ نَس / تَ رَ نُ گی / سو یِ بَ نَف / شِ گُ شاد (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)

(در سه هجایی که با رنگ قرمز مشخّص شده‌اند تغییر مصوّت کوتاه به بلند و در یک هجا که با رنگ آبی مشخص شده، تغییر مصوّت بلند به کوتاه وجود دارد.)

گزینهٔ (۳): با دِ صَ با / کِ شُد بِ هَـ / وا یِ تُ سو / یِ باغ

چَن دین بِ بو / یِ زُل فِ تُ / دَر بو س تان / بِ ماند (مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فَعَل / مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن)

(در دو هجای مشخّص‌شده، تغییر مصوّت کوتاه به بلند وجود دارد.)

گزینهٔ (۴): تا تَل خی یِ / هِج ران نَ کِ / شَد خُس رُ وِ / پَر ویز

قَد رِ لَ بِ / شی ری نِ شِ / کَر با ر نَ / دا ند (مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مس تف / مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن)

(در یک هجا که با رنگ آبی مشخص شده، تغییر مصوّت بلند به کوتاه و در هجایی که با رنگ قرمز مشخّص شده است تغییر مصوّت کوتاه به بلند وجود دارد.)

۴۳ وزن کدام مصراع در مقابل آن، درست آمده است؟

۱) ز مهر در تو نشانی ندیدم و نشنیدم (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)

۲) تا جان بود از مهر رخش برنکنم دل (مفعولُ مفاعلن مفاعیلن فع)

۳) دوست مخوانش که رخ ز دوست بتابد (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع)

۴) بوی بهشت می‌گذرد یا نسیم دوست (مفتعلن مفاعلن مستفعلُ فعل)

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ ترکیبی درس‌های ۲ و ۵

پاسخ خیلی تشریحی تقطیع هجایی و وزن درست هر مصراع را با گزینه‌های سؤال، مقایسه کنید.

گزینهٔ (۱): زِ مِهر دَر / تُ نِ شا نی / نَ دی دَ مُ / نَ شِ نی دَم (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)

گزینهٔ (۲): تا جان بُ وَ / دَز مِه رِ رُ / خَش بَر نَ کَ / نَم دِل (مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُس تَف / مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن)

گزینهٔ (۳): دو ست مَ خا / نَش کِ رُخ زِ / دوست بِ تا / بَد (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع)

گزینهٔ (۴): بو یِ بِ هِشـ / ـت می گُ ذَ / رَد یا نَ سی / مِ دوست (مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فَعَل / مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن)

توجّه: مصوّت کوتاه «ـِ» در هجای دوم، بنا بر اختیارات زبانی، بلند تلفّظ می‌شود.

گول نخوری توجّه داشته باشید که وزن بیت گزینهٔ (۱) بسیار به وزن پیشنهادی درون پرانتز نزدیک است و تنها یک هجا در پایان، بیشتر دارد.

۴۴ وزن کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

«بوی گل و بانگ مرغ برخاست　　هنگام نشاط و روز صحراست»

۱) هرکس که به او نگه کند بیند　　شب در بر آفتاب بازیگر

۲) جان شیرین فدای صحبت یار　　شرم دارد که نیک مختصر است

۳) فریاد من از فراق یار است　　و افغان من از غم نگار است

۴) باز نیامد دلم در شکن زلف تو　　گرنه به گردن کشم بار بلای تو را

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ ترکیبی درس‌های ۲ و ۵

Hint مصراع دوم ابیات گزینه‌ها را نیز تقطیع هجایی کنید و اختیارات زبانی آن‌ها را بیابید.

پاسخ خیلی تشریحی نخست، وزن بیت صورت سؤال را به دست می‌آوریم:

بو یِ گُ لُ / بان گِ مُر غ / بر خاست (مصوّت کوتاه «ـِ» در هجای دوم، بلند تلفّظ می‌شود.)

هِن گا مِ نِ / شا طُ رو زِ / صَح راست

وزن: مستفعلُ فاعلاتُ فَع لُن (مفعولُ مفاعلن فعولن)

اکنون وزن مصراع اوّل ابیات گزینه‌ها را با آن مقایسه می‌کنیم:

گزینهٔ (۱): هَر کَس کِ بِ / او نِ گَه کُ / نَد بی نَد: مستفعلُ فاعلاتُ مفعولن (مفعولُ مفاعلن مفاعیلن)

گزینهٔ (۲): جا نِ شی رین / فَ دا یِ صُح / بَ تِ یار: فاعلاتن مفاعلن فعلن

گزینهٔ (۳): فَر یا دِ مَ / نَز فِ را قِ / یا رَست: مستفعلُ فاعلاتُ فَع لُن (مفعولُ مفاعلن فعولن)

گزینهٔ (۴): با ز نَ یا / مَد دِ لَم / دَر شِ کَ نِ / زُل فِ تُ: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن (مصوّت کوتاه «ـِ» در هجای «نِ» بلند تلفّظ می‌شود و هجای پایان مصراع، در هر صورت بلند به حساب می‌آید.)

گول نخوری توجّه داشته باشید که وزن بیت گزینهٔ (۱) بسیار به بیت صورت سؤال و بیت گزینهٔ (۳) نزدیک است و تنها یک هجا در پایان، بیشتر دارد.

۴۵ با توجّه به ابیات زیر، همهٔ موارد کاملاً درست هستند؛ به‌جز ..... .

«درد من دلخسته به درمان که رساند؟ کار من بیچاره به سامان که رساند؟

شد عمر در این ظلمت دلگیر بیابان ما را به لب چشمهٔ حیوان که رساند؟»

۱) آرایه‌های «تلمیح»، «تضمین» و «تضاد» در ابیات فوق به کار رفته است

۲) اختیارات «حذف همزه» و «تغییر کمیّت مصوّت‌ها» در ابیات یافت می‌شود

۳) ابیات، به دو صورت «همسان» و «ناهمسان» دسته‌بندی هجایی می‌شوند

۴) مفاهیم «درد و غم فراق» و «تمنّای وصال» از ابیات فوق، دریافت می‌شود

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم - ترکیبی درس‌های ۲، ۳، ۵ و ۶

درس Box

دو وزن زیر قابلیت دسته‌بندی هجایی به دو صورت همسان و ناهمسان دارند:

۱) «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُس (فَع)» (مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعَل)

۲) «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُستَف (فَع لُن)» (مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن)؛ نمونه:

تا رفت مرا از نظر آن چشمِ جهان‌بین کس واقفِ ما نیست که از دیده چه‌ها رفت

پایه‌های آوایی	تا رَف ت مَ	را اَز نَ ظَ	ران چَش مِ جَ	هان بین
	کَس وا قِ فِ	ما نیـ ست کِ	اَز دی دِ چِ	ها رفت
نشانه‌های هجایی	∪ ∪ — —	∪ ∪ — —	∪ ∪ — —	— —
وزن	مستفعِلُ	مستفعِلُ	مستفعِلُ	مُستَف (فعلن)

نظم همسان «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُستَف(فَعلَن)» بر نظم ناهمسان برتری دارد و وزن بیت را بهتر نشان می‌دهد؛ اگرچه نشانه‌های هجایی این بیت را می‌توان به شیوهٔ ناهمسان «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعی(فعولن)» نیز سامان داد

پایه‌های آوایی	تا رَفـ ت	مَ را اَز نَ	ظَ ران چَش مِ	چِ هان بین
	کَس وا قِ	فِ ما نیـ ست	کِ اَز دی دِ	چِ ها رفت
نشانه‌های هجایی	∪ — —	∪ — — ∪	∪ — — ∪	— — ∪
وزن	مفعولُ	مفاعیلُ	مفاعیلُ	فعولن (مَفاعی)

پاسخ خیلی تشریحی

گزینهٔ (۱): اشاره به «ظلمت» و «چشمهٔ حیوان» به داستان «وجود آب حیات در ظلمات و تاریکی‌ها»، «تلمیح» دارد؛ واژه‌های «درد» و «درمان»، «تضاد» دارند؛ ولی هیچ بخشی از ابیات فوق، از شاعر دیگری «تضمین» نشده است.

گزینهٔ (۲): همزه در آغاز واژهٔ «این» در بیت دوم، حذف می‌گردد و مصوّت کوتاه «ـِ» در پایان واژه‌های «دردِ»، «کارِ» و «لبِ» بلند تلفّظ می‌شود.

گزینهٔ (۳): ابیات به دو صورت همسان: «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُستَف (فَعلُن) و ناهمسان: «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعی (فعولن)» دسته‌بندی هجایی می‌شوند؛ مصراع سوم را برای نمونه، تقطیع می‌کنیم.

شد عمر در این ظلمت دلگیر بیابان:

الف) همسان: شُد عُمر دَ / رین ظُل مَ تِ / دِل گی رِ بِ / یا بان (مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُستَف)

ب) ناهمسان: شُد عُمر / دَ رین ظُل مَ / تِ دِل گی رِ / بِ یا بان (مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن)

گزینهٔ (۴): مفهوم «درد و غم فراق» بیشتر از بیت اوّل و مفهوم «طلب و تمنّای وصال» بیشتر از بیت دوم دریافت می‌شود.

۴۶ مفاهیم «دادخواهی، بیگانه‌ستیزی، وطن‌پرستی، بیداری جامعه، توجّه به مردم»، به ترتیب از کدام بیت‌ها دریافت می‌شود؟

الف) در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

ب) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

ج) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آزاد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحزن است

د) انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی / چون فرّخی موافق ثابت‌قدم نداشت

ه) آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم / ملّت امروز یقین کرد که او اهرمن است

۱) د ـ ج ـ ب ـ ه ـ الف

۲) ه ـ ج ـ د ـ الف ـ ب

۳) د ـ ب ـ الف ـ ه ـ ج

۴) ج ـ د ـ ب ـ الف ـ ه

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ ترکیبی درس‌های ۱ و ۴

پاسخ خیلی تشریحی بیت «الف»، سفارش به «محترم‌داشتن فکر جامعه»، مفهوم «توجّه به مردم» و «دموکراسی» را در بر دارد.

بیت «ب» به «جان‌دادن و کشته‌شدن در راه وطن» و «وطن‌پرستی» اشاره دارد.

بیت «ج» بیانگر «بیگانه‌ستیزی» و «مبارزه با استثمار اجانب و کشورهای بیگانه» است.

بیت «د» از استواری و ثبات قدم شاعر در راه «انصاف» و «عدل» و به بیان دیگر، از «دادخواهی» شاعر سخن می‌گوید.

بیت «ه» به «بیداری و آگاهی جامعه» در دوران سلطنت محمدعلی‌شاه و استبداد او اشاره دارد و می‌گوید: آن کسی را که در این سرزمین به پادشاهی رساندیم، مردم امروز به این نتیجه و آگاهی رسیده‌اند که او اهریمن است و باید با او مبارزه کرد و سلطنت را از او پس گرفت.

۴۷ مفهوم کدام بیت در مقابل آن، نادرست بیان شده است؟

۱) سعدی نظر از رویت کوته نکند هرگز / ور روی بگردانی در دامنت آویزد (پافشاری در عشق)

۲) اگر ز خلق ملامت و گر ز کرده ندامت / کشیدم از تو کشیدم شنیدم از تو شنیدم (گلایه از معشوق)

۳) گوش ترحّمی کو کز ما نظر نپوشد؟ / دست غریق یعنی فریاد بی‌صداییم (طلب عنایت و دلسوزی)

۴) هرچه جز بار غمت بر دل مسکین من است / برود از دل من وز دل من آن نرود (فراموشی غم هجران)

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ ترکیبی درس‌های ۵ و ۶

پاسخ خیلی تشریحی مفهوم بیت گزینهٔ (۱) «اصرار و پافشاری در عشق‌ورزی عاشق» است و می‌گوید: سعدی هرگز از دیدن رویت چشم برنمی‌دارد و اگر از او رویگردان شوی، به پای تو می‌افتد.

مفهوم بیت گزینهٔ (۲) «گلایه از معشوق» است و می‌گوید: اگر از مردم سرزنش شنیدم و اگر از کردهٔ خود پشیمان شدم، همه به خاطر تو بود.

مفهوم بیت گزینهٔ (۳) «درخواست توجّه و ترحّم» است و می‌گوید: فرد دلسوزی کجاست که به ما عنایتی نماید؟ دست آدم غرق‌شده که از آب بیرون می‌آید، فریاد بی‌صدایی برای درخواست کمک است.

مفهوم بیت گزینهٔ (۴) «فراموش‌نکردن غم عشق» است و می‌گوید: به‌جز بار غم تو هر چه در دل بیچارهٔ من است، از یاد می‌رود، ولی غم تو از دلم بیرون نمی‌رود.

۴۸ کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«نکوهش مکن چرخ نیلوفری را　　برون کن ز سر باد و خیره‌سری را»

۱) دهر نکوهی مکن ای نیک‌مرد　　دهر به جای من و تو بد نکرد

۲) همی سر ز یزدان نباید کشید　　فراوان نکوهش بباید شنید

۳) بری دان از افعال، چرخ برین را　　نشاید ز دانا نکوهش بری را

۴) جهان جز که نقش جهاندار نیست　　جهان را نکوهش سزاوار نیست

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۵

پاسخ خیلی تشریحی مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) این است که نباید جهان را نکوهش و سرزنش کرد و بدبختی‌ها و ناکامی‌های خود را از چشم روزگار نباید دید، ولی بیت گزینهٔ (۲) می‌گوید: نباید در برابر خدا سرکشی کرد و در این راه، سرزنش‌های زیادی باید تحمّل کرد.

معنی بیت گزینهٔ (۱): ای نیک‌مرد، روزگار را سرزنش مکن، زیرا روزگار در حق من و تو بدی نکرده است.

معنی بیت گزینهٔ (۳): آسمان برین را از کارهای خود به دور و بی‌گناه بدان؛ از انسان دانا سزاوار نیست که بی‌گناه را سرزنش کند.

معنی بیت گزینهٔ (۴): جهان سراسر نقش خداوند است؛ سرزنش‌کردن جهان سزاوار نیست.

۴۹ **عبارت «سخن در میان دو دشمن چنای گوی که اگر دوست گردند، شرم‌زده نباشی.» با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟**

۱) عیب یاران و دوستان هنر است / سخن دشمنان نه معتبر است

۲) ضمیر دل خویش منمای زود / که هر گه که خواهی توانی نمود

۳) میان دو تن آتش افروختن / نه عقل است و خود در میان سوختن

۴) سخن را سر است ای خردمند و بن / میاور سخن در میان سخن

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۶

پاسخ خیلی تشریحی ✔ مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و گزینهٔ (۳) «پرهیز از سخن‌چینی و فتنه‌انگیزی میان دیگران» است.

بیت گزینهٔ (۱): عیب یاران و دوستان، از نظر دوستدارانشان، هنر محسوب می‌شود و سخن دشمنان در این باره، برایشان اعتباری ندارد.

بیت گزینهٔ (۲): زود راز دل خود را نمایان مکن و آن‌چه در دل داری بازگو نکن، زیرا هر زمان که بخواهی می‌توانی آن را بازگو کنی.

بیت گزینهٔ (۳): با سخن‌چینی، آتش دشمنی را میان دو تن روشن‌کردن، عاقلانه نیست، زیرا آن‌ها روزی با هم دوست می‌شوند و تو در میان آتشی که خود روشن کرده‌ای، خواهی سوخت.

بیت گزینهٔ (۴): ای خردمند، سخن آغاز و پایان دارد، پس در میان سخن دیگران، سخن مگو.

۵۰ کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«ما با توایم و با تو نه‌ایم اینت بوالعجب　　در حلقه‌ایم با تو و چون حلقه بر دریم»

۱) هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟　　من در میان جمع و دلم جای دیگر است

۲) گر به خواری ز در خویش براند ما را　　به امیدش بنشینیم و به درها نرویم

۳) گوشَت حدیث می‌شنود هوش بی‌خبر　　در حلقه‌ای به صورت و چون حلقه بر دری

۴) بی‌طالعی نگر که من و یار چون دو چشم　　همسایه‌ایم و خانهٔ هم را ندیده‌ایم

زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۶

پاسخ خیلی تشریحی مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینهٔ (۴) «بودنِ عاشق در کنار یار و بی‌توجّهی و بیگانگی یار با وی» است.

در بیت گزینهٔ (۱) شاعر می‌گوید: هرگز شنیده‌ای که وجودی هم حاضر و هم غایب باشد؟ آن وجود، من هستم که در میان جمعم ولی فکر و اندیشه‌ام جای دیگری است.

در بیت گزینهٔ (۲) می‌گوید: اگر یار، با خواری ما را از درگاه خویش براند، باز به امید او می‌نشینیم و به درهای دیگر نمی‌رویم.

در بیت گزینهٔ (۳) شاعر به مخاطب می‌گوید: گوشَت سخن را می‌شنود، امّا هوش و ذهنت از آن بی‌خبر است؛ در ظاهر در مجلس هستی ولی در اصل، مانند حلقهٔ بیرون در، بیرون از مجلسی.

در بیت گزینهٔ (۴) می‌گوید: بی‌اقبالی ما را ببین که من و یار مانند دو چشم یک فرد، کنار هم هستیم، ولی خانهٔ یکدیگر را ندیده‌ایم. (گلایه از بی‌توجّهی معشوق)

در بیت صورت سؤال نیز به یار می‌گوید: شگفت است که ما با تو هستیم و گویی با تو نیستیم؛ در محفل با تو هستیم و مانند حلقهٔ در، بیرونِ در هستیم. (گلایه از بی‌توجّهی معشوق)

۵۱ به ترتیب ویژگی «دانش عمومی»، علت «تعارض در ذخیرهٔ دانشی جوامع غیرمتجدد» و هدف «علوم انسانی و اجتماعی بومی» کدام است؟

۱) در صورت فقدان آن، زندگی اجتماعی مختل می‌شود. ـ رویکرد دنیوی به آن جوامع سرایت می‌کند. ـ در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد.

۲) گسترده‌ترین بخش ذخیرهٔ دانشی است. ـ جهان‌های اجتماعی مختلف هویت‌های فرهنگی متفاوتی دارند. ـ در حل مسائل و مشکلات بومی و ملی جامعهٔ ایران، مفید و کارآمد باشد.

۳) با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد. ـ رویکرد دنیوی، علوم فراتجربی را علم نمی‌داند. ـ همسو با هویت فرهنگی جامعهٔ ما و ناظر به حل مسائل آن باشد.

۴) جهان اجتماعی آن را در اختیار انسان‌ها می‌گذارد. ـ در جهان‌های اجتماعی مختلف تعاریف متعددی از علم رواج می‌یابد. ـ با هدف حل تعارض دانش عمومی و علمی، یکی از آن‌ها رها می‌شود.

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۱

درس Box

دانش عمومی
- مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌هاست که ما با اعضای جهان اجتماعی، در آن شریک و سهیم هستیم.
- جهان اجتماعی این دانش را در اختیار ما قرار می‌دهد.
- گسترده‌ترین بخش ذخیرهٔ دانشی ماست.
- اغلب از اهمیت آن غافلیم.
- بیشتر از آن استفاده می‌کنیم و کم‌تر به آن توجه داریم.

دانش علمی
- با تأمل و اندیشه در **دانش عمومی** به دست می‌آید.
- **عمیق‌تر و دقیق‌تر** از دانش عمومی است.
- تلاش‌های علمی به تدریج بر ذخیرهٔ دانش علمی می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند.
- با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند.

تعارض میان دانش عمومی و دانش علمی
- شرایط ایجاد: سرایت **رویکرد دنیوی جهان متجدد** به سایر جهان‌ها
- پیامدها
  - قطع ارتباط دوسویهٔ دانش **علمی و عمومی**
  - عدم دفاع **دانش عمومی** از **دانش علمی**
  - بازماندن **دانش علمی** از رشد و رونق
- راهکارهای حل تعارض
  - رهاکردن بخشی از ذخیرهٔ دانشی به نفع بخشی دیگر
  - طرح ایده‌های جدید
  - راهکار حل تعارض سرایت رویکرد دنیوی به کشور ما ← علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی)

پاسخ خیلی تشریحی ✔ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): درست ـ نادرست (هویت‌های فرهنگی مختلف، منجر به **تعاریف متفاوت از علم** می‌شود، نه تعارض میان دانش عمومی و دانش علمی.) ـ درست

گزینهٔ (۳): نادرست (**دانش علمی** با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد.) ـ نادرست (این عامل به تنهایی موجب تعارض نمی‌شود؛ بلکه زمانی که این رویکرد وارد جوامعی می‌شود که علوم فراتجربی را قبول دارند، منجر به تعارض می‌گردد.) ـ درست

گزینهٔ (۴): درست ـ نادرست (این موضوع، عامل ایجاد تعارض **نیست**؛ بلکه سرایت رویکرد دنیوی به سایر جوامع شرط ایجاد تعارض میان دانش عمومی و علمی است.) ـ نادرست (هرچند ایدهٔ علوم انسانی و اجتماعی بومی، راهی برای حل تعارض میان دانش عمومی و علمی محسوب می‌شود، اما ارتباطی با دیگر راه‌حل‌ها از جمله دست‌برداشتن از یکی به نفع دیگری **ندارد**.)

۵۲ در ارتباط با دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ رابطهٔ دانش عمومی و دانش علمی، به ترتیب هر یک از اندیشمندان معتقد به موارد زیر، چه دیدگاهی دارند؟

- دانش عمومی و دانش علمی رابطهٔ تباین دارند.
- دانش عمومی و دانش علمی رابطهٔ عموم و خصوص مطلق دارند.
- دانش عمومی و دانش علمی رابطهٔ عموم و خصوص من‌وجه دارند.

۱) تفاوت دانش عمومی و دانش علمی در روش ـ عدم محدودیت دانش علمی به دانش تجربی ـ ریشه‌داشتن دانش علمی در دانش عمومی

۲) کسب دانش عمومی از طریق جامعه‌پذیری ـ خلق و بازسازی واقعیت‌بودن دانش‌ها ـ اعتبار بیشتر دانش علمی نسبت به دانش عمومی

۳) کشف واقعیت از طریق دانش علمی ـ کم‌ارزش‌بودن دانش عمومی در مقابل دانش علمی ـ رابطهٔ متقابل دانش عمومی و دانش علمی

۴) پایه‌ای‌دانستن دانش عمومی ـ بی‌اعتباردانستن برتری دانش تجربی ـ ضرورت جلوگیری دانش علمی از ورود دانش عمومی به قلمرو علم

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۱

Hint

دربارهٔ رابطهٔ میان دانش عمومی و دانش علمی، سه دیدگاه وجود دارد. از لحاظ نسبت‌های چهارگانهٔ منطقی:

- دیدگاه اول: معتقد است رابطهٔ بین دانش عمومی و دانش علمی، تباین است.
- دیدگاه دوم: معتقد است رابطهٔ بین دانش عمومی و دانش علمی، عموم و خصوص مطلق است.
- دیدگاه سوم: معتقد است رابطهٔ بین دانش عمومی و دانش علمی، عموم و خصوص من‌وجه است.

درس Box

سه دیدگاه دربارهٔ دانش عمومی و دانش علمی:

۱) دیدگاه اول: دانش‌علمی (تجربی)، راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است و دانش عمومی در مقابل دانش علمی، ارزشی ندارد.

- تفاوت دانش عمومی و دانش علمی ← روش پدیدآمدن آن‌ها
  - روش‌دانش‌علمی: حس‌وتجربه‌وبه‌صورت‌نظام‌مند
  - روش‌دانش‌عمومی: جامعه‌پذیری‌وفرهنگ‌پذیری
- دانش علمی برای حفظ هویت خود، باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.

۲) دیدگاه دوم: همهٔ دانش‌ها، دانش حاصل از زندگی است و دانش عمومی پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی است.

- این ادعا را که دانش علمی راه کشف واقعیت است، انکار می‌کند.
- دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند؛ بلکه خلق و بازسازی آن هستند.
- برتری دانش علمی بر دانش عمومی را انکار می‌کند.
- در برخی از نحله‌ها (رویکردها)ی این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد.

۳) دیدگاه سوم: دانش عمومی و دانش علمی رابطهٔ متقابل دارند، از هم اثر می‌پذیرند و متناسب می‌شوند. هر دانش علمی با هر دانش عمومی سازگار نیست.

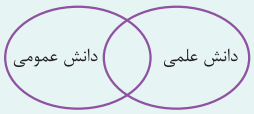

- در این دیدگاه
  - دانش علمی: به دانش‌تجربی محدود نمی‌شود، بلکه دانش‌های **عقلانی و وحیانی** را نیز شامل می‌شود.
  - دانش عمومی: غیرموثق و نامعتبر نیست و در آن، کم و بیش، دانش‌های حقیقی و صحیح وجود دارد.
- دانش علمی: به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است.
- دانش علمی: ضمن ریشه‌داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد و تصحیح آن را دارد.

پاسخ خیلی تشریحی بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱)	دیدگاه اول (تباین)	دیدگاه سوم (عموم و خصوص من‌وجه)	دیدگاه سوم (عموم و خصوص من‌وجه)
گزینهٔ (۲)	دیدگاه اول (تباین)	دیدگاه دوم (عموم و خصوص مطلق)	دیدگاه سوم (عموم و خصوص من‌وجه)
گزینهٔ (۳)	دیدگاه اول (تباین)	دیدگاه اول (تباین)	دیدگاه سوم (عموم و خصوص من‌وجه)
گزینهٔ (۴)	دیدگاه‌دوم(عموم‌وخصوص‌مطلق)	دیدگاه دوم (عموم و خصوص مطلق)	دیدگاه اول (تباین)

۵۳ به ترتیب هر یک از موارد زیر، در کدام قسمت جدول قرار می‌گیرد؟

- بررسی چگونگی اثرگذاری اجتماعات بر شیوهٔ زندگی انسان‌ها
- پدیده‌های مستقل از خواست، اقدام و ارادهٔ انسان‌ها
- مطالعهٔ کنش‌های انسان‌ها و پیامدهای آن
- شناسایی قوانین کلی موجودات بدون پرداختن به موجودی خاص

دانش	موضوع یا مصداق
«د»	اصل علیت
علم اجتماعی	«ب»
«الف»	روان‌شناسی و اخلاق
علم طبیعی	«ج»

۱) د ـ الف ـ ج ـ ب
۲) ب ـ ج ـ الف ـ د
۳) د ـ الف ـ ب ـ ج
۴) ب ـ ج ـ د ـ الف

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۲

درس Box

مقایسهٔ علوم
- علوم انسانی
  - موضوع: بررسی کنش‌های انسانی و آثار و پیامدهای آن
  - مثال: علم اخلاق، علم روان‌شناسی
- علوم اجتماعی
  - موضوع: بررسی پدیده‌های اجتماعی
  - مثال: تاریخ، علم مردم‌شناسی
- علوم طبیعی
  - موضوع: بررسی پدیده‌های طبیعی (پدیده‌های مستقل از ارادهٔ انسان‌ها)
  - مثال: علم نجوم و علم پزشکی
- فلسفه و متافیزیک
  - موضوع: اصل وجود (شناسایی قوانین کلی موجودات)
  - پس علمی خاص است و جزء علوم انسانی و طبیعی نیست.
  - مثال: قانون علیت

پاسخ خیلی تشریحی

ب) مطالعهٔ علمی اجتماعات انسانی به شکل‌گیری **علوم اجتماعی** انجامید. در واقع علوم اجتماعی به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوهٔ زندگی ما و هم‌چنین اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوهٔ زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند.

ج) موضوع علوم طبیعی، پدیده‌های طبیعی هستند. پدیده‌های طبیعی برخلاف کنش‌های انسانی، **به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند**، بلکه مستقل از ارادهٔ انسان‌ها و اهداف و معانی مورد نظر آن‌ها وجود دارند.

الف) روان‌شناسی و اخلاق از جمله **علوم انسانی** (نه علوم اجتماعی) هستند. علوم انسانی، کنش‌های انسانی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند.

د) موضوع فلسفه اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص مانند موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد، بلکه قوانین کلی موجودات (مانند قانون علیت) را شناسایی می‌کند.

۵۴ در متن زیر، به برخی از فواید علوم اجتماعی اشاره شده است. به ترتیب هر مورد، پیامد چیست؟

«پیش‌بینی آثار پدیده‌های اجتماعی، نیازمند درک عمیق از تأثیرات آن بر جامعه است. این امر می‌تواند فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب را برای دانشمندان فراهم سازد تا با تحلیل دقیق‌تری به مسائل پرداخته و راه‌حل‌هایی مؤثر ارائه دهند. در این مسیر، استفادهٔ صحیح از علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن، به عنوان ابزاری کارآمد می‌تواند به تقویت پایه‌های علمی و اجتماعی کمک کند.»

۱) شناخت پدیده‌های اجتماعی ـ داوری دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ـ شناخت طبیعت و قوانین آن

۲) کشف قواعد جهان اجتماعی ـ داوری دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ـ داوری دربارهٔ علوم طبیعی

۳) کشف قواعد جهان اجتماعی ـ نقد و اصلاح ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ـ شناخت طبیعت و قوانین آن

۴) شناخت پدیده‌های اجتماعی ـ نقد و اصلاح ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ـ داوری دربارهٔ علوم طبیعی

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۲

Hint در متن صورت سؤال، به سه مورد از کارکردها و فواید علوم اجتماعی اشاره شده است؛ ابتدا آن کارکردها را پیدا کنید و سپس علت تحقق آن‌ها را در گزینه‌ها بیابید.

درس Box

فواید علوم
- علوم طبیعی
  - ۱) شناخت طبیعت و قوانین آن ← پیش‌بینی و پیشگیری حوادث طبیعی
  - ۲) بهره‌مندی انسان از طبیعت و غلبهٔ او بر محدودیت‌های طبیعی
- علوم انسانی و اجتماعی
  - ۱) شناخت پدیده‌های اجتماعی ← پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل پدیده‌های اجتماعی
  - ۲) کشف نظم و قواعد جهان اجتماعی ← توضیح تأثیر اجتماعات بر زندگی انسان
  - ۳) فهم متقابل انسان‌ها و جوامع از یکدیگر ← افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها
  - ۴) داوری دربارهٔ ارزش‌ها و نقد و اصلاح آن‌ها ← فراهم‌شدن امکان موضع‌گیری اجتماعی مناسب برای اندیشمندان
  - ۵) داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن ← کمک به استفادهٔ صحیح از طبیعت

پاسخ خیلی تشریحی فواید علوم اجتماعی در متن صورت سؤال:

۱) پیش‌بینی آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی:

علوم اجتماعی **با شناخت پدیده‌های اجتماعی**، به انسان‌ها امکان می‌دهند که آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند.

۲) فراهم‌آوردن فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب برای دانشمندان:

علوم اجتماعی، ظرفیت **داوری دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد اصلاح آن‌ها را** دارند. علوم اجتماعی با داوری دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آن‌ها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

۳) استفادهٔ صحیح از علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن:

علوم اجتماعی ظرفیت **داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل** از آن را نیز دارند. علوم اجتماعی، دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به شیوهٔ صحیح استفاده کنند.

تیزبازی سؤال به دنبال فواید و کارکردهای علوم اجتماعی است. قسمت سوم گزینه‌های (۱) و (۳)، از کارکردهای علوم طبیعی محسوب می‌شود؛ به همین راحتی این دو گزینه حذف می‌شوند.

دقت داشته باشید که:

- شناخت طبیعت، پیش‌بینی و پیشگیری و کنترل آن ← از کارکردهای علوم طبیعی است.
- داوری دربارهٔ علوم طبیعی و نشان‌دادن شیوهٔ صحیح استفاده از طبیعت ← از کارکردهای علوم اجتماعی است.

۵۵ **پاسخ هر یک از پرسش‌های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟**

- **چرا انسان‌ها مجبور نیستند به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایشان را تولید کنند؟**
- **کدام‌یک از پیامدهای داشتن دانش علمی دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی توسط افراد نیست؟**
- **چرا علومی مانند پزشکی علی‌رغم این‌که دربارهٔ انسان بحث می‌کنند، جزء علوم انسانی نیستند؟**
- **چه رابطه‌ای بین جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی برقرار است؟**

۱) زیرا جهان اجتماعی آن را در اختیار انسان می‌گذارد. ـ به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسیم. ـ پدیده‌هایی مانند بدن انسان جزء جهان طبیعت هستند. ـ یکی از علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی ا.ست.

۲) زیرا دانش عمومی لازم برای آن وجود دارد. ـ قدرت پیدا می‌کنیم از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کنیم. ـ علوم پزشکی به بدن انسان و سلامت و بیماری آن می‌پردازد. ـ هر دو، زیرمجموعهٔ علوم انسانی هستند.

۳) به دلیل این‌که به صورت جمعی زندگی می‌کنند. ـ از طریق حل مسائل علمی به تدریج بر ذخیرهٔ دانش عمومی جوامع می‌افزاییم. ـ علوم انسانی از فعالیت‌های غیرارادی کنش انسان بحث نمی‌کند. ـ جامعه‌شناسی بخشی از علوم اجتماعی است.

۴) به دلیل این‌که انسان‌ها در جهان از قبل ایجادشده متولد می‌شوند. ـ آسیب‌های شناخت عمومی را شناسایی می‌کنیم. ـ بدن انسان مستقل از اراده و خواست او وجود دارد. ـ علوم اجتماعی زیرمجموعهٔ جامعه‌شناسی است.

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ ترکیبی؛ درس‌های ۱ و ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔ از آن‌جا که **ما انسان‌ها با هم زندگی می‌کنیم (زندگی جمعی)**، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایمان را تولید کنیم. جهان اجتماعی دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

کسی که دانش علمی دارد
- به درک عمیقی از **دانش عمومی** جهان اجتماعی خود می‌رسد.
- آسیب‌ها و اشکالات مربوط به **دانش عمومی** را شناسایی می‌کند.
- قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در **دانش عمومی** دفاع کند.

علوم انسانی **از فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند**؛ زیرا فعالیت‌های غیرارادی، کنش نیستند. علومی که به این پدیده‌ها می‌پردازند (مثل علم پزشکی)، با آن‌که دربارهٔ انسان بحث می‌کنند، جزء علوم انسانی نیستند و از جمله علوم طبیعی محسوب می‌شوند. علوم اجتماعی شاخه‌های مختلفی دارد که یکی از این شاخه‌ها، جامعه‌شناسی نام دارد؛ پس علوم اجتماعی عام‌تر از جامعه‌شناسی است و جامعه‌شناسی بخشی از علوم اجتماعی است.

۵۶ **رابطهٔ بین قواعد اجتماعی، نظم اجتماعی و ساختار اجتماعی در کدام گزینه به درستی توضیح داده‌شده است؟**

۱) نظم یعنی قرارگرفتن هر پدیده در جای خود و جای این پدیده‌ها را ساختارهای اجتماعی تعیین می‌کنند. ساختارهای اجتماعی نیز از طریق قواعد زندگی اجتماعی با یکدیگر سازگار می‌شوند.

۲) نظم اجتماعی پیش‌بینی قواعد اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد و از طریق ساختارهای اجتماعی توقعات و انتظارات افراد را معین و همکاری با آن‌ها را ممکن می‌سازند.

۳) قواعد اجتماعی از طریق نظم اجتماعی برقرار می‌شود و خود نظم اجتماعی هم به واسطهٔ ساختارهای اجتماعی، رابطه و پیوند میان پدیده‌های اجتماعی را نظم می‌دهد.

۴) نظم اجتماعی در نتیجهٔ قواعد با هم زندگی‌کردن پدید می‌آید و خود این قواعد از جمله قواعد اقتصادی و قواعد زندگی خانوادگی از طریق ساختارهای اجتماعی هماهنگ می‌شود.

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی

- رابطهٔ قواعد اجتماعی و **نظم اجتماعی**:

نظم اجتماعی در نتیجهٔ قواعدی برقرار می‌شود که ما انسان‌ها برای با هم زندگی‌کردن پذیرفته‌ایم. در واقع نظم یعنی قرارگرفتن هر پدیده در جای خود که جای این پدیده‌ها را همین قواعد تعیین می‌کنند؛ پس قواعد اجتماعی، مقدم بر نظم اجتماعی هستند.

- رابطهٔ قواعد اجتماعی و **ساختار اجتماعی**:

قواعد اجتماعی از جمله قواعد اقتصادی و قواعد زندگی خانوادگی، از طریق ساختار اجتماعی سازگار و هماهنگ می‌شوند.

۵۷ به ترتیب کدام گزینه دربارهٔ «ویژگی‌های جامعه‌شناسی تبیینی» درست است، اما دربارهٔ «انتقادات مربوط به رویکرد تبیینی» نادرست است؟

۱) پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی و جامعه همانند طبیعت در نظر گرفته می‌شود. ـ جامعه و نظم اجتماعی را براساس مناسبات بیرونی توضیح می‌دهد و روابط را مبتنی بر قرارداد و ترس و اجبار می‌داند.

۲) جامعه، یک پدیدهٔ اجتماعی و متفاوت از پدیده‌های طبیعی است. ـ جامعه‌شناسی تبیینی که قصد داشت جامعه را بر انسان مسلط سازد، او را مغلوب جامعه ساخت.

۳) با شناخت نظم اجتماعی، به انسان قدرت پیش‌بینی و پیشگیری جامعه را می‌دهد. ـ اگر جوامع از منظر رویکرد تبیینی نظم اجتماعی خود را سامان دهند، هیچ‌گاه نمی‌توانند با تهدید و اجبار پیش‌بینی رفتارها را تضمین کنند.

۴) در آغاز شکل‌گیری خود به علم فیزیک نزدیک بود و در زمرهٔ علوم عقلانی قرار می‌گرفت. ـ در صورت یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه، انسان‌ها قادر نخواهند بود تغییری بنیادین در جهان اجتماعی ایجاد کنند.

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۳

درس Box

- **جامعه‌شناسی تبیینی**
  - **معنای تبیین**: بیان چرایی یک پدیده یا نشان‌دادن علت ایجاد یا زوال آن.
  - **روند شکل‌گیری جامعه‌شناسی تبیینی**: محدوددانستن دانش علمی به دانش تجربی ← به رسمیت شناختن تبیین‌های تجربی ← نزدیکی جامعه‌شناسی به علوم طبیعی ← شکل‌گیری جامعه‌شناسی تبیینی توسط کنت
  - ویژگی‌ها
    - موضوع: پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی هستند.
    - روش: حس و تجربه (نگاه از بیرون)
    - هدف: پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی
    - ابزار پژوهش ← کمّی: آزمون و آزمایش
    - کارکردها: تبیین، پیش‌بینی و کنترل
  - نتایج یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه در رویکرد تبیینی
    - تقلیل انسان به پیچ و مهره‌های نظم اجتماعی (مغلوب‌ساختن انسان در برابر جامعه)
    - اعتقاد به وجود تفاوت‌های کمّی میان جوامع ← (نتیجه) ← مسیر یکسان جوامع به سوی پیشرفت
    - عدم امکان ایجاد تغییرات بنیادین در جامعه

پاسخ خیلی تشریحی بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): درست ـ درست

گزینهٔ (۲): نادرست (از دیدگاه جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه صرفاً یک پدیدهٔ **طبیعی** پیچیده‌تر (نه متفاوت) از سایر پدیده‌های طبیعی است.) ـ نادرست (جامعه‌شناسی تبیینی که می‌خواست **انسان را بر جامعه مسلط کند**، او را مغلوب جامعه ساخت.)

گزینه (۳): درست ـ نادرست (جوامعی که نظم اجتماعی را از منظر رویکرد تبیینی برقرار می‌سازند، **شاید** با تطمیع و تهدید و اجبار قادر باشند پیش‌بینی رفتارها را تضمین کنند.)

گزینهٔ (۴): نادرست (جامعه‌شناسی تبیینی در آغاز کار به علم فیزیک نزدیک بود و این مسئله موجب می‌شد که علم جامعه‌شناسی در زمرهٔ **علوم‌تجربی (ابزاری)** قرار گیرد.) ـ درست

۵۸ **به ترتیب، موارد کدام گزینه از مشخصات و مصادیق «رکود اراده‌ها»، «سقوط ارزش‌ها» و «افول معانی» است؟**

۱) نادیده‌گرفتن اراده و خلاقیت انسان‌ها ـ اندازه‌گیری اجزای بدن در ایام جنگ جهانی دوم برای تعیین نژاد برتر ـ قفس آهنین

۲) سرکوب روحیهٔ خلاق انسان‌ها در عرصهٔ هنر ـ انکار ارزش‌های عاطفی و اخلاقی ـ پیامد نادیده‌گرفتن آگاهانه و معنادار‌بودن کنش

۳) سلطهٔ نظمی با هدفی جدا از انسان‌ها ـ قفس آهنین ـ فجایع انسانی و زیست‌محیطی در نتیجهٔ پیشرفت‌های چشمگیر جهان غرب

۴) عدم امکان فراتررفتن از نظم موجود ـ پیامد نادیده‌گرفتن ارادهٔ انسان‌ها ـ ناتوانی در فهم همدلانه به دلیل تمرکز بر روش‌های تجربی

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۴

درس Box

- **پیامدهای نادیده گرفتن کنش اجتماعی**
  - رکود اراده‌ها
    - پیامد نادیده‌گرفتن **ارادی‌بودن کنش** است.
    - پیامد تأکید بیش از اندازه بر نظم و ساختار اجتماعی
      - سلب اراده و خلاقیت از انسان
      - رعایت صرف نظم
      - قفس آهنین
  - سقوط ارزش‌ها
    - پیامد نادیده‌گرفتن **هدفمندی کنش** است.
    - **مصادیق**
      - ناتوانی از فهم ارزش یا ضدارزش‌بودن پدیده‌ها
      - اخلاق‌گریزی
  - افول معانی
    - پیامد نادیده‌گرفتن **آگاهانه و معنادار بودن کنش** است.
    - مصادیق
      - ناتوانی از فهم معنای کنش و محدودشدن مطالعات تبیینی
      - توصیف رفتارهای قابل مشاهده
      - عدم امکان همراهی همدلانه

پاسخ خیلی تشریحی بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱)	رکود اراده‌ها	سقوط ارزش‌ها	رکود اراده‌ها
گزینهٔ (۲)	رکود اراده‌ها	سقوط ارزش‌ها	افول معانی
گزینهٔ (۳)	رکود اراده‌ها	رکود اراده‌ها	سقوط ارزش‌ها
گزینهٔ (۴)	رکود اراده‌ها	رکود اراده‌ها	افول معانی

۵۹ **پاسخ هر یک از پرسش‌های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟**

- **کدام‌یک از معایب فضای مجازی طبق بیان کتاب درسی است؟**
- **چه عاملی مسیر را برای عبور از جامعه‌شناسی تبیینی و روی‌آوردن به جامعه‌شناسی تفسیری فراهم آورد؟**
- **این موضوع که همهٔ جوامع در یک مسیر قرار می‌گیرند، نقطهٔ مقابل کدام واقعیت است؟**
- **مقصود از پویابودن مفهوم نظام اجتماعی چیست؟**

۱) فرد را از زمان و مکان خویش جدا می‌کند. ـ برخی نظریه‌پردازان، آگاهی و معناداری را مهم‌ترین ویژگی کنش اجتماعی می‌دانند. ـ جامعه صرفاً یک پدیدهٔ طبیعی پیچیده نیست. ـ بخش‌های مختلف آن بر هم اثر می‌گذارند.

۲) کاربر با وجود سرگرم‌شدن، سطحی می‌شود. ـ اراده و ارزش مهم اما برخاسته و تابع آگاهی و معناداری کنش اجتماعی است. ـ جامعه محصول و مخلوق کنش‌های انسان است. ـ نظام اجتماعی در خود و محیط تغییراتی ایجاد می‌کند.

۳) کاربر را از دسترسی به مطالب مهم محروم می‌گرداند. ـ همهٔ ویژگی‌های کنش اجتماعی، برخاسته و تابع آگاهی و معناداری است. ـ انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگون را پدید آورند. ـ بخش‌های مختلف آن از هم اثر می‌پذیرند.

۴) فرد با وجود آزادی و قدرت، تحت کنترل قرار می‌گیرد. ـ تأکید افراطی بر نظم و ساختارهای اجتماعی، اراده و خلاقیت را از بین می‌برد. ـ تفاوت‌های بین جوامع تفاوتی کمّی است. ـ نظام اجتماعی با تأمین نیازها، خود را در بلندمدت حفظ می‌کند.

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ ترکیبی؛ درس‌های ۳ و ۴

پاسخ خیلی تشریحی ✔ با این‌که فضای مجازی معنای به‌روزبودن را در خود دارد، ولی سبب می‌شود که **فرد کاربر از زمان و مکان خودش جدا شود**، با وجود دسترسی به مطالب زیاد و متنوع **از دسترسی به مطالب مهم محروم گردد**، با وجود آزادی و قدرت، **تحت کنترل قرارگیرد** و با وجود سرگرم‌شدن، **سطحی شود**.

فرایند عبور از جامعه‌شناسی تبیینی به سوی جامعه‌شناسی تفسیری: تأکید رویکرد تبیینی بر نظم و ساختارهای اجتماعی ← حذف اراده و خلاقیت، ارزش و اخلاق، آگاهی و معنا از زندگی اجتماعی و سلب شور زندگی از انسان‌ها ← توجه برخی جامعه‌شناسان به **کنش اجتماعی** (به جای ساختار اجتماعی) ← مطالعهٔ زندگی اجتماعی با تأکید بر آگاهی و معنا ← عبور از جامعه‌شناسی تبیینی و روی‌آوردن به جامعه‌شناسی تفسیری

طرفداران رویکرد تبیینی گمان می‌کنند که **همهٔ جوامع، مسیر یکسانی به سوی پیشرفت طی می‌کنند** و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می‌شوند، در حالی که واقعیت این است که انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگونی را پدید آورند.

منظور از پویابودن نظام اجتماعی این است که بخش‌های مختلف آن بر یکدیگر **اثر می‌گذارند** و از یکدیگر **اثر می‌پذیرند**.

۶۰ **در ارتباط با مفهوم جهان اجتماعی، کدام گزینه درست است؟**

۱) دانشمندان علوم اجتماعی سعی بر کشف نظم و قواعد موجود در جهان اجتماعی دارند. آن‌ها با کشف این قواعد آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را شناسایی و فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب را فراهم می‌آورند.

۲) جامعه‌شناسان تفسیری از جمله آگوست کنت مدعی هستند که جهان اجتماعی همانند طبیعت و جهان طبیعی دارای نظم و قواعد خاصی است، با این حال نه انسان‌ها مانند موجودات طبیعی‌اند و نه پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی هستند.

۳) گاهی میان بخش‌های ذخیرهٔ دانشی یک جهان اجتماعی تعارض‌هایی پدید می‌آید. در چنین شرایطی ارتباط متقابل دانش عمومی و علمی قطع می‌شود و به دلیل عدم حمایت دانش علمی از دانش عمومی، دانش عمومی از رشد و رونق بازمی‌ماند.

۴) ما در جهان اجتماعی با افراد سروکار داریم و لازم است با توجه به تفسیر آن‌ها از خودشان به فهم همدلانهٔ کنش‌های آن‌ها مطابق با دیدگاه تفسیری دست یابیم، اما همراهی همدلانه به معنای تأیید کنشگران نیست.

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم - ترکیبی؛ درس‌های ۱، ۲، ۴ و ۵

پاسخ خیلی تشریحی بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند. آن‌ها با کشف این قواعد می‌توانند **تأثیر اجتماعات بر زندگی ما را توضیح دهند**. در مقابل، شناسایی آثار پدیده‌های اجتماعی پیامد شناخت پدیده‌های اجتماعی است و فراهم‌شدن فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب، پیامد نقد و اصلاح پدیده‌های اجتماعی است.

گزینهٔ (۲): کنت، از جمله جامعه‌شناسان تبیینی است. متن این گزینه از عقاید ماکس وبر و ویلهلم دیلتای (و سایر اندیشمندان معتقد به رویکرد تفسیری) است.

گزینهٔ (۳): در شرایط تعارض میان دانش عمومی و دانش علمی در یک جهان اجتماعی، دانش عمومی از دانش علمی حمایت نمی‌کند و **دانش علمی** از رشد و رونق لازم باز می‌ماند.

۶۱ **علت هر یک از موارد زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟**

- **پدیدآمدن دانش علمی**
- **شکل‌گیری سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی**
- **شناسایی نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیز**
- **عدم امکان تحلیل کنش انسان با روش تجربی**

۱) گسترش ذخیرهٔ دانشی ـ تقسیم جامعه‌شناسی به خرد و کلان ـ شناخت امور نامأنوس ـ تمرکز رویکرد تبیینی بر امور قابل مشاهده

۲) تأمل و اندیشه در دانش عمومی ـ دوری و نزدیکی به علوم طبیعی ـ آشنایی‌زدایی ـ رفتارهای متفاوت انسان‌ها در شرایط گوناگون

۳) شناخت حقایق دانش عمومی ـ تقسیم‌بندی جامعه‌شناسی براساس روش ـ شناخت قواعد اجتماعی ـ آگاهانه عمل کردن انسان‌ها

۴) تأثیرگذاری بر ذخیرهٔ دانشی ـ وجود موضوعات مختلف در علوم اجتماعی ـ هویت‌زدایی ـ نادیده‌گرفتن معنای کنش در رویکرد تبیینی

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ ترکیبی؛ درس‌های ۱، ۲، ۳ و ۴

پاسخ خیلی تشریحی ذخیرهٔ دانشی دارای دو بخش است: دانش عمومی و دانش علمی. دانش علمی با **تأمل و اندیشه در دانش عمومی** پدید می‌آید.

در جامعه‌شناسی، **براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی** (یا براساس روش) سه رویکرد به وجود آمده است: تبیینی، تفسیری و انتقادی.

با هنر آشنایی‌زدایی از امر مأنوس، می‌توان نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیز را کشف کرد.

انسان‌ها، برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است. آن‌ها در **شرایط گوناگون**، **رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند**؛ به همین دلیل کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد.

۶۲ **کدام‌یک از موارد زیر، نمی‌تواند از کارکردهای جامعه‌شناسی تفسیری باشد؟**

۱) جامعه‌شناس با تحلیل رفتارهای اجتماعی افراد، به بررسی نحوهٔ شکل‌گیری آرمان‌هایی مانند آزادی و عدالت و توصیف آن‌ها می‌پردازد.

۲) جامعه‌شناس با بهره‌گیری از روش‌های علمی به داوری مفاهیم عدالت و اخلاق و شناسایی معانی و انگیزه‌های افراد تابع آن‌ها می‌پردازد.

۳) جامعه‌شناس رفتارهای اجتماعی را در چارچوب معنای مورد نظر افراد تفسیر و براساس مقاصد و انگیزه‌های آن‌ها تحلیل می‌کند.

۴) جامعه‌شناس با بررسی تعاملات افراد در گروه‌های اجتماعی ضمن شناسایی معنای کنش آن‌ها، امکان توصیف و تفسیر را فراهم می‌آورد.

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم - درس ۵

درس Box

جامعه‌شناسی تفسیری
- نظریه‌پردازان: ویلهلم دیلتای و ماکس وبر
- روند شکل‌گیری جامعه‌شناسی تفسیری: توجه به معنای کنش و متفاوت‌بودن رفتار انسان با پدیده‌های طبیعی
- ضرورت فهم معنای کنش ← پدیدآمدن جامعه‌شناسی تفسیری
- ویژگی‌ها
  - موضوع: کنش‌های اجتماعی و معنای آن‌ها
  - روش: تفسیر (نگاه از درون به پدیده‌ها برای یافتن معنای آن‌ها)
  - هدف: معنابخشی و انسجام‌بخشی به زندگی اجتماعی
  - ابزارهای پژوهش ← کیفی: قوم‌نگاری و مطالعهٔ موردی
  - کارکردها: تبیین، توصیف و تفهم

پاسخ خیلی تشریحی

از نظر وبر و بقیهٔ جامعه‌شناسان تفسیری، جامعه‌شناس فقط **می‌تواند** آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی را **توصیف** کند؛ اما **نمی‌تواند** دربارهٔ آرمان‌ها و ارزش‌ها که پدیده‌های نامحسوس و غیرتجربی‌اند، **داوری علمی** کند. مثلاً جامعه‌شناس می‌تواند برای مدتی با اعضای یک گروه سیاسی زندگی کند و از این راه، عقاید و ارزش‌های آن‌ها را بفهمد و توصیف کند، اما نمی‌تواند دربارهٔ درست یا غلط‌بودن این عقاید و ارزش‌ها داوری کند و به نقد یا اصلاح آن‌ها بپردازد. با توجه به این توضیحات، مثال گزینهٔ (۲) که در آن به داوری علمی اشاره شده است، نمی‌تواند از کارکردهای جامعه‌شناسی تفسیری باشد.

۶۳ **فعال و خلاق‌بودن کنشگران انسانی، چه پیامدهایی به همراه دارد؟**

۱) پیدایش معانی گوناگون ـ پیدایش فرهنگ‌ها و جهان‌های اجتماعی مختلف ـ پدیدآمدن خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف

۲) پدیدآمدن معانی ذهنی و فرهنگی مختلف ـ ضرورت استفاده از روش‌های کمّی در جامعه‌شناسی ـ پیدایش جهان‌های اجتماعی

۳) افول معانی ـ پدیدآمدن خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف ـ پیچیدگی کنش‌های انسانی و دشواری فهم آن‌ها

۴) فهمیدن دلالت‌های کنش ـ پیدایش معانی گوناگون ـ متفاوت‌بودن معانی ذهنی و فرهنگی گوناگون درون هر جامعه

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۵

پاسخ خیلی تشریحی ✔ کنشگران فردی و جمعی، هم در معانی ذهنی و هم در معانی فرهنگی، فعال و خلاق‌اند. این فعالیت و خلاقیت، پیامدهایی به همراه دارد:

۱) فعالیت و خلاقیت کنشگران، موجب **پیدایش معانی گوناگون** و در نتیجهٔ آن، **پدیدآمدن خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف،** درون هر جهان اجتماعی می‌شود.

۲) خلاق و فعال‌بودن انسان‌ها در تولید معانی، موجب **پیدایش فرهنگ‌ها و جهان‌های اجتماعی مختلف** می‌شود.

۶۴ به ترتیب هر یک از موارد زیر، مصداق چیست؟

- **آزمایش زیمباردو در ایجاد یک زندان ساختگی**
- **نشان‌دادن عمق پنهان یک پدیدهٔ اجتماعی خاص**
- **اثر گردش خانوادگی از پاول کله**
- **تحقیقات لمبروزو دربارهٔ رفتار جنایی**

۱) استفاده از روش‌های کیفی در جامعه‌شناسی تفسیری ـ استفاده از روش‌های کیفی ـ فراتررفتن از نظم موجود در جهان اجتماعی ـ تحقیقات جنایی براساس ویژگی‌های جسمانی و ظاهری

۲) محدودیت دامنهٔ کاربرد آزمایش در جامعه‌شناسی ـ مشاهدهٔ مشارکتی ـ پی‌بردن به معانی و انگیزه‌های فردی و اجتماعی کنشگران ـ یکسان‌انگاری انسان با دیگر پدیده‌های طبیعی

۳) محدودیت استفاده از روش‌های کمّی در بررسی پدیده‌های اجتماعی ـ قوم‌نگاری ـ نگاه‌کردن به مسائل کنشگران از دیدگاه آن‌ها ـ کاربرد روش‌های مشاهده‌ای در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

۴) کاربرد روش آزمایش در جامعه‌شناسی ـ استفاده از روش مطالعهٔ موردی ـ راه‌یافتن به رمز و راز ورای ابهام از طریق هنر ـ استفاده از رویکرد تبیینی برای تشخیص مجرم‌بودن یا نبودن

مشاوره ۱) همهٔ قسمت‌های این سؤال از زیرنویس تصاویر کتاب درسی و نظریات اندیشمندان طراحی شده است.

۲) در مورد هر نظریه‌پرداز، عنوان نظریه، رویکرد جامعه‌شناختی، پیامدهای نظریه و کاربردهای آن را بررسی کنید.

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ ترکیبی؛ درس‌های ۳، ۴ و ۵

پاسخ خیلی تشریحی ✔ گاهی به ندرت می‌توان به نحو مفیدی از **روش آزمایش** استفاده کرد. آزمایش فیلیپ زیمباردو در ایجاد یک زندان ساختگی، مثال خوبی از کاربرد آزمایش در جامعه‌شناسی بود.

اگر محققی بخواهد تمامی ابعاد یک پدیدهٔ اجتماعی خاص مثل یک فرد، یک نهاد اجتماعی یا یک فرهنگ را مطالعه کند و عمق پنهان و منحصربه‌فرد بودن آن را نشان دهد، از روش **مطالعهٔ موردی** استفاده می‌کند.

به گفتهٔ پاول کله در ورای ابهام، رمز و رازی نهفته است که با **هنر** می‌توان به آن راه یافت.

لمبروزو، در تحقیقاتی دربارهٔ رفتار جنایی با روش تبیینی می‌خواست **مجرم‌بودن یا نبودن** را با مشاهدهٔ ویژگی‌های جسمانی و ظاهری تشخیص دهد.

۶۵ کدام موارد درست است؟

الف) در مواجهه با مسائلی همچون نابرابری، قانون‌گریزی و بحران هویت، همهٔ کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، این مشکلات را می‌شناسند.

ب) علوم طبیعی را به دلیل این‌که ابزار تسلط انسان بر طبیعت و ابزار رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند، علوم ابزاری می‌نامند.

ج) تبیین به معنای بیان چرایی یک پدیده یا پی‌بردن به تغییرات یکی از پدیده‌ها به کمک شناسایی تغییر در پدیدهٔ هم‌تغییر آن است.

د) زندگی اجتماعی انسان‌ها و نظم همزاد یکدیگرند، اما انسان‌ها صرفاً مجریان نظم هستند و می‌توانند از مشکلات ساختارهای اجتماعی بکاهند.

ه) پیچیدگی و عمق پدیده‌های اجتماعی، نشانهٔ وجود نظریات مختلف دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی است.

۱) الف ـ ب　　۲) ب ـ ج ـ ه　　۳) ج ـ الف　　۴) ه ـ د

زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ ترکیبی؛ درس‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵

پاسخ خیلی تشریحی بررسی عبارت‌های نادرست:

ج) به تفاوت مفهوم «**تبیین**» با مفهوم «**هم‌تغییری**» توجه داشته باشید:

- منظور از تبیین، بیان چرایی یک پدیده یا نشان‌دادن علت ایجاد یا زوال آن است. در تبیین، پدیده‌هایی که قبلاً مستقل از هم به نظر می‌رسیدند، در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و میان پدیده‌هایی که پیش‌تر در ارتباط با هم دیده می‌شده‌اند، روابط جدیدی طرح می‌شود.
- گاهی تغییر در یک پدیدهٔ اجتماعی با تغییر در پدیدهٔ دیگر همراه است. این دو پدیده را هم‌تغییر می‌گویند. یعنی می‌توان تغییرات یکی از آن‌ها را به کمک تغییرات دیگری توضیح داد.

د)

رابطهٔ زندگی اجتماعی انسان با نظم اجتماعی
- همزاد یکدیگرند؛ اما انسان‌ها صرفاً مجریان نظم نیستند.
- انسان‌ها قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند و به فراتر از نظم اجتماعی گام گذارند.
  - جنگ‌های نامنظم، نمونه‌ای از فراتررفتن از نظم موجود است.

ه) وجود نظریات متفاوت، نشانهٔ پیچیدگی و عمق پدیده‌های اجتماعی و البته دشواری فهم آن‌هاست.

● عیّن الأنسب للجواب عن التّرجمة أو المفهوم من أو إلی العربیّة (۸۱ ـ ۸۹):

۸۱ ﴿و یقولون بأفواههم ما لیس في قلوبهم و اللّه أعلمُ بما یَکتمون﴾:

۱) با زبان‌هایشان چیزهایی را می‌گویند که در دل‌هایشان ندارند و خداوند به چیزی که پنهان می‌کنند آگاه‌تر است.

۲) چیزی را که در دل‌هایشان نیست به زبان می‌آورند، ولی خداوند به چیزهایی که پنهان می‌سازند داناتر است.

۳) با زبان‌های خود چیزهایی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خداوند به چیزهایی که مخفی می‌دارند داناتر است.

۴) با دهان‌هایشان چیزهایی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست، در حالی که خداوند به چیزی که از او نهان دارند آگاه‌تر است.

مشاوره در آزمون‌ها غالباً سؤال اول عربی یکی از آیات قرآن داخل کتاب هست؛ پس حتماً از قبل، معنای آیات رو با دقت یاد بگیرید، چون گاهی ممکنه نکاتی داشته باشن که نیاز به بررسی‌شدن قبل از آزمون دارن!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۱

Hint «لیس» معنیش چیه؟ / ترجمهٔ «و» رو هم دریاب!

درس Box

در ترجمهٔ اسم‌های تفضیل (أفعَل، فُعلی)، بسته به شرایط جمله و جایگاه اسم تفضیل، از «تر» یا «ترین» استفاده می‌کنیم.

مثال: «کبیر: بزرگ» ← «أکبر / کُبری: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین»

«قَلیل: کم» ← «أقَلّ: کم‌تر، کم‌ترین» (دقت کنید که أقَل ادغام‌شدهٔ «افعل» است.)

کلمات مهم: «یقولون»: می‌گویند / «بأفواههم»: با زبان‌های خود (هر دو ترجمهٔ با زبان‌هایشان و با دهان‌هایشان درست است) / «ما»: چیزهایی / «لیس»: نیست / «في قلوبهم»: در دل‌هایشان / «أعلمُ»: داناتر / «بما»: به چیزهایی که / «یَکتمون»: مخفی می‌دارند.

پاسخ خیلی تشریحی ✔ خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): ندارند (معادل «لیس: نیست» نمی‌باشد!)

گزینهٔ (۲): به زبان می‌آورند (معادل «یقولون بأفواههم: با زبان‌هایشان می‌گویند» نیست) ـ ولی (معادل «و» نیست)

گزینهٔ (۴): در حالی که («و» در این عبارت از نوع حالیه نیست) ـ از او (اضافی است)

۸۲ «يُحيّرني إنسانٌ لا يتفكّر في خَلقه و قد يَزعم أنّه جرمٌ صغير فقط بينما إن يَنظر بدقّة يَعلم أنّ العالَم الأكبر قد انطوَى فيه و جَعله الله أشرف مخلوقاته!»:

مشاوره در حل تست‌های ترجمهٔ تک‌عبارتی بهتر است ابتدا تفاوت بین گزینه‌ها را پیدا کنید و هم‌چنین از طولانی‌بودن گزینه‌ها نترسید!

۱) حیران می‌شوم از انسانی که در آفرینش خود اندیشه نمی‌کند و گاهی گمان می‌کند که او فقط یک پیکر کوچکی است، در حالی که اگر به دقت می‌نگریست، می‌دانست که جهانِ بزرگ‌تر در او به هم پیچیده شده است و خداوند او را شریف‌ترین آفریده‌هایش قرار داده است!

۲) مرا حیران می‌کند انسانی که دربارهٔ خلقت خود فکر نمی‌کند و گاهی گمان می‌کند که او فقط پیکر کوچکی است، در حالی که اگر به دقت بنگرد، می‌داند که در او یک جهان بزرگ‌تر به هم پیچیده شده است و خداوند او را اشرف مخلوقاتش قرار داده است!

۳) متحیر می‌کند مرا انسانی که در خلقتش نمی‌اندیشد و گاهی خود را فقط یک پیکر کوچک می‌پندارد، در حالی که اگر به دقت بنگرد، می‌داند همانا دنیای بزرگ‌تر در او به هم پیچیده شده است و خداوند او را شریف‌ترین مخلوقاتش قرار داده است!

۴) انسانی که در آفرینش خود اندیشه نمی‌کند و گاهی می‌پندارد که او فقط پیکری کوچک است، مرا حیران می‌کند؛ در حالی که اگر به دقت بنگرد، می‌داند که جهان بزرگ‌تر در او به هم پیچیده شده است و خداوند او را شریف‌ترین آفریده‌هایش قرار داده است!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۱

Hint ضمیر «ي» در «يُحيّرني» فاعلیه یا مفعولی؟ / «العالم الأكبر» معرفه است یا نکره؟ / «أنّ» معنیش چی می‌شه؟

درس Box

۱) ساختار «قد + ماضی» معادل ماضی نقلی فارسی است.

مثال: يَئِسَ ← ناامید شد / قد يَئِسَ ← ناامید شده است

۲) «قد» در ساختار «قد + مضارع» معادل «گاهی» یا «شاید» است.

مثال: يَيأسُ ← ناامید می‌شود / قد يَيأسُ ← گاهی ناامید می‌شود / شاید ناامید شود

۳) در جملات شرطی می‌توانیم معادل‌های فعل ماضی را به شکل مضارع هم ترجمه کنیم!

مثال: مَن حاوَلَ نَجَحَ: هر کس تلاش کرد موفق شد. ✓ هرکس تلاش کند موفق می‌شود. ✓

کلمات مهم: «يُحيّرني»: مرا حیران می‌کند / «إنسانٌ لا يتفكّر في خَلقه»: انسانی که در آفرینش خود اندیشه نمی‌کند / «قد يَزعم»: گاهی می‌پندارد / «أنّه»: که او / «جرمٌ صغير»: پیکری کوچک / «بينما»: در حالی که / «إن»: اگر / «يَنظر»: بنگرد / «يَعلم»: می‌داند / «العالَم الأكبر»: جهان بزرگ‌تر / «قد انطوى»: به هم پیچیده شده است «فيه»: در او / «جعله»: او را قرار داده است / «أشرف مخلوقاته»: شریف‌ترین آفریده‌هایش

۱) حیران می‌شوم («يُحيّر» مفرد مذکر غایب برای ضمیر «هو» است نه «أنا»! ضمناً ضمیر «ي» در «يُحيّرني» مفعول است، ولی به شکل فاعل ترجمه شده است!) ـ می‌نگریست («يَنظر» فعل مضارع است، ولی «می‌نگریست» ماضی استمراری است!) ـ می‌دانست («يَعلم» فعل مضارع است، ولی «می‌دانست» ماضی استمراری است!)

۲) یک جهان بزرگ‌تر («العالم الأكبر» معرفه است نه نکره، در نتیجه کلمهٔ «یک» اضافی است!)

۳) خود را ... می‌پندارد («يَزعم أنّه ...» یعنی «می‌پندارد که او ...»!) ـ همانا (معادل «إنّ» است، نه «أنّ: که»!)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ يُحيّرني: مرا حیران می‌کند. (رد گزینهٔ (۱)) / أنّه جرمٌ صغير: که او پیکر کوچکی است. (رد گزینهٔ (۳)) / يَنظر ... يَعلم: (فعل شرط به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود): بنگرد ... می‌داند (رد گزینهٔ (۱)) / أنّ: که (رد گزینهٔ (۳)) / العالم الأكبر (معرفه): جهان بزرگ‌تر (رد گزینهٔ (۲)) / قد انطوَى فيه: در او به هم پیچیده شده است. (انطوى: باب انفعال فعل لازم است) (رد گزینهٔ (۲)).

۸۳ «ما اهتمّتِ الدّولة بتَطوير الأنفاق و إعمار طرقٍ يَسيرُ فيها جميع المواطنين و هي تَعرَّفت على هذه المشكلة من قبل!»:

۱) دولت به بهینه‌سازی تونل‌ها و آبادکردن راه‌هایی که همهٔ شهروندان در آن سیر می‌کنند توجه نکرد؛ در حالی که از قبل به این مشکل شناخت پیدا کرده بود!

۲) حکومت به بهینه‌کردن تونل‌ها و آبادشدن راه‌هایی که همگی شهروندان در آن حرکت می‌کنند توجهی نمی‌کند؛ حال آن‌که از قبل این مشکل را شناخته بود!

۳) دولت اهتمامی نورزید که تونل‌ها و راه‌هایی را که مردم در آن سیر می‌کنند، بهینه کند؛ در حالی که از قبل به این مشکل شناخت پیدا کرده بود!

۴) حکومت به بهینه‌سازی تونل‌ها و آبادکردن راه‌ها اهتمام نورزید؛ در حالی که مردم روی آن حرکت می‌کنند و او نیز این مشکل را از قبل شناخته بود!

مشاوره در حل تست‌های ترجمهٔ تک‌عبارتی بهتر است ابتدا تفاوت بین گزینه‌ها را پیدا کنید و هم‌چنین از طولانی‌بودن گزینه‌ها نترسید!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

Hint «إعمار» معنیش چی می‌شه؟ / «طرق» معرفه است یا نکره؟

درس Box

در ساختار «جمله + و + مبتدا و خبر» به «و» واو حالیه می‌گویند و به «مبتدا و خبر» جملهٔ حالیه گفته می‌شود.

دقت کنید که واو حالیه را به شکل «در حالی که، حال آن‌که» ترجمه می‌کنیم.

مثال: «كلّ النّاس سواءٌ و الجُهّال يفتخرونَ بنسبهم!»

در این عبارت «و» حالیه و «الجُهّال يفتخرونَ ...» جملهٔ حالیه است.

کلمات مهم: «ما اهتّمت»: توجه نکرد / «تَطوير»: بهینه‌سازی / «الأنفاق»: تونل‌ها / «إعمار»: آبادکردن / «طرق»: راه‌هایی / «يَسيرُ فيها»: در آن سیر می‌کنند / «جميع المواطنين»: همهٔ شهروندان / «و هي تَعرَّفت»: در حالی که شناخت پیدا کرده بود.

پاسخ خیلی تشریحی ما اهتَّمت: توجه نکرد، اهتمام نورزید (رد گزینهٔ (۲)) ـ تَطوير: بهینه‌سازی (رد گزینهٔ (۳)) ـ إعمار: آبادکردن (رد گزینهٔ (۳)) ـ در حالی که، در جای نادرستی ترجمه شده (رد گزینهٔ (۴)).

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): آبادشدن («إعمار» به معنی «آبادکردن» است نه «آبادشدن»، زیرا از باب «إفعال» است و به شکل متعدّی ترجمه می‌شود!) ـ توجهی نمی‌کند («ما اهتّمت» ماضی است نه مضارع!)

گزینهٔ (۳): راه‌هایی («إعمار: آبادکردن» ترجمه نشده است!) ـ مردم (معادل «جميع المواطنين: همهٔ شهروندان» نیست!) ـ بهینه کند («تطوير» بر وزن «تفعيل» و مصدر است، ولی «بهینه کند» فعل است!)

گزینهٔ (۴): راه‌ها («طرق» نکره است نه معرفه، پس باید به همراه «ی» یا «یک» ترجمه شود!) ـ در حالی که («و» در «هي تَعرّفت ...» جملهٔ حالیه است، پس عبارت «در حالی که» باید قبل از این عبارت ترجمه شود نه قبل از «يَسيرُ»!) ـ مردم (مانند (۳)) ـ روی آن (معادل «فيها: در آن» نیست!) ـ نیز (اضافی است)

۸۴ «قد علّمنا الدّهرُ أنَّ المحسنین لن یُنسی ذکرهم و یبقون أحیاء أبداً و إن نُقِلت أبدانهم إلی منازل الأموات قبل سنوات!»:

مشاوره در حل تست‌های ترجمهٔ تک‌عبارتی بهتر است ابتدا تفاوت بین گزینه‌ها را پیدا کنید و هم‌چنین از طولانی‌بودن گزینه‌ها نترسید!

۱) از روزگار آموختیم که یاد نیکوکاران فراموش نخواهد شد و آنان تا ابد زنده باقی می‌مانند، حتی اگر بدن‌هایشان را سال‌ها پیش به خانه‌های مردگان برده باشند!

۲) روزگار به ما آموخته است که نیکوکاران یادشان قطعاً از یاد برده نخواهد شد؛ زیرا آنان تا همیشه زنده می‌مانند، اگرچه بدن‌هایشان سال‌ها قبل به خانه‌های مردگان منتقل شده باشد!

۳) از روزگار یاد گرفته‌ایم که نیکوکاران یادشان از یاد برده نخواهد شد و آنان تا ابد زنده می‌مانند، هرچند که جسم‌هایشان سال‌ها قبل به خانهٔ مردگان منتقل شده باشد!

۴) روزگار به ما یاد داده است که نیکوکاران یادشان فراموش نخواهد شد و تا همیشه زنده می‌مانند، اگرچه پیکرهایشان سال‌ها قبل به خانه‌های مردگان منتقل شده باشد!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

Hint «علّم» به معنی «یاددادن» است نه «یادگرفتن» ـ «لن یُنسی» با خودش قید تأکید نداره.

درس Box

۱) ساختار «لن + مضارع» معادل مستقبل منفی است!

مثال: «لن یحصل علیها»: آن را به دست نخواهد آورد.

۲) هرگاه در عبارتی «فعل + اسم مرفوع» داشته باشیم مطمئناً آن اسم، مفعول نیست و نباید به همراه «را» ترجمه شود!

مثال: ینتفع الآخرون: دیگران سود می‌برند. ✓ به دیگران سود می‌رساند. ✗

کلمات مهم: «قد علّمنا»: به ما یاد داده است / «الدّهر»: روزگار / «أنّ»: که / «المحسنین»: نیکوکاران / «لن یُنسی»: فراموش نخواهد شد / «ذکرهم»: یادشان / «یبقون»: می‌مانند / «أحیاء»: زنده / «و إن»: حتی اگر، اگرچه، هر چند / «نُقِلت»: منتقل شده باشند / «أبدانهم»: پیکرهایشان / «إلی منازل الأموات»: به خانه‌های مردگان / «قبل سنوات»: سال‌ها قبل

پاسخ خیلی تشریحی ✓

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): آموختیم («علّم» از معنای «یاددادن» است نه «یادگرفتن» ضمناً «الدّهرُ» فاعل این فعل است و به همین دلیل به شکل مرفوع به کار رفته است!) ـ برده باشند («نُقِلت» در این عبارت مجهول است نه معلوم، زیرا برای «أبدان» به کار رفته است و فاعلش مشخص نیست!)

گزینهٔ (۲): زیرا (معادل «و» نیست!) ـ قطعاً (اضافی است!)

گزینهٔ (۳): یاد گرفته‌ایم («علّم» از معنای «یاددادن» است نه «یادگرفتن»! ضمناً «الدّهرُ» فاعل این فعل است و به همین دلیل به شکل مرفوع به کار رفته است!)

۸۵ «لیت الإنسان لا یُمیت قلبه بِطعام یکون أکثر مِن حاجته لأنّ القلب یَموت عندما یأکل المرء کثیراً کما یَموت الزرع إذا کَثُر الماء علیه!»: کاش انسان .....

مشاوره در حل تست‌های ترجمهٔ تک‌عبارتی بهتر است ابتدا تفاوت بین گزینه‌ها را پیدا کنید و هم‌چنین از طولانی‌بودن گزینه‌ها نترسید!

۱) قلبش نمیرد با غذایی که بیشتر از نیاز اوست، چراکه قلب می‌میرد هنگامی که انسان، بسیار می‌خورد؛ همان‌طور که کشت می‌میرد، هرگاه آبش افزایش یابد!

۲) قلب خود را نمیراند با غذایی که از نیازش بیشتر می‌باشد؛ برای این‌که قلب می‌میرد وقتی که انسان، زیاد می‌خورد؛ آن‌طور که کشت می‌میرد هرگاه آب بر آن زیاد شود!

۳) قلبش را با غذایی که از نیازش بیشتر است نمیراند؛ برای این‌که قلب انسانی که زیاد می‌خورد همانند کشت از بین می‌رود، هرگاه آب آن افزایش یابد!

۴) قلب خود را نمیراند با غذایی که از حاجتش افزون‌تر می‌باشد؛ چراکه قلب انسان می‌میرد هرگاه زیاد بخورد، آن‌طور که کشت می‌میرد هرگاه آب را بر آن زیاد کنند!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۱

Hint در «الماء» ضمیر به کار رفته؟ / «کَثُرَ» لازمه یا متعدّی؟

درس Box وقتی خبر «لیت: کاش» و «لعلّ: شاید» فعل مضارع باشد آن را به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم، اما اگر یک فعل ماضی باشد آن را به شکل ماضی (یا استمراری یا بعید) ترجمه می‌کنیم.

مثال: «لیت الطّلّاب یعرفون»: ای کاش دانش‌آموزان ... بدانند ✓ می‌دانستند ✗

«لیت الطّلّاب عرفوا»: ای کاش دانش‌آموزان ... می‌دانستند ✓ بدانند ✗

کلمات مهم: «لیت»: کاش / «لا یُمیت»: نَمیراند / «بطعام»: با غذایی / «یکون»: می‌باشد، است / «أکثر»: بیشتر / «من حاجته»: از نیازش / «لأنّ»: برای این‌که / «یَمُوت»: می‌میرد / «عندما»: هنگامی که / «یأکل»: می‌خورد / «المرء»: انسان / «کثیراً»: زیاد / «کما»: آن‌طور که / «الزرع»: کشت / «إذا کثُر»: هرگاه زیاد شود.

پاسخ خیلی تشریحی ✓ خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نمیرد («أماتَ، یُمیتُ» به معنی «میراندن» است نه «مردن»!) ـ آبش (در «الماء»: ضمیری به کار نرفته است!) ـ جارّ و مجرور «علیه: بر آن» ترجمه نشده است!

گزینهٔ (۳): انسانی (اضافی است!) ـ از بین می‌رود (معادل دقیقی برای «یَموتُ» نیست!) ـ آب آن (در «الماء»: ضمیری به کار نرفته است!) ـ «علیه: بر آن» ترجمه نشده است!

گزینهٔ (۴): انسان (اضافی است!) ـ زیاد کنند («کَثُرَ» به معنی «زیادشدن» است نه «زیادکردن»!)

نکته به تفاوت دو فعل زیر دقت کنید:

- ماتَ (مُرد) / یَموتُ (می‌میرد)
- أماتَ (می‌راند) / یُمیتُ (می‌میراند)

لا یُمیت: نمیراند (رد گزینهٔ (۱)) / القلب یموت: قلب می‌میرد (رد گزینه‌های (۳) و (۴)) / یَموت: می‌میرد (رد گزینهٔ (۳)) / کما یَموت: آن‌طور که می‌میرد، همان‌طور که می‌میرد (رد گزینهٔ (۳)) / کَثُر: افزایش یابد، زیاد شود (رد گزینهٔ (۴)) / علیه: بر آن (رد گزینهٔ (۱))

۸۶ عيّن الصحيح:

۱) حاوَلَ أخي مجدّاً للوصول إلى هذا المقام فيكون أهلاً له:

برادر کوشای من برای رسیدن به این مقام تلاش کرده است؛ پس شایستهٔ آن است!

۲) لعلّنا نذهب إلى القرية لزيارة جدّي و جدّتي في عطلات هذا العام:

شاید در تعطیلات امسال برای دیدن پدربزرگ و مادربزرگم به روستا برویم!

۳) للحصول على النّجاح في عملك عليك أن تقوم به وحيداً و لا تتوكّلْ على النّاس:

برای رسیدن به موفقیّت در کارت، به تنهایی آن را انجام بده و تکیه‌ات به مردم نباشد!

۴) وفقاً لنتائج أبحاث العلماء عدد النملة يفوق عدد البشر بمليون مَرّةٍ تقريباً:

با توجه به نتایج تحقیقات دانشمندان، تعداد مورچه(ها) تقریبا چندین میلیون بیشتر از تعداد انسان(ها) است!

مشاوره برای حل‌کردن این نوع تست‌ها به تمرین و تکرار زیادی نیاز دارید، پس حتماً قبل از آزمون‌ها برای تمرین‌کردن این مدل تست‌ها وقت کافی بگذارید! این تست‌ها کمی وقت‌گیر هستند ولی غالباً نباید بیشتر از یک دقیقه وقتتان را بگیرند!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

Hint سریعاً ترجمهٔ تمام کلمات رو بررسی کن!

درس Box

اگر یک ضمیر دو یا چندبار پشت سر هم تکرار شود که بینشان حرف عطف «و/ أو: یا» آمده باشد می‌توانیم فقط یک‌بار آن را ترجمه کنیم.

مثال: فقدتُ قلمي و كتابي: (قلم و کتابم ✓ قلمم و کتابم ✗) را گم کردم.

کلمات مهم: «حاوَلَ»: تلاش کرد / «أخي»: برادرم / «مُجدّاً»: با کوشش / «للوصول»: برای رسیدن / «إلى هذا المقام»: به این مقام / «يكون»: است / «أهلاً له»: شایستهٔ آن / «لعلّنا نذهب»: شاید برویم / «إلى القرية»: به روستا / «لزيارة جدّي و جدّتي»: برای دیدن پدربزرگ و مادربزرگم / «في عطلات هذا العام»: در تعطیلات امسال / «للحصول على»: برای به دست آوردن / «عليك أن تقوم به»: باید به آن اقدام کنی / «وحيداً»: به تنهایی / «لا تتوكّل»: تکیه نکن / «على النّاس»: بر مردم / «وفقاً لِـ»: با توجه به، براساس / «نتائج أبحاث العلماء»: نتایج تحقیقات دانشمندان / «عدد النملة»: تعداد مورچه(ها) / «يفوق»: بیشتر است / «بمليون مرّة»: یک میلیون بار

پاسخ خیلی تشریحی ✓ خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): برادر کوشای من (معادل «أخي المُجدّ» است نه «أخي مجدّاً»، «مجدّاً» در این عبارت حال است نه صفت!)

گزینهٔ (۳): رسیدن («الحصول على» به معنی «به دست آوردن» است!) ـ آن را انجام بده («عليك أن تقوم به» یعنی «باید آن را انجام دهی»!) ـ تکیه‌ات به مردم نباشد («لا تتوكّلْ» فعل نهی و به معنی «تکیه نکن» است!)

گزینهٔ (۴): چندین میلیون («مليون» اسم مفرد و نکره و به معنی «یک میلیون» است!)

۸۷ عيّن الصحيح:

۱) إذا نشعر بالذنب و نبقي حزينين لا نستطيع أن نُصحّح أخطاءنا: اگر احساس گناه کنیم و ناراحت بشویم، نمی‌توانیم اشتباهاتمان را تصحیح کنیم!

۲) قلتُ في نفسي: ليتني إمتنعتُ عن أكلِ الموادّ السُّكرية: با خودم گفتم: کاش از خوردن مواد قندی خودداری کنم!

۳) لا نجاح يتحقّق دون أيّ محاولة كأنّه غاية لا تُدرَک: هیچ موفقیتی بدون هیچ تلاشی محقّق نمی‌شود، گویی آن هدفی است که به دست آورده نمی‌شود!

۴) عند الطّفولة كانت تُفرّحنا كُلُّ كلامٍ أو عملٍ مَليحينِ: هنگام کودکی با هر سخن یا کار بانمکی خوشحال می‌شدیم!

مشاوره برای حل‌کردن این نوع تست‌ها به تمرین و تکرار زیادی نیاز دارید، پس حتماً قبل از آزمون‌ها برای تمرین‌کردن این مدل تست‌ها وقت کافی بگذارید! این تست‌ها کمی وقت‌گیر هستند ولی غالباً نباید بیشتر از یک دقیقه وقتتان را بگیرند!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ ترکیبی درس‌های ۱ و ۲

Hint سریعاً ترجمهٔ تمام کلمات رو بررسی کن!

درس Box

وقتی خبر «لیت: کاش» و «لعلّ: شاید» فعل مضارع باشد آن را به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم، اما اگر یک فعل ماضی باشد آن را به شکل ماضی (یا استمراری یا بعید) ترجمه می‌کنیم.

مثال: «ليت الطّلاب يعرفون»: ای کاش دانش‌آموزان ... بدانند. ✓ می‌دانستند. ✗

«ليت الطّلاب عرفوا»: ای کاش دانش‌آموزان ... می‌دانستند. ✓ بدانند. ✗

کلمات مهم: «إذا»: اگر / «نشعر بالذنب»: احساس گناه کنیم / «نبقى حزينين»: ناراحت بمانیم / «لا نستطيع»: نمی‌توانیم / «أن نُصحّح»: تصحیح کنیم / «أخطاءنا»: اشتباهاتمان / «قلتُ»: گفتم / «لا نجاح يتحقّق»: هیچ موفقیتی محقّق نمی‌شود / «دون أيّ محاولة»: بدون هیچ تلاشی / «كأنّه»: گویی آن / «غاية»: هدف / «لا تُدرَكُ»: به دست آورده نمی‌شود.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): ناراحت بشویم. («نبقى» به معنی «بمانیم» است نه «بشویم»!)

گزینهٔ (۲): خودداری کنم. («إمتنعتُ» فعل ماضی است و باید به شکل ماضی ترجمه شود، ولی «خودداری کنم» مضارع التزامی است!)

گزینهٔ (۴): با هر سخن ... (حرف «با» اضافی است.) ـ خوشحال می‌شدیم («فَرّحَ، يُفرّحُ» از باب تفعیل و متعدّی است و ضمیر «نا» در تُفرّحنا» مفعولِ آن است.)

ترجمهٔ صحیح گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): اگر احساس گناه کنیم و ناراحت بمانیم، نمی‌توانیم اشتباهاتمان را تصحیح کنیم!

گزینهٔ (۲): با خودم گفتم: کاش از خوردن مواد قندی خودداری می‌کردم.

گزینهٔ (۴): هنگام کودکی هر سخن یا کار بانمکی ما را خوشحال می‌کرد.

۸۸ «بازیکنان ایرانی با تأخیر به میدان مسابقه نخواهند رسید!»:

۱) یصل اللّاعبون الإیرانیّون إلی ساحة المباراة متأخّرینَ!

۲) اللّاعبون الإیرانیّون لن یصلوا إلی ساحة المسابقة متأخّراً!

۳) لم یصل لاعبون إیرانیّون متأخّرینَ إلی ساحة مسابقةٍ!

۴) اللّاعبات الإیرانیّات لا یصلن إلی ساحة المباراة متأخّرات!

مشاوره در این مدل سؤالات به تفاوت گزینه‌ها مثل «بودن یا نبودن ضمیر، جمع یا مفرد بودن کلمات، «ال» داشتن یا نداشتن اسم‌ها و ...» خیلی دقت کن!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

Hint برای این‌که حالت «اللّاعبون» رو بیان کنیم باید از اسم جمع استفاده کنیم.

درس Box

۱) ساختار «لم + مضارع» معادل ماضی منفی (ساده یا نقلی) است.

مثال: «لم یَجِدْ»: نیافت ✓ نیافته است ✓

۲) ساختار «لن + مضارع» معادل مستقبل منفی است.

مثال: «لن یحصلَ علیها»: آن را به دست نخواهد آورد.

۳) در عربی هرگاه یک فعل قبل از فاعلش به کار برود، باید آن فعل را به شکل مفرد به کار ببریم. اگر فاعلش مذکر بود، به شکل مفرد مذکر و اگر فاعلش مؤنث بود به شکل مفرد مؤنث!

مثال: یَدرُسُ التّلامیذ ✓ یَدرُسونَ التّلامیذ ✗

تدرُسُ التّلمیذات ✓ یَدرُسنَ التّلمیذات ✗

۴) حال و مرجع حال باید از نظر جنس و تعداد با هم مطابقت داشته باشند!

مثال: شاهَدنا الطّفل مسروراً. («الطّفل» مرجع حال و «مسروراً» حال است و هر دو مفرد مذکر هستند!)

شاهَدنا الطّفلة مسرورةً. («الطّفلة» مرجع حال و «مسرورةً» حال است و هر دو مفرد مؤنث هستند!)

شاهَدتُ المعلّمینَ مسرورینَ. («المعلّمین» مرجع حال و «مسرورینَ» حال است و هر دو جمع مذکر هستند!)

شاهَدتُ المعلّمات مسرورات. («المعلّمات» مرجع حال و «مسرورات» حال است و هر دو جمع مؤنث هستند!)

۵) اگر یک موصوف و صفت نکره داشته باشیم، کافی است یکی از آن‌ها را به شکل نکره ترجمه کنیم.

مثال: حجرةٌ عظیمةٌ: اتاقی بزرگ ✓ اتاق بزرگی ✓ یک اتاق بزرگ ✓ اتاق بزرگ ✗

کلمات مهم: بازیکنان ایرانی: «اللّاعبون الإیرانیّون «اللّاعبات الإیرانیّات» / با تأخیر: «متأخّرینَ، متأخّرات» / به میدان مسابقه: «إلی ساحة المباراة، إلی ساحة المسابقة» / نخواهند رسید: «لن یصل»، «لن یصلوا»، «لن تصل»، «لن یصلنَ». (اگر در ابتدای جمله بیاید باید به شکل مفرد به کار بروند.)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «یصل» به معنای «می‌رسند» مضارع است، درصورتی که معادل «نخواهند رسید»، «لن یصل» است.

گزینهٔ (۳): لم یصل (معادل ماضی منفی و به معنی «نرسیدند» است!) ـ لاعبون إیرانیّون («بازیکنان ایرانی» معرفه است، ولی «لاعبون إیرانیّون» نکره است!) ـ مسابقةٍ (در عبارت فارسی کلمهٔ «مسابقه» معرفه است، ولی «مسابقةٍ» نکره است!)

گزینهٔ (۴): لا یصلن (این فعل، مضارع و به معنی «نمی‌رسند» است، نه «نخواهند رسید»!)

گول نخوری ✗ در عربی اگر اسمی به «یّ، یّة» ختم بشود در ترجمهٔ آن هم از «ی» استفاده می‌کنیم که به آن «ی نسبت» می‌گویند و نباید این «ی» را با نشانه‌های نکره در فارسی اشتباه بگیریم:

مثال: التربویّ = التربویّة: تربیتی ✓ تربیت ✗

حالا اگر موارد قبلی را با هم ترکیب کنیم، به ترکیب خطرناکی می‌رسیم:

ترجمهٔ «عالمٌ ایرانیٌّ» به صورتِ «دانشمند ایرانی» غلط است چون در ترجمهٔ فارسی آن نشانهٔ نکره‌بودن نیاورده‌ایم و باید آن را به صورت «یک دانشمند ایرانی» یا «دانشمندی ایرانی» ترجمه کنیم.

۸۹ عیّن الأقرب من المفهوم: ﴿لا تدري لعلّ اللّه يحدث بعد ذلك أمراً﴾

۱) سر رشتهٔ غیب ناپدید است / بس قفل چو بنگری کلیدست

۲) غیب خواهی، خودی ز ره بردار / عیب را با سرای غیب چه کار؟

۳) زود شوی واقفِ اسرار غیب / گر بزنی دست به دامان غیب

۴) بر گوش دلم ز غیب آواز رسان / مرغ دلِ خسته را به پرواز رسان

مشاوره تست‌های مفهوم در کنکور غالباً با ابیات فارسی همراه هستند، پس برای حل آن‌ها باید تسلط خوبی در فهمیدن شعرهای فارسی داشته باشیم.

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۱

Hint ما نمی‌توانیم از بسیاری از اتفاقات جهان سر در بیاوریم.

پاسخ خیلی تشریحی

ترجمهٔ عبارت: «تو نمی‌دانی، شاید خداوند پس از آن حادثهٔ دیگری را رقم زند.»

مفهوم: «ما از اسرار پنهان هستی بی‌خبریم و خداست که بر همهٔ امور آگاه است.» این مفهوم تنها در گزینهٔ (۱) دیده می‌شود.

• اقرأ النّصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۹۰ ـ ۹٤) بما يُناسب النّصّ:

«التّمساح من الحيوانات البَرمائيّة (و هي الحيوانات الّتي تقدر على العيش في الماء و البرّ) و له أرجُل قصيرة و ذَنب قويّ طويل يجعله قادراً على السّباحة في الماء. يُمضي أكثر أوقاته في الماء ثمّ يرجع إلى البرّ للتنفّس لأنّ له جهازاً تنفّسيّاً يعتمد على استخلاص الهواء الموجود في الجوّ.

التّمساح من الحيوانات باردة الدّمّ و لذلك قادرٌ على تحمّل الجوع لمدّة طويلة. إذا بلغ وزن التمساح كيلو غرام واحد يجب عليه أن يأكل عشر كيلوات من الحيوانات الحيّة الّتي أغلبها من الطّيور و الأسماك. لا تقدرُ التّماسيح على أكل الإنسان إلّا كبائرها و هي تفعل ذلك بمساعدة فكّها الّذي يكون الأقوى بين الحيوانات المفترسة («المفترس» هو حيوانٌ يصيد الحيوانات الأخرى ليأكلها.)

تَضع التّماسيح البيض (تخم) في عشّها ثمّ تُخفيه تحت الرّمال على الشّواطئ و في بعض أنواعها تقوم الأُنثي بالحراسة من العشّ و عندما تَخرج الصّغار من البيض تحملها إلى الماء ليبدأ حياتها. الصيّادون يقومون بصيد التّمساح لكسب جلدها الّذي يكون أغلى الجُلود و تُصنَع منه الحقائب و الأحذئة الجلديّة الّتي هي غاليةٌ جدّاً.

ترجمهٔ متن: «تمساح از حیوانات دوزیست (حیواناتی هستند که می‌توانند در آب و خشکی زندگی کنند.) است و پاهای کوتاه و دُمی قوی و بلند دارد که او را بر شنا در آب قادر می‌سازد. او بیشتر اوقات خود را در آب می‌گذراند سپس برای تنفس به خشکی بازمی‌گردد؛ زیرا دستگاه تنفسی‌ای دارد که بر استخراج هوای موجود در جوّ تکیه دارد. تمساح از حیوانات خونسرد است و به همین خاطر قادر به تحمّل گرسنگی برای مدتی طولانی است. وقتی وزن تمساح به یک کیلوگرم می‌رسد، باید ده کیلو از حیوانات زنده را که بیشترشان از پرندگان و ماهیان هستند را بخورد. تمساح‌ها قادر به خوردن انسان نیستند، مگر گونه‌های بزرگشان و آن را به کمک فکّشان که میان حیوانات درنده (درنده حیوانی است که حیوانات دیگر را شکار می‌کند تا آن‌ها را بخورد.) قوی‌ترین است، انجام می‌دهند.

تمساح‌ها در لانه‌شان تخم می‌گذارند، سپس آن را زیر شن‌ها در سواحل پنهان می‌کنند و در برخی از انواع، تمساح ماده به نگهبانی از لانه می‌پردازد و هنگامی که بچه‌ها از تخم خارج می‌شوند آن‌ها را به سمت آب می‌برد تا زندگیشان را آغاز کنند. شکارچیان به شکار تمساح می‌پردازند به خاطر به دست آوردن پوستشان که گران‌ترین پوست‌ها می‌باشد و از آن، کیف‌ها و کفش‌های پوستی که بسیار گران هستند ساخته می‌شود.»

۹۰ عيّن الصّحيح:

۱) التّمساح البالغ يحتاج إلى طعام كثير فلا يقدر تحمّل الجوع!

۲) التّمساح يصنع عشّه في الماء و لكنّه يرجع إلى البرّ للتنفّس!

۳) تُعدّ التماسيح أعداء الإنسان و هي تُهاجم الإنسان لأكله!

۴) فكّ التّمساح هو العضو الوحيد الّذي يستخدمه في الصّيد!

مشاوره در مورد حل سؤالات درک متن چند نکته رو در نظر داشته باشین:

۱) سؤالات درک متن رو در آخر سؤالات عربی جواب بدین.

۲) متن رو باید با دقت، ولی باسرعت بخونین. این کار نیاز به تمرین و تکرار زیاد داره. خوندن نصف و نیمهٔ متن خیلی فایده‌ای نداره.

۳) توی متن و گزینه‌ها به کلماتی که معنای «هیچ، همه، گاهی، اصلاً، فقط، همیشه، بعضی، قطعاً، ممکنه ...» دارن، دقت کنین.

۴) توی سؤالات درک مطلب برای تشخیص گزینهٔ صحیح یا خطا عجله نکنین و حتماً همهٔ گزینه‌ها رو بخونین سپس بهترین گزینه رو انتخاب کنین!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

درس Box

کلمات مهم: «البَرمائيّة»: دوزيست / «تقدر على»: قادر است بر / «العيش»: زندگی / «الماء»: آب / «البرّ»: خشکی / «له»: دارد / «أرجُل قصيرة»: پاهای کوتاهی / «ذنب قويّ طويل»: دم قوی بلندی / «يجعله قادراً»: او را قادر می‌سازد / «السّباحة»: شنا / «يُمضي»: می‌گذراند / «أكثر أوقاته»: بیشتر زمان‌هایش / «يرجع»: بازمی‌گردد / «لأنّ»: زیرا / «جهازاً»: ابزاری / «يعتمد على»: تکیه می‌کند بر / «استخلاص الهواء الموجود في الجوّ»: به‌دست‌آوردن هوای موجود جوّ / «باردة الدّم»: خونسرد / «لذلك»: برای همین / «تحمّل الجوع»: تحمّل گرسنگی / «لمدّة طويلة»: برای مدّتی طولانی / «إذا»: وقتی / «بلغ»: رسید / «يجب عليه»: بر او واجب است / «أن يأكل»: که بخورد / «الحيّة»: زنده / «أغلبها»: بیشترشان / «الطّيور»: پرندگان / «الأسماك»: ماهیان / «أكل الإنسان»: خوردن انسان / «كبارها»: بزرگان آن‌ها / «تفعل»: انجام می‌دهد / «مساعدة»: کمک / «الأقوى»: قوی‌ترین / «المفترسة»: درنده / «يصيد»: شکار می‌کند / «الأخرى»: دیگر / «تَضع»: می‌گذارد / «التّماسيح»: تمساح‌ها / «البيض»: تخم / «عشّه»: لانه‌اش / «ثمّ»: سپس / «تُخيفه»: آن را مخفی می‌کند / «تحت الرّمال»: زیر شن‌ها / «على الشّواطئ»: در ساحل‌ها / «تقوم ... بالحراسة»: به نگهبانی می‌پردازد / «الأُنثى»: ماده (مؤنث) / «العُشّ»: لانه / «عندما»: هنگامی که / «تَخرج»: خارج می‌شود / «الصّغار»: بچه‌ها / «تحملها»: آن‌ها را حمل می‌کند / «ليبدأ»: تا شروع کند / «حياة»: زندگی / «الصّيّادون»: شکارچیان / «جلد»: پوست / «أغلى الجُلود»: گران‌ترین پوست‌ها / «تُصنَع»: ساخته می‌شود / «الحقائب»: کیف‌ها / «الأحذئة الجلديّة»: کفش‌های پوستی / «غالية»: گران

پاسخ خیلی تشریحی

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): تمساح بالغ به غذای بسیاری نیاز دارد، زیرا قادر به تحمّل گرسنگی نیست! *(متن در عبارت «قادرٌ علی تحمّل الجوع» گفته چون از حیوانات خونسرد هستن قادر به تحمّل گرسنگی هستن!)*

گزینهٔ (۲): تمساح لانه‌اش را در آب می‌سازد، ولی برای تنفس به خشکی بازمی‌گردد! *(متن در عبارت «عندما تفرج الصغار ...» گفته که بعد از خارج‌شدن بچه‌ها از تخم، تمساح ماده اون‌ها رو از سمت لانه به سمت آب می‌بره، پس یعنی لانه در آب نیست!)*

گزینهٔ (۳): تمساح‌ها دشمنان انسان به شمار می‌روند و آن‌ها به انسان برای خوردنش حمله می‌کنند! *(متن در عبارت «لا یقدر علی أکل الإنسان» گفته که جز تمساح‌های بزرگ، بقیه‌شون نمی‌تونن انسان‌ها رو بخورند، پس دشمن ما محسوب نمی‌شن!)*

گزینهٔ (۴): فکّ تمساح تنها عضوی است که از آن در شکار استفاده می‌کند! *(بله درسته!)*

۹۱ عيّن الخطأ:

۱) لا يخرج التّمساح من الماء إلّا إذا أراد أن يَتنفّس!

۲) التّمساح لا يقدر على استخلاص الأوكسيجن الموجودة في الماء!

۳) إذا شاهدتَ أنّ شخصاً لبس حذاءً صُنع من جلد التّمساح فاعلَم أنّه غنيّ!

۴) تُوجد موجودات في البّر تحبّ أكل بيض التّماسيح!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): تمساح فقط زمانی که بخواهد تنفس کند از آب بیرون می‌آید! *(کلمهٔ «فقط» اشتباهه!)*

گزینهٔ (۲): تمساح نمی‌تواند اکسیژن موجود در آب را استخراج کند! *(بله، اگر می‌تونست برای تنفس به خشکی برنمی‌گشت!)*

گزینهٔ (۳): اگر شخصی را دیدی که کفشی پوشیده که از پوست تمساح ساخته شده است، بدان که او ثروتمند است! *(بله چون خیلی گرونه! در جملهٔ آخر متن، این موضوع ذکر شده!)*

گزینهٔ (۴): موجوداتی در خشکی وجود دارند که خوردن تخم تمساح‌ها را دوست دارند! *(در پاراگراف دوم متن ذکر شده که تمساح ماده به نگهبانی از لانه‌ش می‌پردازه! این یعنی در برابر دشمناشون که دوست دارن تخم‌های تمساح‌ها رو بخورن، دارن نگهبانی می‌دن؛ پس این عبارت درسته!)*

۹۲ عيّن الصّحيح:

۱) صغار التّماسيح لا تقدر على السّباحة في الماء إلّا بمساعدة أمّها!

۲) أرجلُ التّمساح ضعيفة فلذلک يستعين بذنبه القويّ ليكون قادراً على السبّاحة في الماء!

۳) التّماسيح أقدر من الإنسان في تحمّل الجوع و لكنّها لا تقدر على أن تسبح في أعماق البحر لمدّة طويلة!

۴) التّماسيح لا تفيد الإنسان إلّا جلدها فيُستخدم جلدها في صنع حقائب أسعارها غالية!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): بچه‌های تمساح‌ها جز با کمک مادرشان نمی‌توانند در آب شنا کنند! *(چیزی در این مورد در متن ذکر نشده!)*

گزینهٔ (۲): پاهای تمساح ضعیف است؛ بنابراین از دم قوی خود استفاده می‌کند تا قادر به شنا در آب باشد! *(در متن همچین چیزی ذکر نشده!)*

گزینهٔ (۳): تمساح‌ها در تحمّل گرسنگی، تواناتر از انسان هستند، ولی آن‌ها نمی‌توانند در اعماق دریا برای مدت طولانی شنا کنند! *(بله در عبارت «قادرٌ علی تحمّل الجوع ...» بخش اوّل این جمله ذکر شده و در عبارت «یرجع إلی البرّ للتنفّس» ذکر شده که باید برای تنفّس به خشکی برگردند، پس نمی‌توانند برای مدت طولانی در آب شنا کنند!)*

گزینهٔ (۴): تمساح‌ها برای انسان سودی ندارند، مگر پوستشان که در ساختن کیف‌هایی که قیمت‌هایشان گران است استفاده می‌شود! *(کلمهٔ «إلّا» فقط اشتباه، چون در متن ذکر نشده که تنها فایدهٔ تمساح برای انسان پوستش هست!)*

● عيّن الخطأ في الإعراب و التَحليل الصرفيّ للكلمات (۹۳ ـ ۹٤):

۹۳ «الصيّادون ـ مُساعدة ـ يعتمد ـ تُصنَع»

مشاوره در این مدل تست‌ها حتماً حتماً دقت کنید که صحیح رو می‌خواد یا خطا رو!!!

۱) الصيّادون: جمع سالم للمذكّر ـ اسم مبالغة (تدلّ على حرفة) ـ معرب ـ معرّف بأل / مبتدأ و مرفوع بالواو

۲) مُساعدة: مفرد مؤنث (جمعه: مساعدات) ـ اسم مفعول (من فعل مزيد ثلاثيّ: ساعدَ، يُساعد) ـ معرب / مجرور بالكسرة بحرف الجرّ

۳) يعتمد: فعل مضارع ـ للمفرد المذكّر الغائب أو للغائب ـ من باب افتعال ـ له حرفانِ زائدانِ: «الف، ت» ـ لازم ـ معلوم / فعل و فاعل و الجملة فعليّة

۴) تُصنَع: مضارع ـ للمفرد المؤنث الغائب ـ ليس فيه حرف زائد (= مجرّد ثلاثي) ـ معرب ـ مجهول / فعل و نائب فاعله «الحقائب»

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

Hint اوّل موارد سمت راست رو بررسی کن، چون نیاز به بررسی جمله ندارن؛ بعد اگر سؤال حل نشد، موارد سمت چپ رو بررسی کن!

درس Box به اسم‌هایی که بر وزن مَفعول هستند و یا ساختار «مُـ...ـَ» دارند، اسم مفعول می‌گوییم. این اسم‌ها غالباً به شکل «... شده» ترجمه می‌شوند.

مثال: مُطهَّر: پاک‌شده/ مُهَدَّد: تهدیدشده

تذکر: تنها اسم‌هایی که در ظاهر ساختار اسم مفعول را دارند ولی اسم مفعول نیستند، مصدرهای باب «مُفاعَلَة» هستند!

مثال: «مُساعَدَة: کمک‌کردن» ← مصدر ✓ اسم مفعول ✗

پاسخ خیلی تشریحی ✓ خطای این گزینه:

اسم مفعول («مُساعَدَة: کمک‌کردن» مصدر باب «مُفاعَلَة» است؛ در نتیجه اسم مفعول نیست!)

۹۴ «تَضعُ ـ أوقات ـ يَمضي ـ جهازاً»:

مشاوره در این مدل تست‌ها حتماً حتماً دقت کنید که صحیح رو می‌خواد یا خطا رو!!!

۱) أوقات: جمع تکسیر و مفرده «وقت» و هي مؤنث ـ نکرة ـ معرب / مضاف إليه و مجرور بالکسرة

۲) تَضعُ: فعل مضارع ـ للمفرد المؤنث الغائب ـ حروفه الأصليّة: «و ض ع» ـ معرب ـ متعدّ / فعل مع فاعله «التّماسيح» جملة فعليّة

۳) يُمضي: فعل مضارع ـ للمفرد الغائب ـ مزيد ثلاثي من مادّة «م ض ي» ـ متعدّ ـ معرب / فعل و مفعوله «أكثر»

۴) جهازاً: اسم ـ مفرد المذكّر (جمعه المكسّر: أجهزة) ـ معرب ـ نكرة / اسم مؤخّر لـِ «أنّ» و منصوب بالفتحة

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

Hint اوّل موارد سمت راست رو بررسی کن چون نیاز به بررسی جمله ندارن، بعد اگه سؤال حل نشد، موارد سمت چپ رو بررسی کن!

پاسخ خیلی تشریحی خطای این گزینه:

مؤنث (کلمهٔ «وقت» مذکر است نه مؤنث! دقت کنید که «ت» در اسم‌ها نشانهٔ مؤنث‌بودن نیست!)

● عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۹۵-۱۰۰):

۹۵ عيّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

۱) قَد تُسهّل هذه المادّةُ كثيراً مِنْ مَشاكِلِ الإنسانِ في الصِّناعَةِ!

۲) لا عَملَ أَشَدُّ مِن مُجالَسَةِ مَن لا تَنتَفِعُ بِه أبداً!

۳) لَيتَ المُشتَريَ لا يُصبِحُ مُتَرَدِّداً في شِراءِ البِضاعَةِ!

۴) لِكُلّ اِختِراعٍ علميٍّ و اِبتِكارٍ في التِّقنيَةِ وَجهانٌ!

مشاوره در این تست‌ها لازم نیست همهٔ حرکت‌ها بررسی بشن!!!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ ترکیبی درس‌های ۱ و ۲

Hint ابتدا برو سراغ وزن فعل‌ها و مصدرهای مزید و حرکت نون در آخر جمع‌های مذکر سالم و مثنی! بعد به اسم تفضیل‌ها، اسم فاعل‌ها و اسم مفعول‌ها و در نهایت به فعل‌های مجهول دقت کن!

پاسخ خیلی تشریحی خطاهای این گزینه:

التِّقنية ← التِّقنية / وَجهانٌ ← وَجهانِ

التِّقنية (تلفّظ صحیح این کلمه «التِّقنية» است!) ـ وَجهانٌ (این کلمه اسم مثنّی است، پس باید علامت «ن» آخر آن کسره باشد، در نتیجه «وَجهانِ» صحیح است!)

۹۶ عیّن حرفاً یکمّل جملة ما قبله:

۱) یرید الآباء خیراً لأولادهم و لکن لا یفهم بعضهم قدر نصائح الأب القیّمة!

۲) کأنّ هذا العالم أوّل من تعرَّف علی کیفیّة استعمال هذا النّباتِ!

۳) إنّنا حَضَرنا في صالة المطار لکنّ دلیلنا لم یأت في الوقت المحدّد!

۴) شجّعنا الاستاذُ علی السّعي الأکثر و قال: لعلّکم تفوزونَ في المباراة!

مشاوره کاربرد حروف مشبّهة بالفعل یکی از مباحث پرتکرار در آزمون‌های تستی و کنکور است. حتماً بر کلیدواژه‌های مربوط به کاربرد هر یک از حروف مشبّهة بالفعل مسلط باشید.

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۱

Hint حرفی رو انتخاب کن که برای تکمیل معنای جملهٔ قبلش به کار رفته. در این گزینه «لکنّ: ولی» حرف مشبه‌ای است که از جملهٔ قبل خود رفع ابهام می‌کند و جملهٔ قبلش را کامل می‌کند.

درس Box

ترجمه، کاربرد و کلیدواژه‌های حروف مشبّهة بالفعل:

إنّ: تأکید بر کلّ جملهٔ اسمیهٔ بعدش / رفع شک (یؤکّد علی الجملة بعده بأجمعها، للتأکید، یرفع الشکّ: لإزالة الشکّ، رفع التردّد، وقوعه حتمیّ)	لکنّ: تکمیل معنای جملهٔ قبلش / رفع ابهام از آن (یکمّل معنی جملة قبله، لتکمیل الجملة السابقة / یرفع الإبهام، یُزیل الإبهام، رفع التوهّم)
أنّ: ربط‌دادن و وصل‌کردن دو جمله (تواصل، یربط الجملتین، لإیجاد الرتباط، یرتبط)	لیت: بیان آرزوی غیرممکن / ناامیدی / حسرت (تمنّی، یتمنّی، طلب ممکن بعید، لن یتحقّق، لا یمکن وقوعه/ لا رجاء، لا یرجو، لا أملَ، لا یأمل، یأس، الحسرة)
کأنّ: تشبیه / تخمین و حدس و گمان / بیان شک (التشبیه، المشابهة/ تخمین، ظنّ/ شکّ و تردید، متردّداً)	لعلّ: بیان امیدواری / بیان شک (ترجّی، رجاء، یرجو، له أمل، یدلّ علی الإمکان و تحقّق الفعل/ الشکّ و التردید)

پاسخ خیلی تشریحی سؤال از ما حرفی را می‌خواهد که جملهٔ قبل از خودش را تکمیل می‌کند. حرف «لکنّ: ولی» برای تکمیل معنا و رفع ابهام از جملهٔ قبل از خودش به کار می‌رود. در گزینهٔ (۳) این حرف به کار رفته است.

۹۷ عيّن خبر الحروف المشبهة بالفعل يختلف نوعه:

۱) بعد قراءة القصة فهمتُ أنّ أولئك رجال يَستفيدون من وجه التّقنية المفيد!

۲) سوف نُسافر في العيد بِالحافلة لأنّ بطاقة الطائرة غالية جدّاً فَلا نَستطيع شراءها!

۳) إنّه أذكَى الطلابِ و هو يتعلّم ما يُدرّس المعلم في المرّة الأُولى دائماً!

۴) إنّي أعرِفُ طُرقاً تُساعدک لِلمواجهة على المَشاكل الّتي تَمنعك عن الاجتهاد!

مشاوره پیداکردن خبر حروف مشبّهة بالفعل هیچ تفاوتی با پیداکردن در جملات عادی ندارد، پس برای تشخیص دقیق خبر حروف مشبّهة بالفعل، از ترجمهٔ جملات غافل نشوید!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۱

Hint بررسی کن ببین در کدوم گزینه‌ها خبر از نوع اسمه و در کدوم‌ها خبر از نوع فعله!

درس Box

انواع خبر حروف مشبّهة بالفعل:

خبر حروف مشبّهة بالفعل سه حالت دارد:

۱) اسم ← **مثال:** إنّهُ طالبٌ.

۲) فعل ← **مثال:** لعلّهُ يَدرُسُ في غُرفته.

۳) جارّ و مجرور ← مثال: إنّهُ في البيت.

پاسخ خیلی تشریحی ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): بعد از خواندن قصه فهمیدم که آنان مردانی هستند که از وجه مفید تکنولوژی استفاده می‌کند! («أولئك» اسم «أنّ» و «رجالٌ: مردانی» خبر «أنّ» و از نوع اسم است!) دقت کنید «يَستفيدون» جمله وصفیه است.

گزینهٔ (۲): در عید با اتوبوس سفر خواهیم کرد؛ زیرا بلیط هواپیما واقعاً گران است و نمی‌توانیم آن را بخریم! («بطاقة» اسم «أنّ» و «غالية: گران» خبر «أنّ» و از نوع اسم است!)

گزینهٔ (۳): همانا او باهوش‌ترین دانش‌آموزان است و ... (ضمیر «ه» اسم «إنّ» و «أذكى: باهوش‌تر» خبر «إنّ» و از نوع اسم است!)

گزینهٔ (۴): همانا من راه‌هایی را می‌شناسم که ... (ضمیر «ي» اسم «إنّ» و «أعرفُ» خبر «إنّ» و از نوع فعل است، در نتیجه با سایر گزینه‌ها متفاوت است!)

۹۸ عیّن «لا» نافیة للجنس:

۱) کنتُ أنظر إلی أطفال لا تظاهُر بَینهم و لم تکن تَجری علَی ألسنتهم إلّا الصداقة!

۲) ﴿أَنفِقوا ممّا رَزقناکم مِن قَبلِ أن یَأتیَ یَومٌ لا بَیعٌ فیه و لا خُلّةٌ﴾

۳) علیک أن تتعلّم العلوم النافعة و لا تُعلّم ولدَك ما لن یَنفعه في حیاته!

۴) الزّرافة حیوان أبکم لأنّها لا تملك الأحبال الصّوتیّة!

مشاوره در تشخیص انواع «لا» حتماً حواستان به شباهت مصدرها به فعل‌ها باشد! مصدرها همگی اسم هستند نه فعل!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۱

Hint دنبال «لا + اسم» باش؛ البته اسمی که «ال» و تنوین نداشته باشه.

درس Box

انواع «لا»

- + فعل مضارع
  - اگر مجزوم نشده باشد ← لای نافیة (نفی) ← مثال: لا یذهبُ ـ لا یذهبونَ (نمی‌رود ـ نمی‌روند)
  - اگر مجزوم شده باشد ← لای ناهیة (نهی) ← مثال: لا یذهبْ ـ لا یذهبوا ـ لا تذهبوا (نباید برود ـ نباید بروند ـ نروید)
- + اسم
  - لا + اسم
    - ~~ال~~
    - ~~تنوین~~
    - ← نفی جنس ← مثال: لا نفعَ لنا (هیچ سودی برایمان ندارد.)
  - به معنای «نه» ← مثال: أُحبّ المجتهدین لا المتکاسلین (تلاشگران را دوست دارم نه تنبل‌ها را.)
- در جواب «هل، أ» ← لای جواب (جوابیة) ← مثال: أتُحبُّ هذا الطعام؟ لا. (آیا این غذا را دوست داری؟ نه.)

پاسخ خیلی تشریحی ✔

گزینهٔ (۱) تنها گزینه‌ای است که در آن «لا» بر سر اسمی آمده است که «ال» و «تنوین» ندارد و به معنی «هیچ ... نیست» می‌باشد.

پس «لا» در «لا تَظاهُر: هیچ تظاهری نیست ...» از نوع نفی جنس است.

در گزینهٔ (۲) «لا» بر سر اسم آمده است، ولی هم «بیعٌ» و هم «خُلّةٌ» آخرشان تنوین دارند؛ در نتیجه «لای» نفی جنس نیست!

در گزینهٔ (۳) «لا» بر سر فعل مضارع «تُعلّم» آمده است؛ در نتیجه نمی‌تواند «لای» نفی جنس باشد! (در این عبارت، «لا» از نوع نافیه است!)

در گزینهٔ (۴) نیز «لا» بر سرِ فعل آمده (تملك) نه اسم.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): به کودکانی نگاه می‌کردم که هیچ تظاهری بینشان نبود و بر زبان‌هایشان چیزی جز راستگویی جاری نمی‌شد.

گزینهٔ (۲): از آن‌چه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از این‌که روزی فرا برسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه دوستی.

گزینهٔ (۳): بر توست که علوم سودمند را یاد بگیری و به فرزندت چیزی را یاد ندهی که در زندگی‌اش به او سود نخواهد رساند.

گزینهٔ (۴): زرافه حیوانی لال است زیرا او تارهای صوتی ندارد.

۹۹ عیّن ما فیه «الحال»:

۱) رأینا ریاضیّاً نشیطاً في المعلب لا یشعر بالتعب!

۲) واصل نوبل عمله فهو أصبح مسروراً بعد اختراع الدینامیت!

۳) ما عرفني زمیلي القدیم و هو أصبح طبیباً شهیراً!

۴) اللّهم أعطنا سروراً لِأنّ عبادک الصالحین بحاجةٍ إلیه!

مشاوره برای پیداکردن حال، همیشه اوّل به دنبال جملهٔ حالیه بگردید، بعد به دنبال حال از نوع اسم؛ چون تشخیص آن ساده‌تر است!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

Hint اول دنبال ساختار «... و + ضمیر + کلمه ...» بگرد، اگر نبود دنبال اسم نکره‌ای بگرد که حالت یک اسم معرفه رو بیان می‌کنه.

درس Box

انواع حال:

حال از نوع اسم: اسم نکره‌ایست که غالباً حالت یک اسم معرفه را بیان می‌کند و انتهای آن علامت «ـً ، ینِ یا ینَ» وجود دارد.

مثال: یلعب الطفل فَرِحاً. (کودک، با خوشحالی بازی می‌کند.)

حال از نوع جمله: حالی است که یک جملهٔ اسمیّه باشد و در ابتدای آن یک حرف «و» آمده باشد:

مثال: یلعب الطفل و هو فرحٌ. (کودک، در حالی که خوشحال است، بازی می‌کند.)

در این ساختار به «و» **واو حالیه** می‌گویند و به جملهٔ بعد از آن **جملهٔ حالیه** گفته می‌شود.

دقت کنید که واو حالیه را به شکل «در حالی که، حال آن‌که» ترجمه می‌کنیم.

مثال: «کلّ النّاس سواءٌ و الجُهّال یفتخرون بنسبهم!»

در این عبارت «و» حالیه و «الجُهّال یفتخرون ...» جملهٔ حالیه است.

پاسخ خیلی تشریحی در گزینهٔ (۳) عبارت «هو أصبح ...» جملهٔ حالیه و پاسخ صحیح است.

ترجمهٔ عبارت: «هم‌کلاسی قدیمی‌ام در حالی که پزشک معروفی شده است، مرا نشناخت!»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): کلمهٔ «نشیطاً» صفت «ریاضیّاً» است، نه حال!

گزینهٔ (۲): کلمهٔ «مسروراً» خبر فعل ناقص «أصبح» است نه حال!

گزینهٔ (۴): کلمهٔ «سروراً» مفعول است، نه حال! (خدایا، به ما شادی را عطا کن ...)

۱۰۰ عيّن ما ليست فيه «واو» الحاليّة:

۱) الطّلاب يلعبونَ في ساحة المدرسة و المدير يذهب إليهم!

۲) اِبتعدَ صديقي عنّا و هو يتحدّث على جوّاله بصوت مرتفع!

۳) إنّني أستمع إلى نصائح جدّي عندما أراه و أنا مشتاق لها جدّاً!

۴) عليك أن تكون مشتاقاً إلى العمل الصالح و ناهياً عن المنكر!

مشاوره در کتاب درسی فقط یک ساختار خاص از جملهٔ حالیه ذکر شده، ولی سابقه داشته است که در کنکور از ساختار کلی جملهٔ حالیه که کمی فراتر از سطح کتاب است سؤال مطرح شود!

زیرمبحث: عربی ۱۲ ـ درس ۲

Hint دنبال ساختار «جمله + و + مبتدا + خبر» بگرد!

درس Box جملهٔ حالیّه، جملهٔ اسمیه‌ای است که در وسط یک عبارت می‌آید و ابتدای آن یک حرف «و» به معنای «در حالی که» دیده می‌شود.

مثال: «المعلّم يُدرّس و التّلاميذ يكتبونَ ما يُدرّسه.» (معلم درس می‌دهد در حالی که دانش‌آموزان چیزی را که او درس می‌دهد، می‌نویسند.)
واو حالیه — جملهٔ حالیه

نکته اگر در میان یک عبارت ساختارِ «... و + ضمیر...» دیده شود، قسمتی که با ضمیر شروع شده جملهٔ حالیه بوده و «و» نیز از نوع حالیه است.

مثال:

«قرأ ألفردُ أخبار الصّحيفة و هو مُتعجّبٌ من انتشار خبر وفاته.»
واو حالیه — جملهٔ حالیه

ترجمه: «آلفرد خبرهای روزنامه را خواند در حالی که از پخش‌شدن خبر وفاتش متعجّب بود.»

پاسخ خیلی تشریحی ✔ در گزینهٔ (۴) بعد از حرف «و» مبتدا و خبر نداریم؛ بنابراین واو از نوع حالیه نیست!

در گزینهٔ (۱) «المدير يذهب ...» جملهٔ حالیه و «و» از نوع حالیه است! (ترجمهٔ عبارت: «دانش‌آموزان در حیاط مدرسه بازی می‌کنند در حالی که مدیر به سمت آنان می‌رود!»)

در گزینهٔ (۲) «هو يتحدّث ...» جملهٔ حالیه و «و» از نوع حالیه است! (ترجمهٔ عبارت: «دوستم از ما دور شد در حالی که با موبایلش با صدایی بلند صحبت می‌کرد!»)

در گزینهٔ (۳) «أنا مشتاق ...» جملهٔ حالیه و «و» از نوع حالیه است! (ترجمهٔ عبارت: «من به نصیحت‌های پدربزرگم وقتی او را می‌بینم گوش می‌دهم، در حالی که برای آن بسیار مشتاق هستم!»)

۱۰۱ **با توجه به ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی و جدید، کدام گزینه با احتمال بیشتری نوشتهٔ یک تاریخ‌نگار سنتی است؟**

۱) در دوران مظفرالدین‌شاه مردم هم‌چنان درگیر قحطی گسترده بودند.

۲) آقامحمدخان قاجار پس از تاج‌گذاری به منطقهٔ قفقاز لشکرکشی کرد.

۳) در عصر قاجار گروه‌های اجتماعی مختلفی از جمله اصناف و پیشه‌وران در شهرها زندگی می‌کردند.

۴) هنر تئاتر به سبک اروپایی از دورهٔ قاجار به همت دانشجویان اعزامی به اروپا در ایران گسترش یافت.

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ ترکیبی ـ درس‌های ۱ و ۴

Hint اگر گزینه‌ای به مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... اشاره کنه، یعنی با تاریخ‌نگاری نوین طرفیم.

درس Box

ویژگی‌ها / نوع تاریخ نگاری	تاریخ‌نگاری سنتی	تاریخ‌نگاری نوین
ابعاد و مفاهیم مورد توجه در روایت:	بیان حوادث سیاسی و نظامی و بی‌اهمیتی به مسائل اجتماعی اقتصادی و فرهنگی توجه صرف به ثبت و ضبط وقایع و بی‌توجهی به بررسی علل و آثار و نتایج آن‌ها	توجه به همهٔ ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و هنری جوامع گذشته ثبت و نقل رویدادها و بررسی و تجزیه و تحلیل زمینه‌ها، علت‌ها، آثار نتایج آثار، گوناگون حوادث تاریخی
نوع نگارش:	نگارش سخت و پرتکلف و استفاده از خصوصیات ادبی همراه با تملق و مدح شاهان	زبانی ساده و روان
منابع مورد استفادهٔ تکمیلی:	استفادهٔ برخی از وقایع‌نویسان درباری از اسناد	استفاده از اسناد استفاده از یافته‌های علوم دیگر هم‌چون باستان‌شناسی، جغرافیا و ...

پاسخ خیلی تشریحی یک تاریخ‌نویس سنتی معمولاً و صرفاً به ثبت و ضبط رویدادهای تاریخی می‌پردازد *(بدون این‌که کار اضافه‌ای روش انجام بده یا تحلیلش کنه)* و در نگارش غالباً به ابعاد سیاسی و نظامی مسئله یا به عبارت دیگر، به بررسی زندگی پادشاهان و شرح فتوحات آنان توجه می‌کند.

در تاریخ‌نگاری نوین، به برخی جنبه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حیات انسانی بیشتر توجه می‌شود و مورخان به ارزیابی رویدادها می‌پردازند. *(یعنی زمینه‌ها، علت‌ها و آثار و نتایج رویدادهای مهم رو هم بررسی می‌کنند.)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): وضعیت معیشت و قحطی به عنوان مصداقی از اوضاع اقتصادی مردم بررسی شده است و تمرکز صرف بر روی زندگی پادشاه نیست: تاریخ‌نگاری نوین

گزینهٔ (۲): به حملات و درگیری‌ها به عنوان مصداقی از شرایط نظامی پرداخته است و شرح فتوحات نظامی مد نظر است: تاریخ‌نگاری سنتی

گزینهٔ (۳): زندگی و تقسیم‌بندی اقشار عادی جامعه را به عنوان مصداقی از اوضاع اجتماعی مد نظر قرار داده است: تاریخ‌نگاری نوین

گزینهٔ (۴): به هنر عصر قاجار به عنوان مصداقی از اوضاع فرهنگی پرداخته و دلایل پیشرفت آن را هم بررسی کرده است: تاریخ‌نگاری نوین

۱۰۲ کدام گزینه دربارهٔ نشریات و روزنامه‌ها در دوران قاجار درست است؟

الف) بلافاصله پس از انتشار «کاغذ اخبار»، روزنامه‌های دولتی و غیردولتی دیگری در ایران انتشار یافت.

ب) روزنامهٔ «دولت علیهٔ ایران» در حوالی ۱۲۴۷ ق. منتشر شد.

ج) روزنامه‌های فارسی‌زبان به دو دستهٔ «دولتیِ داخل ایران» و «غیردولتیِ خارج ایران» تقسیم می‌شدند.

د) برخی از روزنامه‌نگاران در خارج از کشور روزنامه‌هایی منتشر می‌کردند که مخفیانه به داخل ایران می‌رسید.

۱) «الف» ـ «ج»
۲) فقط «ب»
۳) «ب» ـ «د»
۴) فقط «د»

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ ترکیبی ـ درس‌های ۱ و ۵

درس Box

- **روزنامه‌های فارسی‌زبان**
  - داخلی
    - دولتی
    - غیردولتی
  - خارجی
- **اولین روزنامهٔ منتشرشده در ایران**
  - نام: کاغذ اخبار
  - زمان انتشار: ۱۲۵۳ ق.
  - مسئول: میرزا صالح شیرازی
- **روزنامهٔ داخلی بعد از کاغذ اخبار**
  - نام
    - ابتدا: وقایع اتفاقیه
    - سپس: دولت علّیهٔ ایران
  - مسئول: امیرکبیر
  - علت انتشار
    - رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی
    - توسعهٔ فکری و فرهنگی جامعه

پاسخ خیلی تشریحی

به دلیل ماهیت استبدادی حکومت قاجار و نبود آزادی بیان، برخی از روزنامه‌نگاران در خارج از کشور، اقدام به نشر روزنامه‌هایی به زبان فارسی کردند که نسخه‌هایی از آن‌ها به طور مخفیانه به داخل ایران می‌رسید.

بررسی عبارت‌های نادرست:

الف) چند سال (نه بلافاصله) پس از انتشار کاغذ اخبار، امیرکبیر روزنامهٔ دیگری را منتشر کرد و بعد از آن، روزنامه‌های دولتی و غیردولتی دیگری در ایران انتشار یافت.

ب) اولین روزنامه‌ای که در ایران منتشر شد، روزنامهٔ «کاغذ اخبار» در سال ۱۲۵۳ ق. بود. چند سال بعد امیرکبیر روزنامهٔ وقایع اتفاقیه یا همان دولت علیه ایران را منتشر کرد. *بنابراین حتی اگه سال انتشار دولت علیه ایران ذکر نشده، شما از روی توضیحات ذکرشده می‌تونید تشخیص بدید که عبارت داده‌شده نادرسته.*

ج) روزنامه‌های فارسی‌زبان دو دسته بودند: داخلی و خارجی. روزنامه‌های داخلی خود به دو دستهٔ دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شدند، یعنی امکان انتشار هر دو دسته روزنامهٔ دولتی و غیردولتی در داخل کشور، فراهم بود.

۱۰۳ کدام گزینه اطلاعات درستی دربارهٔ کریم‌خان زند ارائه می‌کند؟

الف) وی مخالف لشکرکشی و کشورگشایی بود و حتی قدرت را به شکل مسالمت‌آمیزی کسب کرد.

ب) فعالیت آزادانهٔ اقلیت‌های دینی و ساخت ارگ کریم‌خان و آرامگاه حافظ از نتایج مدارای کریم‌خان با هنرمندان و گروه‌های مختلف دینی بوده است.

ج) زندگی و دربار وی به دور از تجمل بود و برخلاف سنت معمول، عنوان وکیل‌الرعایا را برای خود برگزید.

د) با وجود تمایل فرانسه و انگلستان، وی به هیچ‌گونه توافق اقتصادی با آن‌ها نرسید.

۱) «الف» ـ «ج»
۲) «ب» ـ «د»
۳) «ج» ـ «د»
۴) «ب» ـ «الف»

مشاوره مباحث و اطلاعاتی که در درس دوم دربارهٔ کریم‌خان می‌خونیم، سخت و زیاد نیستن، اما می‌شه از همین مطالب هم پیچیدگی‌های ظریفی پیدا کرد، مثل عبارت‌های «الف» و «ب». درس‌باکسی که براتون آوردیم، کمکتون می‌کنه این ظرافت‌ها رو بهتر پیدا کنید.

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۲

درس Box

مروری بر زندگی کریم‌خان		
زندگی و شخصیت	پیش از سلطنت	رئیس طایفهٔ زند از طایفه‌های لر بود.
	عنوان سلطنتی	**برخلاف سنت معمول**، از پذیرفتن عنوان شاه امتناع کرد و خود را وکیل مردم ایران (وکیل‌الرعایا) خواند.
	برخی از خصوصیات اخلاقی وی	مدارا و همدردی با مردم ساده‌زیستی رفتار مناسب با اقلیت‌های دینی و مذهبی
	وفات	در ۱۱۵۷ ش / ۱۷۷۹ م. از دنیا رفت.
کشورداری و اقدامات	تأسیس حکومت زندیه	از جمله سردارانی بود که پس از کشته‌شدن نادرشاه، درصدد کسب قدرت برآمد؛ بنابراین تعدادی از رقیبان و مدعیان حکومت را از میان برداشت **و با تسلط بر بخش وسیعی از ایران**، سلسلهٔ زندیه را تأسیس کرد.
	رویکرد نسبت به کشورگشایی و برخوردهای نظامی	**برای کسب قدرت**، مدعیان خود را از میان برداشت و به مناطقی از ایران لشکرکشی کرد. **پس از به تخت نشستن** و **برخلاف نادر** از ادامهٔ لشکرکشی و جنگ برای در اختیار گرفتن سایر مناطق ایران دست کشید و همین امر، موجبات آرامش، رونق و آبادانی قلمرو او به‌ویژه پایتختش شیراز را فراهم آورد. با این حال، در اواخر حکومتش، سپاه زندیه بصره را تصرف کرد.
	روابط خارجی	مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران در سراسر زندیه با جهان خارج کاهش چشمگیری یافت. معاهدهٔ صلحی که میان نادرشاه و دولت عثمانی وجود داشت، تا اواخر حکومت کریم‌خان نیز داوم آورد. با هیئت‌هایی از فرانسه و انگلستان که برای گرفتن امتیاز و ایجاد مراکز تجاری به ایران آمده بودند، به توافق نرسید و گشایشی در روابط صورت نگرفت.
	نظام اداری و سیاسی	سازمان اداری و دیوانی این حکومت اعتبار و قوّت عصر صفویه را نداشت. شیوهٔ ادارهٔ ایالات، ولایات، شهرها و روستاها همانند دورهٔ صفویه بود و صاحب‌منصبانی با همان عناوین سابق این مراکز را اداره می‌کردند.
	اوضاع اقتصادی، بازرگانی و کشاورزی	در دوران حکومتش، اقداماتی برای بهبود کشاورزی و بازرگانی صورت گرفت و نتایج زیر به وقوع پیوست: تبدیل‌شدن شیراز و بندر بوشهر به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی وجود آرامش و ثبات سیاسی نسبی کاهش مالیات‌ها شکل‌گیری دربار کم‌تجمل تثبیت قیمت کالاها

مروری بر زندگی کریم‌خان		
کشورداری و اقدامات	اوضاع آموزش	فعالیت‌های علمی و آموزشی کمی رونق گرفت و مدرسه‌های جدیدی ساخته شد.
	اوضاع هنر و معماری	مدارا و احترام وی نسبت به هنرمندان و علما، موجب رونق هنر و معماری در زمان او شد؛ برخی از اقدامات عمرانی او در شیراز عبارت‌اند از: ۱) **ساخت** مجموعهٔ مسجد، بازار و حمام وکیل ۲) **ساخت** ارگ کریم‌خانی ۳) **بازسازی** آرامگاه حافظ، سعدی و باغ دلگشا در نقاشی و نگارگری تحولی بزرگ به وجود آمد و نقاشان هنر خود را با معیارهای هنر اروپا تطبیق دادند.
	اوضاع ایران پس از وی	دوباره آشوب و ناامنی ایران را فراگرفت و افرادی از طایفهٔ زند برای رسیدن به تاج و تخت، با هم به رقابت و ستیز برخاستند.

پاسخ خیلی تشریحی کریم‌خان به ساده‌زیستی معروف بود و دربار کم‌تجمل وی، از جمله عوامل مؤثر در رونق اقتصادی دورهٔ زند بود. او برخلاف سنت معمول از پذیرفتن عنوان شاه امتناع کرد و لقب وکیل‌الرعایا را برای خود برگزید. (درستی «ج»)

مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران با جهان خارج در عصر زندیه کاهش چشمگیری یافت و کریم‌خان حتی با هیئت‌های ارسالی از فرانسه و انگلیس که برای کسب امتیاز و ایجاد مراکز تجاری به ایران آمده بودند، به توافق نرسید. (درستی «د»)

نکته ارسال هیئت‌هایی از فرانسه و انگلستان، نشان از تمایل آنان برای ایجاد روابط اقتصادی و سیاسی با حکومت کریم‌خان داشت.

بررسی عبارت‌های نادرست:

الف) کریم‌خان برای کسب قدرت، مدعیان پادشاهی را از میان برداشت و با تسلط بر مناطق وسیعی از کشور بر تخت نشست، اما پس از آن، از ادامهٔ لشکرکشی دست برداشت.

نکته با این حال لشکرکشی‌ها به طور کامل قطع نشد و در اواخر حکومت کریم‌خان، سپاه زندیه بصره را تصرف کرد.

ب) در نتیجه مدارا و رفتار مناسب با اقلیت‌های دینی و مذهبی، از کریم‌خان نام و نشان نیکی در تاریخ به جا مانده است؛ هم‌چنین مدارا و احترام کریم‌خان نسبت به هنرمندان و علما موجب رونق هنر و معماری در زمان وی شد، اما آرامگاه‌های حافظ و سعدی و باغ دلگشا در زمان کریم‌خان ساخته نشده‌اند، بلکه وی به بازسازی آن‌ها پرداخت.

گول نخوری اگه حواست نباشه که کریم‌خان همیشه با کشورگشایی مخالف نبوده و تفاوت بین اقدامات عمرانی و بازسازی‌ها رو خوب تفکیک نکنی، ممکنه فکر کنی «الف» و «ب» هم درست‌اند.

۱۰۴ کدام موارد دربارهٔ کشورهای اروپایی در سده‌های پس از عصر رنسانس درست است؟

الف) بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب باشکوه این بود که منشأ الهی سلطنت نفی و مجلس منشأ قدرت معرفی شد. (روسیه)

ب) این کشور پس از استقلال از انگلستان با پیشروی به سوی غرب و کشتار وسیع سرخ‌پوستان، سرزمین‌های وسیعی را تصاحب کرد. (آمریکا)

ج) دایرةالمعارف‌نویسان با طرح مباحث علمی و ادبی شروع به انتقاد از وضع موجود کردند. (فرانسه)

د) این کشور در نواحی شرقی اروپا و حوزهٔ دریاهای بالتیک، سیاه و مازندران، اقدامات نظامی وسیعی انجام داد. (انگلستان)

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «ب» ـ «ج»
۳) «ب» ـ «د»
۴) «الف» ـ «ج»

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۲

Hint دریای مازندران همان دریای خزر یا کاسپی است و در گذشته ایران از طریق آن با روسیه همسایه بوده است.

پاسخ خیلی تشریحی بررسی عبارت‌ها:

الف) نادرست؛ انقلاب باشکوه مربوط به انگلستان بود.

ب) درست

ج) درست

د) نادرست؛ این اقدامات مربوط به روسیه و در پی سیاست‌های پتر کبیر بود.

۱۰۵ با توجه به عبارات زیر در خصوص صدراعظم‌های دورهٔ قاجار، موارد ..... مربوط به یکی از صدراعظم‌های ناصرالدین‌شاه است که ..... .

الف) در مدت هفت‌ماههٔ وزارت خود در مقابل زیاده‌خواهی انگلیسی‌ها ایستادگی کرد و به دنبال کاستن دخالت ناروای شاه و درباریان در امور کشور بود.

ب) برنامهٔ منسجمی را برای اصلاح امور سیاسی و اقتصادی کشور تهیه کرد و بخشی از آن را به اجرا درآورد.

ج) از طرف شاه قاجار اختیار تام در ادارهٔ امور کشور داشت و به دنبال استقلال اقتصادی کشور بود.

د) نقش مؤثری در تشویق شاه برای سفر به فرنگ و اخذ تمدن اروپایی داشت، اما برنامه‌های او به سبب مخالفت‌های داخلی و تردیدهای شاه به جایی نرسید.

۱) «الف» و «ب» ـ دسیسه‌گری مخالفانش، شاه را نسبت به او بدبین کرد و حاجی میرزا آقاسی به جای او نشست

۲) «ب» و «ج» ـ به سرنوشت قائم‌مقام فراهانی دچار شد و اصلاحاتش به نتیجه نرسید

۳) «ب» و «د» ـ تربیت‌یافتهٔ قائم‌مقام بود و با استفاده از تجربه‌های سیاسی ارزشمند خود، اوضاع کشور را سامان داد

۴) «ج» و «د» ـ با درایت او ناصرالدین‌شاه بر تخت نشست و شاه را به دادن امتیاز به روس و انگلیس ترغیب می‌کرد

مشاوره سؤالات جای خالی در کنکور درس تاریخ معمول نیست، اما ممکنه در کنکورهای بعدی اضافه بشه؛ پس لازمه محتوای دروس رو جوری بخونی که برای هر نوع تستی آماده باشی.

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۳

درس Box

در درس سوم کتاب راجع به چند نفر از وزرای دورهٔ قاجار صحبت شده است که دربارهٔ سه نفر از آن‌ها این‌جا صحبت می‌کنیم:

- **قائم مقام‌فراهانی**: وزیر محمد شاه قاجار بود. تدابیر او موجب سر و سامان یافتن امور کشور شد. دسیسه‌گری مخالفانش موجب بدبین‌شدن شاه به او شد؛ در نتیجه بعد از **هفت ماه** از وزارت برکنار و کشته شد و حاجی میرزا آقاسی به جای او نشست.
- **میرزا تقی‌خان فراهانی امیرکبیر**: وزیر ناصرالدین‌شاه قاجار بود. ناصرالدین‌شاه با درایت امیرکبیر بر تخت نشست. ناصرالدین‌شاه در آغاز سلطنتش میرزا تقی‌خان را با لقب امیرکبیر به مقام صدراعظمی برگزید و به او در ادارهٔ امور کشور اختیار تام بخشید. امیرکبیر تربیت‌یافتهٔ قائم‌مقام بود و با استفاده از تجربه‌های سیاسی ارزشمند خود، علاوه بر سامان‌دادن به اوضاع کشور، برنامهٔ منسجمی را برای اصلاح امور سیاسی و اقتصادی کشور تهیه کرد و بخشی از آن را به اجرا درآورد. امیرکبیر با توطئه و دسیسهٔ مخالفان به سرنوشت قائم‌مقام دچار شد و اصلاحاتش به نتیجه نرسید.
- **میرزا حسین‌خان سپهسالار**: از صدراعظم‌های عصر ناصری بود که نقش مؤثری در تشویق شاه برای سفر به فرنگ، اخذ تمدن اروپایی و ترغیب وی به دادن امتیازهای فراوان به انگلیس و روس تزاری داشت، اما برنامه‌های او به سبب مخالفت‌های داخلی و تردیدهای شاه به جایی نرسید.

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی عبارت‌ها:

الف) قائم مقام فراهانی ب و ج) امیرکبیر د) میرزا حسین‌خان سپهسالار

پس عبارت «الف» در مورد صدراعظم محمدشاه و عبارت‌های «ب»، «ج» و «د» در مورد صدراعظم‌های ناصرالدین‌شاه است.

بررسی بخش دوم گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): دربارهٔ قائم‌مقام فراهانی است.

گزینه‌های (۲) و (۳): دربارهٔ امیرکبیر است.

گزینهٔ (۴): بخش اول عبارت در مورد امیرکبیر و بخش دوم در مورد میرزا حسین‌خان سپهسالار است.

۱۰۶ **کدام گزینه از نتایج قراردادهای منعقدشده بین ایران و انگلستان است؟**

۱) ولایت‌های داغستان، گرجستان و ارمنستان با شهرهای پرجمعیت از ایران جدا شد.

۲) سرزمین‌های ایران در شرق دریای کاسپین از جمله قزاقستان از ایران گرفته شد.

۳) ایران مجبور به دادن امتیازات اقتصادی و سیاسی متعددی مانند تأسیس بانک استقراضی شد.

۴) مناطق جنوب ایران از جمله قسمتی از سیستان و بلوچستان از خاک ایران حذف شد.

مشاوره از این مبحث در امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۲ سؤال طرح شده. یادتون باشه که با توجه به فرمت امتحان نهایی (که مواردی همچون نام‌بردن از یک دسته‌بندی اهمیت بالایی داره) ممکنه باز هم با سؤالاتی از این نوع مواجه بشید؛ پس خودتون رو براش آماده کنین.

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۳

Hint در ذیل قراردادهای الحاقی حکومت قاجار، قسمت‌های شمالی ایران در اختیار روسیه و قسمت‌های جنوبی و شرقی در اختیار انگلستان قرار می‌گرفت.

پاسخ خیلی تشریحی از اواخر عهد فتحعلی‌شاه، دولت انگلیس درصدد آن برآمد که با جداکردن سرزمین‌های شرقی ایران، منطقه‌ای حائل و تحت نفوذ خود در مرزهای هندوستان به وجود آورد؛ به عنوان مثال با قرارداد گلداسمیت، مناطقی از سیستان و بلوچستان را از ایران جدا و ضمیمهٔ خاک هندوستان کردند.

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینهٔ (۱): در نتیجهٔ قراردادهای گلستان و ترکمانچای مناطق وسیعی از سرزمین‌های حاصلخیز ایران در غرب دریای کاسپی (خزر) که شامل ولایات گرجستان، داغستان، ارمنستان، نخجوان و اران (کشورهای کنونی گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان) با شهرها و آبادی‌های پرجمعیت بود، به **روسیه** واگذار شد.

گزینهٔ (۲): **روس‌ها** در عهدنامهٔ آخال مناطق وسیعی از سرزمین‌های ایرانی در شرق دریای کاسپی (خزر) (کشورهای کنونی ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان) را تسخیر کردند.

گزینهٔ (۳): **روسیه** در رقابت با انگلستان امتیازات اقتصادی و سیاسی متعددی مانند تأسیس بانک استقراضی، شیلات شمال و تأسیس نیروی قزاق را گرفت.

۱۰۷ کدام‌یک از عبارات زیر دربارهٔ دور اول و دوم جنگ‌های ایران و روسیه در زمان قاجار درست است؟

الف) معاهدهٔ ترکمانچای برخلاف معاهدهٔ گلستان، نتیجهٔ دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه بود.

ب) دور اول جنگ‌های ایران و روسیه، کوتاه‌تر از دور دوم آن بود.

ج) فرماندهٔ سپاه ایران در هر دو دور این جنگ‌ها یک شخص بود.

د) نتیجهٔ نهایی دور دوم این جنگ‌ها، از لحاظ شکست یا پیروزی روسیه، همانند دور اول آن نبود.

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «ب» ـ «ج»
۳) «ب» ـ «د»
۴) «الف» ـ «ج»

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۳

درس Box

- **جنگ‌های ایران و روس**
  - دور اول
    - بازهٔ زمانی جنگ: ۱۲۱۸ ـ ۱۲۲۸ ق. یا ۱۸۰۳ ـ۱۸۱۳ م. ـ حدود ۱۰سال
    - فرماندهٔ سپاه ایران: عباس‌میرزا
    - نتیجهٔ جنگ: پیروزی روسیه یا شکست ایران
    - دلایل شکست ایران
      - عدم توازن قدرت نظامی و اقتصادی دو کشور
      - ضعف سیاسی حکومت قاجار
      - پیمان‌شکنی دولت‌های فرانسه و انگلستان
    - قرارداد منعقدشده: معاهدهٔ گلستان
  - دور دوم
    - بازهٔ زمانی جنگ: ۱۲۴۱ ـ ۱۲۴۳ ق. یا ۱۸۲۶ ـ ۱۸۲۸ م. ـ حدود ۲ سال
    - فرماندهٔ سپاه ایران: عباس‌میرزا *(مانند دور اول)*
    - دلایل شروع جنگ
      - مشخص‌نبودن خطوط مرزی در عهدنامهٔ گلستان و ادعاهای ارضی جدید روس‌ها
      - فریاد کمک‌خواهی مردم مسلمان عضوهایی که به واسطهٔ معاهدهٔ گلستان تحت سلطهٔ روس‌ها بودند.
    - نتیجهٔ جنگ: پیروزی روسیه یا شکست ایران *(مانند دور اول)*
    - دلایل شکست ایران
      - خودداری انگلستان از کمک مالی و نظامی به ایران
      - ناتوانی فتحعلی‌شاه در تأمین تدارکات سپاه
      - بی‌کفایتی برخی فرماندهان مانند آصف‌الدوله
      - اعتماد به وعده‌ها و قدرت خارجی
    - قرارداد منعقدشده: معاهدهٔ ترکمانچای

پاسخ خیلی تشریحی

الف) درست؛ معاهدهٔ گلستان، نتیجهٔ دور اولِ جنگ و معاهدهٔ ترکمانچای، نتیجهٔ دور دوم بود.

ب) نادرست؛ دور اول این جنگ‌ها حدوداً ده سال طول کشید و دور دوم آن حدوداً دو سال.

ج) درست؛ فرمانده سپاه ایران در هر دو جنگ عباس‌میرزا بود.

د) نادرست؛ نتیجهٔ نهایی در هر دو دور شکست سپاه ایران بود.

۱۰۸ کدام گزینه دربارهٔ اوضاع کشاورزی، آموزشی و هنری و معماری ایران در دوران حکومت‌های زندیه (۱)، صفویه (۲)، قاجاریه (۳) و افشاریه (۴) درست است؟

الف) رونق کشاورزی و تجاری‌بودن آن

ب) معماری تلفیقی

ج) ساخت مدارس جدید

د) تأثیرپذیری سبک نقاشی و نگارگری ایرانی از اروپا

۱) «الف» از اشتراکات (۱) و (۲) و «ب» از ویژگی‌های (۴) است.

۲) «د» از وجوه افتراق (۱) و (۳) و «ج» از ویژگی‌های (۴) است.

۳) «ج» از اشتراکات (۱) و (۳) و «ب» از وجوه پیوند (۳) و (۴) است.

۴) «ب» از ویژگی‌های (۳) و «الف» از شباهت‌های (۲) و (۳) است.

مشاوره مثل همیشه باید بگیم که ترکیبی خوندن تاریخ از واجباته و با دید کل‌نگری می‌تونید نتیجهٔ خوبی تو کنکور بگیرید. یکی از مباحث تاریخ دوازدهم که امکان طرح سؤال مقایسه‌ای و ترکیبی داره، همین مبحث این سؤاله.

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ ترکیبی ـ درس‌های ۲ و ۴

درس Box

	کشاورزی	علم و آموزش	هنر و معماری
صفویه	کشاورزی معیشتی	پررونق بود.	معماری ایرانی اسلامی درخشان بود.
افشاریه	کشاورزی معیشتی دچار رکود شد.	از رونق افتاد.	تلفیق هنر ایرانی و هندی
زندیه	کشاورزی معیشتی که بهبود و رونق نسبی یافت.	بهبود و رونق نسبی ساخت مدارس جدید (مانند قاجاریه)	تأثیرپذیری نقاشان ایرانی از اروپا (مانند قاجاریه)
قاجاریه	کشاورزی تجاری رونق و رکود نسبی: افزایش تولید و صادرات برخی محصولات و در عین حال وجود قحطی در برخی دوره‌ها	دایر و فعال بودن مراکز آموزشی مختلف ساخت مدارس جدید (مانند زندیه)	تأثیرپذیری نقاشان از اروپا (مانند زندیه) معماری تلفیقی: ایرانی و فرنگی

پاسخ خیلی تشریحی بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ کشاورزی در زندیه و صفویه از نوع معیشتی بود (نه تجاری).

گزینهٔ (۲) نادرست؛ در عصر زندیه، در نقاشی و نگارگری، به‌ویژه در عصر کریم‌خان زند، تحولی بزرگ به وجود آمد و نقاشان به تدریج هنر خود را با معیارهای هنری اروپا تطبیق دادند. در عصر قاجار نیز، هنر نگارگری ایرانی تحت تأثیر هنر نقاشی مدرن اروپایی قرار گرفت؛ بنابراین عبارت «د» از ویژگی‌های مشترک این دو حکومت است. ضمن آن‌که وضعیت علم و آموزش در عهد افشاریه رو به رکود گذاشت و فعالیت‌های مدارس از رونق افتاد.

گزینهٔ (۳): درست؛ در هر دو دورهٔ حکومت‌های زندیه و قاجاریه، مدارس جدیدی ساخته شد.

در عصر افشاریه، ورود هنرمندان و صنعتگران هندی پس از فتوحات نادر در هند، موجب تلفیق هنر و معماری ایرانی و هندی شد. در عصر قاجار نیز بسیاری از معماران به سفارش دربار و ثروتمندان با استفاده از برخی از عناصر معماری فرنگی و تلفیق آن با معماری ایرانی، سبکی از معماری را به وجود آوردند که در آن عناصر و ویژگی‌های معماری ایرانی و اروپایی ترکیب شده بود.

گزینهٔ (۴): معماری عصر قاجار، از سبک اروپایی نیز تأثیر پذیرفت.

کشاورزی در عصر قاجار، برخلاف دوران پیش از آن دیگر معیشتی نبود (یعنی در دورهٔ صفویه معیشتی بود)و به نوعی از کشاورزی تجاری تبدیل شده بود.

۱۰۹ کدام شکل با توجه به موارد زیر و آثار افرادی همچون عبدالرحیم طالبوف (۱) و حاج زین‌العابدین مراغه‌ای (۲)، به درستی ترسیم شده است؟

الف) توصیف اوضاع نابسامان کشور

ب) وجود اندیشه‌های نوین و تفکر مشروطه‌خواهی

ج) شیفتگی و خودباختگی بی‌چون‌وچرا در برابر فرهنگ غرب

۱)
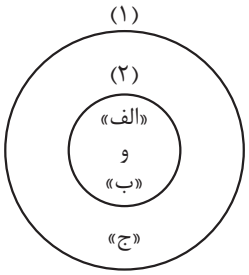

۲)
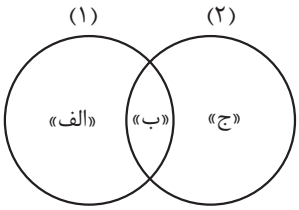

۳)
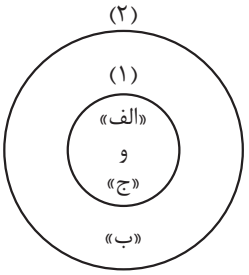

۴)
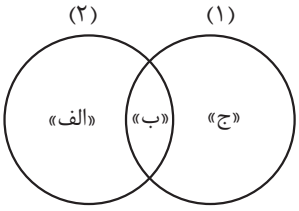

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۵

پاسخ خیلی تشریحی بررسی عبارت‌ها:

الف) ۲، ب) ۱ و ۲، ج) ۱

اولین نشانه‌های اندیشه‌های **نوین**، در **سفرنامه‌های** عهد **قاجار** مشاهده می‌شود. سفرنامهٔ میرزا صالح شیرازی از معروف‌ترین این آثار است. میرزا صالح شیرازی در سفرنامهٔ خود به روشنی از اندیشه‌های نوین غربی، به‌ویژه نظام حکومت مشروطهٔ انگلیس، تعریف و تمجید کرده است. سیاحت‌نامهٔ ابراهیم بیگ اثر حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، یکی دیگر از این آثار است. در این سفرنامه، اوضاع نابسامان کشور به زبان ساده بیان گردیده و در مقابل، از ویژگی‌های تمدن غرب ستایش شده است.

نوشته‌های میرزا ملکم‌خان، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، عبدالرحیم‌خان طالبوف و میرزا فتحعلی آخوندزاده معروف‌ترین آثاری هستند که در پیدایش مشروطه‌خواهی مؤثر بودند. پذیرش اندیشه‌های غربی و شیفتگی و خودباختگی بی‌چون و چرا در برابر فرهنگ بیگانه، از ویژگی‌های بارز افکار این افراد بود. آنان نهضت مشروطه‌طلبی مردم ایران را که بر مبنای عدالت‌خواهی و نفی استبداد و استعمار بود، با عقاید برخاسته از اندیشه‌های وارداتی و غربی خود درآمیختند.

بنابراین تنها شکل گزینهٔ (۴)، ارتباط درستی را نشان می‌دهد.

۱۱۰ **در کدام گزینه زمان وقوع رویدادهایی که موجب پیروزی نهضت مشروطه شدند، به درستی مقایسه شده است؟**

الف) ماجرای نوز بلژیکی

ب) بَست‌نشینی مردم و روحانیون در حرم حضرت عبدالعظیم

ج) بازگشت علما از قم

د) تحصن مردم در باغ سفارت انگلیس

مشاوره سؤالات تقدم و تأخر در کنکور ۱۴۰۲ رونمایی شد. در این تست هم باید تقدم و تأخر رویدادها رو بررسی کنی و هم درستی یا نادرستی مطالب و رویدادهای تاریخی رو.

۱) «ب» که اولین مرحلهٔ اتحاد نیروهای ضد استبداد بود، مقدم بر «د» و مؤخر از «الف» است و به علت متشنج‌شدن تجمع مردم در اعتراض به گرانی‌ها اتفاق افتاد.

۲) «الف» که در واقع اولین جرقهء نهضت مشروطه بود مقدم بر «ب» و «ج» است و به علت توهین به علمای کرمان و برای حفظ تشیع در برابر فرقه‌های ساختگی رخ داد.

۳) «د» که از طریق عوامل شناخته‌شدهٔ انگلستان در بین آزادی‌خواهان و مردم صورت گرفت به موازات «ب» و مؤخر از «الف» بود و منجر به تأسیس عدالت‌خانه شد.

۴) «ج» که هفت روز بعد از عزل عین‌الدوله توسط مظفرالدین‌شاه انجام شد مؤخر از «ب» و «د» است و منجر به صدور فرمان تشکیل مجلس شورای ملی شد.

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم - درس ۵

درس Box

مهم‌ترین حوادثی که منجر به پیروزی نهضت مشروطه شد

- ۱) ماجرای نوز بلژیکی: اعتراض مردم به مسیو نوز بلژیکی در جریان اهانت به لباس روحانیت
- ۲) نارضایتی مردم ایالت‌ها: مانند اعتراض به شلاق‌خوردن سه تن از علمای کرمان
- ۳) ماجرای بانک استقراضی روس
- ۴) افزایش نرخ قند
- ۵) مهاجرت صغری: مهاجرت روحانیون و مردم به شهر ری و تحصن در صحن عبدالعظیم
- ۶) مهاجرت کبری: مهاجرت علما به قم به دلیل عملی‌نشدن شروط مطرح‌شده در مهاجرت صغری

پاسخ خیلی تشریحی

ابتدا ترتیب زمانی رویدادها را مشخص می‌کنیم:

الف ← محرم سال ۱۲۸۳ ش / ۱۳۲۳ ق.

ب ← پس از اعتراض به گران‌شدن قند و پیش از مهاجرت کبری

ج ← هفت روز پس از صدور فرمان مشروطه در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵

د ← هم‌زمان با مهاجرت کبری و پیش از صدور فرمان مشروطه

پس ترتیب عبارت‌ها به این صورت است: الف ـ ب ـ د ـ ج

اکنون اطلاعات تاریخی مطرح‌شده در گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

گزینهٔ (۱): تحصن علما در حرم عبدالعظیم یا مهاجرت صغری اولین مرحلهٔ اتحاد نیروهای ضداستبداد بود. پس از این‌که مجلسی بزرگ در اعتراض به گرانی‌ها در مسجد شاه برپا شد و با توطئهٔ امام جمعهٔ درباری و عوامل او به تشنج کشیده شد و مأموران به جان مردم افتادند، مردم و روحانیون با حالت اعتراض تهران را ترک کردند و به شهر ری و حرم عبدالعظیم رفتند. (درست)

گزینهٔ (۲): ماجرای نوز بلژیکی اولین جرقهٔ نهضت مشروطه بود، اما به دلیل اهانت نوز بلژیکی، کارگزار روس‌ها در امور گمرکی ایران، به روحانیت اتفاق افتاد. (نادرست)

گزینهٔ (۳): تحصن مردم در باغ سفارت انگلستان به موازات مهاجرت علما به قم و پس از ماجرای نوز بلژیکی صورت گرفت. مشروطه‌خواهان بدون پناهندگی به سفارت انگلیس می‌توانستند به خواسته‌های خود دست یابند، اما سفارت انگلستان عده‌ای از عوامل شناخته‌شدهٔ خود را در بین آزادی‌خواهان وارد کرد و مردم را به تحصن در سفارتخانه تشویق کرد. (نادرست)

گزینهٔ (۴): بازگشت علما از قم پس از صدور فرمان مشروطه رخ داد. (نادرست)

نکته

این دو مورد را از هم تفکیک کنید.

- تحصن عده‌ای از بازرگانان در حرم عبدالعظیم: در ادامهٔ جریان نوز بلژیکی
- تحصن مردم و روحانیون در حرم عبدالعظیم: پس از اعتراض به گران‌شدن قند

۱۱۱ کدام‌یک از موارد زیر دربارهٔ زمینه‌ها و علت‌های وقوع جنگ جهانی اول نادرست است؟

الف) انقلاب صنعتی مستقیماً در وقوع جنگ جهانی اول تأثیری نداشت اما بر یکی از زمینه‌های شروع آن تأثیر گذاشت.

ب) رشد ناسیونالیسم را همچون گسترش استعمار، می‌توان از علت‌های وقوع جنگ جهانی اول دانست.

ج) وحدت ایتالیا از جمله علت‌های رشد اندیشهٔ ملی‌گرایی بوده است.

د) روسیه از لحاظ علمی و فرهنگی نقش ویژه‌ای در گسترش استعمار داشته است.

۱) «الف» ـ «د»
۲) «ج» ـ «د»
۳) «ب» ـ «ج»
۴) «الف» ـ «ب»

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۶

پاسخ خیلی تشریحی

در قرن ۱۹ م. استعمار گسترش یافت و دولت‌های استعمارگر اروپایی، به ویژه انگلستان و فرانسه، با گسترش مستعمرات خود در قاره‌های آسیا، آفریقا و اقیانوسیه با یکدیگر به رقابت و ستیز برخاستند که این مسئله به نوبهٔ خود، زمینه‌ساز جنگ جهانی اول بود و انقلاب صنعتی و تولید سلاح‌های پیشرفته مانند توپ و کشتی‌های جنگی، بر گسترش استعمار تأثیرگذار بود. *بنابراین انقلاب صنعتی مستقیماً جنگ جهانی اول رو به وجود نیاورد اما بر زمینه‌های وقوع اون تأثیر گذاشت.* (درستی «الف»)

تفکر ملی‌گرایی، مردمان و گروه‌های قومی را که تاریخ و فرهنگ و زبان مشترکی داشتند، برانگیخت تا با هم یکی شوند و زیر پرچم حکومتی یکپارچه و مستقل قرار گیرند. ایتالیایی‌ها، آلمانی‌ها، لهستانی‌ها، صرب‌ها و مجارها از جملهٔ این اقوام بودند که تحت تأثیر اندیشهٔ ملی‌گرایی، برای تأسیس حکومت ملی به پا خواستند که تنش‌هایی را با خود به همراه آورد. *بنابراین رشد ناسیونالیسم هم مانند گسترش استعمار، از عوامل تأثیرگذار بر وقوع جنگ جهانی اول بود.* (درستی «ب»)

بررسی گزینه‌های نادرست:

ج) نادرست؛ وحدت ایتالیا نتیجه و معلول رشد اندیشهٔ ملی‌گرایی بود نه علت آن.

د) نادرست؛ روسیه به لحاظ علمی و فرهنگی به مراتب از کشورهای اروپای غربی و مرکزی عقب‌مانده‌تر بود.

۱۱۲ در خصوص رویدادهای مربوط به «پیمان صلح ورسای»، «تشکیل جامعهٔ ملل» و «قرارداد ۱۹۱۹»، چه تعداد از سؤالات زیر را می‌توان با «بله» پاسخ داد؟

الف) آیا در پیمان صلح ورسای، دولت‌های شکست‌خورده نیز در کنار دولت‌های پیروز جنگ حضور داشتند؟

ب) آیا قرارداد ۱۹۱۹ پیش از بر سر کار آمدن دولت بلشویکی روسیه، بین ایران و انگلستان منعقد شد؟

ج) آیا طرح جامعهٔ ملل در تشکلی با عضویت پنجاه کشور در ژنو سوئیس تأسیس شد؟

د) آیا انگلیسی‌ها قرارداد ۱۹۱۹ را برای تحکیم نفوذ خود در ایران با دولت وثوق‌الدوله منعقد کردند؟

ه) آیا براساس پیمان صلح ورسای، مستعمرات آلمان میان متحدین تقسیم شد و آلمانی‌ها ملزم به پرداخت غرامت جنگ شدند؟

و) آیا به موجب قرارداد ۱۹۱۹ هم ادارهٔ امور دارایی و هم ایجاد ارتش در ایران به انگلیسی‌ها واگذار شد؟

۱) سه مورد
۲) چهار مورد
۳) پنج مورد
۴) دو مورد

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۶

Hint در جنگ جهانی اول، متفقین یا اتفاق سه‌گانه، کشورهای انگلستان، روسیه و فرانسه و متحدین یا اتحاد سه‌گانه کشورهای آلمان، اتریش و ایتالیا بودند.

پاسخ خیلی تشریحی بررسی عبارت‌ها:

الف) پس از خاتمهٔ جنگ، نمایندگانی از کشورهای مختلف از جمله **دولت‌های پیروز و شکست‌خورده** در جنگ، با هدف عقد قرارداد صلح در کاخ ورسای پاریس گرد هم آمدند. (بله)

ب) به دنبال پیروزی انقلاب روسیه (**۱۹۱۷**) دولت بلشویکی این کشور نیروهایش را از ایران فراخواند. انگلیسی‌ها قرارداد **۱۹۱۹** را پیشنهاد دادند؛ پس این قرارداد پس از بر سر کار آمدن دولت بلشویکی در روسیه بوده است. (خیر)

ج) پس از جنگ جهانی اول، با طراحی فاتحان جنگ، تشکلی با عضویت **چهل** کشور در ژنو سوئیس تأسیس شد. (خیر)

د) انگلیسی‌ها هنگامی که روس‌ها سرگرم جنگ داخلی بودند فرصت را برای تحکیم نفوذ و سلطهٔ پایدار خود و تأمین منافع درازمدتشان در ایران مغتنم شمردند و قرارداد ۱۹۱۹ را با دولت وثوق‌الدوله منعقد کردند. (بله)

ه) براساس پیمان صلح ورسای، مستعمرات آلمان میان **متفقین** تقسیم شد و بخش‌هایی از خاک آلمان به فرانسه و لهستان واگذار شد. به علاوه آلمانی‌ها ملزم به پرداخت غرامت به دولت‌های متفق و محدود نگه‌داشتن توان نظامی خود شدند. (خیر)

و) به موجب قرارداد ۱۹۱۹، ادارهٔ امور دارایی و برخی دیگر از ادارات و وزارتخانه‌های ایران در اختیار انگلستان قرار می‌گرفت؛ هم‌چنین مسئولیت تجدید سازمان و ایجاد ارتش یکپارچهٔ ایران و ... به افسران انگلیسی داده می‌شد. (بله)

۱۱۳ با توجه به حوادث پیش از جنگ جهانی اول، اگر آلمان خواهان دستیابی به مقام یک قدرت جهانی نبود، وقوع کدام‌یک از حالات زیر ممکن بود؟

الف) بالکان از امپراتوری عثمانی جدا می‌شد و اتریش ادارهٔ بوسنی و هرزگوین را به دست می‌گرفت.

ب) امپراتوری آلمان تشکیل نمی‌شد و به تبع آن، این کشور با دانمارک، اتریش ـ مجارستان و فرانسه وارد جنگ نمی‌شد.

ج) سطح تنش آلمان با همسایگان اروپایی‌اش افزایش نمی‌یافت و در نتیجه کشمکش‌های مرزی بین آن‌ها ایجاد نمی‌شد.

د) دوران صلح مسلح در اروپا حاکم می‌شد و کشورهای اروپایی با یکدیگر پیمان‌های اتحاد سیاسی و نظامی منعقد می‌کردند.

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «الف» ـ «ج»
۳) «ب» ـ «د»
۴) «ج» ـ «د»

مشاوره این سؤال مشابه تست ۱۰۴ کنکور تیرماه ۱۴۰۳ داخل کشور طراحی شده. به این صورت که باید با تحلیل شرایط و رویدادهای مربوط به موضوع سؤال، وقوع حالاتی را مشروط به شرایط ذکرشده در سؤال در ذهنتون متصور بشید.

زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۶

درس Box

راهکارهای آلمان برای رسیدن به قدرت یک جهانی

- توسعهٔ مناطق تحت نفوذ بین آلمان و همسایگان اروپایی‌اش ← منجر به افزایش سطح تنش
  - دشمنی با فرانسه بر سر ایالت‌های مرزی
  - کشمکش با روسیه بر سر شبه‌جزیرهٔ بالکان
- گسترش مستعمرات ← منجر به رقابت و درگیری با دیگر استعمارگران به‌ویژه انگلستان

پاسخ خیلی تشریحی

در پاسخ به این تست، مراقب حوادثی که مرتبط با شرط صورت سؤال نیستند، باشید!

الف) از قرن هجدهم، هم‌زمان با کاهش قدرت امپراتوری عثمانی، به علت دخالت کشورهای اروپایی، به تدریج بالکان از امپراتوری عثمانی جدا شد و اتریش ادارهٔ بوسنی و هرزگوین را به دست گرفت؛ پس این مورد ربطی به قدرت‌طلبی آلمان ندارد و پیش از آن اتفاق افتاده بود. (درست)

ب) امپراتوری آلمان در سال ۱۸۷۱ م تأسیس شد و برای تأسیس این امپراتوری، پروس با کشورهای دانمارک، اتریش ـ مجارستان و فرانسه جنگید؛ پس این مورد مربوط به قبل از قدرت‌طلبی آلمان و تبدیل‌شدن به قدرت یک جهانی رخ داده است. (نادرست)

ج) در پی اجرای سیاست «توسعهٔ مناطق تحت نفوذ در اروپا» برای تبدیل‌شدن به قدرت یک جهانی منجر به بالارفتن سطح تنش بین آلمان و همسایگان اروپایی‌اش شد. پس اگر آلمان این هدف را در سر نداشت، این اتفاق رخ نمی‌داد. (درست)

د) نتیجهٔ سیاست‌های آلمان برای دستیابی قدرت یک جهانی باعث شد این دوره در اروپا به دوران صلح مسلح معروف شود؛ یعنی دوره‌ای که کشورهای اروپایی بی‌آن‌که درگیر جنگ باشند، از ترس جنگ به ساختن و انبارکردن سلاح روی بیاورند و هم‌چنین از طریق بستن پیمان اتحاد سیاسی و نظامی، متحدان خود را افزایش دهند؛ پس این مورد در صورت در سر داشتن این هدف به وقوع می‌پیوست، نه در صورت در سر نداشتن آن. (نادرست)

۱۱۴ **با بررسی موارد زیر در خصوص «مسئلهٔ مهاجرت از روستاها به شهرها» کدام مورد درست است؟**

الف) استفاده از ماشین‌آلات در کشاورزی، فعالیت‌های خدماتی و صنعتی به جای انسان

ب) تأمین مواد اولیه، نیروی کار ساده و خدمات فراغتی مورد نیاز شهرها توسط روستاییان

ج) نفوذ شهرها و شهرگرایی در روستاها پس از دورهٔ صنعتی و ورود کشورها به عصر مدرنیزاسیون

د) تغییر عملکرد برخی از روستاها و تبدیل نقش آن‌ها به گردشگری، صنعتی و صیادی

۱) با مهاجرت از روستاها به شهرها، مراکز شهری در تأمین منابع اشاره‌شده در مورد «ب» به چالش می‌خورند.

۲) از آن‌جا که مورد «د» پیامد رویداد «الف» است، پس هر دو رویداد منجر به کاهش مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود.

۳) مورد «ج» و «د» به ترتیب با «کاهش تفاوت میان شهرها و روستاها» و «کاهش ارتباط میان روستا و شهرها»، منجر به کاهش مهاجرت از روستاها به شهرها خواهند شد.

۴) به صورت کلی می‌توان مورد «الف» را عامل افزایش و مورد «د» را عامل کاهش مهاجرت از روستاها به شهرها دانست.

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم - درس ۱

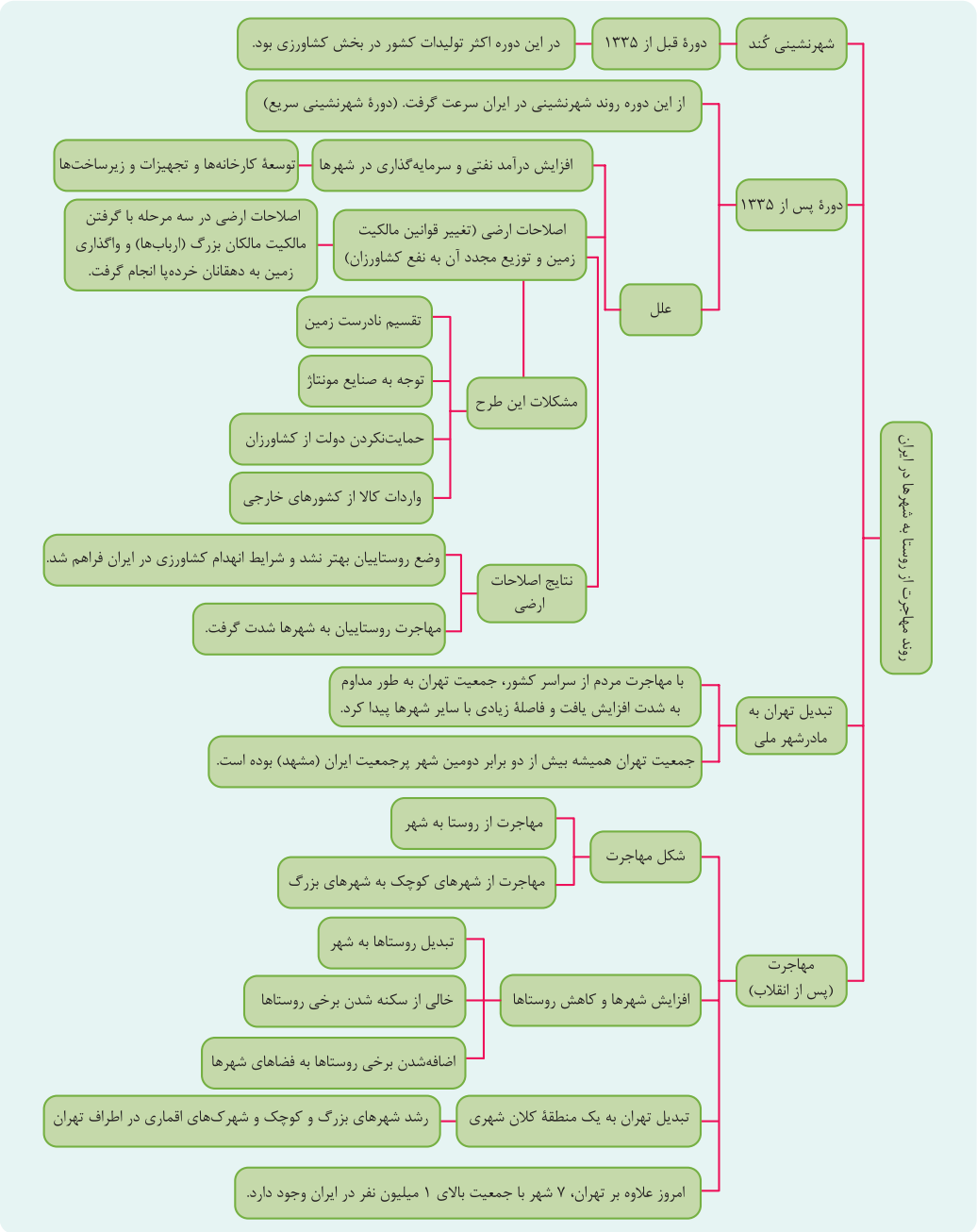

پاسخ خیلی تشریحی

استفاده از ماشین‌آلات در کشاورزی (و فعالیت‌های خدماتی و صنعتی) به جای انسان (مورد «الف»)، باعث کاهش فرصت‌های شغلی در روستا و افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها خواهد شد.

با تغییر نقش روستاها و رونق صنعت، گردشگری، صیادی و موارد این‌چنینی در روستاها (مورد «د»)، با افزایش فرصت‌های شغلی و درآمد روستاییان، می‌تواند باعث کاهش مهاجرت از روستاها به شهرها شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): مهاجرت از روستاها به شهرها، با افزایش نیروی کار (ساده) در شهرها، همراه است (در نتیجه شهرها در تأمین نیروی کار ساده به مشکل نمی‌خورند.)

گزینهٔ (۲): استفاده از ماشین‌آلات در کشاورزی، فعالیت‌های خدماتی و صنعتی به جای انسان در روستاها، باعث کاهش فرصت‌های شغلی خواهد شد و در نتیجه منجر به مهاجرت روستاییان به شهرها می‌شود؛ اما تغییر نقش و عملکرد روستاها و نقش صیادی، گردشگری و صنعتی گرفتن روستاها چون موجب فراهم‌شدن امکانات و تجهیزاتی چون آب و برق و راه‌سازی و ... می‌شود، منجر به کاهش مهاجرت از روستا به شهر نمی‌شود.

گزینهٔ (۳): وقوع پدیدهٔ شهرگرایی در روستاها، می‌تواند با افزایش برخی خدمات و امکانات، باعث کاهش تفاوت میان روستاها و شهرها و کاهش مهاجرت شود، اما تغییر نقش روستاها، لزوماً باعث کاهش وابستگی و ارتباط روستاها و شهرها نخواهد شد. (به طور مثال با تغییر نقش یک روستا به گردشگری، این روستا به ورود گردشگران شهری نیاز بیشتری پیدا خواهد کرد. با نقش صنعتی گرفتن یک روستا، این روستا به شهرها و جمعیت شهری برای فروش محصولات خود وابسته خواهد شد.)

۱۱۵ **با توجه به موارد زیر، کدام گزینه به عبارت درستی اشاره دارد؟**

الف) در اغلب این سکونتگاه‌ها، بیشتر مردم در بخش‌های صنعتی و خدماتی مشغول‌اند.

ب) در این سکونتگاه‌ها دسترسی به خدمات و تسهیلات بسیار کم و محدود است.

ج) در این سکونتگاه، دسترسی به چشم‌اندازهای طبیعی به مراتب کم‌تر است.

۱) در «الف» همچون «ج»، نوگرایی بیشتر است و برخلاف «ب»، فعالیت‌های متنوع در فضاهایی بازتر پراکنده شده‌اند.

۲) در «الف» همچون «ج»، کالاهای کارخانه‌ای و نیروی ماهر و متخصص بیشتری وجود دارد و برخلاف «ب»، محل انباشت سرمایه است.

۳) در «ب» همچون «ج»، میزان جمعیت پایین‌تر و عملکرد به شکل محدودتری است و برخلاف «الف»، محل انباشت سرمایه و تولید کالاهای کارخانه‌ای است.

۴) در «ب» همچون «ج»، خدمات فراغتی و صنایع دستی وجود دارد که حاصل مبادلهٔ نابرابر با «الف» است.

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۱

درس Box

تفاوت‌های شهر و روستا

- فعالیت اقتصادی
  - مهم‌ترین ملاک تفاوت شهر و روستاست.
  - در روستاها، درصد بیشتری از جمعیت در بخش کشاورزی فعال‌اند.
  - در شهرها، بیشتر مردم در بخش‌های صنعتی و خدماتی مشغول به کارند.
- میزان جمعیت
  - متداول‌ترین ملاک تشخیص شهر و روستاست.
  - ملاک جمعیت برای اطلاق سکونتگاهی به نام روستا یا شهر متفاوت است.
  - شهرها پرجمعیت‌تر از روستاها هستند و تراکم جمعیت در آن‌ها بیشتر است.
- وسعت و فضای سکونت و فعالیت
  - در روستاها، فضاهای باز و چشم‌اندازهای طبیعی بیشتر و گسترده‌ترند.
  - در شهرها، خانه‌ها و مغازه‌ها و فضاهای صنعتی به هم فشرده‌اند.
- دسترسی به خدمات و تسهیلات
  - در شهرها، امکانات آموزشی، درمانی و پزشکی، مراکز خرید، حمل‌ونقل عمومی و... متنوع‌تر و گسترده‌تر است.
  - در روستاها، خدمات و تسهیلات کم‌تر و محدودتر است.
- فرهنگ و مناسبات اجتماعی
  - در روستاها، بیشتر افراد یکدیگر را می‌شناسند و روابط خویشاوندی، وابستگی اجتماعی و همکاری بیشتر است.
  - در شهرها، نوگرایی بیشتر و تغییرات اجتماعی سریع‌تر است.

پاسخ خیلی تشریحی

ابتدا نوع سکونتگاه را در هر عبارت مشخص می‌کنیم:

الف) سکونتگاه شهری ب) سکونتگاه روستایی ج) سکونتگاه شهری

مبادلهٔ نابرابر بین روستا و شهر سبب می‌شود که شهرها محل انباشت سرمایه، تولید کالاهای کارخانه‌ای و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی باشد. در شهرها برخلاف روستاها، نیروی ماهر و متخصص بیشتری نیز وجود دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): در «الف» و «ج»، چون سکونتگاه شهری هستند، فعالیت‌های متنوع در فضاهای محدودتری متراکم شده‌اند.

گزینهٔ (۳): مورد «ب» اشاره به سکونتگاهی روستایی دارد، اما «ج» یک سکونتگاه شهری است. پس این دو مورد نمی‌توانند همانند یکدیگر باشند. در «ج» برخلاف «ب»، میزان جمعیت و عملکرد بالا است و «الف» و «ج»، که اشاره به سکونتگاه شهری دارند، محل انباشت سرمایه و تولیدهای کارخانه‌ای هستند.

گزینهٔ (۴): «الف» و «ج» هر دو به سکونتگاه شهری اشاره دارند، در صورتی که مبادلهٔ نابرابر بین شهر و روستا وجود دارد و از پیامدهای آن این است که شهر محل انباشت سرمایه و تولیدکنندهٔ کالاهای کارخانه‌ای شود.

۱۱۶ با توجه به عبارت زیر، موارد «الف» تا «د» به ترتیب با کدام گزینه مطابقت دارد؟

«شهر بزرگی همانند تهران، که دارای جمعیت زیاد و عملکرد متنوع است، (الف) می‌تواند به سکونتگاه‌های مختلف در سراسر کشور خدمات (ب) بی‌شماری عرضه کند و حتی وجود مسافت بسیار بین سکونتگاه‌های مختلف با پایتخت، (ج) مانعی برای رفت‌وآمد جمعیت زیادی از ساکنین سایر استان‌ها (د) به این شهر محسوب نمی‌شود.»

۱) حوزهٔ نفوذ ـ سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها ـ آستانهٔ نفوذ ـ دامنهٔ نفوذ

۲) سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها ـ حوزهٔ نفوذ ـ آستانهٔ نفوذ ـ دامنهٔ نفوذ

۳) حوزهٔ نفوذ ـ سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها ـ دامنهٔ نفوذ ـ آستانهٔ نفوذ

۴) سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها ـ حوزهٔ نفوذ ـ دامنهٔ نفوذ ـ آستانهٔ نفوذ

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۱

درس Box

سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها: یعنی رتبه‌بندی آن‌ها برحسب اهمیت. برای این منظور، سکونتگاه‌ها را براساس میزان جمعیت و عملکرد (خدماتی که ارائه می‌کنند) طبقه‌بندی می‌کنند.

حوزهٔ نفوذ سکونتگاه: به محدودهٔ جغرافیایی که از یک سکونتگاه، کالا و انواع خدمات دریافت می‌کنند و بین آن محدوده و سکونتگاه، جریان کالا، خدمات و رفت‌وآمد وجود دارد، حوزهٔ نفوذ آن سکونتگاه می‌گویند.

آستانهٔ جمعیتی نفوذ سکونتگاه: حداقل جمعیت یک منطقه که تقاضای کالا، خدمات یا عملکردی از یک سکونتگاه دارند.

دامنهٔ نفوذ سکونتگاه: بیشترین مسافتی که مردم منطقه برای دریافت کالا یا خدمات از آن سکونتگاه طی می‌کنند.

پاسخ خیلی تشریحی اشاره به جمعیت زیاد و عملکرد بالا مربوط به اهمیت سکونتگاه‌ها و سلسله‌مراتب آن‌ها است (الف). ارائهٔ خدمات به سراسر کشور مرتبط با حوزهٔ نفوذ هر سکونتگاه است (ب). طی‌کردن مسافت برای دریافت کالا یا خدمات مربوط به دامنهٔ نفوذ سکونتگاه است. (ج) و در آخر، رفت‌وآمد شهروندان و ساکنین شهرها و استان‌های دیگر از شهر خود به شهری دیگر به آستانهٔ نفوذ اشاره دارد (د).

۱۱۷ **با توجه به موارد زیر، کدام گزینه درست است؟**

الف) صنعتی‌شدن و توسعهٔ کارخانه‌ها و یا رشد بخش خدمات

ب) کلان‌شهرهای هنگ‌کنگ و مانیل

ج) افزایش جمعیت شهرهای یک کشور

د) مهاجرت روستاییان به شهرها به منظور دستمزد بیشتر

۱) «الف» و «د» باعث گسترش «ج» شده‌اند و «ب»، حاصل «ج» است.

۲) «الف» و «ج» باعث گسترش «د» شده‌اند و «ب»، حاصل «ج» است.

۳) «الف» حاصل «ج» است و «د» باعث گسترش «ب» شده است.

۴) «ب» حاصل «الف» است و «ج» باعث گسترش «د» شده است.

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی

گزینهٔ (۲): مورد «الف» از جمله دلایل گسترش شهرنشینی است و «الف» و «د» هستند که در واقع به «ج» ختم می‌شوند. «ب» نیز حاصل مورد «ج» است که در واقع افزایش جمعیت شهرها باعث به وجود آمدن شهرهایی مانند هنگ‌کنگ و مانیل می‌شود.

گزینهٔ (۳): افزایش جمعیت شهرها باعث صنعتی‌شدن و توسعهٔ کارخانه‌ها و یا رشد بخش خدمات **نمی‌شود** (برعکس این اتفاق مصداق دارد) و مهاجرت روستاییان به شهرها یکی از عوامل افزایش جمعیت شهرهاست. افزایش طبیعی جمعیت شهرها یعنی رشد موالید نیز عامل دیگری در رشد جمعیت شهری و به وجود آمدن کلان‌شهرهاست.

گزینهٔ (۴): به وجود آمدن شهرهایی مانند هنگ‌کنگ و مانیل، به طور غیرمستقیم نتیجهٔ صنعتی‌شدن و توسعهٔ کارخانه‌ها و یا رشد بخش خدمات است و افزایش جمعیت شهرهای یک کشور دلیل مهاجرت روستاییان به شهرها به منظور دستمزد بیشتر **نیست**.

۱۱۸ **با توجه به مشخصات شهرهای میلیونی و انواع آن، کدام مورد به درستی تدوین شده است؟**

۱) مگاسیتی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر یک ناحیه، استان یا کشور است و با افزایش جمعیت آن، به تدریج منطقهٔ مادرشهری یا مگالاپلیس به وجود می‌آید.

۲) مگاسیتی‌ها همان مادرشهرهایی هستند که در ایران و سراسر جهان، به جمعیت بالای ۱۰ میلیون اطلاق می‌شود و با افزایش جمعیت آن‌ها منطقهٔ مادرشهری به وجود می‌آید.

۳) با افزایش جمعیت مادرشهرها و گسترش حومهٔ آن‌ها به تدریج منطقهٔ مادرشهری به وجود می‌آید که در امتداد راه‌های ارتباطی، شکل کریدوری، خطی، خوشه‌ای و کهکشانی پیدا کرده‌اند.

۴) در نتیجهٔ گسترش فوق‌العادهٔ دو یا چند مگاسیتی در امتداد مسیرهای ارتباطی و حمل‌ونقل، زنجیره‌ای از مادرشهرها به وجود می‌آید که به آن‌ها مگالاپلیس می‌گویند.

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۱

درس Box

مادرشهر: بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر یک ناحیه، استان یا کشور است.

کلان‌شهر: نام دیگر مادرشهر در برخی کشورها و معادل واژهٔ مگاسیتی است و به شهرهایی با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت اطلاق می‌شود.

جهان‌شهر: شهرهایی با بیش از ده میلیون نفر جمعیت که نقش مهمی در اقتصاد و تجارت جهانی دارند.

منطقهٔ ابرشهری یا مگالاپلیس: زنجیره‌ای از مادرشهرها یا کلان‌شهرها که در امتداد مسیرهای ارتباطی و حمل‌ونقل به وجود آمده‌اند.

پاسخ خیلی تشریحی

گزینهٔ (۱): منطقهٔ مادرشهری با مگالاپلیس مفهوم یکسانی ندارند. منطقهٔ مادرشهری با افزایش جمعیت مادرشهرها و گسترش حومه‌های آن‌ها به وجود می‌آید.

گزینهٔ (۲): در ایران طبق مصوبهٔ شورای عالی معماری و شهرسازی، به مادرشهرهایی که بیش از ۱ میلیون نفر جمعیت داشته باشند، مادرشهر گفته می‌شود؛ مانند تهران، مشهد، اصفهان، کرج، قم و ... .

گزینهٔ (۳): این مگالاپلیس‌ها هستند که معمولاً در امتداد راه‌های ارتباطی، شکل خطی و کریدوری، خوشه‌ای و کهکشانی پیدا کرده‌اند و نه مناطق مادرشهری.

گول نخوری

یه وقت تو دام تعریف مگالاپلیس و منطقهٔ مادرشهری نیفتی! توی هر دو مورد، مادرشهرها گسترش پیدا می‌کنن، اما اگه جمعیت مادرشهرها و حومه‌های اون‌ها گسترش پیدا کنه، منطقهٔ مادرشهری به وجود می‌آد، ولی اگه مادرشهرها به صورت زنجیره‌ای در امتداد مسیرهای ارتباطی گسترش پیدا کنن، مگالاپلیس یا منطقهٔ ابرشهری به وجود می‌آد.

۱۱۹ با توجه به شکل‌های زیر، کدام مورد عبارت زیر را به درستی تکمیل می‌کند؟

«مدیران و برنامه‌ریزان شهری تلاش می‌کنند با دستیابی به مورد «ب»، ..... .»

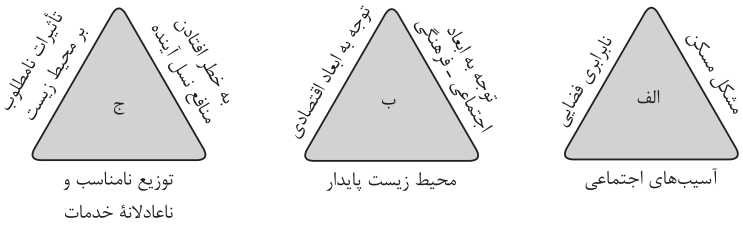

۱) مانع از وقوع مورد «ج» شده و از تبدیل شهرها به مکان‌های مهاجرپذیر جلوگیری کنند

۲) مانع از شکل‌گیری مورد «ج» شده و از تبدیل روستاها به مکان‌های مهاجرپذیر جلوگیری کنند

۳) از شکل‌گیری وضعیت «الف» جلوگیری کرده و از تبدیل روستاها به مکان‌های مهاجرفرست جلوگیری کنند

۴) از شکل‌گیری وضعیت «الف» جلوگیری کرده و از تبدیل شهرها به مکان‌های مهاجرفرست جلوگیری کنند

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم - درس ۲

درس Box

شهر پایدار شهری است که در آن:

۱) نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساکنان به طور مناسب و عادلانه برطرف می‌شود.

۲) منافع نسل‌های آینده به خطر نمی‌افتد.

۳) شهر و فعالیت‌های شهری کم‌ترین تأثیر نامطلوب را بر محیط زیست دارد.

پاسخ خیلی تشریحی

ابتدا مشخص می‌کنیم که هر مثلث به کدام پدیده اشاره دارد:

الف) معضلات شهری ب) شهر پایدار ج) پیامدهای تحقق‌نیافتن شهر پایدار

مدیران و برنامه‌ریزان شهری تلاش می‌کنند با دستیابی به شهر پایدار (مورد «ب»)، از شکل‌گیری و افزایش میزان معضلات شهری (مورد «الف»)، جلوگیری کنند. این اتفاق می‌تواند باعث کاهش میزان مهاجرت از یک شهر به سایر مناطق شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های (۱) و (۳): با تحقق شهر پایدار یعنی «ب»، از وقوع پیامدهای ذکرشده در مورد «ج» و «الف» جلوگیری می‌شود، اما تحقق شهر پایدار در یک منطقهٔ شهری (وقوع پدیدهٔ «ب») نمی‌تواند مانعی برای ورود افراد از سایر مناطق (مانند روستاها) به شهر باشد، بلکه تحقق شهر پایدار باعث مساعدترشدن شرایط زندگی در آن شهر خواهد شد و تمایل افراد به مهاجرت و اقامت در آن شهر را افزایش خواهد داد.

گزینهٔ (۲): دستیابی به مورد «ب» یعنی تحقق شهر پایدار منجر به ماندن مردم در شهرها می‌شود و لزومی به مهاجرت معکوس یعنی مهاجرت از شهر به روستا وجود نخواهد داشت.

۱۲۰ **کدام مورد مطابق با عبارت زیر تنظیم و تدوین شده است؟**

«باید به بالابردن کیفیت زندگی در شهر و روستا به طور هماهنگ توجه شود و در صورت بی‌توجهی به مناطق روستایی و خالی‌شدن این مناطق، مشکلات در مناطق شهری نیز افزایش می‌یابد.»

۱) می‌توان با تشکیل تعاونی‌های تولیدی و اصلاحات ارضی، تجهیزات و خدمات را در روستاها گسترش داد و از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری کرد.

۲) امروزه می‌توان با توسعهٔ کشاورزی که مهم‌ترین عامل توسعهٔ روستایی محسوب می‌شود فقر روستایی را کاهش داد.

۳) می‌توان با طراحی برنامهٔ توسعهٔ روستایی با هدف بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی روستانشینان سه رکن روستای پایدار را فعال کرد.

۴) می‌توان با گسترش انقلاب سبز و ماشینی‌کردن کشاورزی، علاوه بر توسعهٔ اقتصادی، بهره‌مندی از خدمات و میزان اشتغال را افزایش داد.

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۲

درس Box

- بی‌توجهی به توازن (و هماهنگی) در افزایش کیفیت زندگی در شهر و روستا چه نتایجی در پی دارد؟

۱) خالی از سکنه‌شدن مناطق روستایی ۲) افزایش مشکلات شهری

- مهم‌ترین مشکلات روستاها:

۱) مشکلات اقتصادی

۲) کمبود تجهیزات و خدمات

- مهم‌ترین اقدامات برای حل مشکلات اقتصادی در روستاها:

۱) اصلاحات ارضی (تقسیم زمین و انتقال مالکیت آن)

۲) تشکیل تعاونی‌های تولیدی روستایی

۳) گسترش انقلاب سبز و استفاده از ماشین‌آلات و فناوری در کشاورزی

۴) توسعهٔ صنایع کوچک روستایی

۵) توسعهٔ خدمات گردشگری و فراغتی

- خدمات‌رسانی به برخی روستاها به چه علت‌هایی دشوار است؟

۱) پراکندگی و دورافتادگی و ۲) شرایط سخت طبیعی

پاسخ خیلی تشریحی باید به بالابردن کیفیت زندگی در شهر و روستا به طور هماهنگ توجه شود. کم‌توجهی و بی‌توجهی به مناطق روستایی (و توسعهٔ آن‌ها) باعث خالی‌شدن این مناطق (و مهاجرت روستاییان به شهرها) شده و مشکلات مناطق شهری را هم افزایش خواهد داد. بنابراین همان‌طور که برای تحقق شهر پایدار فعال‌کردن سه رکن آن ضروری است، برای تحقق روستای پایدار نیز باید اقتصاد روستا را فعال کرد، خدمات اجتماعی و فرهنگی را فراهم کرد و محیط زیست روستا و چشم‌اندازهای طبیعی آن را حفظ کرد و تحقق روستای پایدار با طراحی برنامهٔ توسعهٔ روستایی امکان‌پذیر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): تشکیل تعاونی‌ها و اصلاحات ارضی منجر به توسعهٔ اقتصادی روستاها خواهند شد و نه گسترش تجهیزات و خدمات در آن‌ها.

گزینهٔ (۲): در گذشته، توسعهٔ کشاورزی عامل توسعهٔ روستایی محسوب می‌شد، اما امروزه توسعهٔ روستایی صرفاً به توسعهٔ کشاورزی محدود نمی‌شود و به همهٔ جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و محیط زیستی به طور هماهنگ اهمیت داده می‌شود.

گزینهٔ (۴): ماشینی‌کردن کشاورزی در بعضی از مناطق باعث **گسترش بیکاری** (کاهش میزان اشتغال) شده است.

۱۲۱ **با توجه به برنامهٔ آمایش سرزمین و ویژگی‌های آن، کدام گزینه به مورد درستی اشاره می‌کند؟**

۱) با توجه به ویژگی «توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های همهٔ مناطق»، کشاورزی و تجارت در مناطق مختلف کشور باید به صورت یکسان و مساوی توسعه یابد.

۲) براساس ویژگی «توجه به نیازهای حال و آینده»، باید از مهاجرت بی‌رویه از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ جلوگیری شود.

۳) با توجه به ویژگی «عدالت در توسعه»، باید ظرفیت‌ها و تأثیر هر منطقه در پیشرفت عمومی کشور شناسایی شود.

۴) براساس ویژگی «توجه به آمایش دفاعی»، باید جنبه‌های دفاع از انواع فعالیت‌ها و تجهیزات، منابع و سرمایه‌های سرزمین در برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته شود.

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم - درس ۲

درس Box

آمایش سرزمین چیست؟

۱) سامان‌دادن و نظم‌بخشیدن به فضاهای جغرافیایی

۲) توزیع متوازن، متعادل و منطقی جمعیت، فعالیت‌ها و تجهیزات و امکانات در سطح سرزمین آمایش سرزمین ← تنظیم رابطهٔ انسان، فضای جغرافیایی و فعالیت است.

ویژگی‌های برنامهٔ آمایش سرزمین چیست؟

۱) توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های همهٔ مناطق و استان‌های کشور (ظرفیت‌ها و تأثیر هر منطقه در پیشرفت و توسعهٔ عمومی کشور شناسایی می‌شود و متناسب با آن، برنامه‌ریزی انجام می‌شود.)

- مثال: در کدام مناطق کشور باید بخش کشاورزی توسعه یابد یا کدام مناطق برای گسترش بازارها و مراکز تجاری مناسب‌اند.

۲) توجه به همهٔ ابعاد توسعه (باید به همهٔ جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دفاعی و محیطی کشور به طور هماهنگ توجه شود.)

۳) توجه به عدالت در توسعه

- بین مناطق کشور از نظر دسترسی به منابع و امکانات تعادل برقرار شود.
- برای تحقق عدالت اجتماعی باید از چه چیزی جلوگیری شود؟ توسعهٔ نامساوی و تمرکز ثروت و سرمایه در برخی مناطق

۴) توزیع متوازن جمعیت

- جلوگیری از تمرکز و انبوهی جمعیت در یک یا چند مادرشهر
- پیشگیری از مهاجرت بی‌رویه از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ

۵) توجه به نیازهای حال و آینده

- در نظر گرفتن نیازهای جمعیتی حال و آیندهٔ مناطق مختلف کشور در برنامه‌ریزی‌ها

۶) توجه به حفظ محیط زیست

- توجه و تأکید بر بهره‌مندی منطقی و خردمندانه از منابع و حفاظت از محیط زیست

۷) توجه به آمایش دفاعی

- استقرار و ساماندهی فعالیت‌ها، تأسیسات و تجهیزات به گونه‌ای که در زمان حملهٔ دشمن، از آسیب و خسارت دور بماند.
- در نظر گرفتن جنبه‌های دفاع از منابع و سرمایه‌های سرزمین در مقابل دشمنان در برنامه‌ریزی‌ها

پاسخ خیلی تشریحی ✔ براساس ویژگی «توجه به آمایش دفاعی»، انواع فعالیت‌ها و تأسیسات و تجهیزات باید به‌گونه‌ای استقرار و ساماندهی یابند که در زمان حمله‌های احتمالی دشمن، از آسیب و خسارت دور بمانند. در برنامهٔ آمایش سرزمین، جنبه‌های دفاع از منابع و سرمایه‌های سرزمین در مقابل دشمنان در برنامه‌ریزی به خوبی در نظر گرفته می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست: براساس ویژگی «توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های همهٔ مناطق و استان‌های کشور»، باید مشخص شود در کدام مناطق کشور باید بخش کشاورزی توسعه یابد و کدام مناطق برای گسترش بازارها و مراکز تجاری مناسب‌اند؛ پس توسعهٔ یکسان و مساوی کشاورزی و تجارت در مناطق مختلف کشور نقض این ویژگی است.

گزینهٔ (۲): نادرست: این مورد به ویژگی «توزیع متوازن جمعیت» مربوط است.

گزینهٔ (۳): نادرست: این مورد به ویژگی «توجه به ظرفیت‌ها و ...» مربوط می‌شود.

۱۲۲ **در خصوص «سامانهٔ اطلاعات جغرافیایی» و مراحل کار آن، پاسخ درست پرسش‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟**

- **علامت اختصاری این سامانه چیست؟**
- **مدل‌سازی مربوط به کدام مرحله از فرایند کار در سامانه است؟**
- **در مرحلهٔ ورودی قبل از کدبندی چه اقدامی انجام می‌شود؟**
- **در کدام مرحله، اطلاعات به صورت گزارش و نقشه نمایش داده می‌شود؟**

۱) GIS ـ پردازش ـ اطلاعات به صورت رقومی به محیط نرم‌افزار وارد می‌شود ـ خروجی

۲) GIS ـ خروجی ـ داده‌ها و اطلاعات از محیط جمع‌آوری می‌شوند ـ پردازش

۳) GMT ـ پردازش ـ داده‌ها و اطلاعات از محیط جمع‌آوری می‌شوند ـ خروجی

۴) GMT ـ خروجی ـ اطلاعات به صورت رقومی به محیط نرم‌افزار وارد می‌شود ـ پردازش

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ فنون و مهارت‌های جغرافیایی ۱

درس Box

مراحل کار در سامانهٔ اطلاعات جغرافیایی به صورت زیر است:

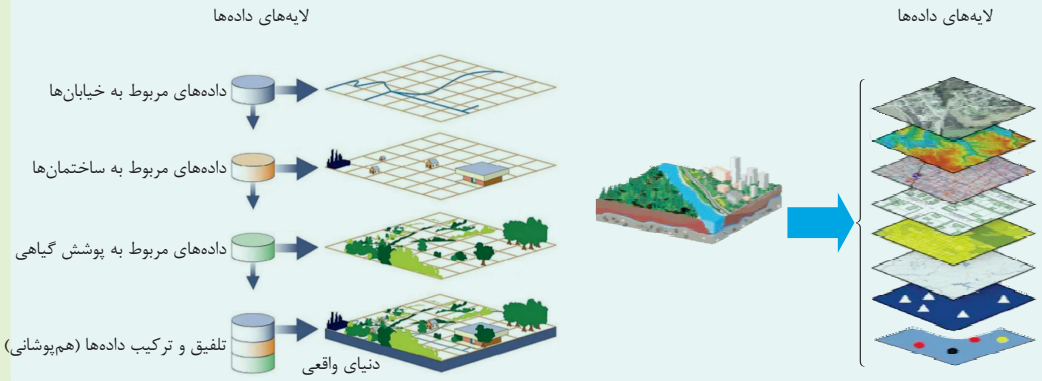

پاسخ خیلی تشریحی

- GIS علامت اختصاری این سامانه است.
- مدل‌سازی در مرحلهٔ پردازش انجام می‌شود.
- قبل از کدبندی، ابتدا باید داده‌ها جمع‌آوری شود و سپس به صورت رقومی به محیط نرم‌افزار وارد شود.
- در مرحلهٔ خروجی، اطلاعات به صورت گزارش، نقشه، شکل و... نمایش داده می‌شود.

نکته سامانهٔ اطلاعات جغرافیایی (GIS) عبارت است از مجموعه‌ای از سخت‌افزارها (رایانه، موس، چاپگر و...) و نرم‌افزارهای رایانه‌ای که امکان جمع‌آوری، ذخیره، پردازش و تجزیه و تحلیل اطلاعات و نمایش اشکال مختلف داده‌ها و اطلاعات جغرافیایی را فراهم می‌آورد.

۱۲۳ کدام موارد با ویژگی‌های کشتی‌های «کانتینربر» و «رو ـ رو» مطابقت دارد؟

الف) از نظر اندازه استانداردهای مشخصی دارند و سرعت جابه‌جایی و تخلیهٔ کالاها را به ترتیب افزایش و کاهش می‌دهند. (کانتینربر)

ب) دومین تحول در حمل‌ونقل به شمار می‌روند و از کاربردهای مهم آن‌ها حمل خودروهای صادراتی است. (رو ـ رو)

ج) این کشتی‌ها از دههٔ ۱۹۷۰ میلادی به حمل‌ونقل دریایی اضافه شدند و وسایل نقلیهٔ چرخ‌دار با بار را جابه‌جا می‌کنند. (رو ـ رو)

د) قرارگرفتن کالاها در محفظه‌های خاص و وجود برچسب‌هایی با مشخصات کالاها در این کشتی‌ها مدیریت و انبارداری محموله‌ها را آسان‌تر کرده است. (کانتینربر)

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «الف» ـ «ج»
۳) «ب» ـ «د»
۴) «ج» ـ «د»

مشاوره فرم این سؤال در کنکور اردیبهشت ۱۴۰۳ درس تاریخ اومده بود و چون همیشه ممکنه از ظاهر یک تست در کنکورهای بعدی توی سایر درس‌ها سؤال بیاد، این تست رو توی درس جغرافیا براتون آوردیم که به آمادگی بیشترتون کمک کنه. یادتون باشه هم درستی عبارت رو چک کنید و هم تطابق متن با واژهٔ داخل پرانتز رو.

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۳

Hint دومین تحول مهم در حمل‌ونقل دریایی تولید و گسترش کشتی‌های کانتینربر بود.

پاسخ خیلی تشریحی در کشتی‌های رو ـ رو (RO ـ RO) تعداد زیادی وسیلهٔ نقلیهٔ چرخ‌دار می‌توانند با بار به درون آن بروند و در مقصد خارج شوند (درستی عبارت «ج»). این امر هزینهٔ تخلیه و بارگیری را کاهش می‌دهد؛ یکی از کاربردهای مهم این کشتی‌ها که اولین تحول مهم در حمل‌ونقل دریایی هستند (نادرستی عبارت «ب»)، حمل خودروهای صادراتی از کشورهای سازنده به سایر کشورهاست.

کانتینربرها که از نظر اندازه استانداردهای مشخصی دارند، سرعت جابه‌جایی و تخلیهٔ کالاها را افزایش می‌دهند (نادرستی عبارت «الف»). قرارگرفتن کالاها در محفظه‌های خاص و وجود برچسب‌هایی با مشخصات کالاها در روی کانتینرها مدیریت و انبارداری محموله‌ها را آسان‌تر می‌کند (درستی عبارت «د»).

۱۲۴ هر یک از عبارت‌های زیر به ترتیب مربوط به کدام قسمت در جدول است؟

- میزان مصرف سوخت و آلایندگی بالا
- مناسب برای مسافت‌های متوسط و نسبتاً طولانی
- حمل‌ونقل آبی
- حمل‌ونقل هوایی

انواع شیوه‌های حمل‌ونقل	ویژگی‌های شیوه‌های حمل‌ونقل
(ج)	امنیت بسیار زیاد
حمل‌ونقل جاده‌ای	(الف)
(ب)	مقرون‌به‌صرفه‌ترین شیوه برای جابه‌جایی کالا در مسافت‌های طولانی
حمل‌ونقل ریلی	(د)

۱) «الف» ـ «د» ـ «ج» ـ «ب»
۲) «الف» ـ «د» ـ «ب» ـ «ج»
۳) «د» ـ «الف» ـ «ج» ـ «ب»
۴) «د» ـ «الف» ـ «ب» ـ «ج»

مشاوره این شکل سؤال در درس جامعه‌شناسی کاربرد زیادی دارد و در کنکورهای اخیر پرتکرار بوده است. احتمال این‌که از این شکل سؤال در درس جغرافیا یا سایر درس‌ها در کنکورهای آینده سؤال طراحی شود زیاد است؛ پس برای آشنایی بیشتر و تمرین ذهنی شما برای پاسخ به این تیپ تست‌ها در درس جغرافیا نیز از این تست‌ها استفاده می‌کنیم.

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۳

درس Box

حمل‌ونقل جاده‌ای
- انعطاف بیشتر از نظر دسترسی به نقاط مختلف در مسیر
- مناسب برای دسترسی به مکان‌های دورافتاده
- هزینهٔ کم‌تر در احداث پایانه‌ها
- قابلیت جابه‌جایی تعداد کم‌تر بار و مسافر
- میزان مصرف سوخت و آلایندگی بالا

حمل‌ونقل ریلی
- مناسب برای مسافت‌های متوسط و نسبتاً طولانی
- هزینهٔ متوسط برای احداث پایانه‌ها
- امنیت بالا و راحتی مسافران نسبت به حمل‌ونقل جاده‌ای
- آلایندگی کم‌تر و مصرف سوخت کم‌تر

حمل‌ونقل آبی
- انجام ۹۰ درصد تجارت جهانی
- مقرون‌به‌صرفه‌ترین و ارزان‌ترین روش برای جابه‌جایی کالا به‌ویژه کالاهای حجیم
- مناسب برای مسافت‌های طولانی
- ظرفیت بالا
- هزینهٔ احداث بالا
- سرعت کم

حمل‌ونقل هوایی
- سریع‌ترین شیوه برای مسافت‌های طولانی
- عدم نیاز به احداث مسیر
- هزینهٔ زیاد برای احداث فرودگاه
- مناسب برای حمل کالاهای سبک، کم‌حجم و فاسدنشدنی
- امنیت بسیار زیاد

پاسخ خیلی تشریحی با توجه به ترتیب عبارت‌ها در صورت سؤال، میزان مصرف سوخت و آلایندگی بالا از ویژگی‌های حمل‌ونقل جاده‌ای (الف)، مناسب برای مسافت‌های متوسط و نسبتاً طولانی از ویژگی‌های شیوهٔ حمل‌ونقل ریلی (د) است. شیوهٔ حمل‌ونقل آبی «مقرون‌به‌صرفه‌ترین شیوه برای جابه‌جایی کالا» در مسافت‌های طولانی است (ب) و شیوهٔ حمل‌ونقل هوایی، «امنیت بسیار زیادی» (ج) دارد.

۱۲۵ **با توجه به موارد زیر، کدام گزینه در خصوص شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران درست است؟**

الف) راه‌آهن کلان‌شهرهای تهران ـ مشهد به طول ۱۰۰۰ کیلومتر برقی است و حداکثر سرعت قطارهای این مسیر ۲۰۰ کیلومتر در ساعت است.

ب) پرترددترین بنادر مسافری و باری ایران به ترتیب بنادر شهید حقانی، قشم، چارک و خرمشهر بوده‌اند.

ج) در حال حاضر فقط یک خط آهن برقی به طول ۱۴۸ کیلومتر در کشور وجود دارد و حداکثر سرعت قطارها ۱۶۰ کیلومتر در ساعت است.

د) فراورده‌های نفتی کشور، کالاهای اساسی، فلزی، ساختمانی، معدنی، ماشین‌آلات و منسوجات از طریق حمل‌ونقل دریایی کشور انجام می‌شود.

۱) موارد «الف» و «ج» برخلاف «ب» و «د» با ویژگی شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران مطابقت دارد.

۲) موارد «ج» و «د» برخلاف «الف» و «ب» با ویژگی شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران مطابقت دارد.

۳) موارد «الف» و «د» برخلاف «ب» و «ج» با ویژگی شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران مغایرت دارد.

۴) موارد «ب» و «ج» برخلاف «الف» و «د» با ویژگی شیوه‌های حمل‌ونقل در ایران مغایرت دارد.

زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۳

Hint مسیر جلفا ـ تبریز تنها خط راه‌آهن برقی کشور است.

پاسخ خیلی تشریحی عبارت‌های «ج» و «د» درست‌اند.

بررسی عبارت‌های نادرست:

الف) برقی‌کردن راه‌آهن تهران ـ مشهد از پروژه‌های در دست اجرای شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران است و هنوز محقق نشده است. ضمن این‌که حداکثر سرعت قطارهای کشور ۱۶۰ کیلومتر در ساعت است. (نادرست)

ب) بنادر شهید حقانی، قشم، چارک و خرمشهر به ترتیب پرترددترین بنادر مسافری ایران هستند، نه بنادر باری. (نادرست)

۱۲۶ در چند مورد از موارد زیر، قطعاً وجود عین ماهیت خواهد بود؟

الف) اگر نوع حمل وجود بر ماهیت، مانند حمل سیماب بر جیوه باشد.

ب) اگر وجود و ماهیت از یکدیگر جدایی‌ناپذیر باشند.

ج) اگر تمایزی میان اشیا باقی نمانده باشد.

۱) یک ۲) دو

۳) سه ۴) صفر

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۱

درس Box

اگر «وجود» و «ماهیت» با هم مغایر نباشند

- اگر «وجود» عین «ماهیت» باشد
  - تصور وجود و ماهیت از هم جدا نمی‌شوند. ← امور فرضی بی‌معنی می‌شوند.
  - در آن صورت همه‌چیز یکی است یا به عبارتی همهٔ ماهیت‌ها یکی می‌شوند.
  - وجودداشتن همه‌چیز بی‌نیاز از دلیل می‌شد و حمل وجود بر ماهیت نیاز به دلیل نداشت.
  - نفی وجود از هیچ ماهیتی ممکن نبود.
  - ماهیت‌ها منشأ اثر موجودات می‌شدند.
- اگر «وجود» و «ماهیت» جزء یکدیگر می‌شدند
  - تمام موارد عینیت وجود و ماهیت اتفاق می‌افتاد، به‌جز یکی‌شدن همهٔ ماهیت‌ها.
  - تسلسل علل نامتناهی ایجاد می‌شد.

پاسخ خیلی تشریحی بررسی موارد:

الف) سیماب نام دیگر جیوه است و لذا این حمل، حمل ذات بر ذات است و اولی ذاتی است. اما حمل اولی ذاتی فقط حمل ذات بر ذات نیست و می‌تواند حمل اجزای ماهیت (ذاتیات) بر ذات باشد. بنابراین اگر نوع حمل، مانند حمل مذکور باشد، باز هم ممکن است که وجود عین ماهیت نباشد، بلکه جزء آن باشد.

ب) ذات، از ذات و ذاتیات، جدایی‌ناپذیر است؛ پس باز هم ممکن است وجود، ذاتی ماهیت باشد؛ نه ذات آن. به عبارتی در این مورد هم ممکن است وجود عین ماهیت یا جزئی از آن باشد.

ج) در آن صورت حتماً وجود، عین ماهیت است.

۱۲۷ **آن‌جا که می‌گوییم «آن‌چه در جهان منشأ اثر محسوب می‌شود، وجود است»، به دنبال بیان مفهوم کدام گزینه هستیم؟**

۱) وجود وجه اشتراک موجودات است که جنبه‌ای متفاوت از ماهیت است.

۲) حمل وجود بر هر ماهیت نیاز به دلیل دارد، چراکه وجود نیاز انسان را رفع می‌کند.

۳) پذیرش و شناخت واقعیت‌های مستقل از ذهن، برطرف‌کنندهٔ نیازهای انسان است.

۴) استفاده از صفات اشارهٔ «این» یا «آن» به معنای پذیرش وجود اشیا است.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۱

درس Box

قدم نخست برای شناخت چیستی و هستی

- ما می‌دانیم که در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم تا نیازمان را برطرف سازیم.
  - مثال
    - گشنه شویم، به سراغ غذا می‌رویم ← چون می‌دانیم غذا هست و گرسنگی را برطرف می‌کند.
    - تشنه شویم، به سراغ آب می‌رویم ← چون می‌دانیم آب هست و تشنگی را برطرف می‌کند.
    - و ...
- آن‌چه که پیرامون ما وجود دارد، امور واقعی است، نه امور تخیلی.
- قدم نخست به صورت خلاصه
  - انسان‌ها می‌دانند که اشیا و موجوداتی پیرامون آن‌ها وجود دارند که می‌توان به آن‌ها علم پیدا کرد.
  - واقعیت مستقل از ذهن وجود دارد ≠ سوفیست‌ها
  - واقعیت مستقل از ذهن موجب اعمال و رفتار ما می‌شود و منجر به استفاده از اشیای پیرامون می‌شود.

پاسخ خیلی تشریحی ✔ دقت کنید که وقتی می‌گوییم «وجود منشأ اثر است»، یعنی «وجود» برطرف‌کنندهٔ نیاز است.

طبق قدم اول شناخت هستی و چیستی، انسان واقعیت‌های مستقل از ذهن را می‌پذیرد، به آن‌ها علم پیدا می‌کند و از این طریق می‌تواند نیازهای خود را بررسی کند.

۱۲۸ **کدام گزینه به نحوی نشان‌دهندهٔ استدلال مورد قبول برای پذیرش مغایرت وجود و ماهیت نیست؟**

۱) در صورت عینیت وجود و ماهیت، همهٔ امور واجب‌الوجود می‌شوند.

۲) امکان دارد بدون این‌که از چیستی موجودی آگاه باشیم، وجود و واقعیت آن را درک کرده باشیم.

۳) امور تخیلی و فرضی، اموری هستند که دارای وجه تفاوت هستند، اما از وجه اشتراک محروم هستند.

۴) وجود و ماهیت دو جزء یک موجود نیستند، بلکه دو جنبه از موجود هستند که در ذهن دو مفهوم متفاوت هستند.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔ این‌که وجود و ماهیت دو جنبه و دو مفهوم از یک موجود در ذهن هستند، بیانگر مغایرت وجود و ماهیت است، اما دلیل این امر نیست.

دلایل اثبات مغایرت وجود و ماهیت عبارت‌اند از:

- اگر وجود و ماهیت مغایر نباشند (اگر وجود و ماهیت عین هم یا جزئی از هم باشند)، مشکلاتی ایجاد می‌شود. (رد گزینهٔ (۱))
- اموری که از هستی آن‌ها آگاه هستیم، ولی از چیستی آن‌ها آگاه نیستیم. (رد گزینهٔ (۲))
- اموری که ماهیت دارند، اما هستی و وجود ندارند، مثل امور فرضی و تخیلی. (رد گزینهٔ (۳))

۱۲۹ کدام عبارت درست است؟

۱) قضیهٔ «واجب‌الوجود بالغیر، ممکن‌الوجود بالذات است»، امکانی است.

۲) تنها چیزی که می‌تواند امکان ذاتی ماهیت را از بین ببرد و آن را موجود کند، علّت است.

۳) حمل ممکن‌الوجود بالذات بر ممکن‌الوجود بالغیر از نظر نسبت، مانند حمل اسب بر انسان است.

۴) واجب‌الوجود بالذات، تنها ذاتی است که در وجوب‌بخشی به خود، نیازمند هیچ موجود دیگری نیست.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم - درس ۲

درس Box

رابطهٔ ضروری در [نسبت‌های سه‌گانه میان قضایا]

نسبت‌های سه‌گانه میان قضایا، همان جهات قضایا یا مواد قضایا هستند.

- در این قضایا محمول، ذاتی موضوع خود می‌باشد.
- محمول برای موضوع خود، «ضروری» و «واجب» است.
- مثال
  - مثلث شکل سه‌ضلعی است.
  - جانور جاندار است.
  - ذوزنقه شکل است.
  - انسان جسم است.
  - اسب جاندار است.
  - خدا غنی است.
  - مجموع دو ضلع مثلث، بزرگ‌تر از ضلع سوم است.
- چند نکته
  - حمل‌های بی‌نیاز از دلیل حتماً ضروری هستند.
  - برخی از حمل‌های نیازمند دلیل ضروری هستند، مثل اوصاف خدا.
  - حمل‌های مرتبط با خدا ضروری هستند، اما نیازمند دلیل است.

رابطهٔ امکانی در نسبت‌های سه‌گانهٔ قضایا

- رابطهٔ امکانی همان رابطهٔ «لا اقتضا» است.
- در این قضایا، محمول برای موضوع خود ضروری نیست.
- در این قضایا، موضوع
  - می‌تواند این محمول را بپذیرد.
  - می‌تواند این محمول را نپذیرد.
- محمول برای موضوع خود، حالت امکانی دارد.
- مثال
  - دیوار خانهٔ ما سفید است.
  - جاندار جانور است.
  - شکل مثلث است.
  - انسان ده‌چشمی است.
  - میز موجود است.
  - ارتفاع و میانه در مثلث یکی است.
- یک نکتهٔ مهم: چیزهای عجیب و فرضی، امکانی محسوب می‌شوند. (امتناعی نیستند.)

رابطهٔ امتناعی در نسبت‌های سه‌گانهٔ قضایا

- رابطهٔ امتناعی همان رابطهٔ «محال» است.
- در این قضایا برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است.
- مثال
  - مجموع زوایای مثلث برابر با سه قائمه است.
  - انسان جماد (غیرجاندار) است.
  - تعداد موجودات روی زمین بی‌نهایت است. (تعداد باید بی‌شمار باشد، نه بی‌نهایت.)
  - انسان غیرحیوان است.

پاسخ خیلی تشریحی بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): واجب‌الوجود بالغیر، ممکن‌الوجود بالذاتی است که از ناحیهٔ علّت به وجوب رسیده؛ پس ضرورتاً ممکن‌الوجود بالذات است.

گزینهٔ (۲): امکان ذاتی هرگز برطرف نمی‌شود و علّت، ماهیت را در عین امکان ذاتی به وجوب بالغیر می‌رساند.

گزینهٔ (۳): ممکن‌الوجود بالغیر، عقلاً بی‌معنا است و نمی‌تواند مصداقی داشته باشد؛ پس ممتنع‌الوجود بالذات است و حمل ممکن‌الوجود بالذات بر آن، امتناعی است، مثل حمل اسب بر انسان.

گزینهٔ (۴): واجب‌الوجود بالذات، ذاتی است که ذاتاً وجوب دارد و وجوب‌بخشی به آن معنا ندارد، حتی از ناحیهٔ خودش.

۱۳۰ **در کدام گزینه نسبت هر دو قضیه یکسان است؟**

۱) ممکن‌الوجود بالذات، ممتنع‌الوجود بالغیر است ـ شاعر، ناطق است.

۲) ناطق، شاعر است ـ عدد هشت، زوج نیست.

۳) عدد اول، فرد است ـ مربع، مستطیل است.

۴) مثلث شکل است ـ شکل، دارای ضلع است.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی عدد اول می‌تواند فرد باشد، مثل «۳، ۵، ۷، و ...» و می‌تواند زوج باشد، مثل «۲». از طرفی مربع هم می‌تواند مستطیلی با اضلاع برابر باشد و هم می‌تواند لوزی با اضلاع عمود برهم باشد؛ پس هر دو نسبت، امکانی است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱) ← امکانی ـ ضروری

گزینهٔ (۲) ← امکانی ـ امتناعی

گزینهٔ (۳) ← امکانی ـ امکانی

گزینهٔ (۴) ← ضروری ـ امکانی

۱۳۱ **کدام مورد به تفاوت قطعی واجب‌الوجود بالذات و واجب‌الوجود بالغیر اشاره دارد؟**

۱) واجب‌الوجود بالذات همیشه بوده، هست و خواهد بود.

۲) واجب‌الوجود بالغیر در حال حاضر موجودیت دارد.

۳) واجب‌الوجود بالذات برای ضرورت وجود مستقل از علّت است.

۴) واجب‌الوجود بالغیر، ضرورت وجودش از خودش است اما دوامش وابسته به دیگری است.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۲

درس Box

رابطهٔ وجود با موضوع‌های مختلف

- اگر بخواهیم «وجود» را به عنوان محمول بگیریم، رابطهٔ آن با برخی موضوعات
  - وجوبی
  - امکانی
  - امتناعی

  است.
- اگر رابطهٔ موضوعی با «وجود» امتناعی باشد؛ یعنی آن موضوع نمی‌تواند وجود داشته باشد.
- انواع رابطه‌های وجود با موضوعات
  - واجب‌الوجود
  - ممکن‌الوجود
  - ممتنع‌الوجود
- ممکن‌الوجود
  - طبق گفتهٔ فارابی و ابن سینا، چون این موجودات در ذات و ماهیت خود ممکن‌الوجودند، اگر علّت وجود آن‌ها فراهم شود، موجود می‌شوند.
  - ممکن‌الوجود مانند ترازویی است که دو کفهٔ آن در حالت تعادل است و هیچ ترجیحی نسبت به هم ندارند.

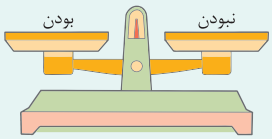

(حالت امکان و تساوی)

  - اگر در ترازو یکی از کفه‌ها سنگین شود، می‌گوییم حتماً علتی در کار بوده که یک کفه به پایین آمده است.
  - عقلاً محال است که یکی از کفه‌های ترازو، خودبه‌خود پایین بیاید؛ پس حتماً سنگینی یک کفهٔ ترازو علّت دارد.

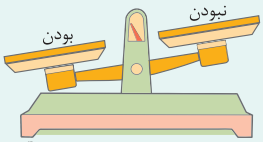

(خروج از حالت امکان و تساوی با علّت)

- وقتی می‌گوییم رابطهٔ ماهیت «انسان» با «وجود» یک رابطهٔ امکانی است، منظور این است که انسان می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد.
- ذات انسان به گونه‌ای نیست که حتماً باشد.
- ذات انسان به گونه‌ای نیست که حتماً نباشد.
- اگر علّتی باشد، «وجود» برای انسان ضروری می‌شود و انسان واجب‌الوجود می‌گردد و موجود می‌شود.
- همهٔ اشیایی که موجودند (به‌جز خدا)
  - ممکن‌الوجود بالذات بودند ← بدون نیاز به دلیل ممکن‌الوجود بودند.
  - واجب‌الوجود بالغیر هستند ← با دلیل و علّت واجب‌الوجود شدند.
- ذات و غیر
  - رابطهٔ وجود با ماهیت در ذات می‌تواند
    - واجب‌الوجود بالذات
    - ممکن‌الوجود بالذات
    - ممتنع‌الوجود بالذات

    باشد.
  - «غیر» به معنای دلیل است که برای «ممکن‌الوجود بالذات» می‌آید.
  - ممکن‌الوجود بالذات
    - اگر علّت وجودش فراهم شود ← واجب‌الوجود بالغیر
    - اگر علّت وجودش فراهم نشود ← ممتنع‌الوجود بالغیر

پاسخ خیلی تشریحی

واجب‌الوجود بالذات بوده، هست و خواهد بود و ضرورت وجودش از ناحیهٔ خود اوست و نیازی به علّت ندارد. در حالی که واجب‌الوجود بالغیر، ضرورت وجودش از ناحیهٔ دیگری (علّت) است. پس هم واجب‌الوجود بالذات و هم واجب‌الوجود بالغیر در حال حاضر موجود است (رد گزینهٔ (۲))؛ البته واجب‌الوجود بالغیر هم می‌تواند بوده باشد و تا ابد هم بماند، اما وابسته به علّت است (رد گزینهٔ (۱)).

نکته

مصادیق مهم

- اگر علّت وجودش فراهم نشود ← ممتنع‌الوجود بالغیر
- واجب‌الوجود بالذات ← فقط یک چیز است = خدا
- ممکن‌الوجود بالذات ← هر چه در عالم هست به‌جز خدا و هر چه که می‌تواند به وجود آید و هنوز موجود نشده.
- ممتنع‌الوجود بالذات ← مربع پنج‌ضلعی، سیاه، سفید و ...
- واجب‌الوجود بالغیر ← هر چه در عالم هست.
- ممکن‌الوجود بالغیر ← نداریم
- ممتنع‌الوجود بالغیر ← چیزهای ممکنی که هنوز به وجود نیامده: انسان ۱۰چشم، اژدها و ...

۱۳۲ **کدام گزینه دربارهٔ علیّت درست است؟**

۱) برخلاف سایر روابط در جهان است که در آن‌ها وجود دو طرف به یکدیگر وابسته است.

۲) رابطه‌ای است وجودی که در آن یک طرف به طرف دیگر وجودبخشی می‌کند.

۳) رابطه‌ای وجودی است؛ به این معنا که دو طرف در اصل وجود به یکدیگر وابسته‌اند.

۴) مانند سایر روابط موجود در جهان، به وجود دو طرف نیاز است تا شکل بگیرد.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی رابطهٔ علیّت به رابطهٔ وجودبخشی میان علّت و معلول گفته می‌شود، در این رابطه یک طرف (علّت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): در سایر روابط جهان، دو طرف رابطه از نظر وجودی به یکدیگر وابسته نیستند. مانند رابطهٔ دوستی یا رابطهٔ زمین و اشیای روی آن که وجود دو طرف به یکدیگر وابسته نیست.

گزینهٔ (۳): در رابطهٔ علیّت، یک طرف (معلول) به طرف دیگر وابسته است؛ نه دو طرف.

گزینهٔ (۴): رابطهٔ علیّت، برخلاف سایر روابط در جهان، به وجود دو طرف رابطه نیازمند نیست.

نکته رابطهٔ علیت یک رابطهٔ حین‌الوجودی است؛ یعنی عملاً یک طرف رابطه همان رابطهٔ علیت است.

۱۳۳ کدام گزینه در باب علیّت و فروع آن درست است؟

۱) گروه‌های مختلف فلاسفه معتقدند اصل سنخیت نیز همچون اصل علیّت عقلی است.

۲) انسان پس از درک علیّت، درمی‌یابد هر حادثه علّتی دارد، که به آن اصل سنخیت می‌گویند.

۳) دکارت معتقد بود علیّت امری فطری است و انسان علّت هر معلولی را بدون نیاز به تجربه و آموزش درمی‌یابد.

۴) ابن سینا معتقد بود توالی حوادث الزاماً به معنای علیّت نیست و تجربه‌گرایی نمی‌تواند تبیین درستی از علیّت ارائه دهد.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۳

درس Box

منشأ درک و پذیرش رابطهٔ علیّت در نگاه فلاسفهٔ مسلمان

- از نظر آن‌ها، اصل علیّت یک قاعدهٔ عقلی است و از تجربه به دست نمی‌آید.
  - به این معنا که استدلال عقلی دارد.
  - نه به این معنا که فطری است.
- علّت فلاسفهٔ مسلمان برای تجربی‌نبودن رابطهٔ علیّت: علیّت خودش پایه و اساس هر تجربه است.
- اصل امتناع اجتماع نقیضین
  - همین که ذهن انسان شکل می‌گیرد، متوجه می‌شود که وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی‌شود.
  - یک چیز نمی‌تواند هم موجود باشد هم موجود نباشد.
  - یک چیز نمی‌تواند هم خودش باشد هم غیر خودش.
  - این امر یک اصل بدیهی (بدون نیاز به دلیل) است.
  - نتایج اصل امتناع اجتماع نقیضین
    - پدیده‌ها، خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند (معلول).
    - اگر چیزی، خودش به خودش وجود بدهد؛ یعنی چیزی که نبوده، بوده که محال‌بودن آن بدیهی است (علّت).
- با توجه به اصل امتناع اجتماع نقیضین، هر پدیده یا چیزی که وجودش از خودش نیست، حتماً یک علّتی دارد.
- درست است که به نظر فلاسفهٔ مسلمان، درک علیّت تجربی نیست، اما یافتن مصادیق آن یا به عبارتی کشف علل امور طبیعی با حس و تجربه به دست می‌آید.

پاسخ خیلی تشریحی ابن سینا با آن‌که ۶ قرن قبل از هیوم بود، اما با تحلیل‌اش پیشاپیش تحلیل و نقدی بر نظر تجربه‌گرایان ارائه کرده که طبق آن، معتقد بود توالی حوادث الزاماً به معنای علیّت نیست و تجربه‌گرایان چون از طریق حس و تجربه سعی در تحلیل علیّت دارند نمی‌توانند به تبیین درستی از علیّت برسند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): فلاسفهٔ غیرتجربه‌گرا معتقدند اصل سنخیت اصلی عقلی است، نه گروه‌های مختلف فلاسفه.

گزینهٔ (۲): این‌که هر حادثه علّت دارد، اصل علیّت است، نه سنخیت.

گزینهٔ (۳): دکارت، درک علیّت را فطری می‌دانست، اما یافتن علّت هر معلول یا یافتن مصادیق علیّت تجربی است.

۱۳۴ کدام مورد دقیقاً به اصل سنخیت مربوط است؟

۱) ارتباط میان پدیده‌های عالم

۲) امکان پیش‌بینی وقایع نجومی

۳) جدایی‌ناپذیری علّت و معلول از یکدیگر

۴) کاشتن بذر توسط کشاورز و فراهم‌کردن سایر شرایط

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۳

درس Box

سنخیت میان علّت و معلول

- سنخیت، یکی از فروع و لوازم اصل علیّت است.
- طبق سنخیت
  - هر علّت خاص، معلول خاص خود را دارد.
  - هر معلول خاص، علّت خاص خود را دارد.
  - میان علّت و معلول تناسب وجود دارد.
- مثال‌های سنخیت
  - غذا، علّتی برای رفع گرسنگی است، نه رفع تشنگی.
  - بتن موجب استحکام ساختمان می‌شود.
  - گندم از گندم بروید.
  - از مکافات عمل غافل مشو.
  - هر که باد بکارد، طوفان درو می‌کند.
  - و ...
- دقت کنید که در برخی از ضرب‌المثل‌ها تناسب وجود دارد، اما سنخیت و علّت و معلول وجود ندارد ← **مثال**: کبوتر با کبوتر، باز با باز (علّتی در آن نیست.)
- نتایج سنخیت
  - ۱) انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با آن را دارد.
    - به همین دلیل برای شناخت ویژگی‌های هر شیء و تفاوت آن با سایر اشیا تلاش می‌کند.
  - ۲) جهان نظم دقیق (انتظام) دارد.
  - ۳) دانشمندان می‌توانند تحقیقات علمی خود را پیگیری کنند.
    - دانشمندان وقتی با پدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند، به سراغ عواملی می‌روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارند.
  - ۴) خاص‌بودن روابط در عالم
  - ۵) یکسان عمل‌کردن طبیعت
  - ۶) کلیّت قوانین علمی
    - مثل: هر آهنی در اثر گرما منبسط می‌شود.

پاسخ خیلی تشریحی بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): مربوط به اصل علیّت است.

گزینهٔ (۲): امکان پیش‌بینی حوادث، ناشی از اصل سنخیت است.

گزینهٔ (۳): حاصل اصل علیّت و اصل ضرورت علّی و معلولی است.

گزینهٔ (۴): مربوط به اصل وجوب علّی و معلولی است.

نکته

فلاسفه (به‌جز فیلسوفان تجربه‌گرا)، اصل سنخیت را مانند اصل علیّت، یک اصل عقلی می‌دانند.

یافتن مصادیق سنخیت، یعنی این‌که هر علّت چه معلول خاصی دارد، با تجربه ممکن است.

تخیل‌کردن در اکثر مواقع با بر هم زدن سنخیت صورت می‌پذیرد.

۱۳۵ **کدام شخص می‌تواند ادعا کند که وقوع اتفاق به معنای دوم را ممکن می‌داند؟ دانش‌آموزی که ..... .**

۱) تمام تلاش خود برای موفقیت در کنکور را انجام داده، ولی هم‌چنان گمان می‌کند ممکن است موفق نشود

۲) برای موفقیت در کنکور به جای درس‌خواندن، اکثر وقت خود را به ورزش می‌پردازد

۳) معتقد است هیچ عاملی نمی‌تواند موفقیت وی در کنکور را تضمین کند

۴) می‌خواهد در کنکور موفق شود، ولی هیچ تلاشی نمی‌کند

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۴

درس Box

بررسی معنای دوم اتفاق
- در این معنا سنخیتی میان اشیا و آثار آن‌ها نیست.
- در این معنا امکان دارد از یک پدیده اثری ظاهر شود که هیچ ربطی به آن ندارد.
- کسی که معنای دوم اتفاق را تأیید کند، اصل سنخیت را انکار می‌کند.
- بسیاری از فلاسفه از جمله ابن سینا، ملاصدرا، علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی این معنا را نمی‌پذیرند.
- نتایج تأیید معنای دوم اتفاق و انکار اصل سنخیت
  - ۱) انسان به هیچ کاری دست نخواهد زد.
  - ۲) نمی‌توان نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کرد.
  - ۳) نمی‌توان دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها تشویق نمود.
  - ۴) همهٔ علوم بی‌اعتبار می‌شوند و به آن‌ها بی‌اعتنایی می‌شود.
  - ۵) نظام‌مند و قانون‌مندبودن هستی دچار تناقض می‌شود.

پاسخ خیلی تشریحی بررسی سایر گزینه‌ها:

اگر کسی واقعاً به معنای دوم اتفاق (نفی سنخیت) معتقد باشد، هیچ کاری نباید انجام دهد. (رد گزینهٔ (۲) و تأیید گزینهٔ (۴))

گزینهٔ (۱): وی معتقد است برخی عوامل مؤثر می‌توانند خارج از کنترل وی باشند، این مسئله درست است و مشکلی ندارد.

گزینهٔ (۳): به نقض وجوب علّی و معلولی معتقد است و معنای اول اتفاق را ممکن می‌داند.

۱۳۶ **کدام گزینه دربارهٔ معانی اتفاق درست است؟**

۱) کسی که به اصل علیّت و فروع آن معتقد است، هیچ‌کدام از معانی اتفاق را نمی‌پذیرد.

۲) عدم توجه به اجزای علّت تامه، به آن معناست که ممکن است اجزای علّت، سنخیتی با معلول مورد نظر نداشته باشند.

۳) معنای دوم اتفاق چنان است که ممکن است در حوزهٔ اندیشه و نظر مقبول فیلسوفی باشد، ولی در زندگی عملی هرگز مقبول او نیست.

۴) از آن‌جا که معنای چهارم اتفاق به دلیل عدم آگاهی مردم از اجزای علّت مورد توجه قرار می‌گیرد، از نظر اصول فلسفی بلامانع است.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۴

پاسخ خیلی تشریحی ✔ برخی فلاسفه معتقدند اگر کسی واقعاً اصل سنخیت را انکار کند (معنای دوم اتفاق را بپذیرد) نباید به هیچ کاری دست بزند. دلیل این حرف آن است که چون بدون اصل سنخیت، نتیجهٔ هیچ کاری معین نیست پس نباید کاری انجام داد. نتیجهٔ این مطلب این است که ممکن است کسی در تفکر و اندیشه بیان کند که اصل سنخیت وجود ندارد؛ اما همان فرد در زندگی واقعی خود براساس آن اصل زندگی می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): معنای سوم و چهارم اتفاق، به طور مستقیم اصول علیّت و فروع آن را انکار نمی‌کنند.

گزینهٔ (۲): عدم توجه به اجزای علّت تامه می‌تواند باعث اعتقاد به معنای اول اتفاق شود.

گزینهٔ (۴): معنای چهارم اتفاق به دلیل علم ناقص ما به حوادث پیرامونی رخ می‌دهد.

نکته افراد معتقد به معنای دوم اتفاق که قاعدهٔ سنخیت را انکار می‌کنند، دچار تناقض میان رفتار و عقیده می‌شوند، چون کسی که سنخیت را انکار می‌کند نمی‌تواند دست به هیچ کاری بزند؛ اما در عمل این امر شدنی نیست.

۱۳۷ کدام مورد می‌تواند جملهٔ زیر را به درستی کامل کند؟

«هر کس معتقد به معنای اول اتفاق باشد، ..... .»

۱) قطعاً وجوب علّی و معلولی را مورد انکار قرار می‌دهد

۲) می‌تواند سایر معانی اتفاق را هم به ترتیب بپذیرد

۳) به طور قطع رابطهٔ علیت برای او بی‌معنا است

۴) نمی‌تواند وقوع حوادث پیش‌بینی‌نشده را بپذیرد

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم - درس ۴

درس Box

بررسی معنای اول اتفاق
- در این معنا میان پدیده‌ها و علّت آن‌ها، رابطهٔ ضروری وجود ندارد.
- این معنا در مقابل اصل علیّت یا ضرورت علّی و معلولی یا هر دوی آن‌ها است.
- کسی که معنای اول اتفاق را تأیید می‌کند، اصل علیّت را انکار می‌کند.
- هیچ فیلسوفی به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق نیست.
  - حتی هیوم هم به طور صریح علیّت را انکار نمی‌کند، بلکه واقعی‌بودن علیّت را انکار می‌کند.
- فلاسفه می‌گویند که امکان ندارد موجودی خودبه‌خود و بدون علّت به وجود آید.
- برخی از مردم معنای اول اتفاق را می‌پذیرند. (معلول)
  - علّت
    - مردم گاهی می‌پندارند که در برخی موارد در عین وجود علّت، معلول آن پدید نیامده است و بر این اساس می‌پندارند که میان علّت و معلول رابطهٔ ضروری وجود ندارد.
    - به عبارتی مردم گاهی علّت تامه و علّت ناقصه را با هم اشتباه می‌کنند.

نکته

علّت تامه و علّت ناقصه
- در مواردی که معلول از چند عامل پدید آید
  - هر کدام از عوامل، علّت ناقصه هستند.
  - مجموعهٔ عوامل، علّت تامّه است.
- **مثال:** برای پیدایش گل هر کدام از باغبان، آب، خاک، نور و ... علّت ناقصه هستند و مجموعهٔ آن‌ها علّت تامه است.
- چند نکتهٔ مهم
  - علّت تامه، مجموعهٔ علّت‌های ناقصه است.
  - وقتی علّت ناقصه نباشد، علّت تامه هم نیست.
  - پدیدآمدن معلول
    - اگر علّت تامه باشد ← معلول حتماً هست.
    - اگر علّت‌های تامه نباشد ← معلول حتماً نیست.
    - اگر بدانیم از مجموع چند علت ناقصه، حتماً یکی از علّت‌های ناقصه باشد و از وجود سایر علت‌های ناقصه بی‌خبر باشیم ← معلول
      - شاید باشد.
      - شاید نباشد.
    - اگر یک علّت ناقصه نباشد ← علت تامه هم نیست ← معلول حتماً نیست.

پاسخ خیلی تشریحی

دقت کنید که هر کس هر کدام از معانی اتفاق را بپذیرد، راه پذیرش مراحل بعدی برای او هموارتر می‌گردد، اما نمی‌تواند مراحل قبل را بپذیرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ها (۱) و (۳): کسی که معنای اول اتفاق را می‌پذیرد، یا علیّت را انکار می‌کند یا ضرورت علّی و معلولی را انکار می‌کند یا هم علیّت و هم ضرورت علّی و معلولی را؛ پس ضرورتی ندارد که حتماً وجوب علّی و معلولی را انکار کند.

گزینهٔ (۴): وقوع پیش‌بینی نشدهٔ حوادث، معنای چهارم اتفاق است که مورد قبول عموم مردم است.

۱۳۸ کدام عبارت نادرست است؟

۱) از نظر فیلسوفانی مانند دکارت و کانت، معنابخشیِ اعتقاد به خداوند به زندگی، بدون اثبات وجود او ممکن نیست.

۲) افلاطون می‌کوشد تا در جامعهٔ شرک‌آلود یونان از واقعیتی سخن بگوید که تضمین‌کنندهٔ انسجام حوادث عالم است.

۳) دکارت در استدلال خود بر اثبات وجود خداوند از امتناع داشتن تصور از نامتناهی استفاده نکرد.

۴) مقدمهٔ مشترک برهان‌های ارسطو در اثبات خداوند، امکان شناخت جهان است.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۵

پاسخ خیلی تشریحی بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): کانت، وجود خداوند را اثبات نمی‌کند، بلکه ضرورت خداوند را اثبات می‌کند پس برای او اثبات وجود خدا لازمهٔ معنابخشی بر زندگی نیست.

گزینهٔ (۲): برخلاف دیدگاه‌های شرک‌آلود یونانیان، از نظر افلاطون خداوند، واقعیتی یگانه با صفاتی معین است و کارش هدفدار است.

گزینهٔ (۳): او از امتناع ایجاد تصور نامتناهی توسط موجود متناهی استفاده کرد، نه از امتناع داشتن چنین تصوری.

گزینهٔ (۴): در برهان حرکت، انسان باید بتواند به وجود حرکت پی ببرد و در برهان درجات کمال نیز، وجود خوب و خوب‌تر در جهان را بشناسد.

نکته

کانت
- او راهی متفاوت با دکارت و سایر فلاسفهٔ عقل‌گرا در پذیرش خدا داشت.
- تفاوت کانت با سایر عقل‌گرایان
  - از نظر **روش اثبات**: از راه اخلاق و وظایف اخلاقی
  - از نظر **موضوع مورد اثبات**: به جای اثبات وجود خدا ضرورت وجود خدا را اثبات کرد.
    - = نیاز انسان به وجود خدا

۱۳۹ **در کدام مورد ترتیب موارد بیان‌شده، با ترتیب مراحل برهان اخلاقی کانت سازگار است؟**

۱) وجود وجدان اخلاقی ـ اثبات جهان غیرمادی ـ اثبات نفس مجرد

۲) اثبات اختیار ـ اثبات جهان غیرمادی ـ اثبات ضرورت خدای جاودان

۳) اثبات تجرد نفس ـ اثبات جهان غیرمادی ـ اثبات اختیار

۴) اثبات تجرد نفس ـ اثبات اختیار ـ اثبات وجدان اخلاقی

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۵

درس Box

کانت ← ضرورت وجود خدا در ۴ مرحله توضیحات او برای اثبات

- ۱) انسان دارای یک وجدان اخلاقی است
  - این وجدان او را به کسب فضایل و رعایت اصول اخلاقی دعوت می‌کند.
  - وجدان از ما می‌خواهد: آن‌چه برای خود می‌پسندیم، برای دیگران هم بپسندیم.
- ۲) مسئولیت‌پذیری و رعایت اخلاق بدون وجود اختیار و اراده، معنا ندارد.
- ۳) اختیار و اراده نمی‌تواند ویژگی بدن باشد که ماده‌ای مانند سایر مواد است، بلکه باید ویژگی نفس غیرمادی باشد که فناناپذیر است.
- ۴) روح و نفس مجرد انسان
  - سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است.
  - موجودی غیرمادی و جاودانه است که برای سعادت دائمی به جهانی ماورای دنیای مادی نیاز دارد.
  - جهان غیرمادی مشروط به وجود خدایی جاودان و فناناپذیر و نامتناهی است.

↓

«خدا باید وجود داشته باشد که ← جهان مجرد و غیرمادی وجود داشته باشد که ← روح در آن‌جا سعادت کسب کند.»

↓

با پذیرش خداوند است که زندگی انسان، معنای حقیقی و متعالی پیدا می‌کند و از پوچی و بی‌هدفی خارج می‌شود.

پاسخ خیلی تشریحی ✔ مراحل برهان اخلاقی کانت را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱) وجود وجدان اخلاقی ۲) اثبات اختیار انسان، ۳) اثبات نفس مجرد به عنوان بستر و لازمهٔ اختیار، ۴) وجود جهانی غیرمادی برای تضمین سعادت ابدی نفس مجرد، ۵) اثبات خدایی جاودان که این جهان غیرمادی مشروط به او می‌باشد.

۱۴۰ **کدام گزینه در ارتباط با نظرات فلاسفهٔ دورهٔ جدید اروپا در بحث اثبات خدا، درست نیست؟**

۱) دکارت از موجودی نامتناهی و علیم و قدیر سخن گفت.

۲) هیوم خدا را موجودی نامتناهی، ازلی، بی‌نیاز از علّت و ابدی می‌داند.

۳) کرکگور معتقد بود ایمان هدیهٔ الهی است و نیاز به پشتوانهٔ عقلی ندارد.

۴) از نظر افلاطون حقایق شبیه مثال خیر هستند و از خدا با نام صانع نیز یاد می‌کند.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۵

پاسخ خیلی تشریحی افلاطون جزء دورهٔ جدید اروپا نیست و سؤال فارغ از درستی و غلطی مطالب، تأکیدش بر دورهٔ فلاسفه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) همگی جملات درستی هستند و مربوط به فلاسفه‌ای هستند که مربوط به دورهٔ جدید اروپا هستند.

نکته فلاسفهٔ دورهٔ جدید اروپا، فلاسفهٔ بعد از رنسانس هستند مثل دکارت، هیوم، کانت، ویلیام جیمز و ...

۱۴۱ **کدام گزینه منظور از «تقدم علّت بر معلول» در برهان فارابی را بهتر بیان می‌کند؟**

۱) امکان ندارد که معلول باشد، ولی علّتش نباشد.

۲) امکان ندارد که معلول قبل از علّت به وجود بیاید.

۳) برای وجود معلول لازم است علّتش موجود باشد.

۴) برای وجود معلول لازم است که علّت پیشاپیش موجود باشد.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۶

درس Box

استدلال فارابی

- مقدمات
  - الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست (پدیده هستند) و معلول چیزهای دیگرند.
  - ب) هر چیزی که وجودش از خودش نباشد علّتی مقدم (تقدم عقلی) بر خود دارد که به او وجود می‌دهد.
  - ج) اگر معلولی که اکنون موجود است، علّتی داشته باشد که آن علّت هم خودش معلول باشد، به ناچار این معلول هم علّت دیگری دارد. حال اگر سلسلهٔ علّت‌ها تا بی‌نهایت پیش رود و به علّتی که خودش معلول نباشد منتهی نشود، تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید که محال است.
- نتیجه ← سلسلهٔ علّت‌های این جهان منتهی به علّتی می‌شود که خودش نیازمند علّت نیست = خدا
- اشکال راسل به فارابی
  - اشکال: اگر هر چیزی باید علّتی داشته باشد؛ پس خدا هم نیازمند علّت است.
  - پاسخ به راسل: هر چیزی علّت نمی‌خواهد، بلکه هر معلول یا هر پدیده نیازمند علّت است. ← راسل مقدمهٔ دوم فارابی را به خوبی درک نکرده است.

پاسخ خیلی تشریحی ✔ تقدم علّت بر معلول لزوماً تقدم زمانی نیست، بلکه این دو از نظر زمانی می‌توانند فاصله‌ای نداشته باشند. (رد گزینه‌های (۲) و (۴)) و همواره با یکدیگر موجود باشند. (رد گزینهٔ (۱)). این تقدم، ذاتی و رُتبی است یا به عبارتی تقدم عقلی است و ناشی از این مطلب است که وجود معلول وابسته به وجود علّت است، اما وجود علّت وابسته به وجود معلول نیست.

۱۴۲ کدام مورد از مقدمات برهان ابن سینا بر اثبات خداوند نیست؟

۱) امکان ذاتی برای به وجود آمدن اشیا کافی نیست.

۲) انسان می‌تواند امکان ذاتی موجودات جهان را بشناسد.

۳) هر موجودی در حال وجوب، موجود است و نیاز به وجوب‌بخش دارد.

۴) ضمیمه‌شدن ممکن‌الوجودها به یکدیگر باعث پدیدآمدن وجوب نمی‌شود.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۶

درس Box

استدلال ابن سینا = برهان وجوب و امکان

↓

فلاسفهٔ بعد از ابن سینا، همچون توماس آکوئیناس (در اروپا) و بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی (در جهان اسلام) از این برهان استفاده کردند.

- برهان فارابی را کامل و درست می‌دانست، اما با استفاده از دو مفهوم وجوب و امکان آن را کامل‌تر کرد.
- مبنای برهان وجوب و امکان ← مغایرت وجود و ماهیت است.
- مقدمات
  - الف) موجودات جهان در ذات خود نسبت به وجود یا عدم مساوی هستند، هم می‌توانند باشند هم نباشند ← ذاتاً ممکن‌الوجودند.
  - ب) ممکن‌الوجودهای بالذات برای این‌که موجود شوند (وجود برایشان ضروری شود)، نیازمند علّتی هستند که خودش ممکن‌الوجود نباشد ← بلکه واجب‌الوجود بالذات باشد (وجود او ذاتی است و از او جدا نمی‌شود).
- نتیجه ← موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالذات وابسته‌اند که آن‌ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.
- پیام اصلی ابن سینا و پیروانش ← موجودات جهان
  - برحسب ذات خود ممکن‌الوجودند.
  - از این حیث که اکنون موجودند، واجب‌الوجود بالغیرند و از واجب‌الوجود بالذات نشأت گرفته‌اند.
- توجه: ابن سینا ۲ نوع واجب‌الوجود در نظر دارد:
  - ۱) واجب‌الوجود بالذات ← خدا
  - ۲) واجب‌الوجود بالغیر ← اشیای جهان (موجودات جهان به‌جز خدا)

پاسخ خیلی تشریحی در برهان وجوب و امکان ابن سینا، انسان امکان ذاتی اشیای این جهان را می‌شناسد (رد گزینهٔ (۲)) و البته این امکان برای موجودشدن آن‌ها کافی نیست (رد گزینهٔ (۱)) و البته ضمیمه‌شدن ممکن‌ها به یکدیگر، عقلاً نمی‌تواند آن‌ها را (واجب‌الوجودهای بالغیر) به وجوب برساند (رد گزینهٔ (۴)). اما همهٔ موجودات نیاز به وجوب‌بخش ندارند، بلکه ممکن‌الوجودهای بالذات (واجب‌الوجودهای بالغیر) چنین نیازی دارند.

۱۴۳ **فارابی در استدلال خود برای اثبات خدا ..... .**

۱) معتقد بود که صرفاً باید از مفاهیم استفاده‌شده توسط ارسطو در برهان‌هایش بهره برد

۲) همچون ابن سینا در مقدمات برهانش نفی تسلسل علل نامتناهی را مطرح می‌کند

۳) تسلسل علل را امری ناممکن و محال نمی‌داند

۴) در قدم اول بیان نمود هر معلولی علّت دارد

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۶

پاسخ خیلی تشریحی فارابی تسلسل علل را ناممکن نمی‌داند، بلکه تسلسل علل نامتناهی محال است و نیاز به علّةالعلل دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): فارابی برهان‌های ارسطو را پذیرفته بود، اما برهان شخصی خود را ارائه کرد.

گزینهٔ (۲): ابن سینا در برهانش و در مقدمات آن از نفی تسلسل بهره نمی‌برد.

گزینهٔ (۴): فارابی در قدم اول از وجود معلول سخن گفت و در قدم دوم به تقدم علّت بر معلول سخن گفت.

نکته تسلسل علل نه‌تنها محال نیست بلکه در عالم طبیعت بسیار مشاهده می‌شود، اما اگر این تسلسل علل نامتناهی باشد و علت نخستین نداشته باشد، محال و ممتنع می‌شود.

۱۴۴ **کدام مورد نشان‌دهندهٔ عامل اصلی تمایز هیوم با سایر فلاسفه در بحث یافتن منشأ درک علیّت است؟**

۱) هیوم درک علیّت را امری غیرتجربی و بدون نیاز به آموزش می‌دانست.

۲) هیوم در ازای تلاش برای نشان‌دادن چگونگی درک علیّت از چرایی باور عموم مردم به آن سخن گفت.

۳) به عقیدهٔ او یافتن تکرار و توالی پدیده‌ها با حس، گاهی موجب درک علیّت می‌شود و گاهی هم مثل «رعد» و «برق» با علیّت بی‌ارتباط است.

۴) او مبنای شناخت و معرفت را حس و تجربه می‌داند، از همین رو در تلاش است برای درک علیّت یک راه تجربی بیابد.

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۳

درس Box

هیوم و برخی دیگر از تجربه‌گرایان

- هیوم، فیلسوف قرن ۱۸ انگلستان هم مانند سایر تجربه‌گرایان، تنها راه شناخت واقعیت را حس و تجربه می‌داند. اما در مورد علیّت نظر او این است که رابطهٔ ضروری میان علّت و معلول یک موضوع حسی نیست و نمی‌توان آن را از طریق مشاهدهٔ حسی و تجربه به دست آورد و باید راه تجربی دیگری برای آن پیدا کرد که نمی‌توان پیدا کرد.
- **مثال**
  - این‌که زمین با خورشید روشن می‌شود را با چشم می‌بینیم.
  - اما این‌که میان خورشید و روشنی زمین یک رابطهٔ ضروری است با چشم دیدنی نیست.
- تلاش هیوم برای تبیین چرایی باور عموم مردم به علیّت
  - ۱) ما با حس و تجربه تکرار و توالی را درک می‌کنیم.
  - ۲) با تکرار و توالی یک انعکاس ذهنی برای ما ایجاد می‌شود.
  - ۳) این انعکاس ذهنی همان «تداعی» است که رابطهٔ ضروری میان دو پدیده را تداعی می‌کند.
- چند نکته دربارهٔ هیوم و رابطهٔ علیّت
  - هیوم برای تبیین چرایی باور عموم مردم به علیّت تلاش می‌کند، اما برای تبیین وجود علیّت تلاش نمی‌کند.
  - به نظر او علیّت یک امر غیرتجربی، غیرواقعی و ذهنی است.
  - هیوم علیّت را به طور کلی انکار نمی‌کند، اما واقعی‌بودن علیّت را انکار می‌کند.

پاسخ خیلی تشریحی

تمام فلاسفه در تلاش برای تبیین منشأ درک علیّت یا همان چگونگی درک علیّت هستند، اما از آن‌جا که هیوم علیّت را امری واقعی نمی‌داند، پس به دنبال منشأ درک علیّت نیست؛ اما در تلاش است تا چرایی باور عموم مردم به علیّت را توضیح دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): اشتراک هیوم با دکارت و فلاسفهٔ مسلمان است.

گزینهٔ (۳): به نظر هیوم علیّت واقعیت ندارد؛ پس مشاهدهٔ تکرار و توالی موجب درک علیّت نمی‌شود، بلکه موجب ایجاد تداعی ذهنی یا همان حالت روانی در انسان می‌شود.

گزینهٔ (۴): این‌که مبنای شناخت و معرفت حس و تجربه باشد، اشتراک نظر همهٔ تجربه‌گرایان است و وجه تمایز هیوم محسوب نمی‌شود، ضمن این‌که هیوم به این نتیجه می‌رسد که درک علیّت هیچ راه تجربی ندارد.

۱۴۵ کدام گزینه به نحوی نشان‌دهندهٔ مفهوم محرّک و غیرمتحرک ارسطو، به شیوه‌ای بهتر است؟

۱) علّة‌العلل
۲) شریف‌ترین موجود
۳) واجب‌الوجود
۴) بَری از امکان فطری

زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۵ و ۶

درس Box

برهان حرکت

مقدمهٔ ۱: وجود هر حرکت در عالم، نیازمند محرّک است.

مقدمهٔ ۲: اگر محرّک خودش حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرّک دیگر است و آن محرّک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرّک دیگری است و سلسلهٔ محرّک‌ها تا بی‌نهایت می‌رود که عقلاً محال است.

نتیجهٔ (...): در عالم محرّکی وجود دارد که خودش حرکت ندارد و آن خداست.

↓

برهان مشهور ارسطو

پاسخ خیلی تشریحی

ارسطو می‌گوید هر حرکت یک محرّک می‌خواهد (به عبارتی هر معلولی یک علّت می‌خواهد)، حال اگر آن محرّک خودش هم حرکت داشته باشد، پس خودش هم نیازمند محرّک است (اگر آن علّت خودش معلول چیز دیگری باشد، خودش هم نیازمند علّت است) و محال است این سلسله تا بی‌نهایت ادامه یابد؛ پس جهان نیازمند یک محرّک غیرمتحرک (علّت نخستین یا همان علّة‌العلل) است.